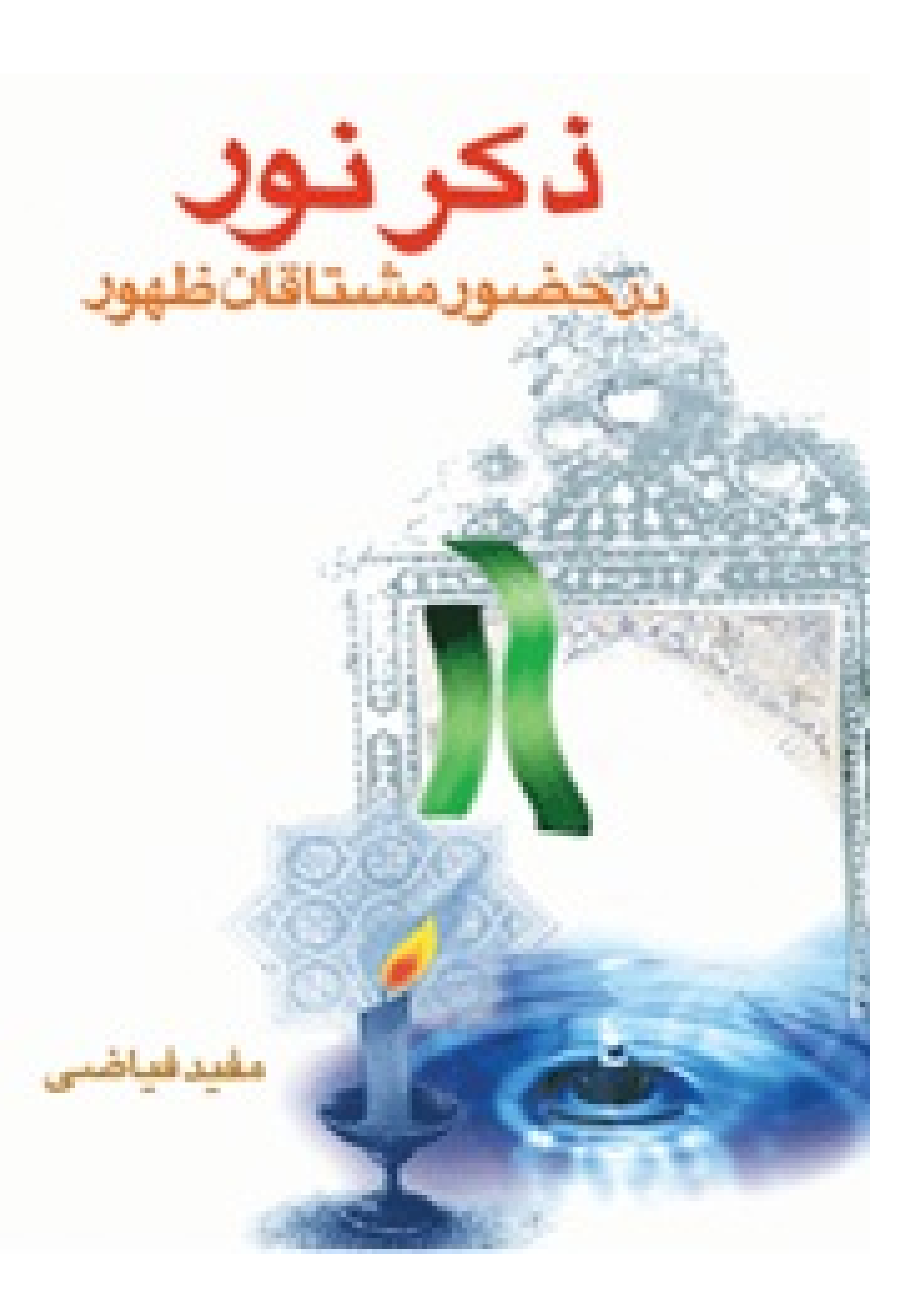

ذکر نور
در حضور مشتاقان ظهور
مجید عباسی


بسم الله الرحمن الرحيم

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

نویسنده:

مفید فیاضی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه : فیاضی، مفید عنوان و نام پدیدآور : ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور / مولف مفید فیاضی . مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷ . مشخصات ظاهری : ۲۷۵ ص. شابک : ۲۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۶۴-۶ : وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری یادداشت : چاپ دوم. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس . موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق - موضوع : مهدویت موضوع : مهدویت-- انتظار شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۲۲۴ /ف۹۴ذ۸ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۰۲۵۵۹

طلیعه

این هدیه بی مقدار را تقدیم می کنم به ارواح همه منتظرانی که در انتظار منتظر و فراق «حجّت ثانی عشر» سوختند و به آرزو نرسیده، سر به تیره تراب گذاشتند، خاصه بنیانگذار پرافتخار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی و شهدای گرانقدر؛ به ویژه شهید مرتضی محبّی، و شهید حجه الاسلام و المسلمین مهندس ابراهیم فیاضی.

بسم اللّه الرحمن الرحیم اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا، وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا أَنْ هَدانَا اللّهُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ، وَصَلِّ عَلی وَلِیِّ الْحَسَنِ وَوَصِیِّهِ وَوارِثِهِ، اَلْقآئِمِ بأَمْرِکَ وَالْغآئِبِ فِی خَلْقِکَ وَالْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِکَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاکْشِفْ عَنْ یَأْسِهِ حِجابَ الْغَیْبَهِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحآئِفَ الْمِحْنَهِ، وَقَدِّمْ أَمامَهُ الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَیِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلآئِکَهِ مُسَوِّمِینَ، وَسَلِّطْهُ عَلی أَعْدآءِ دِینِکَ أَجْمَعِینَ.

پیشگفتار

الحمد للّه الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا أن هدینا اللّه سپاس و شکر به درگاه ایزد منان که به ما عنایت فرمود و قلب ما را متوجه خود و اولیای کرام خویش نموده است و ما را در صلب اجداد و رحم جداتی قرار داد که از میان عقاید و آرا، عقیده حقه الهی و شریعت تامه محمّدی و ولایت کامله علوی را پذیرفتند و راه روشن هدایت را پیش روی ما باز نمودند؛ خدایشان رحمت کناد و در جوار پیامبر و آل مأوایشان دهاد!

چراغ هدایتی که خداوند به وسیله انبیاء، فرا راه بشر قرار داد، بعثت خاتم الانبیاء علیهم الصلوات والتحیات بود، خورشید تابناکی که کران تا کران جهان را نورانی ساخت، با امتثال فرمان «بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ مِنْ ربّکَ»(۱)، با نصب علی علیه السلام به

امامت امّت، استمرار این نعمت عظمی تحقق یافت و با خاتمیت وصایت مهدی امم تفسیر آیه کریمه نور «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ»(۲) ولایت الهی تمامت یافت. «الحمد للّه علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا».

تلاش دشمنان انوار الهی و هدایت بشری با شهادت امامان نور و رحمت، بشریت را از حضور در محضر امام حاضر محروم و چهره تابناک امام عصر را در پس پرده غیبت مستور ساخت. و پس از قطع رشته وحی با ارتحال رسول خاتم علیه افضل التحیه و الکرم، غیبت امام، بزرگ ترین حادثه غمبار بر بشریت است. «اللّهمّ إنّا نشکو إلیک فقد نبيّنا وغيبه ولينا وكثره عدونا وقله عددنا وشدده الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا».

در اوج حاکمیت ظلم و ستم و فرمانروایی قدرت های کفر و دنیا پرستی، بار دیگر به برکت قرآن، اسلام، ولایت و رهبری امام خمینی رحمه الله که منادی دین و شریعت بود، دنیا شاهد شکوفایی اسلام و حاکمیت حقّ شد. در این عصر مهم ترین وظیفه متدینین و صاحبان قلم و کرسی های خطابه، پرداختن به مسأله مهدویت و آشنا ساختن خود و جامعه نسبت به امام عصرعلیه السلام به عنوان بالاترین نیاز بشریت می باشد.

خداوند به حکمت بالغه و قدرت فائقه خود، احساس نیاز همه نیازمندان را اشباع و حاجت همه موجودات زنده را با چشمه های زلال و آب خوشگوار و خوراکی های رنگارنگ، پاسخ گفته است؛ نیازهای روحی و معنوی بشریت را به نیکوترین اسلوب، و عالی ترین روش تأمین نموده است؛ احساس نیاز به عدالت و امنیت در عرصه های مختلف زندگی جزو خصایص بشریت است که در طول تاریخ پرماجرای جوامع

بشـری، جریان های باطل مانع تحقق آن شدند و کام جان انسان ها را تشـنه نگاه داشـتند همچنان نیز موانع زیادی در راه تحقق عـدالت در عرصه هـای بین المللی وجود دارد؛ امنیت نیز دُرّ گران بهـایی است که در انحصـار قدرتمنـدان عالم است و با ابزار مدرن، جوامع بشری را در جنگ و خونریزی و غارت فرو برده اند.

تمام انسان ها، با هر نژاد و زبان و قبیله و رنگ، امیـدوار چشم به افق دوخته انـد و یکصـدا منادی عدالت و امنیت را زمزمه می کننـد. و هر یـک بر اسـاس تفکرات دینی و فرهنگی خود نـامی بر او نهـاده و در انتظـار او دلی پر از امیـد دارنـد. در میان همه عقایـد و آرای بشـری و مکاتب فکری و اخلاقی، اعتقاد به مهـدویت در آیین اسـلام، خاصه در اسـلام اهل بیت علیهم السـلام یعنی تشیّع، جایگـاه رفیع و بسـیار بـا ارزش و کارسـازی دارد که از جمیع جهـات به عنوان یـک انـدیشه مترقی، خردمنـدان و صـاحب نظران را متوجه خود کرده تـا در این راه بـا بنـان و بیـان به اظهـار نظر پرداخته و کارهای با ارزش فکری از خود بروز داده اند.

از این منظر که هر متاع با ارزش و مورد نیاز همگان، ممکن است مورد سوء اسـتفاده سودجویان و دنیاپرستان گردد و با عرضه جنس های بـدلی و متاع قلابی به منافع شـیطانی خود برسـند و از نیاز جـدی جامعه، در آن زمینه بهره فساد خویش ببرنـد، تنها چیزی که می توانـد خنثی کننـده اهـداف شوم آنـان گردد، آگـاهی و شـناخت جـامعه ای است که آن متـاع مورد نیـاز را می خواهد و انتخاب می کند. و به همین جهت در طول سالیان غیبت حضرت مهدی علیه السلام

که ظهور و حضورش از مهم ترین نیازهای بشریت بوده و هست، اربابان مطامع شیطانی و دلدادگان خواسته های حیوانی از این نیاز، زمینه ای برای تحقق خواسته های دنیوی خودشان بهره بردند و ادعای مهدویت کردند و نوعاً نیز با حمایت دستگاه های قدرتمند حاکم داخلی و جهانی پشتیبانی شدند، و موجب تشطط آرا و تفرق اعضای جامعه دینی گردیدند؛ در این عرصه نیز تنها عاملی که این توطئه را خنثی و توطئه گران را رسوا کرده و می کند، آگاهی و شناخت جامعه نسبت به حضرت مهدی علیه السلام و عقیده به مهدویت است.

از این رو از مهم ترین وظایف مؤمنین و متدینین، کسب آگاهی و معرفت، نسبت به معارف دینی و شناخت امام عصر علیه السلام است.

از آنجایی که به لطف خداوند و به برکت اسلام، قرآن و رهبری قائد عظیم الشأن، امام خمینی قدس سره و خون شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، سنّت با ارزش نبوی؛ نماز جمعه و سنگر مستحکم وحدت و حضور یکپارچه مؤمنین در سراسر کشور احیا گردید و در شهرستان نور هم از ابتدای سال های پیروزی انقلاب اسلامی این نعمت بزرگ نصیب مردم ما شد و حقیر سالیان سال مفتخر به امامت جمعه بودم، وظیفه خود دیدم درباره حضرت مهدی علیه السلام، در حدّ فرصت حاضران و توان خود، در خطبه های نماز جمعه، با تکیه بر آیات و روایات، مطالبی را تقدیم حضور مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام نمایم، در نتیجه طی چهل جمعه، خطبه های اول نماز جمعه را به این موضوع اختصاص دادم که اینک به صورت کتاب حاضر، چاپ و تحت عنوان «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» در اختیار مؤمنین قرار می گیرد.

مطمئن هستم در خور شأن مخاطبان و خوانندگان ارجمند صاحب نظر و شایسته جایگاه رفیع مهدویت نیست، فقط برای رفع نیاز خود و انجام وظیفه در این سنگر، مطالب عرضه گردید.

با اعتذار از صاحب نظران و خوانندگان و با امید پذیرش این اقدام بی مقدار از جانب عزیز فاطمه حضرت مهدی علیه السلام می گویم:«یا أَیُّها الْعَزِیزُ مَسَّنا وَأَهْلَنا الضُّرُّ وَجِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ فَأَوْفِ لَنا الْکَیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ».(۳)

در پایان از خدمات دوستان عزیز، اعضای محترم ستاد نماز جمعه شهرستان نور که در این راه همکاری خالصانه داشتند و از فرزندانم که در پیاده کردن نوار و تنظیم آن با علاقه به ساحت مقدّس امام عصر علیه السلام زحمت بی ریا کشیدند و از انتشارات مسجد مقدّس جمکران صمیمانه سپاسگزاری می نمایم و اجر آنان را از خداوند مسألت دارم.

والسلام علیکم و رحمه اللّه نور - مفید فیاضی تابستان ۱۳۸۵

دلایل لزوم شناخت امام«قدس سره»

مقدمه

الحمدللّه ربّ العالمین والصلاه والسلام علی سیّد الأنبیآء والمرسلین ولعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین تصمیم گرفتم تا به حول و قوّه الهی از این هفته در خطبه های اوّل نماز جمعه درباره وجود مقدّس امام زمان علیه السلام در حد وسع و توان خود، با فرصتی که در اختیار هست صحبت کنم.

از چند جهت احساس کردم که طرح این بحث (وجود مقدّس امام) امری ضروری است؛ از جمله این که روز جمعه، متعلق به وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است، چنان که در زیارت امام زمان علیه السلام که مخصوص روز جمعه است، این جمله آمده است: «هذا یَوْمُ الْجُمُعَهِ وَهُوَ یَوْمُکَ الْمُتَوَقَّعُ فِیهِ ظُهُورُکَ، وَالْفَرَجُ فِیهِ لِلْمُؤْمِنِینَ عَلی یَدَیْکَ؛یا امام زمان! امروز جمعه است و روز جمعه

متعلق به شـماست. روز جمعه، روزی است که انتظار می رود در چنین روزی ظهور کنی و خداوند متعال به دست شـما مؤمنان را نجات داده و گشایش و فرج برای آن ها ایجاد نماید و به دست و شمشیر شما، کافرین را نابود کند».

رابطه بین جمعه و امام زمان

رابطه بین جمعه و امام زمان علیه السلام قابل توجه است؛ ولادتش روز جمعه بود و اولین روز امامت او در روز جمعه آغاز شد و یکی از نام های ایشان جمعه است. بر حسب روایات؛ امام زمان علیه السـلام در روز جمعه ای ظهور خواهنـد کرد و بر همین اسـاس بـوده که شـیعیان از دیربـاز، حـتی در موقعیـتی که حکـومت در دست دشـمنان دین بـوده، در روز جمعه، خـود را برای پذیرش امام زمان علیه السـلام آماده می کردند که به صورت سنّت در آمد، و گاهی سوار بر اسب می شدند و مسلح به بیرون شهر می رفتند و معتقد بودند چون امام زمان علیه السـلام در روز جمعه ظهور می کند باید آماده باشیم. و همچنین امام جمعه، در روز جمعه که در جایگـاه خطابه قرار می گیرد، مسـتحب است که تکیه بر سـلاح نموده و رو به روی نمازگزاران بایسـتد و نمازگزاران هم در مقابل امام جمعه بنشینند و به سخنان وی در حالتی که تکیه بر سلاح کرده است گوش فرا دهند.

شایـد همه این ها بیانگر این پیام باشد که امام جمعه و مأمومین که در روز جمعه در محل نماز جمعه حضور پیدا می کنند، در حقیقت، به معنی اعلاـم آمـادگی برای حضـور در رکـاب امـام زمـان علیه السـلام باشـد و معنـای انتظـار فرج را بـا این حضور مسلحانه و آماده باش عمومی اعلام می کنند. بر همین اساس فکر کردم وظیفه ای

که داریم دربـاره این امر مهم؛ یعنی شـناخت امـام زمـان علیه السـلام در این جایگـاه مقـدّس نمـاز جمعه و در چنین روزی که متعلق به وجود عزیز امام زمان علیه السـلام است با شما که از بهترین مؤمنین هستید و هر هفته در مراسم نماز جمعه شرکت می کنیـد، بهترین و ضـروری ترین موضوع را مطرح کنم. باشـد که ان شـاء اللّه خداونـد مـا را جزء منتظران ظهور امـام زمـان علیه السلام قرار دهد.

ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام

نکته اولی که بایـد مطرح شود، درباره معرفت و شـناخت امام زمان علیه السـلام است که بر حسب دلایلی که ذکر خواهد شـد وظیفه داریم تا درباره ائمه علیهم السـلام عموماً و درباره امام زمان علیه السـلام خصوصاً اطلاعاتی داشـته باشـیم و با شناخت و فهم نسبت به این رکن رکین دین خودمان، آگاهی و اعتقاد همراه با بصیرت داشته باشیم.

امامت عامه و خاصه

در مبـاحث مربوط به امامت، آن را به دو بخش امامت عامّه و خاصّه تقسـیم کرده انـد که بحث پیرامون امام عصـرعلیه السـلام بخشـی از امامت خاصّه است که به نوبه خود آن را به دو دسـته تقسـیم می کنیم؛ یعنی زمانی که می خواهیم درباره امام زمان علیه السلام تحقیق کنیم و او را بشناسیم باید دو نوع شناخت نسبت به آن حضرت پیدا کنیم:

شناخت اوّل

اولین شـناخت، درباره ویژگی های شـخص امام است؛ یعنی او کیست؟ فرزنـد چه کسـی است؟ کی و کجا متولـد شده است؟ اخلاق فردی و اجتماعی اش چگونه بوده؟ رفتار عبادی اش به چه صورت است؟ و بالاخره با آنچه به زندگی شخصی او برمی گردد و به عنوان ویژگی فردی او به حساب می آید آشنا شویم.

اهمیّت این نوع شـناخت نسبت به شـناختی که بعـداً ذکر خواهـد شد کمتر است. در حقیقت این شـناخت، مقدمه و وسـیله ای است که ما را نسبت به صلاحیت و شایستگی امامت آن حضرت مطمئن تر می کند.

شناخت دوّم

دومّین شـناخت، به شـناخت شخصـیت امـام مربوط می شود و در آن به مقـام و جایگاه امام توجه می شود. در این باره دو نوع بحث می کنیم؛ یـک بحث در رابطه با امامت عامّه که شامل امامت به معنای عمومی می شود که گاهی شامل بعضـی از انبیای عظام الهی هم می شود و بحث دیگر درباره امامت خاصه است؛ یعنی درباره جانشـینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله که اول ایشـان امیرالمؤمنین علی بن ابی طـالب علیه السـلام و آخرشـان هم حضـرت مهـدی علیه السـلام است. و ما می خواهیم در این بخش که راجع به امـامت خـاصه است آن هم پیرامون آخرین وصـی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله و جایگاه و شخصـیت او بحث نماییم و معرفت درستی درباره امام عصـر خود یعنی امام دوازدهم حضـرت حجه بن الحسن العسـکری علیه السـلام پیـدا کنیم. امّا ابتدا دلایلی که می تواند به عنوان دلیل ضرورت شناخت امام به حساب آید را به اختصار مطرح می نماییم.

دلیل اوّل

تبعیّت از حق، یک اصل عقلی است؛ یعنی هر انسان عاقلی خود را موظف می داند که از حق تبعیّت کند و تبعیّت از حق نیز یک امر عقلی است و فرع بر شناخت حق است؛ یعنی اوّل باید حق را بشناسیم آن گاه از آن تبعیّت نماییم و تا حق را نشناسیم طبیعی است که نمی توانیم از آن تبعیّت کنیم.

قرآن کریم هم این اصل عقلی را این گونه بیان می فرماید: «أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّن لا يَهِدِّي إِلّا أَنْ يُهْدَى ؛ (۴) «آیا کسی که به حق هدایت شده است سزاوارتر است از این که مورد اطاعت قرار بگیرد یا آن کسی که هدایت نشده است. مگر این که او هدایت شود».

یعنی

اگر امر دایر باشد بر این که انسان باید از کسی تبعیّت بکند و دو مأخذ یا منبع وجود داشته باشد؛ یکی منبعی که به حق هدایت شده است و منبع دیگری که خودش به حق هدایت نشده است مگر این که مورد هدایت قرار بگیرد، حالا می بایست از کدام منبع اطاعت نماییم و شایستگی کدام بیشتر است؟ طبعاً حکم عقل این است که باید از آن کسی که حق است و به حق هدایت شده است تبعیّت بکنیم، نه از کسی که بر حق نیست و یا هدایت به حق نشده است. خداوند کسی را که بر خلاف شیوه عقل معتقد باشد مورد مؤاخذه قرار می دهد و انتقاد می کند و می فرماید: «فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛(۵) «شما را چه شده که این گونه حکم می کنید».

یعنی عقل می گوید که انسان باید از حق تبعیّت کند نه از غیر حق. حال بر اساس این آیه شریفه، طبعاً آن کسی که اصالتاً حق است باید مورد اطاعت قرار بگیرد. پس خداوند و نیز هر کسی که خداوند او را به حق هدایت نموده است و برای هدایت کردن دیگران مبعوث کرده و یا کسی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله او را برای هدایت منصوب کرده؛ همانند امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام شایستگی اطاعت و تبعیّت از آن ها برای مردم یک ضرورت عقلی است.

پس نتیجه می گیریم در آغاز باید امام عصری که از جانب خدا برای هدایت انسان ها تعیین شده است و باید مورد اطاعت قرار بگیرد را ابتدائاً بشناسیم و بدانیم که کیست، چه می گوید و از ما چه می خواهد تا بتوانیم از او اطاعت کنیم. این است که می گوییم

اطاعت، فرع بر معرفت است؛ یعنی اوّل باید معرفت و شناخت پیدا کنیم سپس از او تبعیّت نماییم.

ما اکنون باید تابع حق و مطیع امامت بر حق باشیم. امّا اوّلین سؤالی که مطرح است این است که امامت چیست؟ چه جایگاه و شأنی دارد؟

در همین مورد امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «علیکم بطاعه من لا تُعذرون بجهالته؛ وظیفه شماست که از کسی اطاعت کنید که نشناختنش برای شما عذری نیست؛ یعنی باید نسبت به او شناخت پیدا کنید»(۶) از این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام را در می یابیم و می فهمیم باید ابتدا از آن کسی که اطاعت می کنیم شناخت داشته باشیم سپس از او تبعیّت کنیم.

دلیل دوّم

ما معتقدیم که شناخت و بصیرت و کسب آگاهی در دین به عنوان یکی از ضروریات اعتقادی ماست؛ به خصوص درباره مسائل اصول دین. و اصولاً ـ اعتقاد ما شیعیان این است که چه اصول دین و چه فروع دین بدون شناخت و آگاهی اگر مورد تبعیت قرار بگیرد، بی ارزش است و عمل به اصول یا فروع دین باید همراه با بصیرت و آگاهی باشد.

اصول دین را حتماً باید هر کسی خودش اجتهاد کند و با دلایلی که در اختیار خودش قرار می دهد بفهمد. در فروع دین هم اگر خودش متخصص نشد و نتوانست اجتهاد بکند، باید از کسی که در زمینه فروع دین مجتهد و صاحب نظر شده تبعیت نماید. لذا ما در فروع دین معتقدیم که تقلید اعلم واجب است. پس شناخت دین یک امر ضروری است.

مهم ترین مبانی اعتقادی

امّا دین بر چه چیزهایی استوار است که باید آن ها را بشناسیم؟

امام باقرعلیه السلام می فرماید: «بُنی الإسلام علی خمس: علی الصلوه والزکوه والصوم والحج والولایه؛(۷) اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است؛ (به عبارت دیگر اساس اسلام پنج چیز است) نماز، زکات، روزه، حج و ولایت.» و بعد می فرماید: «ولم یناد بشیء مثل ما نودی بالولایه» در این پنج چیز تأکیدی که درباره ولایت شده است راجع به هیچکدام نشده؛ یعنی ولایت و امامت در دین از اهمیّت ویژه ای برخوردار است. نقش نماز برقراری ارتباط است بین انسان با خالقش. نماز بین بنده و خدا ارتباط و پیوند برقرار می کند. زکات وسیله پیوند اقتصادی بین طبقه محروم جامعه با طبقه متموّل است که بیش از نیاز خود توان اقتصادی دارند. روزه وسیله ای است که انسان با

رعـایت آداب روزه دارای، نفس امّـاره و خواهش های حیوانی خودش را کنترل و تعـدیل، و نفس سـر کش خود را تربیت می کنـد و آن را در کنـترل خودش می گیرد تـا او را منحرف نکنـد و برقراری ارتبـاط درست انسـان بـا شخصـیت اصـلی خودش هست. و حج نیز علاوه بر سیر الی اللّه و خود سازی، به معنای برقراری ارتباط بین انسان مسلمان با افراد دیگر و پیوند معنوی و الهی و سیاسـی جوامع اسـلامی سراسر عالم اسلام با همدیگر و آشنا شدن با فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم سایر بلاد اسلامی است، پس حـج کنگره بزرگ الهی است. امّـا ولا ـیت ارزش دهنـده همه آنچه را که پایه های دین قرار می گیرد و اصول دین است می باشـد و ارزش نمـاز، روزه، زکـات و حـج، همه به ولایت و امامت بسـتگی دارد، بلکه شـرط قبولی توحیـد از بهترین موضوعـات شـناخت در دین است پس ضـرورت دارد تـا امـام را بشناسـیم وگرنه گمراه می شـویم و بایـد به کمـک امـامت و ولایت، مفهوم اصلی نظری و عملی توحید، نماز، روزه و... را بفهمیم.

از طریق شـیعه و اهل سـنت نقل شده که امام صادق علیه السـلام فرموده است: یکی از مهم ترین وظایف شیعه آن است که در زمـان غیبت کبرای امـام زمان علیه السـلام بعـد از فریضه های خودش یا در حالت های دیگر این دعا را بخوانـد: «اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَـکَ، فَاِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّکَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ، فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ. اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ، فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَـلَلْتُ عَنْ دِینِی؛(۸) خدایا! خودت را به من بشـناسان که اگر تو را نشناسم نبیّ ات را نمی شناسم.

خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را نشناسم حجتت را نمی شناسم. خدایا! حجت و امامت را به من بشناسان که اگر امام را نشانسم در دینم گمراه می شوم».

پس شناختن حجت خدا و امام، یک امر ضروری است که اگر نشناسیم در دین گمراه می شویم،لذا هدایت و ضلالت به شناخت و عدم شناخت امام و امامت بستگی دارد که به عنوان دلیل می توانیم به آن تکیه کنیم.

دلیل سوم

ما معتقدیم یکی از راه های شناخت خداوند، شناخت امام است؛ یعنی اگر ما بخواهیم خدا را بشناسیم، زمینه سازی معرفت خدا، شناخت امام است. به جمله ای از امام سوم شیعیان حضرت سیدالشهداءعلیه السلام توجه فرمایید که مؤید همین نکته می باشد و به عنوان یک دلیل برای ضرورت معرفت امام محسوب می شود.

از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «فما معرفه اللّه؟؛ شناخت خدا چیست؟»

امام حسین علیه السلام فرمود: «معرفه اهل کل زمانٍ، امامهم الّذی یجب علیهم طاعته؛(۹) معرفت خدا عبارت است از این که، مردم هر زمانه امامی را که باید از او اطاعت کنند بشناسند».

منظور، بیان این نکته است که امام حسین علیه السلام جواب فرموده که معرفت خداوند به وسیله شناخت مردم هر زمانه از امامی که بر آن ها اطاعتش واجب است امکان پذیر است.

اکنون در عصر غیبت کبرای امام زمان علیه السلام زندگی می کنیم، امامی که ولی عصر ما و حجت برحق خدا و بقیهاللّه است. تفاوتی که بین او و دیگر ائمه علیهم السلام است این است که ائمه دیگر در عصر امامت خودشان ظاهر بودند و قابل رؤیت و دسترسی برای عموم بودند، امّا امام زمان علیه السلام طبق مصالحی که وجود دارد (و طبعاً در بحث های آینده به آن خواهیم

پرداخت) در معرض دید عموم پیروان و شیعیان خودش نیست.

پس امامی که اطاعت او بر همه واجب است، امام زمان علیه السلام حضرت حجّه بن الحسن العسکری علیه السلام است.

امام حسین علیه السلام می فرماید: معرفت خدا به این است که هر کسی در هر زمانی که زندگی می کند، لازم است امامی که اطاعتش بر او واجب است را بشناسد. در حقیقت امام حسین علیه السلام به مردم عصر ما می گوید: شمایی که در عصر غیبت زندگی می کنید و اطاعت شما از امام دوازدهم واجب است باید تلاش کنید تا امام زمان علیه السلام خودتان را بشناسید.

اینک به عنوان حسن ختام در باب ضرورت شناخت امام، حدیثی از رسول خداصلی الله علیه وآله تقدیم حضور شما می نمایم؛ به امید آن که خداوند کمک فرماید تا پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را آن گونه که هستند در حد توان و قدرت و نیاز خود بشناسیم. این حدیث هم در مأخذ اهل سنت و هم در مأخذ تشیّع با مختصر تفاوتی آمده است: «مَنْ ماتَ وَلَمْ یَعرِفْ إِمامَ زَمانِهِ ماتَ مِیتَةً جاهِلِیَّه؛(۱۰) هرکسی بمیرد در حالی که امام دوران خودش را نشناسد به مردن جاهلیت از دنیا رفته است».یعنی مؤمن از دنیا نرفته است. پس ما باید قبل از آن که از دنیا برویم در این دنیایی که زندگی می کنیم امام زمان علیه السلام خودمان را بشناسیم تا بتوانیم از او به عنوان امام بر حقّ؛ به عنوان مظهر هدایت و وسیله هدایت الهی که خداوند در اختیار ما قرار داده تبعیت کنیم. امیدواریم که خدا ما را در این امر مهم «معرفت حجت و شناخت امام» مساعدت و کمک فرماید و درهای

معرفت خود و حجت خود را به سوی ما بگشاید. ان شاء اللَّه.

ادامه دلایل لزوم معرفت امام زمان علیه السلام

توضیح

(۲) درباره شخصیت امام زمان علیه السلام نکاتی را مطرح می کنیم:

واسطه فیض

۱) ما معتقدیم فیض الهی، بدون واسطه برای بشر قابل دریافت نیست و حتماً باید بین خدا و بشر، شخصیت هایی وجود داشته باشد که از نظر لیاقت و شایستگی، توان درک فیض الهی را داشته باشند چرا که انسان ها با توجه به آن که موجود مادی و خاکی و دارای غرایز و احساسات حیوانی هستند، قادر به درک فیض الهی بدون واسطه نیستند مگر آن که همین انسان خاکی دارای یک سلسه شایستگی های الهی باشد تا بتواند از آن دریچه، عنایت های خاص الهی و صلاحیت های شخصی خودش را از منبع فیض «ذات اقدس الهی» دریافت و به بشریت منتقل کند و واسطه بین خدا و خلق در درک فیوضات الهی باشد.

طرفداران مکاتب الهی هر کدام در یک مقطع زمانی، فیض الهی را توسط انبیا و اولیا برای بشر قابل دریافت می دانستند و پس از آن قائل به این معنی نیستند. از جمله کلیمیان بعد از وجود مقدّس حضرت موسی علیه السلام دیگر قائل نیستند که انسان زنده ای واسطه فیض باشد و مسیحیان هم بعد از حضرت عیسی مسیح علیه السلام این نظر را دارند البته آن ها قائل به کشته شدن حضرت عیسی علیه السلام هستند، امّا ما بر اساس نصّ صریح قرآن کریم قائلیم که عیسی علیه السلام زنده است و جزو کسانی خواهد بود که به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام حاضر خواهد شد، امّا بر اساس عقیده مسیحیان بعد از کشته شدن حضرت مسیح علیه السلام کسی واسطه فیض بین خدا و خلق نیست.

اهل سنت هم معتقدند که بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه وآله بین خدا و

خلق واسطه زنده ای وجود ندارد.

در این میان ما شیعیان معتقد هستیم که این واسطه فیض بین خدا و خلق استمرار داشته و آن واسطه انسانی زنده است که امامت انسان ها از جانب خدا به او واگذار شده است و او منصوب از جانب خداوند برای رهبری و هدایت جامعه است و واسطه فیض، بین خدا و خلق است و فیض خدا را به جامعه منتقل می کند. هر عصری باید دارای امام حی و زنده ای باشد که معصوم نیز بوده و دارای لیاقت الهی باشد و از جانب خدا برای واسطه بودن نصب شده باشد. در تفسیر آیه شریفه: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ»(۱۱)؛ «روز قیامت هر انسانی را با امامش فرا خواهیم خواند». یعنی هر کسی در کنار امامش حضور پیدا خواهد کرد. در دنبال این آیه شریفه، مفسرین ما با استفاده از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام اظهار می فرمایند که منظور این است که در روز قیامت هر کسی با امامی که در زمان او زنده بوده است حاضر خواهند شد. در ذیل همین آیه در تفسیر البیان از قول حضرت امام رضاعلیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «یدعی کلّ اناس بإمام زمانهم وکتاب ربهم و سنه نبیهم».(۱۲)

یعنی انسان در روز قیامت با سه چیز در آنجا فرا خوانده می شود:

اوّل: امامی که در زمان او زنده بود، دوّم: کتاب خدایی که او تابع آن بود، سوم سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله.

شیعیان با این سه چیز؛ یعنی با امام دوران و زمانی که زندگی می کردند و کتاب خدا؛ یعنی قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز قیامت حاضر خواهند

شـد. مقصود این است که هر انسـانی موظف است تابع این سه منبع باشـد: ۱- کتاب خدا ۲- سـنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ۳- امامت و رهبری های امام معصوم.

با توجه به این حدیث نتیجه می گیریم که باید در هر عصری امام زنده ای باشد تا واسطه بین خدا و خلق باشد و بعد از رحلت رسول اکرم صـلی الله علیه وآله بشر به وسیله او فیض خدا را دریافت کند. پس ضرورت دارد که ما امام زنده را که فیض الهی توسط او به مـا منتقل می شود بشناسـیم و این نکته بسـیار مهمی است که توجه به آن امر ضـروری است، در آیه شـریفه دیگر قرآن کریم می فرماید: «یاأَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ».(۱۳)

شما برای آن که به سوی خـدا سـیر داشـته و معرفت به خـدا پیدا کنید و تابع دسـتورات خدا باشـید، باید با تمسک و توسل به وسـیله ای که خـدا برای شـما معین کرده است این سـیر را ادامه دهیـد. مفسـران می گویند: منظور از وسـیله «امام» است؛ یعنی انسان بایـد به وسـیله امامی که واسـطه فیض میان او و خـداست، خـدا را بشـناسد و راه خـدا را طی کند و در سبیل اللَّه حرکت کند.

شناخت جایگاه امام

نکته دیگری که بـاز به عنوان دلیل ضـرورت شـناخت امام هست این است که بایـد جایگاه امام را در عالم بشناسـیم که امام از چه جایگـاه مهمی برخوردار است و چه تـأثیری بر موجودات عـالم دارد. ما معتقـدیم که این عالم به عنوان مظهر حکمت الهی است؛ اوّلاً خلقت عالم و ثانیاً دوام و استمرار وجود عالم، از قدرت و حکمت خداوند است و این عالم برای این

آفریـده شـده که بیان کننـده حکمت کمال مطلق پروردگار باشـد. در صورتی این هـدف تحقق پیدا خواهد کرد که در عالم، موجود کاملی وجود داشـته باشـد و این موجود کامل یا انسان کامل، همان کسـی است که ما به عنوان واسـطه بین خدا و خلق آن را معرفی می کنیم؛ یعنی وجود پیامبران و رسول گرامی اسـلام و ائمه معصومین علیهم السـلام واسـطه فیض خدا هستند هم در ایجـاد خلقت و هم وسـیله فیض اسـتمرار وجود عـالم و آدم هسـتند. یعنی اگر پیـامبر و اهـل بیت نبودنـد، خـدا عالم را نمی آفرید. حدیث شریف قدسی همین است: «لولاک لما خلقت الافلاک؛(۱۴) اگر به خاطر تو نمی بود افلاک را نمی آفریدم». و نیز اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و آلش علیهم السلام نبودند عالم وسیله قرار و دوام خود را از دست می داد.

در حدیث شـریفی از امیرالمؤمنین علیه السـلام نقل است که رسول خداصـلی الله علیه وآله به او فرموده است «یا علی لولا نحن لما خلق اللّه آدم و حوآء ولا الجنه ولا النار ولا السـماء ولا الأرض؛(۱۵) ای علی! اگر ما اهل بیت نبودیم خداونـد آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را نمی آفرید».

خداونـد این هـا را به طفیـل وجود پیغمبر و آلش علیهم السـلام آفریـده است. مفهوم حـدیث شـریف کسـاء را هم اگر مراجعه بفرماییـد تصـریح به همین معنا دارد که در این حـدیث شـریف اصل خلقت عالم را به خاطر پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله و اهل بیت او می داند. دوام و اسـتمرار وجود این عالم هم به وجود پیغمبر اکرم و آل اوعلیهم السـلام بستگی دارد. یعنی باید در این عالم خلقت، کسی از

خاندان پیغمبرصلی الله علیه وآله به عنوان حجت خداوند در زمین باشد تا آسمان و زمین برقرار باشد. و در آن حدیث شریف است: «لوخلت الارض ساعه واحده من حجه للّه لساخت باهلها؛(۱۶) اگر زمین ساعتی از حجّت خدا خالی باشد زمین اهلش را فرو می برد».

به برکت وجود امام زمان علیه السلام است که همه هستی روزی می برند و به برکت وجود امام زمان علیه السلام است که آسمان و زمین در مدار خودشان به طور منظم در گردشند و نظم هستی برقرار است.

پس در حقیقت تعبیری که در روایات می شود، امام را به عنوان قطب عالم امکان تلقی می کنند. یعنی همان طوری که در بدن انسان، قلب سکّان دار اصلی حیات بشر است و اگر قلب وضعش مختل شود، انسان حیاتش در مخاطره جدّی قرار می گیرد، در این عالم هستی هم امام زمان علیه السلام قلب عالم است.(۱۷) پس ما باید نسبت به چنین شخصیتی که همه وجود و هستی ما و عالمی که در آن زندگی می کنیم به وجود او بستگی دارد، معرفت و شناخت درستی داشته باشیم.

شناخت شخص امام زمان علیه السلام

آخرین حجّت بر حق خدا و خاتم اوصیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله امام زمان علیه السلام است که خلاصه ای از زندگی وجود مقدّس ایشان تقدیم حضور شما می گردد.

امام زمان علیه السلام این آخرین امام برای بشریت در سال ۲۵۵ هجری قمری در لحظات طلوع فجر روز جمعه در شهر سامرا یا «سرّ من رأی» چشم به جهان گشود. از نظر پدری متصل به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است. پدر آن حضرت امام یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. مادر آن حضرت جناب نرجس خاتون(ملیکه) از نوادگان

یکی از حواریّون حضرت عیسی و نوه پادشاه روم است(درباره شخصیت آن بانوی با فضیلت مفصل توضیح خواهیم داد).

ما معتقد هستیم که امام زمان علیه السـلام، امام موعود از نسل پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است. موعود یعنی کسی که باید آخرالزمـان بیایـد و دنیـا را از عـدل و داد پر کنـد و تقریبـاً همه اقوام و ملل متفق القول هسـتند که پایان کار جهان به حاکمیت عدالت منتهی خواهد شد؛ امّا در این مورد اختلاف نظر هم وجود دارد. گروه های مختلف اسلامی اصولاً متفقند که پایان کار عالم و حاکمیت حق مؤمنین به رهبری شخصـی است به نام مهدی علیه السـلام که میان اهل سـنت و شیعیان وحدت نظر وجود دارد که حضـرت مهدی علیه السـلام از نسل رسول خداصلی الله علیه وآله و از فرزندان حضرت فاطمه زهراعلیها السلام است. چیزی که هست اهل سـنت عقیـده دارنـد که این فرد هنوز متولـد نشـده و می گوینـد در آینده در آخرالزمان از نسل حضـرت زهراعلیها السـلام فردی متولـد خواهـد شـد و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد، امّا ما به همان دلایلی که قبلًا مطرح کردیم، معتقـدیم که این امام، الآن حضور دارد و زنده است. دلایل زیادی هم داریم که امام زمان علیه السـلام اکنون در حال حیات و زندگی هستند. و باعث زندگی همه موجودات و استمرار حیات است.

در روایـات اسـلامی و اسـناد فریقین درباره شخصـیت امام زمان علیه السـلام از این که از نسل پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله است احادیث، و اخبار فراوانی وجود دارد که به چنـد نمونه از آن احادیث در باب وجود مقـدّس امام زمان علیه السـلام اشاره می کنم.

رسول خداصلی الله

علیه وآله فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی وکنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً وخلقاً تکون له غیبه وحیره تضلّ فیه الأمم ثمّ یقبل کالشهاب الثاقب ویملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً؛(۱۸) مهدی از فرزندان من و هم نام من است، کنیه اش کنیه من و شبیه ترین انسان ها به من از نظر شکل و قیافه و از نظر اخلاق و رفتار است. برای این فرزند من غیبتی است طولانی که باعث نگرانی می شود».

چون غیبت طولانی شود بعضی از انسان ها و امّت ها گمراه می شوند. (حالا چرا گمراه می شوند در طول بحث مطرح خواهم کرد.) خلاصه این حدیث که امام زمان علیه السلام مانند خورشید فروزنده طلوع می کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد همچنان که پر از ظلم شده باشد. در این حدیث می بینیم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله با صراحت می فرماید که مهدی علیه السلام فرزند من است و غیبت او هم طولانی است. در نتیجه این طور نیست که در همان عصری که بخواهد ظهور کند متولّد شود.

ام سلمه از قول رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که مهدی از فرزندان حضرت زهراعلیها السلام است و حدیثی جالب تر که حذیفه از قول رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند: «خطبنا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: فذکر لنا ما هو کآئن ثمّ قال: لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطوّل اللَّه عزّوجلّ ذلک الیوم حتّی یبعث رجلًا من ولدی إسمه إسمی. و قال سلمان: یا رسول اللَّه! من انّی ولد هو؟ قال: من ولدی هذا وضرب بیده علی الحسین علیه السلام».(۱۹)

روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله برای ما درباره چیزهایی که درآینده باید

اتفاق بیفتد صحبت می کرد یعنی از آینده خبر می داد، سپس فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا این یک روز را آن چنان طولانی می کند تا این که فرزندی از فرزندان مرا مبعوث کند که نامش نام من است. در این حال سلمان فارسی به پاخاست و از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسید: یا رسول اللّه! این کسی که شما می گویید و فرزند شماست کیست و از کدامیک از فرزندان شما باید به وجود بیاید؟ پیامبر دست روی امام حسین علیه السلام گذاشت و فرمود: از این فرزند من هست؛ یعنی امام زمان علیه السلام از نسل ابا عبداللّه الحسین علیه السلام پا به عرصه وجود خواهد گذاشت و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. درباره شخصیت ظاهری و از نظر خلقت و شکل و شمایل، همان طوری که در این احادیث آمد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله کراراً نقل شده که حضرت او را به خودش تشبیه فرمود.

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «المهدی رجل منی وجهه ککوکب دری؛(۲۰) مهدی از مردان من است، چهره او مثل ستاره درخشان است».

درباره زیبایی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به ملاحت، روایات زیادی وارد شده است. چهره امام زمان علیه السلام و چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شبیه به هم است.

در کتاب بحارالانوار جلد ۵۱ حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که حضرت در حال سخنرانی برای مردم بود که فرمودند: از فرزندان من شخصی خروج می کند و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، چهره او سفید مایل به سرخی است (چهره گلگون دارد) و

شکل و قیافه و ویژگی های انسانی که از نظر جسمی بسیار توانمند است و فرمود: ران های او محکم، استوار و ستبر و شکم او پهن است(۲۱) و در غالب احادیث چهره و پیشانی او را کشیده ذکر کردند. به گونه ای که پیشانی او به سمت فرق سر از دو طرف پیشروی می کند، قامت رشیدی دارد و بین دندان های او هم فاصله است؛ یعنی دندان های به هم پیوسته ای ندارد، بین دندان های ثنایای او فاصله و فرجه و روزنه است (به هم چسبیده نیست). ویژگی های دیگری که برای امام زمان علیه السلام ذکر می کنند مربوط به ویژگی های مربوط به ویژگی های جسمی است که در کتب معتبره، احادیث زیادی در این باره نقل شده است که اگر در این احادیث دقت شود متوجه می شویم که غالب این احادیث قبل از ولادت امام زمان علیه السلام و از زبان رسول خداصلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است. در هر مقطعی که لازم می دیدند درباره این امر مهم؛ یعنی امامت حجت برحق خدا صحبت می کردند و می خواستند اعتقاد به امام غایب را در میان پیروان خودشان به عنوان یک مسأله قطعی و یک امر حقیقی و جدّی تثبیت کنند. ونیز در حدیثی می خوانیم وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله از آینده خبر می دهد یکی از اتفاق های مهم را ظهور امام زمان علیه السلام نقل می کند.

نکته دیگر، درباره رشد جسمی امام زمان علیه السلام است، از قول جناب حکیمه خاتون خواهر امام هادی و عمّه امام عسکری علیه السلام که در تاریخ امام زمان علیه السلام حضور این بانو بسیار فعال بوده و یکی از شخصیت هایی است که

بسیاری از اطلاعات از جانب او به جامعه دینی منتقل می شده، نقل می کند که من چهل روز پس از ولادت امام زمان علیه السلام به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم و دیدم که امام کودکی را به من نشان می دهد که به قد و قواره بچه دو ساله است. من تعجب کردم و گفتم که این آقازاده کیست؟ فرمود: این فرزند نرجس است.(۲۲)

درباره انبیای عظام الهی و سفرای الهی و اوصیای آن ها که خداوند آن ها را برای اطاعت بندگانش مبعوث کرده است، استثنائاتی وجود دارد که خلقت آن ها یکی از آن استثنائات است و فرزندانی که در آینده به عنوان رهبران الهی منصوب می شوند، رشد یک ماهه آن ها به اندازه یک سال رشد کودک معمولی است. ویژگی های دیگری هم در این حدیث و احادیث دیگر برای آن حضرت ذکر شده که برای کسب اطلاعات افزون تر به کتب معتبر مراجعه شود.

شخصیت مادر امام زمان«ع»

اشاره

در این قسمت درباره مادر امام زمان علیه السلام به اختصار مطالبی تقدیم حضور می نمایم.

در تاریخ برای مادر امام زمان علیه السلام، چند اسم ذکر شده است: ملیکه یا ملیکا، نرجس خاتون، ریحانه، سوسن و صیقل که از همه معروف تر همان نرگس خاتون یا نرجس خاتون است. هر چند ممکن است علت تکثر نام حضرت به صورت مستعار برای مصالح امنیتی بوده باشد.

این بانوی مکرّم اصالتاً اروپایی و دختر یشوعاست. یشوعا فرزند پادشاه روم شرقی است و از طرف مادر به شمعون که از جمله حواریّون و یاران نزدیک حضرت عیسی علیه السلام است منتهی می شود. از نظر شخصیت، به عنوان یکی از پاک ترین، باشخصیت ترین و عفیف ترین بانوان تاریخ اسلام است که از جایگاه ویژه ای برخوردار است. با آن که

از نظر پدر و مادر در میان مسلمانان زندگی نکرد امّا در تاریخ داریم که حضرت حکیمه خاتون که دختر امام جواد و خواهر امام هادی و عمّه امام عسکری علیهم السلام و از جهات مختلف متصل به معصوم است، وقتی که نرجس خاتون، ایشان را با عنوان «یا سیدتی» صدا زد، حکیمه خاتون فرمود: نه، تو سیده و خانم من هستی؛ یعنی برای او شخصیتی برجسته تر از شخصیت خودش قائل شده است.

در تاریخ است که نرجس خاتون در محیط خانوادگی از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. جدّ او یعنی قیصر روم توجه خاصی به او داشت و شدیداً به او علاقه مند بود و او را به عنوان یک دختر استثنایی در محیط خانوادگی خودش تلقی می کرد، به همین خاطر خانمی را که به چند زبان مسلّط بود به عنوان مربی او گماشت و او از آن خانم، زبان عربی را به خوبی یاد گرفت.

داستان سعادت با فرجام

درباره شخصیت این خانم سرگذشتی است که معمولاً علمای بزرگ شیعه این سرگذشت را در کتاب های خودشان مفصل ذکر کرده اند؛ از جمله در کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی، در «کمال الدین» شیخ صدوق در «بحارالانوار» مرحوم مجلسی و نیز در کتاب «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری و کتب معتبره دیگر داستان این بانو به طور تفصیل نوشته شده که گوشه ای از این داستان را به صورت خلاصه خدمتتان بیان می کنیم. امیداواریم که ما بتوانیم با کسب معرفت صحیح از این شخصیت های الهی، بخشی از رسالتی که راجع به شناخت مفاخر اسلام و دودمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به عهده داریم انجام بدهیم، ان شاء اللّٰه.

روایت این است: فردی به نام بُشربن

سلیمان که از شخصیت های بسیار مورد اعتماد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است و از نوادگان ابوایّوب انصاری است(۲۳) و در شهر سامرا و در همسایگی امام هادی علیه السلام زندگی می کرد می گوید: روزی یکی از خدمتگزاران امام هادی علیه السلام به نام «کافور» به دنبال من آمد که امام تو را احضار کرده است. من به خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و امام هادی علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ای بُشر بن سلیمان! تو و خانواده ات به عنوان انصار پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و محبّان اهل بیت علیهم السلام محسوب می شوید و این افتخار محبّت خاندان ما در خانواده شما ریشه دار است، می خواهم به تو رازی را بگویم و کاری را به تو بسپارم که به عنوان یکی از افتخارات در زندگی شما ثبت شود. پذیرفتم، آن گاه ایشان نامه ای را به زبان و خط رومی نوشت و به همراه یک کیسه زرد رنگی که در آن دویست و بیست دینار اشرفی بود به من داد و فرمود: این نامه و این پول را بردار و به بغداد برو و در کنار پل بغداد منتظر باش. وقتی برده فروشان آمدند، در میان آنان شخصی به نام عمربن زید هست، در میان کنیزان و برده هایی که در معرض فروش قرار داده می شوند خانمی هست با این خصوصیات و با این ویژگی ها که در پوششی، خود را مخفی کرده است و با عفاف و عفت و حجاب بسیار خوب، سعی می کند تا خود را از معرض دید افراد مخفی نگه دارد و گاهی هم به دلیل این حالتی که برای او پیش آمده با زبان

رومی یـا عربی از این وضـع خودش شـکایت می کنـد و نـاراحت است که چطور در این وضـعیت قرار گرفته است و زودتر به وضعش پایان داده نمی شود؟ و چرا در معرض دید دیگران است؟

در این حـال شخصـی می آیـد که وقتی نگـاهش به چهره این خانم می افتـد، حاضـر می شود به دلیل حجب و بزرگواری این خانم او را به سـیصد درهم از عمربن زیـد برده فروش بخرد، امّا این بانو به زبان عربی به او می گویـد: پولت را برای خرید من سرمایه گـذاری نکن؛ زیرا من به هیـچ وجه به تو رغبتی ندارم و در اختیار تو قرار نخواهم گرفت. برده فروش می گوید: به هر حال من باید تو را به فروش برسانم. او در جواب می گوید: «عجله نکن، آن کسـی که مشتری من است و من به او رغبت دارم ان شاء اللّٰه خواهـد آمـد و تو هم به پولت خواهی رسـید.» بعد شـما جلو رفته و نامه را به آن برده فروش بده و برای خرید وارد معـامله شـو. این نـامه را وقـتی به برده فروش دادی، بـا این پولی که به تو داده ام راضـی خواهـد شـد و معـامله صورت خواهد گرفت.

من نـامه و پول را از امـام هـادی علیه السـلام تحویل گرفتم و به سـمت بغـداد حرکت کردم. خودم را به بغـداد رسانـدم و طبق دسـتور، به پـل بغـداد، در کنار رود دجله رفتم. برده فروش آمـد، مشتری های برده با همان ویژگی هایی که امام فرموده بودند حاضـر شدند. در میان بردگان، همان شخصـیتی که امام هادی علیه السـلام نشانه اش را داده بود مشاهده کردم و دیدم دختری است در نهایت عفاف، حجاب و متانت و وقار.

آن گاه شخصی که امام هادی علیه السلام نشانه اش را گفته بودند جلو آمد و در ازای خرید این بانو حاضر به پرداخت سیصد دینار شد، امّا این خانم از پذیرش معامله و تسلیم کردن خود به این خریدار ابا کرد و از فروشنده درخواست کرد که مهلت بدهد و عجله و شتاب نکند. در این حال من جلو رفتم و نامه را به دست برده فروش دادم. وقتی که او این نامه را نگاه کرد. گفتم این نامه به زبان رومی و توسط یکی از شخصیت های شریف و برجسته نوشته شده که برای خرید یکی از بردگان که همین خانم است نوشته شده، من مأموریت پیدا کردم که به نیابت او را خریداری نمایم.

او نامه را گرفت و به دست آن خانم داد. خانم نامه را خواند و به چشم خودش مالید و احترام زیادی برای آن نامه قائل شد و به برده فروش اصرار کرد که مرا به نماینده نویسنده این نامه بفروش. وارد قیمتش شدیم و به هر حال برده فروش با همان دویست و بیست دینار که امام داده بود حاضر به فروش شد. من او را خریداری کردم و به اتفاق به شهر بغداد آمدیم و در مسافرخانه ای، جایی را اجاره کردیم تا قدری بیاساییم و سپس به سمت سامرا حرکت کنیم.

من در اینجا از او پرسیدم که شما چگونه به این نامه که نویسنده اش را نمی شناختی آنقدر اظهار علاقه می کنی، به چشم می مالی، از شوقش گریه می کنی؟ او گفت: من او را می شناسم امّا تو او را نمی شناسی. او جمله ای گفت که عین جمله در تاریخ ضبط شد: «أيّها العاجز الضعيف

المعرفه بالمحل اولاد الأنبیآء أعرنی سمعک وفرغ لی قلبک أنا ملیکه بنت یشوعا ابن القیصر؛(۲۴) ای ناتوان که معرفتت نسبت به جایگاه اولاد پیامبران ضعیف است، به من گوش فرا ده و قلبت را از همه چیز فارغ کن (کاملاً متوجه سخن من باش) من ملیکه دختر یشوعا فرزند پادشاه روم هستم».

از من می پرسی چگونه با این که نویسنده نامه را ندیده ام به او علاقمند شدم؟ تو مثل این که توانایی لازم را نسبت به معرفت و شناخت فرزندان پیغمبر نداری؟

گفتم: پس تو دختر یشوعا، نوه پادشاه روم در میان بردگان چه می کنی؟

او سرگذشتش را برای من تعریف کرد، گفت: من از کودکی شدیداً مورد توجه و عنایت جدّم بودم، او علاقمند بود که مرا به عقد برادر زاده خودش دربیاورد، در حالی که من هیچ علاقه ای به آن شخص نداشتم. امّا جدّم درحالی که من ۱۳ ساله بودم، تصمیم ازدواج من با برادر زاده خودش را گرفت و برای این منظور دستور داد تختی را مرصع از جواهرات که بر چهل پایه بود استوار کردند، علامت های صلیب را بر روی آن نصب نمودند. سپس انجیل های مختلف را باز کرده و سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری در جلسه حضور پیدا کردند و بیش از چهار هزار نفر از شخصیت های کشوری و لشگری در این جلسه حاضر شدند تا مرا به عقد برادرزاده جدّم دربیاورند. ولی در این حال که آن جوان را در بالای آن تخت نشاندند و اسقف ها و کشیش ها آماده بودند که مراسم عقد را اجرا کنند، ناگهان تخت در هم شکست، صلیب ها فرو ریخت و آن جوان روی زمین به حالت بیهوش

افتاد. رهبانان از این ماجرا برداشت بدی کردند و آن را به فال بد گرفتند و بزرگ اسقف ها به جدّم گفت این ازدواج مبارک و میمون نیست، حاضر به انجام آن مباش که این نشانه زوال دین حضرت مسیح علیه السلام و پادشاهی توست. امّا جدّم شدیداً علاقمند بود که این کار صورت بگیرد لذا، در عین نگرانی و اوج ناراحتی مجدداً دستور برپایی تخت و صلیب و صحنه سازی را داد که باز همان حالت تکرار شد و تخت شکست و صلیب ها فرو ریخت و جوان از بالای تخت بر زمین افتاد و غش کرد و جدّم که شدیداً سرخورده و ناراحت و غمگین شده بود به خانه برگشت.

من نیز به خانه برگشتم امّا از این که این مجلس عقد پا نگرفت، خوشحال بودم. آن شب در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح علیه السلام و یشوعا و شمعون و گروهی از حواریّون وارد کاخ جدّم شدند و در گوشه کاخ و در جای تخت و مکان سبزی که نور از آن می درخشید قرار گرفته و منتظر مانده اند، ناگاه دیدم که چهره نورانی شخصی ظاهر شد که بعد فهمیدم او محمدبن عبداللّٰه صلی الله علیه وآله است که در کنارش، وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام است. آن گاه حضرت رسول صلی الله علیه وآله رو کرد به حضرت مسیح علیه السلام و فرمود: یا روح اللّٰه! من آمدم دختر حواری تو را برای فرزندم خواستگاری کنم. آن گاه نگاهی به حسن بن هادی علیهما السلام کرد. حضرت عیسی علیه السلام رو کرد به شمعون و یشوعا و فرمود: لطف الهی شامل حال شما شده است و عنایت و برکات پروردگار به شما رو

آورده است. آن ها نیز موافقت کردند و در نتیجه مرا به عقد فرزند پیغمبر در آوردند.

از خواب بیدار شدم. بسیار خوشحال شدم و از طرفی شگفت زده بودم. مدّتی گذشت و از بیم جان، خواب را به احدی نگفتم. قلبم مملو از محبّت و علاقه نسبت به امام حسن علیه السلام شده بود. از خوردن و آشامیدن بازماندم و لاغر و رنجور شدم و جدم بعد از مداوای فراوان از بهبودی ام ناامید شد، از من خواست که هر خواسته ای دارم بگویم. گفتم اگر اسیران مسلمین را آزاد کنی شاید عیسی مسیح علیه السلام و مادرش مرا شفا دهند. جدّم تقاضای مرا پذیرفت و من مقداری احساس رضایت کردم و غذا خوردم.

بعد از چهارده روز حضرت مریم عذراعلیها السلام به خواب من آمد که دیدم در کنار او بانوی مجلّله ای قرار گرفته است که فهمیدم حضرت زهراعلیها السلام است. حضرت مریم علیها السلام رو به من کرد و فرمود: این بانوی جهان و مادر شوهر توست. من دامن حضرت زهراعلیها السلام را چسبیدم، عجز و ناله کردم و گفتم: ای دختر رسول خدا! آن آقایی که پدرت مرا به عقد او درآورده است، او را به من بنمایان. او در جواب فرمود: چون تو هنوز به دین پدرم و اسلام درنیامده ای، او به سراغ شما نخواهد آمد. من هم در آنجا به دست حضرت زهراعلیها السلام در عالم خواب اسلام اختیار کردم و حضرت فاطمه علیها السلام مرا در آغوش گرفت و حالم بهبود یافت. از آن پس دائماً در عالم خواب حسن بن امام هادی علیه السلام را ملاقات می کردم و از او کمک می خواستم.

بُشربن سلیمان گفت: به او گفتم

که خوب چطور شد که شما به عنوان اسیر در اختیار سربازان اسلام قرار گرفتید؟ گفت: یک شب که امام عسکری علیه السلام به خواب من آمد به من فرمود: گروهی از سربازان جدّ تو در حمله به مسلمانان به اسارت خواهند افتاد و تو اسیر خواهی شد. من دستور او را اطاعت کردم و با لباس خدمتگزاران و کنیزان در جمع سربازانی که به مسلمانان حمله کردند قرار گرفتم، در نتیجه به اسارت مسلمانان درآمدم و به همان حالتی که مشاهده کردی، من سهم پیرمردی از مسلمانان شدم که او از من اسم مرا پرسید و من در جواب گفتم، اسمم نرجس است.

بُشر می گوید: گفتم تو رومی هستی، چگونه زبان عربی را به خوبی می دانی؟

گفت: جدّم به خاطر علاقه ای که به من داشت خانمی را که به چند زبان مسلط بود برای تعلیم من انتخاب کرد و من از او زبان عربی را یاد گرفتم.

بُشر می گوید: پس از بغداد به همراه او به شهر سامرا آمدم و به خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: امر شما اطاعت شد و این بانو را در ازای پولی که داده بودید از آن برده فروش تحویل گرفتم و امام هادی علیه السلام به نرجس خوش آمد گفت.(۲۵)

داستان بُشر بن سلیمان در اینجا پایان یافت امّا جناب نرجس خاتون بعدها فرمود: امام هادی علیه السلام به من فرمود که این دو پیشنهاد کدام برای تو بهتر است؟آیا حاضری ده هزار دینار طلا به تو بدهم یا تو را به یک مژده مسرت بخش خوشحال کنم؟ من فهمیدم که او چه می خواهد بگوید. گفتم: نه این طلا و دینار

را نمی خواهم، همان مژده ای که داری به من بـده و او مژده مادر امام زمان علیه السـلام شدن را به من داد و من این افتخار را بر همه آن چه در دنیاست ترجیـح دادم. آن گاه امام هادی علیه السـلام خواهر خود، جناب حکیمه خاتون را صـدا زد و جناب نرجس خاتون را در اختیار او گذاشت و به او فرمود: این بانوی مجلّله را تحت تعلیمات صـحیح اسـلامی قرار بده. او هم که از نظر شخصـیت از خاندان عصـمت و طهارت، فرزند امام، خواهر امام، عمه امام و یک شخصـیت برجسـته ای بود، این بانو را به خوبی تحت تعلیم قرار داد و به سرعت این شخصیت و این میهمان، بانوی این خانه شد.

بنـا به قولی نرجس خـاتون در سال ۲۶۱ هجری قمری یعنی یـک سال پس از شـهادت امام حسن عسـکری علیه السـلام از دنیا رفت و در شـهر سامرا در کنار امام هادی و امام عسکری علیهما السلام و حکیمه خاتون مدفون گشت و اکنون همگی در یک ضریح قرار دارند.

مشـیت و حکمت الهی را ببین که دختر مسـیحی و نوه قیصر روم شـرقی، با چه وضـعی به جهان اسلام منتقل می شود و توفیق زندگی در کنار امامان را پیدا می کند و سـپس مادر شخصـیتی می شود که باید دنیا به وسیله وجود او پر از عدل و داد شود و در آخر زندگی هم توفیق دفن در مجاورت قبر دو امام و قبر دختر امام نصیبش شود.

امروز زائرین امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زائرین این بانوی با عظمت هم هستند. خداوند به زودی زیارت آن ها را نصیب ما فرماید، و چشم ما و همه محبّان

اهل بیت علیهم السلام را به جمال امام زمان علیه السلام روشن فرماید و ما را جزو ارادتمندان و مشتاقان ظهورش قرار بدهد.

شرح ولادت امام زمان«ع»

حساسیت زمان ولادت

قبلًا این نکته را بیان کنم که دوران ولادت امام زمان علیه السلام دوران بسیار حساس و اختناق آمیزی بوده است. بنی عباس از زمان امام رضاعلیه السلام سیاستی را اتخاذ کردند که ائمه معصومین علیهم السلام را در کنار خود داشته باشند و زندگی آن ها را تحت نظر بگیرند تا بین ائمه و مردم فاصله ایجاد کنند.

به همین منظور، امام رضاعلیه السلام را به جبر به طوس آوردند. بعد از شهادت امام رضاعلیه السلام نیز همین حصر و مراقبت شدید را برای امام جوادعلیه السلام اعمال کردند، لکن به این صورت که مأمون دختر خود، ام الفضل را به ازدواج امام جوادعلیه السلام در آورد تا از درون خانه، آن حضرت را تحت کنترل داشته باشد.

سرانجام از همین طریق امام جوادعلیه السلام را به شهادت رساندند و امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را در کنار زندگی شاهانه و حکومت جبارانه خود، تحت نظر گرفتند و در شهر سامرا این دو امام را یکی پس از دیگری در یک محیط نظامی سکونت دادند و در اطراف آن ها نیروهای مسلح مخصوص دربار خود را گماشتند تا کاملاً آن ها را در کنترل داشته باشند؛ لذا به عسکریین ملقب شدند.

در چنین وضعیتی بایستی خداوند وعده خود را محقق کند و امام دوازدهم را به بشریت هدیه نماید. لکن با توجه به وضعیت اختناق آمیز و در محاصره بودن زندگی امام حسن عسکری علیه السلام، ولادت امام زمان علیه السلام هم در پرده ای از پنهان کاری و رازداری از جانب خدا صورت می گیرد.

بنی عباس

شدیداً در این فکر بودند که از نسل امام عسکری علیه السلام فرزندی به جای نماند تا مبادا او بر حسب پیش بینی هایی که در روایات شده، حکومت ظالمانه آن ها را سرنگون کنند.

برای این که از این خطر در امان باشند تصمیم شان این بود که نگذارند از امام عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا بیاید و پسری از او بماند که زمامدار امّت اسلامی گردد. به همین خاطر می بینیم ظاهراً امام عسکری علیه السلام ازدواج دائم انجام نداد و نیز ولادت امام زمان علیه السلام به صورت رازآلود و در پرده و پوششی از پنهان کاری صورت می گیرد.

به عنوان مثال اسم مادر امام زمان علیه السلام متعدد است. همان طور که قبلاً اشاره شد اسمش ملیکه، نرجس خاتون، سوسن، و بعضی دیگر اسامی مثل ریحانه بوده که یکی از علّت هایش این بود تا کسی متوجه نشود وضعیت و شخصیت مادر امام زمان علیه السلام چیست و کدامیک از زنانی است که در آن محیط و خانواده زندگی می کنند. جایگاه نرگس خاتون، جایگاهی است که بایستی به عنوان همسر امام عسکری علیه السلام دارای فرزندی شود و این در حقیقت مثل اسم مستعاری که مصطلح است یک نوع پنهان کاری بود.

بسیاری از اخباری که ما درباره ولادت امام زمان علیه السلام داریم، ظاهراً تنها از طریق حکیمه خاتون عمّه امام عسکری علیه السلام است. روایتی که از حکیمه خاتون نقل می شود مختلف است، البته با یکدیگر تناقض ندارد ولی به گونه ای است که بخشی از خبرها را به کسی می گوید و حرف های دیگری را به شخص دیگری می گوید و آن حرف های قبلی را نقض نمی کند؛ بلکه حرف های کامل تری به او می گوید و علتش این است که اینان

می دانستند مسئله امام زمان علیه السلام و وجود مبارکش مسأله ای است که باید در راز و رمز بماند. ایشان اخبار ولادت را به افرادی که مورد اعتماد بودند، به نوعی به آن ها منتقل می کرد، لذا اخباری که در کتب مختلف می بینیم به صورت پاره پاره برای افراد نقل شده است، دقیقاً به همین خاطر است که می خواهند راز قضیه برای همه روشن نشود.

ما بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام که به همین نکته می رسیم می بینیم امام عسکری علیه السلام به محض این که به شهادت رسید، معتمد عباسی دستور داد بروند خانه امام حسن عسکری علیه السلام را تفتیش کنند و آن را مهر و موم نمایند، به تعبیر امروزی لاک مهر کنند.

کنیزانی که در این خانه بودند توسط زن های متخصص و قابله ها معاینه شدند تا ببینند کدامیک از آن ها باردار هستند. اتفاقاً یکی از خانم ها را که باردار بود به زندان منتقل کردند و تحت نظر داشتند. در پاورقی کتاب بحارالانوار در جلد ۵۱ یک نکته تاریخی نقل شده است که توسط جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام به دستگاه بنی عباس خبر داده شده که نرجس خاتون جزو همان خانم هایی هست که ممکن است از او فرزندی به دنیا بیاید یا فرزندی از او به دنیا آمده باشد. آن ها حضرت نرجس خاتون را بازداشت کردند و از او راجع به فرزند امام عسکری علیه السلام پرسیدند و او اظهار بی اطلاعی کرد. آن ها که فکر می کردند شاید نرجس خاتون باردار باشد لذا او را به دست قاضی مورد وثوق دستگاه عباسی به نام «ابن الشوراب» سپردند که چون فرزندی متولد شود بکشد. ناگاه عبیداللّه بن یحیی وزیر از دنیا رفت

و صاحب الزنج در بصره خروج کرد و آن ها مشغول فرو نشاندن قائله شدند که از حال نرجس خاتون غافل و آن حضرت به خانه خود بازگشت و نجات پیدا کرد.(۲۶)

این ها همه بیانگر آن است که آن ها شدیداً در فکر بودند که نگذارند فرزندی از امام عسکری علیه السلام به دنیا بیاید امّا: «یُرِیدُونَ أَن یُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَیَأْبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ».(۲۷) خدا آنچه که اراده فرموده انجام می شود و کسی جلوی اراده خدا را نمی تواند بگیرد، این وعده را خدا محقق کرده است و این فرزند را به دنیا آورده است و تقدیم بشریت نموده است.

در اینجا ماجرای ولادت امام زمان علیه السلام را که از کتب معتبره ای مثل کمال الدین شیخ صدوق، بحارالانوار علامه مجلسی، نجم الثاقب محدث نوری و کتاب غیبت مرحوم شیخ طوسی نقل شده است به اختصار ذکر می کنیم.

ولادت با سعادت

از قول حضرت حکیمه خاتون چنین نقل شده است: در روز جمعه و به هنگام طلوع فجر در سال ۲۵۵ ه.ق در شهر سامرا، وجود مقدّس امام زمان علیه السلام از نرجس خاتون متولد شد، بدین ترتیب که من در روز ۱۴ ماه شعبان سال ۲۵۵ طبق معمول به محضر امام عسکری علیه السلام رسیدم - معمولاً هم علاقه و ارادتی بین من و امام عسکری علیه السلام بوده است. همیشه هم برای او دعا می کردم که خداوند به او فرزندی عنایت کند - افطار کردم و وقتی خواستم برگردم، امام فرمود: عمّه جان امشب پیش ما بمان چرا که خداوند امشب می خواهد فرزندی به من عنایت کند که وصی من و آخرین وصی پیغمبر خداست.

من از حضرت پرسیدم: از

کـدام بانو؟ فرمود: از نرجس خاتون. من اطاعت کردم و آن شب را خـدمتشان مانـدم، امّا وقتی خـدمت نرجس خاتون رسـیدم هیچ نشانه ای از خبری که امام عسـکری علیه السـلام به من داده بود ندیدم. به امام عسـکری علیه السلام عرض کردم: من هیچ نشانه ای از تحقّق این خبر در وجود این بانو نمی بینم. امام علیه السـلام جمله ای فرمودند: «لان مثلها مثل أم موسی لم یظهر بها الحبل ولم یعلم بها أحـد إلی وقت ولادتها؛(۲۸) مَثل این بانو، مَثل مادر حضـرت موسی بن عمران است که هیچ کسی ظهور و بروز حالت بارداری را در مادر حضـرت موسـی علیه السـلام ندیـد در این بانو هم هیـچ کسـی این آثار را نمی بینـد مگر وقت ولادتش».

در نتیجه به فرمان امام یقین کردم و شب را کنار نرجس خاتون خوابیـدم. من زودتر برای انجام نافله شب حرکت کردم. دیـدم که حالت او عادی است و راحت خوابیده. گفتم خبری که امام معصوم داد قطعی است امّا در این خانم هیچ حالتی نمی بینم.

امام حسن عسـکری علیه السـلام از پشت پرده صـدا زد: عمّه جان! تردیـد به خودت راه مـده که وعـده خداونـد نزدیک اسـت تحقق یابد. آن گاه نرجس خاتون برای نماز شب برخاست. وضو ساخت و مشـغول نماز شد. سـپس رو به من کرد و گفت: در خود احساس درد و ناراحتی می کنم. وقتی حالش را به من ابلاغ کرد او را دلداری دادم و در همین حال بود که امام عسکری علیه السـلام هم متوجه شـد و به من فرمود: عمّه جان! سوره «انّا أنزلناه» را قرائت کن و من سوره «انّا أنزلناه» را قرائت می کردم امّا با کمال تعجب دیدم کودکی در رحم

این بانوی پاک است که به همراه من سوره انا انزلناه را قرائت می کند. تعجب من بیشتر شد و در همین حال امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! این فرزند، حجت خدا است و خداوند او را جانشین من و آخرین وصی پیامبر و حجت خودش برای مردم قرار داده است. تعجب مکن که خداوند در کودکی نطق ما را به کلام خودش گویا کرده است و ما را بین خود و مردم حجت قرار داده است.

همین طور که با امام سخن می گفتم دیدم که بین من و جناب نرجس خاتون پرده ای حایل شد و دیگر او را ندیدم، آمدم به سمت امام عسکری علیه السلام. آن حضرت به من فرمود: نگران نباش! برگرد که مجدداً نرجس خاتون را خواهی یافت. وقتی برگشتم در این حال بود که دیدم کودکی نورانی در کنار اوست و هم از چهره نرجس خاتون نورانیت خاصی را احساس کردم که محیط را روشن کرده است و این کودک سر بر سجده گذاشته، سایر مواضع سجده اش بر زمین و انگشت سبابه اش به سمت آسمان بلند شد و در همان حال این عبارت را به زبان آورد: «أَشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّا اللّه وَاَشْهَدُ أنَّ جَدِّی رَسول اللّه وَاَشْهَدُ أنَّ أبی امیرالمؤمنین». و یک یک اسم ائمه علیهم السلام را شمرد و شهادت به امامتشان داد و تا به اسم خودش رسید این جمله ها را فرمود: «اللهمّ أنجز لی وعدی وأتمم لی أمری وثبت وطأتی واملأ الأرض بی عدلاً وقسطاً؛ بار پروردگارا! وعده ای که در حق من داده ای محقق کن و برای من آماده ساز و گام مرا در راه انجام

وظیفه ثابت کن و زمین را به وسیله ام پر از عدل و داد نما».

در همین حین دیـدم این کودک مطهر و پـاکیزه است. امام عسـکری علیه السـلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را بیاور و به من بده.

کودک را برداشته و به خدمت امام عسکری علیه السلام آوردم. امام وقتی می خواست کودک را از من تحویل بگیرد کودک با زبان رسا به پدر سلام کرد. پدر او را در آغوش گرفت وآن گاه زبان در کلام او نهاده و علم امامت را به او منتقل کرد. آن گاه او را به من سپرد تا برای شیر دادن به مادرش برگردانم.

پس از شـیر خوردن، مجدداً امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمّه جان! کودک را به من برگردان. وقتی کودک را به او برگردانـدم این بـار دیـدم که به همراه امام عسـکری علیه السـلام آیه شـریفه: «وَنُرِیـدُ أَنْ نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ».(۲۹) را که طبـق نقـل مفسـرین دربـاره امـام زمـان علیه السـلام است قرائت کرد. همه این ها دلالت بر عظمت، کرامت و امامت امام زمان علیه السلام دارد.

نکته دیگری مرحوم محـدث نوری در کتـاب نجم الثـاقب و در بعضـی از کتب معتبره از قول حکیمه خـاتون نقـل کردنـد که فرمود: در این حـال دیـدم پرنـدگانی آمدنـد بال های خودشان را بر صورت و چهره و بـدن این کودک می مالیدنـد، در میان پرندگان پرنده ای بود که در همه پرندگان به جلالت ظاهر بیشتر و بهتری می رسید و امام عسکری علیه السلام این کودک را بـه او سـپرد. آن پرنـده ایـن کـودک را برداشت و بالاـ برد. من گفتم: یـابن رسـول اللَّه! این پرنـدگان کیسـتند؟ فرمـود: این ها فرشتگان الهی اند که تو

آن ها را به صورت پرنده دیده ای. او روح القدس جبرئیل امین است که پاسبان و حافظ وجود ائمه معصومین علیهم السلام و حجت های الهی است و آن کسی است که بایستی علم الهی و حفاظت و امنیت الهی را در ارتباط با این کودک بر عهده بگیرد. این خبر به طور مفصل در کتب معتبره نقل شده است.

از آن پس تاکنون این فرزند صالح که لقبش هم صالح است و اباصالح کنیه اوست، در پس پرده غیبت است و بر حسب آیات قرآن که مفسرین ما به حق آن را تفسیر کرده اند باید وعده خدا که تحققش قطعی است، به وسیله این حجت بر حق خدا، محقق شود و جهان را از عدل و داد پر کند.

دوران کودکی امام زمان«ع»

نکته اوّل: مسأله نام امام زمان علیه السلام است

آن گونه که از روایات و احادیث برمی آید؛ مهم ترین نام امام زمان علیه السلام نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است و مهم ترین کنیه اش، کنیه رسول خدا می باشد. احادیث زیادی در این زمینه نقل شده است که به یکی از آن ها اشاره می کنیم.

جناب جابربن عبداللّه انصاری که از نزدیک ترین یاران و صحابه رسول خدا و از ارادتمندان به ساحت مقدّس عترت علیهم السلام بوده است نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «المهدی من ولدی اسمه اسمی وکنیته کنیتی أشبه الناس بی خلقاً وخلقاً تکون له غیبه وحیره تضلّ فیه الأمم ثمّ یقبل کالشهاب الثاقب ویملأها عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً؛ (۳۰) مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، او شبیه ترین انسان ها از نظر خُلق و خلقت - یعنی از نظر اخلاق و شکل و قیافه - به من است برای او

غیبتی است و زمان غیبت هم طولانی است و در این غیبت طولانی است که امّت ها گرفتار گمراهی می شونـد؛ ولی او ناگهان مثل شهاب آسمانی ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید پس از آن که پر از ظلم و بی عدالتی شده باشد».

از این روایت به صراحت فهمیده می شود که نام مبارک امام زمان علیه السلام همان نام پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است و کنیه ایشان هم کنیه رسول خـدا است. لکن در کتب معتبره که پیرامون زنـدگی امام زمان علیه السلام تـدوین شـده است، با استفاده از آیات و روایات، اسم ها و القاب زیادی برای امام زمان علیه السلام قائل شده اند که فقط آدرس آن ها را ذکر می کنیم که یکصد و هشتاد و دو اسم و لقب در کتاب شریف «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری ذکر شده است که این اسامی و القـاب از کتب آسـمانی تورات، انجیل، کتاب دینی زرتشتیان، کتب ادیان مختلفی که در دنیا وجود دارد و نیز از فرهنگ های مختلف و اعتقـادات متفـاوتی که در دنیـا هست و نیز از روی آیـات و روایاتی که از پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شـده، استخراج گردیـده است. در این کتاب آیات قرآنی هم که در ارتباط با امام زمان علیه السلام و تعابیری که برای ایشان شـده، همه را نقـل می کنـد که هر کـدام دارای پیامی هست؛ یعنی هر اسـمی که برای امام زمان علیه السلام ذکر می کنـد در بردارنـده محتوای خاصـی است. کتـاب نجم الثـاقب دقیقـاً آن هـا را ذکر کرده، پیام و مفهوم و بار معنوی این اسامی را هم در آنجا آورده که بسیار قابل استفاده است.

نکته دوم: رشد معنوی

از نظر

رشد معنوی و فکری ائمه معصومین و حجج الهی علیهم السلام بنا بر لطف خداوندی و سایر تفضلات الهی قبل از ولادتشان و در شکم مادر، دارای رشد معنوی می باشند.

درباره امام زمان علیه السلام هم همین طور است و حدیثی را بیان می کنیم که امام زمان علیه السلام از رشد معنوی و فکری و عقلانی، حتی در رحم مادر هم برخوردار است را مشخص می کند. بر حسب روایات و اعتقاد ما شیعیان، امام حتی در رحم مادر دارای همان ویژگی هایی است که در زمان تصدی ولایت الهی برخوردار می باشد و در کودکی نیز آن ویژگی ها را دارا می باشند. امام عسکری علیه السلام فرمود: وان الصبی منّا لیتکلّم فی بطن اُمّه و یقرء القرآن ویعبد ربه عزّوجلّ؛(۳۱) همانا کودک ما در شکم مادر سخن می گوید و قرآن قرائت می کند و خدایش را پرستش می نماید.

نکته سوم: رشد جسمی امام زمان علیه السلام

نکته دیگر بعد از ولادت امام زمان علیه السلام رشد جسمی ایشان است.

رشد جسمی ایشان هم مثل دیگر اولیای خدا رشد غیر عادی بود؛ یعنی به لحاظ رشد جسمی مثل دیگر فرزندان انسان ها عادی و معمولی نبوده است بلکه رشد ایشان به صورت استثنایی همانند اولیای خدا و انبیا و فرزندان انبیا می باشد. در این زمینه حدیثی از کتاب شریف بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی ذکر می کنم که راوی این حدیث هم حکیمه خاتون است و علت آن هم قبلاً ذکر شد چون شرایطی که امام زمان علیه السلام قبل از ولادت و هنگام ولادت داشت وضعیت بسیار استثنایی و خطرناکی بود که قبلاً شرح دادم و لذا معمولاً احادیثی که در ارتباط با طفولیت امام زمان علیه السلام هست مأخذش معدود است. از جمله کسانی که از ایشان

حدیث زیاد نقل شده حکیمه خاتون عمّه امام عسکری علیه السلام است که می فرماید: من پس از چهل روز که از ولادت امام زمان علیه السلام گذشت، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم کودکی تقریباً دو ساله از نظر شکل و قیافه که چون قرص خورشید نورانی و زیباست جلوی امام عسکری علیه السلام راه می رود. من تعجب کردم و از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: این آقازاده کیست؟ حضرت با تبسّم فرمود: این فرزند نرجس است. گفتم: عجب، به این سرعت رشد به این خوبی داشته، الحمدللّه. امام عسکری علیه السلام فرمود: «إنّ أولاد الأنبیاء والأوصیاء إذا کانوا أئمه ینشئون بخلاف ما ینشأ غیرهم؛ فرزندان پیغمبران و اوصیاء که قرار شود به مقام وصایت یا خلافت برسند، رشد و نموّشان به اندازه ای است که دیگران ندارند.»؛ یعنی رشد آن ها غیر عادی است. بعد فرمود: «وإن الصبی منّا إذا أتی علیه شهر کان کمن یأتی علیه سنه؛(۳۲) فرزندان ما هم که قرار است به مقام ولایت برسند وقتی که یک ماه از عمرشان گذشت به اندازه یک کودک یک ساله می شوند.» و فرزند من هم که حالا چهل روز از تولدش می گذرد را به شکل و قیافه کودک دو ساله می بینید. بعد امام ادامه داد: «وإن الصبی منّا لیتکلم فی بطن أمه؛ فرزندان ما در شکم مادرشان حرف می زنند».

«ویقرأ القرآن ویعبد ربه؛ و قرآن قرائت می کنند و پروردگارشان را عبادت می کنند».

«وعند الرضاع تطیعه الملائکه وتنزل علیه [کل صباح [و]مساء؛ و وقتی به هنگام شیر خوارگی رسیدند فرشتگان از آن ها اطاعت می کنند و به هنگام هر صبح و شام فرشتگان بر آن ها وارد می شوند».

این توضیحاتی بود که امام

عسـکری علیه السـلام در مورد رشد جسـمی امام زمان علیه السلام دادند که شامل رشد معنوی ایشان هم می شود. درباره ائمه دیگر نیز همین نکات را در روایات داریم. معمولاً امام زمان علیه السـلام رشدشان به سرعت صورت گرفته، تا جایی که جناب حکیمه خاتون در ادامه همین حـدیث می فرمایـد: بار دیگر که یک مـدّت کوتاهی قبل از شـهادت امام عسـکری علیه السـلام خدمت ایشان شـرفیاب شدم، دیدم نوجوانی که به قیافه مردی است آنجا حضور دارد. امام عسـکری علیه السـلام به من فرمود: در کنار او بنشین. من گفتم: این آقا کیست که مرا دعوت می کنی کنار او بنشینم؟ فرمود: این همان فرزند نرجس است.

گفتم الحمدللّه! بعد فرمود: شک مکن که او حجت خدا و وصـی من است و من به زودی به شـهادت می رسم و تو بعد از من از او اطـاعت کن. در روایات هم داریم که وقتی امام عسـکری علیه السـلام به درجه رفیع شـهادت رسـیدند اولین بار برادرش، جعفر برای اقامه نماز بر جنازه مطهر امام عسـکری علیه السـلام حاضـر شد و با زمینه سازی های فراوانی که دسـتگاه بنی عباس انجام داده بودند، می خواسـتند موقعیت جعفر را به عنوان امام شـیعیان تثبیت کنند؛ ولی در همین حال دیدند که نوجوانی آمد و دست بر سـینه عمویش زد و او را به کنار هدایت کرد و خودش بر جنازه امام عسـکری علیه السلام نماز گزارد. بعد فهمیدند که او فرزند امام عسکری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام است.

نکته چهارم: اقدامات مربوط به دوران کودکی امام زمان علیه السلام

نکته قابل توجه در رابطه با امام زمان علیه السـلام این است که بر اساس موقعیت حساسـی که وجود داشت، طبیعی بود که امام زمان علیه السلام می بایست در پس پرده و اختفا نگهداری شود

و بـا روایاتی که نقل شـد، حضـرت مهـدی علیه السـلام با عنایات الهی در زمان حیات پـدر در پس پرده نگهـداری می شـد و کسـی نمی توانست ایشان را ببیند، البته این موضوع که در آینده ممکن است امام عسـکری علیه السلام از دنیا برود و اگر امام زمان علیه السـلام بیایـد و ادعا کنـد که من فرزند امام یازدهم هسـتم شاید قضـیه برای بعضـی ها جا نیفتاده باشد و شـیعیان هم ممکن است بگوینـد ما از امام عسـکری علیه السـلام پسـری ندیدیم، و این موضوع ممکن بود آن ها را از نظر اعتقادی متزلزل سازد و پـذیرش وجود امام زمان علیه السـلام را برای آن ها مشـکل نمایـد.از این رو برای آن که چنین حادثه ای پیش نیایـد و عـدّه ای امام زمان علیه السـلام را بتواننـد ببیننـد و خطری ایشان را تهدیـد نکنـد و بعـدها شـهادت بدهند که ما دیدیم که امام عسـکری علیه السلام فرزندی داشت، در تاریخ داریم که یک عدّه معدودی از افراد خاص و مورد اعتماد ائمه معصومین علیهم السـلام وجود مقدّس امام زمان علیه السـلام را در کودکی زیارت کردند و امام عسـکری علیه السـلام آن حضـرت را به آن ها نشان داد که این ها می تواننـد به عنوان یک سـند و حجتی برای شـیعیان باشـند و شـهادت آن ها را مورد قبول قرار بدهنـد که امام زمان علیه السـلام فرزند امام عسـکری علیه السـلام است و در زمان امام عسکری علیه السلام به دنیا آمد و دیگران هم این شهادت را از قول آن ها بپذیرند، علاوه بر کرامات و معجزاتی که از امام زمان علیه السلام می دیدند.

از جمله کسانی که مورد اعتماد امام عسـکری علیه السـلام بود و امام زمان علیه السـلام را زیارت کرد و بعدها هم این شهادت را داد؛ یکی از

دوستان نزدیک و از ارادتمندان امام عسکری علیه السلام به نام «احمدبن اسحاق» است. احمد بن اسحاق می گوید: من یک روز خواستم خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شوم و از او راجع به جانشین ایشان سؤال کنم. خدمت ایشان رفتم و به محض این که وارد شدم، قبل از آن که من از ایشان بپرسم امام عسکری علیه السلام شروع به سخن کرد و فرمود:

ای احمد بن اسحاق! از زمان حضرت آدم، خداوند زمین را خالی از حجت نگذاشت و تا قیام قیامت هم زمین را خالی از حجت نخواهد گذاشت، حجت خدا همیشه در زمین هست که خداوند به برکت او، نعمت خود را از زمین در اختیار خلق قرار می دهد، آسمان باران خودش را به برکت حجت خدا بر اهل زمین نازل و به وسیله حجت است که بلا را از مردم دور می کند.

این ها را شرح داد. سپس من از امام عسکری علیه السلام پرسیدم: یابن رسول اللَّه! جانشین شما چه کسی است؟ امام بلافاصله از نزد من به اتاق اندرونی رفت و کودک تقریباً سه ساله ای را در آغوش گرفت و به سمت من آمد و فرمود: «این فرزند من است و حجت بر حق خداست و وصی من است و آخرین وصی پیغمبر خداست. امام و جانشینی که تو از آن پرسیدی این فرزند است».

امام عسکری علیه السلام صحبت های دیگری نیز فرمودند. من گفتم: همه این ها را پذیرفتم، امّا برای این که قلب من آرام بگیرد یک نشانه ای را هم می خواهم ببینم. دیدم که همین کودک سه ساله در آغوش امام عسکری علیه السلام با بیان رسایی به زبان عربی فرمود: «انا بقیه اللَّه فی الأرض» و مطالب دیگر.

احمدبن اسحاق

می گوید: من کاملاً بر این که الحمدللّه حجت بر حقّ خدا بعد از امام عسکری علیه السلام وجود دارد و این حقایق را از زبان خود امام عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام شنیدم، آرامش پیدا کردم.

مجموعاً افرادی اسمشان در تاریخ ذکر شده که امام زمان علیه السلام را در زمان کودکی زیارت کرده اند و بعدها هم در ملأ عام شهادت داده و مسائلی که مربوط به امامت و حجت بودن امام علیه السلام بود، برای مردم نقل کرده اند.

البته بعد از این که امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت رفت، عدّه فراوانی وجود مقدّس ایشان را زیارت کردند و زیارت می کنند و هر کسی که لیاقت داشته باشد قطعاً در هر کجا و در هر زمان خداوند تفضّل کند و این برکت را نصیب او نماید، می تواند وجود مقدّس امام زمان را ببیند، امّا این دیدار لیاقت و سعادت می خواهد، شرایط دارد و هر چشمی لیاقت دیدن امام زمان علیه السلام را ندارد و هر گوشی لیاقت شنیدن کلام نورانی آن حضرت را ندارد.

آغاز امامت امام زمان«ع»

توضیح

آغاز امامت امام زمان علیه السلام، روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۵ ه.ق است؛ یعنی روز شهادت امام یازدهم علیه السلام آغاز امامت امام زمان علیه السلام است. جالب است بدانیم که ولادت امام زمان در روز جمعه بوده و اوّلین روز امامتش روز جمعه و نیز بنا بر نقلی که از نظر شیعه بسیار مشهور است، ظهور امام هم روز جمعه است و همچنین یکی از اسامی آن حضرت نیز جمعه است.

یکی از افراد مورد وثوق و اعتماد ائمه معصومین و خاصه امام عسکری و امام زمان علیهم السلام فردی به نام ابوسهل بود. ابوسهل اسماعیل بن

علی نوبختی می گوید: پس از آن که معتمد، امام عسکری علیه السلام را به زهر مسموم کرد، من به خدمت امام عسکری شرفیاب شدم، لحظه ای بود که فرزند امام عسکری علیه السلام هم بر پدر وارد شده بود. امام حالش منقلب بود و شدیداً ضعیف شده بودند به گونه ای که وقتی ظرف آب را برای نوشیدن به امام عسکری دادند، قدرت نگهداری ظرف آب را نداشت و می لرزید و دندان های امام عسکری که به کاسه نزدیک شده بود می خورد و من صدایش را می شنیدم. در این لحظه وقتی که امام زمان علیه السلام وارد شد، به محض این که چشم امام عسکری به امام زمان افتاد، بسیار خوشحال شد امّا لحظه ای گریست و بعد او را به عنوان آخرین وصی رسول اللّٰه و آخرین امام مؤمنین و به عنوان حجت بر حقّ خدا معرفی کرد و وصیت و سفارش خود را به امام زمان نمود. در این لحظه گویی احساس شد لحظه آغاز قبول مسؤولیت امامت امام زمان بود. بعد امام عسکری رو به امام زمان کرد و فرمود: «یا سیّد أهل بیته! اسقنی بالمآء فإنی ذاهب إلی ربّی؛(۳۳) ای بزرگ خاندان خودت! آبی به من بنوشان؛ زیرا من به زودی به سوی پروردگارم خواهم شتافت».

امام زمان علیه السلام هم آب را به دست پدرش داد و بعد به پدرش کمک کردند تا او وضو بسازد. صحبت هایی هم بین امام عسکری و امام زمان علیهما السلام صورت گرفت آن گاه امام عسکری علیه السلام به درجه رفیع شهادت نایل گشتند.

البته این مسائلی بود که درباره امام زمان و آغاز امامتشان است، ولی چیزی که باید به عنوان حجت برای مردم باشد این

است که برای اثبات حجت بودن امام زمان و امامت ایشان طبیعی است که شیعیان او هم دلایل قانع کننده ای که باعث اطمینان خاطر بشود نیاز دارند.

ابوالادیان یکی از خدمتگزاران و یکی از دوستان نزدیک امام عسکری علیه السلام بود. ابن بابویه رحمه الله به نقل از ابوالادیان می گوید: امام عسکری علیه السلام به من مأموریتی داد که به مدائن بروم و نامه هایی را به آنجا برسانم. امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ابوالادیان! وقتی بعد از پانزده روز از مدائن برگشتی، شهر سامرا را پر از شیون و غوغا خواهی یافت؛ زیرا که من به شهادت خواهم رسید. من نگران شدم و از امام راجع به جانشین شان پرسیدم: وقتی شما به شهادت رسیدید، چه کسی باید امامت امّت را به عهده بگیرد؟ امام عسکری در جواب به من سه نشانه داد؛ نشانه اوّل: آن کسی که بر بدن من نماز بگزارد. دوّم: آن کسی که جواب نامه ها را از تو طلب کند و نشانه سوم: کسی که بگوید در همیان و کیسه ها چه چیزی وجود دارد. حیا مانع شد که راجع به کیسه از آقا بپرسم، نپرسیدم و با نگرانی سفرم را آغاز کردم و به مدائن رفتم. مأموریت را انجام دادم و وقتی برگشتم همان گونه که امام عسکری گفته بود، ایشان به شهادت رسیدند. آن گاه چیزی که برای من مهم بود این بود که بدانم چه کسی جانشین امام یازدهم و به عنوان امام دوازدهم و حجت بر حق خداست. وارد بیت امام عسکری شدم، دیدم برادرش جعفر بر جایگاهی نشسته است و همه واردین به او تسلیت می گویند. گویی این گونه وانمود می شود که او

به عنوان جانشین امام عسکری است، در حالی که من او را می شناختم و می دانستم انسانی است بد سابقه و بد عمل که مرتکب محرمات می شد. مطمئن بودم که او لیاقت امامت را ندارد امّا الآن در چنین جایگاهی قرار گرفته؛ چرا که دستگاه بنی عباس تلاش می کرد او را به عنوان جانشین امام عسکری به مردم معرفی کند. در همین حال خبر آوردند که او بیاید و بر پیکر امام عسکری علیه السلام نماز بگزارد.

او از جای خود حرکت کرده، به سمت پیکر مطهر امام عسکری رفت تا نماز بگزارد، دیدم نوجوانی با جمیع شیوه ها و شمایل زیبایی که دلربا بود آمد و دامن عمویش را گرفت و گفت: ای عمو! کنار برو که من بر نماز گزاردن بر پیکر بابایم شایسته ترم.

او را کنار زد و بر پیکر امام عسکری نماز گزارد. با این صحنه مطمئن شدم که یکی از نشانه هایی که امام عسکری داده بود تحقق یافت و این شخص بر بدن امام عسکری نماز گزارد. منتظر بودم که نشانه های دیگر هم تحقق پیدا کند. در این حالت بود که وقتی نماز تمام شد به من اشاره کرد که جواب نامه ها را بده. این هم نشانه دوّم؛ چون نامه ای که امام عسکری به من سپرده بود و آن را به مدائن بردم، به دوستانی که باید می دادم سپردم و جواب نامه های آن ها را به همراه بیت المال و سهم امامی که داده بودند با خودم آورده و منتقل کرده بودم. منتظر بودم نشانه سوم هم تحقق پیدا کند، در همین حال جمعی از مؤمنین قم آمدند و در میان جمعیت عزادار قرار گرفتند و

گفتند: جانشین امام عسکری کیست؟ آن ها را به سمت جعفر هدایت کردند. آن ها وقتی پیش جعفر رفتند، پرسیدند: شما جانشین امام عسکری هستید؟ پاسخ داد: آری. گفتند: بگویید که ما حامل چه چیزی هستیم و نامه ای که با ماست چه کسی و برای چه کسی نوشته است و چیزی که به همراه ماست آن متاع چیست و چقدر است؟

جعفر با کمال عصبانیت گفت: عجب! مردم را ببینید که از من چه چیزی را درخواست می کنند، علم غیب از من طلب می کنند؟ من فهمیدم که او امام نیست و جمعیتی که از قم آمده بودند هم با این پاسخ او مطمئن شدند که او امام نیست و جانشین امام عسکری شخص دیگری است. در همین حال فرستاده ای از درون خانه آمد و گفت که حجت خدا (امام زمان) فرمودند: نامه هایی که شما اهل قم از فلان شخص و فلان شخص برای امام عسکری آورده اید، آن نامه ها را بیاورید و به همراه شما همیانی است که هزار اشرفی در آن قرار دارد که از میان هزار اشرفی که به عنوان سهم امام است، ده اشرفی قلابی است که روکش طلا شده و اصل نیست.

آن ها باز کردند و دیدند هزار اشرفی سفید هست و آن ده اشرفی را هم شناسایی کردند. ابوالادیان می گوید: من دقیقاً به همان نشانه هایی که امام حسن عسکری به من داده بود رسیدم و یقین کردم که او امام امّت اسلامی و آخرین وصی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است و آن پیامی که فرستاده شده از ناحیه امام زمان است و آن فردی که نماز بر پیکر امام عسکری گزارد امام زمان و

آخرین امام شیعیان است.(۳۴)

غیبت امام زمان علیه السلام

غیبت امام زمان علیه السلام از نظر شیعیان به دو بخش تقسیم می شود: غیبت صغری و غیبت کبری.

غیبت صغری و نواب اربعه غیبت صغری یعنی غیبت کوتاه مدّت، منتها با یک شیوه خاصی که امام زمان علیه السلام به وسیله نایبان خاصی که چهار تن بودند و از جانب او تعیین شده اند، با شیعیان ارتباط داشته و جواب نامه های آن ها را به صورت کتبی و یا شفاهی می دادند. این چهار شخصیت به نواب اربعه معروف هستند که اولین آن ها شخصیت ارجمند اسلامی «عثمان بن سعید عمروی» است. عثمان بن سعید عمروی هم جزو معتمدین و دوستان نزدیک امام هادی علیه السلام بود و هم به عنوان دوست نزدیک و صمیمی و مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود و بعد هم امام زمان او را به عنوان اولین نایب خاص خودشان و رابط بین خود و شیعیان قرار دادند، به گونه ای که جواب سؤالاتی را که شیعیان از امام زمان می خواستند بپرسند، می گرفتند و مشکلاتی را که امّت اسلامی داشتند به این واسطه حل می کردند.

بعد از عثمان بن سعید عمروی، پسرش که او هم از شخصیت های بسیار با ارزش اسلامی است، به نام محمدبن عثمان بن سعید عمروی دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام شد. نماینده سوم امام زمان هم «حسین بن روح» بوده است و آخرین نماینده امام زمان به نام علی بن محمد سمری است که مجموعاً مدّت نیابت این چهار نایب که با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند ۶۹ یا ۷۴ سال طول کشید. این غیبت را به عنوان غیبت صغری می دانیم.

غیبت کبری امّا غیبت کبری، تقریباً شش روز قبل از آن که

علی بن محمد سمری وفات نماید توقیع مبارکی از جانب امام زمان علیه السلام دریافت کرد که با تمجید و تحسین از او به او خبر داد که حداکثر پس از شش روز از دریافت نامه از دنیا خواهی رفت و دیگر بعد از تو نایب خاصی که به عنوان رابط معیّن میان من و شیعیانم باشد تعیین نمی شود، بلکه ویژگی های عمومی را در اختیار قرار داد که هر کسی که دارای این ویژگی ها باشد او حجت من بر شیعیان است و من حجت خدا هستم.

از لحظه ای که آخرین نماینده خاص امام زمان علیه السلام به لقاءاللّٰه پیوست تا امروز و تا روزی که امام زمان علیه السلام از پس پرده غیبت بیرون آید، به عنوان غیبت کبری محسوب می شود. در زمان غیبت کبری، رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فرد خاصی نیست. هر کسی ادعا کند من به عنوان نایب خاص امام زمان علیه السلام هستم و او را مشاهده کردم، بنابر توقیع امام علیه السلام چنین مردی دروغگو است و قطعاً حرفش صحت ندارد، بلکه با ویژگی هایی که امام زمان علیه السلام دادند، از میان فقهای جامع الشرایطی که تحت عنوان روات احادیث و اسلام شناس است آن را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام و حجت ایشان بر خودمان می دانیم و تا روزی که امام علیه السلام در پس پرده غیبت بمانند رابط بین ما و امام زمان علیه السلام فقها و مجتهدین واجد شرایط هستند و در عصر حاکمیت حکومت اسلامی و نایب امام زمان علیه السلام و حاکم بر مردم، ولی امر مسلمین و ولی فقیه است که ما او را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام

می شناسیم و اطاعت او را اطاعت از امام زمان علیه السلام می دانیم.

در بیان دیگری که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است، هر کسی فقها را رد کند و دستور آن ها را نپذیرد و حرف آن ها را زیر سؤال ببرد و اصالت برای حرف آن ها قائل نشود، همانند کسی است که امامان معصوم علیهم السلام را قبول ندارد. در حدیث امام صادق علیه السلام که فرمودند: «الراد علیهم کالراد علینا»(۳۵) مَثَل کسانی که فقها را رد نمایند مَثَل کسانی است که ما را رد می کنند؛ بنابراین بین دستورات فقها و مجتهدین با دستورات امام زمان علیه السلام پیوند خورده است.

و ما در عصر حاکمیت نظام مقدّس جمهوری اسلامی، فقیه عالیقدر و ولی امر مسلمین را به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام می دانیم و اطاعت از دستوراتش را به منزله اطاعت از امام زمان علیه السلام تلقی می کنیم.

خداوند به برکت وجود امام زمان علیه السلام و به دعای خاص آن حضرت علیه السلام پرده از رخسار دلربای او بر کشد و چشمان ما را به جمال دل ربایش روشن گرداند و به وسیله او مظلومیت جهان اسلام پایان پذیرد و دل های مؤمنین شاد و اولیای خدا عزیز و دشمنان دین خدا ذلیل و خوار گردند، ان شاء اللَّه.

شرح غیبت صغرا و کبرای امام زمان«ع»

اشاره

مسأله غیبت امام زمان علیه السلام یک امر تازه و نویی که پس از تولد او در عقیده شیعه مطرح شده باشد نیست، بلکه از ابتدای اسلام و رسالت نبی مکرم صلی الله علیه وآله به عنوان یکی از مسائل عقیدتی مطرح بود.

از آیات قرآن کریم و نیز روایاتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، کراراً درباره غیبت

امـام زمان علیه السـلام و ظهور آن حضـرت و حکومت جهانی و دینی او بحث به میان آمـده است که در این فرصت کوتاه به آیات و روایاتی که در این باره آمده است توفیق پرداختن نیست، فقط به نقل یک روایت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله اکتفا می کنم.

جابر بن عبـداللّه انصاری می گویـد: من درباره فایـده وجود مقدّس امام غایب از رسول خداصـلی الله علیه وآله سؤال کردم: یا رسول اللّه! امامی که شـما به عنوان امام غایب و یکی از اوصـیا و آخرین وصـی خودتان مطرح می فرماییـد، چه فایده ای برای امّت اسلامی در زمان غیبت دارد؟

رسـول خداصـلی الله علیه وآله در جـواب من فرمـود: «والـذی بعثنی بـالنّبوه إنهم لینتفعـون به ویستضـیئون بنور ولا ـیته فی غیبته کانتفاع الناس بالشمس وإن جللها السحاب؛(۳۶) قسم به آن خـدایی که مرا به نبوّت مبعوث کرد، همانا مؤمنین در زمان غیبت امـام زمـان از ولا ـیت و نور ولایت برخوردارنـد و از نور ولایت او کسب نور می کننـد مثل برخورداری مردم از نور خورشـید است، هر چند در پس ابر باشد».

چگونه وقتی که خورشـید در پس پرده ابر وجود دارد همه مردم از آن بهره می گیرند و از تشـعشات آن استفاده می کنند و از جـذابیت های آن برخوردارنـد و از فوایـدی که خـدا در خورشـید قرار داده، همه بهره مند می شوند، مؤمنین هم در زمانی که امام عصرعلیه السلام در پس پرده غیبت قرار گرفت از نور ولایت او همانند خورشید پشت ابر برخوردارند.

بـا این حـدیث، مفـاهیم زیـادی را می توان اسـتفاده نمود. نکته مورد نظر این است که در زمـان پیـامبر اکرم علیه السـلام بحث غیبت امام زمان و فایده امام علیه السلام برای

مؤمنین مطرح بوده و رسول خداصلی الله علیه وآله خود این موضوع را تبیین و تشریح فرمودند.

از قول ائمه معصومین علیهم السلام هم در کتب معتبره روایات زیادی در باب غیبت وارد شده است که باید به مصادر و مآخذ آن مراجعه شود.

درباره غیبت امام زمان علیه السلام همان طور که قبلاً اشاره شد به دو غیبت عقیده داریم؛ یکی غیبت صغری است که اگر از زمان ولادت امام زمان در نظر بگیریم تا وفات آخرین نایب امام زمان علیه السلام یعنی علی بن محمد سمری، ۷۴ سال است و اگر از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام که آغاز امامت امام زمان علیه السلام است محاسبه شود ۶۹ سال می شود.

از زمان وفات علی بن محمد سمری که آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام بود تا امروز، به عنوان غیب کبری نام دارد.

یک سؤال

سؤالی که اینجا مطرح است و شاید به ذهن بیاید این است که غیبت کبرای امام زمان علیه السلام چند سال است؟ آیا می توانیم پیش بینی کنیم که امام زمان علیه السلام تا چه زمانی در پس پرده غیبت خواهد بود و کی ظهور خواهد کرد؟

جواب این است که هیچ کسی این موضوع را نمی داند، حتی در روایاتی آمده که خود امام زمان علیه السلام هم دقیقاً نمی داند و سفارشاتی که شده این است که ما از خدا ظهور و فرج امام زمان علیه السلام را مسئلت کنیم، یعنی کسی نمی داند پایان غیبت کبری چه زمانی خواهد بود.

اینجاست که بعضی از افراد مخالف و تضعیف کنندگان عقاید حقّه و یا افراد سودجو و شایعه پراکن و یا مخالف دین و ولایت و امامت، هر از گاهی حرف هایی را شایع می کنند و

بر سر زبان ها می اندازند، چیزهایی را می نویسند و دست به دست می کنند و می گویند مثلاً فلان کس خواب دید که امام زمان علیه السلام کی و کجا خواهد آمد. این ها هیچ کدام قابل قبول نیست و کسی نمی داند امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور خواهد کرد. اسحاق بن یعقوب نقل می کند که محمدبن عبداللّه عمری به امام زمان علیه السلام نامه ای نوشت و حضرت در جواب آن فرمود: «فإنّه إلی اللّه وکذب الوقّاتون؛(۳۷) امر آن به دست خداست. و هرکس برای آن زمان تعیین کند دروغگو است».

غیبت کبرای امام زمان علیه السلام آغازش زمان وفات آخرین نماینده ایشان، علی بن محمد سمری است و پایانش تا زمانی است که خداوند اراده فرماید و پرده از رخسارش بگیرد و او را به عنوان امام ظاهر به حضور بیاورد و همه از وجود مبارکش برخوردار شوند که خداوند ان شاء اللّه در ظهور او تعجیل فرماید و دنیا را از حکومت ایشان برخوردار گرداند.

روایاتی که در باب زمان ظهور امام زمان علیه السلام است زیاد است؛ از جمله:

توقیعی است که امام زمان علیه السلام به آخرین نایبش داده اند؛ یعنی نامه ای که امام زمان علیه السلام قبل از وفات آخرین نایبش، علی بن محمد سمری به او نوشت و در آنجا اشاره فرمود: «فقد وقعت غیبه التامه فلا ظهور إلّا بعد اذن اللّه عزّوجلّ بعد طول الامد وقسوه القلوب وامتلآء الأرض جوراً؛(۳۸) غیبت کبری آغاز شد، این غیبت پایان نمی پذیرد مگر بعد از اجازه خداوند، مگر پس از آن که زمان درازی فاصله شود و دل ها در برابر پذیرش حق و خدا، سخت و سنگین شود و زمین از ظلم و جور پر گردد».

در این حدیث

می بینیم که امـام زمان علیه السـلام نمی گویـد چه موقع غیبت کبری تمام می شود بلکه می فرمایـد بسـتگی به اذن خـدا دارد. چیزی که ثـابت است طولا ـنی بودن آن است و مشـخصاتش این است که افراد جـامعه به خـاطر گنـاه زیاد و ضـعف ایمان دل هایشان برای پذیرش حق، سخت و سنگین می شود و زمین از ظلم و جور پر می گردد.

این خصوصیت و ویژگی عمومی، در دوران ظهور امام زمان علیه السلام است.

حدیثی هم از قول امام جعفر صادق علیه السـلام در همین رابطه است و وضـعیت زنان دوران ظهور را بیان می کند و مشـخص می سازد که زمان غیبت امام زمان علیه السلام بسیار طولانی خواهد بود.

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «واللّٰه لتکسـرنّ کسـر الزجاج وإن الزجاج یعاد فیعود کما کان واللّٰه لتکسـرنّ کسـر الفخار وإن الفخـار لا ـ یعود کمـا کان واللّٰه لتمحصنّ واللّٰه لتغربلنّ کما یغربل الزؤان من القمـح؛(۳۹) به خـدا قسم! همانا شکسـته می شوید مانند شکسـتن شـیشه ها و بر می گردند شـیشه ها پس از شکستن به حالت اوّل. به خدا قسم! در دوران غیبت بعضی ها شکسته می شوید مانند شکسـتن سـفال، ولی سفال بعد از شکستن به حالت اوّل برنمی گردد. به خدا قسم! در غیبت کبری که طولانی می شود انسـان هـا امتحـان و زیر و رو می شونـد، غربال می شونـد مثل، غربال شـدن دانه ها از گنـدم»؛ یعنی به قـدری فشار و تیرگی فساد و ظلم و ستم و انحراف و انحطاط زیاد می شود که انسان ها غربال شده، خوب ها و بدها از هم جدا می شوند.

طول غیبت سبب می شود که بعضی ها که ایمانشان ضعیف است ایمانشان سست شود. طبق روایات، بعضی ها کافر می شوند، بعضی ها می گویند امام زمان علیه السلام نیست، بعضی ها می گویند که آمد و رفت، بنابراین

از این روایات استنباط می شود که غیبت کبرای امام زمان علیه السلام طولانی است و الآن هم می بینیم که بیش از هزار و صد سال از غیبت امام زمان علیه السلام می گذرد و بسیار طولانی شده است.

نکته ای که امام صادق علیه السلام در این حدیث فرمود، این است که دو نوع شکستن را بیان فرمود: یک نوع شکستن شیشه و یک نوع شکستن سفال، شاید منظور این باشد که بعضی از مؤمنین در زمان غیبت طولانی امام زمان علیه السلام فساد و تباهی و جرم و جنایت و تمایلات به مادیات دنیا، آن ها را از ایمان بر می گرداند. درست مثل این که ظرف شیشه ای می شکند، ایمانشان می شکند امّا بعد توبه می کنند و به حالت اوّل بر می گردند و ایمان را قبول می کنند. امّا بعضی از مؤمنین به دلایل مختلف، ضعف و سستی در ایمان آن ها ایجاد شده، ایمانشان شکسته می شود و دیگر به حالت اوّل بر نمی گردند و بی ایمان خواهند مرد.

این است که باید در زمان غیبت، شدیداً از ایمان خود حفاظت کرده مبادا که ایمانمان شکسته شود و اگر خدای ناخواسته در جایی ضعفی ایجاد شد باید دقت کرد که ان شاء اللّه این ضعف جبران شود و دل هایمان در راه اعتقاد به امام زمان علیه السلام و ارادت به آن حضرت و ولایت آن امام محکم و مستحکم بماند.

طرح سؤالی دیگر

نکته ای که خوب است در اینجا به اختصار به آن اشاره کنیم این است که چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ آیا خدا نمی خواهد این ملت و این امّت، در عصر غیبت کبری دارای امام باشند که در حضور و ظهور باشد؟ یا خود امام زمان علیه السلام علاقه به حاکمیت

و حضور خودشان ندارند؟

هیچ یک از این دو نظر درست نیست؛ زیرا اولاً خداوند با این لطفی که به بندگان خود دارد، در هیچ عصر و زمانی بندگان خود را از امام حاضر محروم نمی کند که خود یک بحث مفصلی در باب قاعده لطف و ضرورت وجود امام و رهبر در جامعه است که خداوند همه ضرورت ها و نیازهای بشر را تأمین می کند. قطعاً این نیاز اساسی را که داشتن رهبر و امام و پیشوا و قائد معصوم است، خداوند از بشر محروم نمی کند.

امّا آیا امام زمان علیه السلام دلش نمی خواهد که ظهور کند؟ قطعاً این طور نیست. بلکه امام زمان علیه السلام می خواهد در جمع مردم به صورت ظاهر و عادی حضور داشته باشد و جلوی جرم و جنایت را بگیرد و عدل خدا را اجرا کند، همچنان که ائمه دیگر این کار را می کردند، پس چرا امام زمان علیه السلام ظاهر نیست؟ چرا در پس پرده غیبت است؟ راز و رمز قضیه چیست؟

با استفاده از حدیثی از رسول خداصلی الله علیه وآله به یکی از رازهای مسئله غیبت می پردازیم.

شیخ صدوق - اعلی اللّه مقامه الشریف - در کتاب «علل الشرایع» از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرموده است: از رسول خدا راجع به امام زمان علیه السلام سؤال شد، ایشان فرمودند: «فلابد للغلام من غیبه فقیل له: ولم یا رسول اللّه؟ قال:یخاف القتل؛(۴۰) به ناچار امام زمان علیه السلام باید غیبت کند و غایب باشد پرسیدند چرا؟ فرمود: به دلیل خوفی که از شهادتش می رود امام زمان علیه السلام غایب است».

لازم است ماجراهای قبل از امام زمان علیه السلام را ببینیم و بدانیم قبل از امام زمان علیه السلام که

یازده امام دیگر بوده اند، سرنوشتشان چه شد؟

امیرالمؤمنین با آن همه زجر و شکنجه ای که دید، سرنوشتش شهادت بود، آن هم با شمشیر کسانی که به نام دین آیه ای از قرآن را تلاوت کردند و در محراب عبادت آن حضرت را به شهادت رساندند. امام حسن علیه السلام را مظلومانه شهید کردند، سیدالشهداعلیه السلام و یارانش را در کربلا به شهادت رساندند، سایر ائمه را نیز یکی پس از دیگری تا امام عسکری علیه السلام مظلومانه به شهادت رساندند و طبیعی است که امام دوازدهم هم اگر حضور می داشت او را هم به شهادت می رساندند و این چیزی است که تجربه گذشته نشان داده. دشمن که عملیات به شهادت رساندن امام علیه السلام را قبل و بعد از ولادتشان و بعد از غیبتشان آغاز کرد، تمام تلاشش را به کار برد تا دو سال بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام امام زمان علیه السلام را پیدا کند و به شهادت برسانند، پس معلوم می شود که اگر امام زمان علیه السلام حاضر بود مردم او را می کشتند، یعنی توسط همان کسانی که آمدند حکومت را گرفتند، و به دستور آن دنیاطلبان و ریاست طلبان به شهادت می رسید. و احادیث زیادی در این باب وجود دارد.

خوب از طرفی خداوند نمی خواهد مردم، بدون امام و رهبر باشند؛ یعنی لطف خدا و رحمت او ایجاب می کند که مردم امام داشته باشند. و از طرفی در میان مردم کسانی هستند که نور خدا را نمی پذیرند و می خواهند آن را خاموش کنند: «یُرِیدُونَ أَن یُطْفِؤا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ».(۴۱) این کار را در گذشته انجام دادند و خدا هم که می خواهد نور ولایتش امتداد پیدا کند؛ بنابراین یا باید

یکی پس از دیگری امـام منصوب الهی را به شـهادت برسانـند و خداونـد تـا قیام قیامت پی در پی، امام دیگری را جایگزین او کند و یا باید تمهیداتی قائل شود که مردم فاقد امام نباشـند و پیکره هستی فاقد قلب نباشد و دوام و اسـتقرار پیدا کند، از طرفی این امام هم مورد آسیب قرار نگیرد، تا زمانی که وضعیت عمومی، شایستگی اش را برای پذیرش امام اثبات کند و امام از پس پرده غیبت بیرون بیاید.

به یک مثال توجّه کنید

مثلاًـ در یـک محله ای مردم در تـاریکی شب برای رفتن به منزل و برای عبور از معبرهـا نیـاز به چراغ دارنـد؛ امّـا افرادی وجود دارنـد که مخلّـند و منافع خود را در تاریکی می بیننـد و هر چراغی را که روشن می شود می شـکنند. مسـئولی که دل در گرو مردم دارد می خواهـد تا محیط امن باشـد و مردم گمراه نشوند و راه خانه شان را پیدا کرده و آسـیب نبینند. حال اگر این افراد چراغ اوّل را شکسـتند، آن مسـئول چراغ دیگری جای آن قرار می دهـد، اگر باز هم آن را شکسـتند چراغ دیگری برایش قرار می دهد آخرالامر می بیند که این مردم خیلی بی لیاقتند همه چراغ ها را می شـکنند آیا دیگر چراغی نزند، تا مردم در تاریکی بیفتنـد؟ خوب طبیعی است که با حکمتش جور در نمی آیـد. پس چراغ را در یک جـدار و پرده قرار می دهـد تا هم نورش را برسانـد که نیازمنـدان به این نور از آن برخوردار شونـد و هم دشـمنان نور هدایت نتوانند به آن آسـیب بزنند، درست است که وقتی در جدار باشد نورش کمتر می شود امّا به هر ترتیب مانند خورشید پس ابر از آن

استفاده می کنند.طبق حدیثی که بیان شد بحث غیبت امام زمان علیه السلام چنین واقعیتی است.

در خاتمه جمله ای از مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی از کتاب تجرید الاعتقادش نقل می کنم: «وجوده لطف وتصرفه لطف آخر، و غیبته منّا؛(۴۲) وجودش نشانه لطف خداست و تصرف او در امور لطف دیگر خداست امّا موجب و علت غیبت او ما هستیم».

پس علّت غیبت را باید در مردم و جامعه بشری جستجو کرد.

امیدوارم خداوند علّت غیبت را برطرف و اسباب ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم و ما را از نعمت حضورش برخوردار نماید.

مکان زندگی امام زمان«ع»

توضیح

یکی از سؤالاتی که درباره وجود مقدّس حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام مطرح است محل زندگی امام زمان علیه السلام است که آیا جای مشخصی هست، یعنی آیا در یک نقطه ثابت و مشخص زندگی می کنند و مثل دیگر انسان ها دارای اهل و عیال و زندگی هم هستند یا خیر؟

تشکیل زندگی

در این قسمت به اختصار با تکیه بر روایات و اقوال مختلف در این مورد بحث می کنیم.

درباره نکته دوّم که آیا امام زمان علیه السلام نیز مثل سایر افراد مؤمن تشکیل خانواده داده است یا نه، دو جواب در این مورد وجود دارد:

اوّل از آنجایی که مسأله ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یکی از اساسی ترین مسائل مؤمن و سنّت نبوی است، عادتاً نباید امام زمان علیه السلام از این سنت مهم رویگردان باشد و سرباز زند، باید مثل دیگر مؤمنین بلکه به عنوان امامی که همه سنّت های الهی را انجام می دهد این امر را هم انجام داده باشد.

دوّم این که در برخی از روایات هم به این مطلب اشاره شده که امام زمان علیه السلام دارای اهل و عیال است، گرچه روایاتی هم دیده می شود که تصریح به عدم آن دارند لذا بعضی معتقدند آن حضرت ازدواج نکرده است و دلایلی برای اثبات عقیده خود ارائه می کنند.

امّا اگر امام زمان علیه السلام دارای خانواده است چگونه می شود ما این خانواده را نشناسیم؟! در این نکته بحث مفصلی است که در کتب مفصل در مورد امام زمان علیه السلام مطرح شده است که می توان به آن ها مراجعه نمود.

محل زندگی

امّا در نکته اوّل که راجع به محل زندگی امام زمان علیه السلام است؛ اشاراتی وجود دارد که به بخشی از آن اشاره می کنم.

در دعای ندبه این جمله به زبان همه افراد جاری است: «أَیْنَ اسْتَقَرَّتْ بِکَ النَّوی بَلْ أَیُّ أَرْضٍ تُقِلُّکَ أَوْ ثَری ! أَبِرَضْوی أَوْ غَیْرِها، أَمْ ذِی طُوی ! عَزِیزٌ عَلَیَّ أَنْ أَرَی الْخَلْقَ وَلا تُری وَلا أَسْمَعُ لَکَ حَسِیساً وَلا نَجْوی ؛(۴۳) ای امام زمان در کجا هستی، کدام

سرزمین تو را در برگرفته است، آیا در رضوی هستی؟ یا در غیر آنجا؟ آیا در «ذی طوی» هستی؟ برای ما بسیار گران است که همه را ببینیم ولی تو دیده نشوی و از تو هیچ نه می شنویم و نه تو را می بینیم و نه احساسی از صدای تو داریم».

این درد دلی است در دعای ندبه که به ساحت مقدّس امام زمان علیه السلام شده است؛ یعنی راجع به محل استقرار و محل زندگی ایشان سؤال می شود و جواب این است که ما نمی دانیم کجا هستی.

نکته مهمی که در ارتباط با زندگی و محل زندگی امام زمان علیه السلام در کتب تاریخی مطرح شده که بر سر زبان ها هم افتاده؛ مثلاً داستان جزیره خضراء آیا واقعاً چنین چیزی صحت دارد؟

در بعضی از کتب مثل بحارالانوار علامه مجلسی و کتاب نجم الثاقب مرحوم علامه محدث نوری و دیگر مآخذ، مطالبی راجع به جزیره خضرا وارد شده است که شرح آن را مطرح نمی کنم، امّا چیزی که هست این داستان در میان شخصیت های برجسته، موافقان و مخالفانی دارد که امام زمان علیه السلام در یک جایگاهی تحت عنوان جزیره خضرا زندگی کنند.

امّا درباره موضوع کوه رضوی یا ذی طوی در بعضی منابع، از جمله همین فراز از دعای ندبه راجع به کوه رضوی یا ذی طوی بحث به میان آمده است. آیا واقعاً حضرت در کوه رضوی و ذی طوی زندگی می کند؟

البته کوه رضوی و ذی طوی از کوه های اطراف مدینه هستند که به عنوان نقاط مقدّس به حساب می آیند و مردم به آنجا توجه می کنند. شاید وقتی هم امام زمان علیه السلام در آنجا رؤیت شده باشد، امّا به این

معنی که در آنجا زندگی کند، به صورت قطعی مورد قبول نیست.

نکته دیگری که باز در افکار عموم مطرح است، سردابی است که در کنار حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در شهر سامرا قرار دارد؛ آنجا سردابی است که اکنون آنجا را زیارت می کنند، بعضی ها فکر می کنند یا معتقدند که امام زمان علیه السلام در آنجا مخفی شده است. آیا واقعاً این طور است؟ این هم معقول و مقبول به نظر نمی رسد، البته خود سرداب به دلیل این که هم محل زندگی امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده و هم امام زمان علیه السلام در آنجا متولد شده، جایگاه مقدسی است. و یکی از مصادیق آیه شریفه است که می فرماید: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیها اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ»(۴۴) که درباره خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است و خانه ائمه معصومین علیهم السلام هم جزو مصادیق این آیه به حساب می آیند. پس شاید از جمله مصادیق آن همین جایگاه و سردابی است که در سامرا وجود دارد، امّا نه عنوان این که امام زمان علیه السلام در آنجا پنهان باشد. از این جهت این مسأله توسط صاحب نظران مورد دفاع نیست.

به هر ترتیب، نکته ای که اینجا قابل بحث است این است که آیا امام زمان علیه السلام پنهان است و در معرض دید حاضر نمی شود و یا پنهان نیست و زندگی ناشناخته ای دارد که دیگران ممکن است او را ببینند ولی او را نشناسند؟

از روایات در این باب هر دو نظر را می توان دریافت، امّا آنچه را که غالب روایات و نظرات به آن توجه دارند این است که امام زمان علیه السلام

از دیـد همـه پنهـان نیسـت، امـام زمـان علیـه السـلام به آن معنی غـایب نیست، به تعـبیر حضـرت آیت اللّٰه حسن زاده آملی که فرمودند «ما غاییم، او غایب نیست» او هر وقتی که بخواهد می تواند هر کجا و هر کسـی را ببیند، این ما هستیم که نمی توانیم هر وقتی که اراده کنیم او را ببینیم.

در دعای نـدبه می خوانیم: «بنفسـی أنت من مُغَیّبٍ لم یخلُ منا، بنفسـی أنت من نازحٍ ما نزح عنّا؛ جانم فـدایت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت ای دور از نظری که از ما دور نیست».

بنابراین امام زمان علیه السـلام غایب به معنی پنهان از انظار همه نیست، بلکه پنهان از انظار بعضی ها زندگی ناشناخته ای دارد که در جمع هست امّا جمع او را احساس نمی کنند و او را نمی بینند و یا او را می بینند و نمی شناسند.

حال در این باب روایتی را خدمت شـما مطرح می کنم. در یک جمله ای، دومین نایب خاص امام زمان علیه السـلام این گونه توضـیح داده است: «واللّٰه! ان صاحب هذا الأمر یحضـر الفرائض کل سـنه، فیری الناس یعرفهم و یرونه و لایعرفونه؛(۴۵) به خدا قسم صـاحب الامر امام زمان علیه السـلام در همه مراسم هر ساله (ظاهراً منظورش مراسم حـج باشـد) حضور پیـدا می کنـد، او مردم را می بیند و مردم را می شناسد، امّا مردم او را می بینند ولی او را نمی شناسند».

بـا توجه به این جمله، امـام زمان علیه السـلام در میان مردم حضور پیـدا می کنـد، امّا مردم او را نمی شناسـند، منتها نه در جای معین و مشخص که در این باره حرف ها و احادیث و اخبار فراوانی وارد شده است.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می فرمایند: «إن

للقائم غیبتین یرجع فی إحداهما والأخری لا یدری أین هو یشهد المواسم یری الناس ولا یرونه»(۴۶).

این حدیث می گوید: امام زمان علیه السلام دو غیبت دارد؛ در یک غیبت بر می گردد. ظاهراً همان مسأله غیبت صغری است و در غیبت دیگر امام زمان علیه السلام را نمی بینند، او مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند، در مراسم حضور پیدا می کند، اگر هم خداوند بخواهد قدرت دید مردم را می گیرد، به گونه ای که او در جمع باشد و او را نبینند. به هر ترتیب چیزی که می شود بیشتر به آن توجه کرد این است که امام زمان علیه السلام در میان مردم هست، در مراسم شرکت می کند. در نقاط مختلف می رود، به زندگی عموم خصوصاً شیعیان خودش اشراف دارد و هیچ چیز از نظرش پنهان نیست، امّا در جایگاه های مقدّس و مشاهد مشرفه رفت و آمد زیادی می کند و در شهرهایی؛ مانند مکّه، کربلا، نجف، سامرا و همه مکان های مقدسی چون مسجد جمکران، مسجد سهله، مسجد کوفه توسط کسانی که لیاقت رؤیت او را داشته باشند، زیاد دیده می شود.

در کتاب غیبت نعمانی روایت دیگری هم که ابوحمزه ثمالی از قول امام صادق علیه السلام یا امام باقرعلیه السلام نقل می کند، می گوید: امام زمان علیه السلام غیبتی دارد که ناگزیر است از این غیبت و زندگی سرّی و ناشناخته، و در جای معینی هم زندگی نمی کند. امّا در پایان این حدیث این جمله است که: «مدینه جای خوبی است».

از این حدیث می توان فهمید، جایی که آن حضرت بیشتر مواقع حضور پیدا می کند و یا به صورت ناشناخته زندگی می کند «مدینه طیبه» است؛ یعنی مدینه النبی صلی الله علیه وآله.

بنابراین بر حسب اعتقادی که

داریم، امام زمان علیه السلام را ناظر بر همه امور و مشرف بر همه مکان ها می دانیم و چیزی نمی تواند جلوی اطلاعات امام را بگیرد تا اطراف و اکناف عالم از زیر دید و اشراف اطلاعات و علم امام زمان علیه السلام مخفی بماند.

ایشان در همه جا حضور دارند اما نه به معنای حضور مادی بلکه اشراف دارد و هر جایی هم که بخواهد حضور پیدا کند، محدودیتی ندارد و ما باید همه جا خودمان، اموالمان و رفتارمان را حفظ کرده و مجالس و معابر، مراسم مذهبی و محیط زندگی خودمان را به گونه ای بسازیم که این لیاقت را داشته باشیم تا وجود مقدّس امام زمان علیه السلام هم اگر حضور ناشناخته ای پیدا کرد ان شاء اللّه از رفتار و حالات و اخلاق و اعمال و وضعیت جامعه ما راضی باشد و قلب مقدّسش از همه ما خشنود گردد.

از جمله جاهایی که امام زمان علیه السلام حضور پیدا می کند و حضور دائمی دارد و مستمراً می رود، کربلای اباعبداللّه الحسین علیه السلام است و این طبیعی است.این یکی از ظلم هایی است که دل امام زمان علیه السلام را داغدار کرده و همیشه انتظار دارد خداوند پرده از رخسارش برکشد تا این مظلومیت را از دنیا برطرف کند و همچنین مظلومیت جدّه سادات حضرت زهراعلیها السلام که مظلومه بزرگ تاریخ است.

امام زمان علیه السلام از جمله اقداماتی که پس از ظهورش انجام می دهد، گرفتن انتقام از دشمنان حضرت زهراعلیها السلام است. برای این که یکی از القابشان منتقم است و انتقام خون به ناحق ریخته حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام و انتقام مظلومیت حضرت زهراعلیها السلام را خواهد گرفت.

آیا هیچ مظلومی، مظلوم تر از صدیقه طاهره علیها السلام

هست؟ با آن همه توصیه های خداوند در قرآن کریم به امّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «قُل لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛(۴۷) «ای پیامبر! بگو جز محبّت نزدیکانم، اجری و مزدی از شما نمی خواهم».

از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله که نسبت به حرمت خاندانش توصیه اکید می فرمود چند روزی بیشتر نمی گذرد که درب خانه وحی و رسالت و خانه امامت و ولایت به آتش کشیده می شود و یگانه دختر رسول خدا و یادگار مصطفی به جرم دفاع از امامت و ولایت به شهادت می رسد واین امام زمان علیه السلام است که باید انتقام این مظلومه را بگیرد.

موضوع طول عمر امام زمان«ع»

اشاره

در سلسله مباحث پیرامون وجود مقدّس امام عصر - ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا - به موضوع طول عمر امام زمان علیه السلام اشاراتی خواهم داشت.

اصل موضوع بسیار مهم است و باید بحث گسترده ای درباره آن انجام بگیرد، امّا به دلیل محدودیت فرصت اشاراتی به این مطلب دارم.

پیشینه بحث طول عمر امام زمان علیه السلام

اولین نکته این که، بحث طول عمر امام زمان علیه السلام و طولانی شدن غیبت آن حضرت، بحثی است که در آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السلام در جامعه مطرح بوده و علما به آن پرداخته اند. نشانه این مطلب، که این بحث، تاریخی است و از آغاز غیبت کبری مطرح بوده، نوشتن کتاب هایی است پیرامون این مطلب؛ از جمله کتاب «غیبت نعمانی» که توسط مرحوم شیخ مفید برای تبیین و توضیح و توجیه طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام نوشته شده است و اولین کتاب در این زمینه است. تقریباً در سن هشتاد و چند سالگی امام زمان علیه السلام این کتاب به رشته تحریر درآمد؛ یعنی وقتی که امام زمان علیه السلام هشتاد و چند ساله بودند، کتاب «غیبت نعمانی» نوشته شد که در آن راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث های مستدلّی شد.

بعد از نعمانی، مرحوم شیخ صدوق تقریباً حدود صد و شصت و چند سالگی عمر امام زمان علیه السلام کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» خودش را درباره امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآورد و در آنجا راجع به طول عمر امام زمان علیه السلام بحث کرد.

یا کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی در حدود صد و نود سالگی امام زمان علیه السلام نوشته شد و در آنجا مباحث مبسوط و مستدلی راجع به امکان طولانی بودن عمر

امام زمان علیه السلام و قابل دفاع بودن آن را آورد.

این اقـدامات بیـانگر این است که در آغاز غیبت کبرای امام زمان علیه السـلام هم سؤالات و اشـکالاتی راجع به طول عمر امام که در پس غیبت است مطرح بوده و علما در این راه به استدلال و اثبات این قضیه پرداختند.

حالاـ در این فرصت کوتـاه از سه جهت، بحث طول عمر امـام زمان علیه السـلام را مطرح می کنم که یک عمل کاملاً ممکنی است و امر محالی نیست:

اوّل از نظر علمی، دوّم از نظر تاریخی، سوم با تکیه بر اعتقادات دینی و قدرت الهی.

۱) از نظر علمی؛

طول عمر بشر محدود به حدّ معینی نیست که بگوییم علم می گوید بشر به گونه ای است که مثلاً دویست سال بیشتر عمر نمی کند.

علم این حرف را نمی زنـد، بلکه در مسائـل علمی راجع به طول عمر بشـر بحث هـایی می شود که معطوف به این معناست که مرگ انسان به دلیل حوادث یا نقص هایی است که در جهت تأمین نیازمنـدی های بـدن ممکن است ایجاد شود و حیات پایان می پـذیرد و مرگ آغـاز می شود؛ یعنی اگر بشـر بتوانـد از طریق علمی عوامـل صـحت و عافیت بـدن و عوامل تخریب کننـده صحت و سـلامتی بدن را شـناسایی نماید و دسـتور صـحت را به کار ببرد، امکان این هست که بتواند هزار سال و بیش از آن، عمر طولانی داشـته باشـد. دلیلش این است که می گویند در قرن شانزدهم، متوسط عمر انسان ها در اروپا ۲۱ سال بود در قرن هجدهم ۲۶ سـال و در قرن نوزدهم ۳۶ سال و اوایل قرن بیستم، ۵۰ سـال و الآـن در اروپا میانگین عمر تقریباً هفتاد سال است. چرا؟ برای این که

اطلاعات علمی درباره مسائل بهداشتی، صحت و تأمین نیازمندی ها و عوامل تخریب کننده سلامت جسم و روان بالا رفت.

وقتی قوانین بهداشتی تن و روان، اصول تغذیه و امور تأمین کننده راحتی های جسمی، روحی و روانی رعایت شود، طبعاً می توانند از عمر بیشتری برخوردار شوند.

یکی از دانشمندان اروپایی(۴۸) می گوید: همچنان که امروز بشر توانسته دیوار صوتی را بشکند، محدودیت عمر بشر هم مثل دیوار صوتی می ماند و قابل شکستن است و روزی این محدودیت برطرف می شود. یعنی بشر می تواند با بالا بردن سطح اطلاعات علمی خودش، دیوار محدودیت های عمر را بشکند و عمر طولانی داشته باشد. نه در حد پنجاه و شصت سال، بلکه می تواند عمر بسیار طولانی بکند.

باز یکی از دانشمندان انگلیسی در تحلیلی که انجام داده می گوید: دانشمندان با تحقیقات و بررسی های همه جانبه توانسته اند که عمر بعضی گیاهان و یا بعضی از حیوانات را تا نهصد (۹۰۰) برابر افزایش دهند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که همین کار را اگر روی انسان انجام بدهیم، می توان میانگین عمر که حالا هفتاد سال است را تا نهصد (۹۰۰) برابر افزایش داد.

از نظر علم، طول عمر یک امر محالی نیست، پس علم هرگز نمی گوید یک انسان محال است دو هزار سال یا سه هزار سال عمر کند. این عمر از نظر علم، امر محالی نیست بلکه تحقیقات علمی نشان می دهد که این امر، امری ممکن است و می شود انسان با بالا بردن آگاهی های لازم خودش در زمینه های مختلف تأمین سلامت جسم و روان و شناسایی عوامل مختل کننده و فرسوده کننده بدن و روان، عمری طولانی داشته باشد.

عوامل مؤثر در طول عمر

حالا چه عواملی برای طول عمر

مؤثر است، به چند عامل اشاره می کنیم:

عامل اوّل از مهم ترین عواملی که باعث فرسودگی بدن انسان می شود مشکلات روحی و روانی است.

اگر ما بتوانیم آرامش روحی خودمان را تأمین کنیم طبیعی است که از فرسودگی جسم ما هم جلوگیری می شود، به این نشانی که شما الآن علما و دانشمندان به خصوص علمای دینی را در نظر بگیرید، مراجع عظام تقلید، چه آن هایی که در گذشته زندگی می کردند و به جوار رحمت حق رفتند یا آن هایی که الآن زندگی می کنند که خداوند وجودشان را سلامت بدارد معمولاً سنشان بین ۹۰ تا ۱۰۰ سال یا بین ۸۰ تا ۹۰ سال است و معمولاً عمر طولانی دارند و علتش این است که آن ها از چیزهایی که معمولاً انسان را فرسوده می کند اجتناب می کنند، نگرانی روحی و روانی زیادی ندارند و آرامش روحی دارند، به ذکر و یاد خدا و با فهمیدن حقایق خودشان را آرام می کنند. در زمینه تغذیه و مسائل غریزی تعادل را رعایت می نمایند، در نتیجه عمرشان طولانی می شود.

عامل دوّم عامل دوّم مسأله تغذیه است، تغذیه اگر سالم باشد و جامع، به اندازه باشد نه زیاد و نه کم، و از نظر محتویات و ترکیبات غذا، تأمین کننده نیاز بدن باشد طبعاً در تأمین سلامتی بدن مؤثر است. یکی از چیزهایی که در گذشته باعث مرگ و میر زیاد می شد و اکنون نیز در بعضی از جوامع همچنان وجود دارد، سوء تغذیه است. بی غذایی یا بد غذایی یا زیاده روی در غذا و عدم دسترسی به غذای سالم همه مؤثّر است.

اگر علم بتواند جامعیت غذا یعنی نیاز بدن و نظر غذایی بدن را شناسایی کند و

حدّش را مشخص و تنظیم نماید، یکی از راه های تأمین کننده سلامتی بدن و طول عمر است.

عامل سوّم عامل دیگر، محیط زندگی است. محیط می تواند در بردارنده مسائل بهداشت های مادی و روانی و مسائل مختلف آب و هوایی و موقعیت های اجتماعی باشد.

اگر محیط زندگی انسان محیطی باشد که منطبق با موازین علمی و سلامتی بدن باشد، در تأمین سلامتی و در طول عمر بشر بسیار مؤثر است. مناطقی که انسان ها در گذشته زندگی می کردند، مناطقی ییلاقی و روستایی بوده، محیطی سالم از نظر روحی، روانی، آرامش، هوا و فضا لذا عمری طولانی تر نسبت به کسانی که در جاهای دیگر زندگی می کردند و از این امتیازات برخوردار نبودند، داشته اند.

این ها نشانه های صحت این ادعاهاست.

عامل چهارم شرایط کاری و نوع شغل هم می تواند عامل موثر در تأمین سلامتی باشد. البته مسائلی دیگر از قبیل ورزش و سایر امور هم بسیار مهم است. شناسایی عوامل تخریب کننده صحت بدن هم بسیار کارساز است.

آمار مرگ و میر را در میان نوزادان گذشته ملاحظه کنید که چقدر بالا بود. در گذشته معروف بود که اگر بچه اوّل می مرد به عنوان دلداری می گفتند روی بچه اوّل نباید حساب کرد، امّا امروز در کشور ما آمار مرگ و میر نوزادان بسیار کم شده است و علم جلوی مرگ و میرهایی را که قرار نیست اتفاق بیفتد گرفت و از نظر علمی در این مورد مخالفتی نیست.

۲) از نظر تاریخی کتاب های فراوانی در رابطه با اثبات امکان مسأله طول عمر و اثبات طولانی شدن عمر مقدّس امام زمان علیه السلام به رشته تحریر درآمده است که معمّرین را در طول تاریخ شناسایی کردند: افراد نهصد

سال و هشتصد سال و بیش از آن را احصا نمودند. در تورات افراد زیادی را نشان دادند که عمرشان را هشتصد سال، نهصد سال، نهصد و اندی سال، ششصد سال ذکر کردند.

در قرآن کریم مدت رسالت و ابلاغ شریعت و تبلیغ حضرت نوح را ۹۵۰ سال ذکر فرموده است.

پس طول عمر امر محالی نیست و در تاریخ به مصادیق زیادی برخورد می کنیم که ۲۵۰۰ سال عمر داشتند.

بعضی از کتاب هایی که در ارتباط با معمّرین نوشته شده، عمر بعضی از افراد از صد تا چهار هزار سال هم ذکر کردند که در دنیا زندگی کردند؛ بنابراین از نظر مصداق های خارجی امر محالی نیست که یک انسان بتواند چندین هزار سال در این دنیا زندگی کند واین در حالی است که امام زمان علیه السلام هنوز به هزار و پانصد سال هم عمرشان نرسیده است که خداوند ان شاء اللّه در ظهور مبارکش تعجیل فرماید.

۳) از نظر قدرت الهی و اعتقادات آیا خداوند متعال می تواند یک انسان را تا هر مقدار که بخواهد زنده نگه دارد یا خیر؟ آیا طول عمر امام زمان علیه السلام امر محال ذاتی است؟ پس در برابر قدرت خدا کاملاً ممکن است. قدرت مطلقه خداوندی به امری که جزو محالات عقلی نیست ممکن است تعلق بگیرد و می بینیم که خداوند در ارتباط با مسأله حیات و ممات به یکی از پیامبرانش این قدرت را داد که عصای چوبین را تبدیل به حیوان زنده نماید.

حضرت موسی علیه السلام با تکیه بر قدرت الهی، عصایش را به اژدها تبدیل کرد. حضرت عیسی علیه السلام به اذن الهی، مرده را زنده می کرد. خدا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله

این قـدرت را داد که سـنگریزه در دست او به حرف بیایـد و خـدا را تسبیـح گوید. خدا می تواند عوامل تخریب کننده و علت مرگ و میر را از بین ببرد. حضـرت ابراهیم علیه السـلام را در آتش می اندازنـد امّـا آتش ابراهیم علیه السـلام را نمی سوزانـد: «قُلْنا يا نارُ كُونِى بَرْداً وَسَلاماً عَلى إِبْرَاهِيمَ».(۴۹)

دشـمنان حضـرت عیسـی علیه السـلام خواسـتند او را به شـهادت برسانند خداوند به قدرت خود شخصـی را به شـکل و قیافه او درآورد و حضرت عیسی علیه السلام را از چنگال آن ها نجات داد و به آسمان ها برد و همچنان زنده نگه داشته است.

خداونـد در قرآن کریم می فرمایـد: «... وَما قَتَلُوهُ وَما صَـلَبُوهُ وَلكِنْ شُـبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِى شَكٍّ ـمِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبـاعَ الظَّنِ ـوَما قَتَلُوهُ يَقِيناً * بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ»؛(۵۰) «و گفتارشان که: «ما، مسـیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشـتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آن ها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شـک هسـتند و علم به آن ندارنـد و تنها از گمان پیروی می کننـد؛ و قطعاً او را نکشـتند بلکه خداونـد او را به سوی خود بالا برد!».

و نیز درباره حضـرت یونس علیه السـلام قرآن کریم می فرماید: «فَلَوْلا أَنَّهُ كانَ مِنَ الْمُسَـبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِى بَطْنِهِ إِلى يَوْم يُبْعَثُونَ». (۵۱) یعنی اگر حضـرت یونس در شـکم مـاهی تسبیـح خـدا نمی کرد و نمی گفت «أَنْ لاـ إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُـبْحانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ» خداوند می فرماید او را تا روز قیامت در شکم ماهی (زنده) نگاه می داشتم، پس با قدرت

خدا امکان زنده ماندن در شکم ماهی که همه چیز را هضم می کند امکان پذیر می شود.

بنابراین، خداوند درباره انبیای خود، اموری را که محال عادی بودند، محقق ساخته است. بر همین اساس درباره امام زمان علیه السلام نیز امر غیر عادی را عملی می سازد و با تعلق اراده مطلقه اش، وجود مقدّس امام زمان علیه السلام را نگه می دارد تا وقتی که خودش بخواهد، پرده از رخسارش بردارد و چشمان مشتاقان را به جمالش روشن می نماید.

با توجه به راه های سه گانه مورد بحث، طول عمر امام زمان علیه السلام قابل قبول و کاملاً ممکن است؛ زیرا امام عصرعلیه السلام از نظر علمی و برخورداری از دانش در زمینه های مختلف در بالا-ترین سطح قرار دارد و علم او متصل به علم الهی است و اگر قرار باشد با اطلاع از عوامل تأمین کننده سلامت و در امان بودن از عوامل کهولت و فرسودگی و آسیب پذیری از نعمت طول عمر برخوردار شود، امر محالی نخواهد بود. بنابراین از جهت علمی و از جهت دینی و از جهت مصادیق خارجی این یک امر کاملاً ممکن و از نظر ما امر یقینی و قطعی است و امیدوارم که خداوند به عنایات و لطف خودش و به دعای امام زمان علیه السلام چشمان همه ما را به زودی به جمال دل آرای امام زمان علیه السلام روشن بفرماید.

انتظار فرج، اعتقاد مشترک پیروان مکاتب

توضیح

در ادامه بحث پیرامون وجود نازنین امام عصرعلیه السلام به اختصار درباره انتظار بحث می کنیم. انتظار موعود جهانی و مصلح عالمی، عقیده عمومی و همگانی است و منحصر به پیروان مکتب تشیّع نیست، بلکه همه مکاتب الهی و غیر الهی بر این باورند که پایان کار هستی به حاکمیت

عدل و قسط منتهی خواهد شد. در این قسمت قبل از این که به بحث انتظار از دیدگاه تشیّع بپردازیم، نکاتی را پیرامون عقیده اقوام و ملل مختلف درباره منجی جهانی، عیناً از روزنامه جمهوری اسلامی نقل می کنیم.(۵۲)

«اَلسَّلامُ عَلی مَهْدِیِّ الْأُمَمِ وَجامِعِ الْکَلِمِ» سلام بر مهدی علیه السلام که امّت ها از او سخن گفته اند، هم او که همه افکار و اقوام را متحد می کند و زیر یک پرچم گرد می آورد.

با مطالعه در فرهنگ و اعتقادات جوامع مختلف انسان به این نتیجه می رسیم که اعتقاد به وجود یک مصلح جهانی (فتوریسم) در همه جوامع وجود داشته و اکثر ملل، این اصل را باور دارند که روزی، حامی ضعیفان خواهد آمد و داد آن ها را از ستمگران و گردن کشان خواهد گرفت. این باور نه تنها در پیروان ادیان آسمانی، بلکه در بین مردمی که پیرو آئین های سنتی و بومی هم هستند، مطرح می باشد و تنها فرقی که این اعتقادات و باورها با هم دارند، نام آن مصلح و موعود است.

مثلاً در آئین بودایی این مصلح دادگر «بودای پنجم» و در کتاب های هندوئیزم «فرخنده» و در اوستا، نام وی «سوشیانت» است. با توجه به این اعتقادات و باورها در بین امّت های مختلف، فرازی از زیارت آن حضرت که در بالا آمده است، نمود پیدا می کند. به عبارت دیگر این مصلح بزرگ نه تنها به شیعه یا مسلمانان، بلکه به همه جهان و امّت های مختلف با ایده ها و باورهای گوناگون تعلق دارد، هر چند که هر امتی او را با یک نام صدا می کند. بدیهی است با ظهور ایشان تمام اسامی مختلف و باورهای مختلف، همه در یک اسم و

یک اعتقاد، متجلّی خواهند شد.

بی مناسبت نیست مطلبی را در این زمینه در اختیار آن دسته از هموطنان و منتظرانی که در این رابطه خواهان اطلاعات بیشتری هستند قرار دهیم که این مطالب تحت عناوین زیر خواهد بود:

۱) انتظار برای آمدن یک مصلح و موعود در بین اقوام و امم الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می باشند.

ب: امّت هایی که فاقد دین رسمی می باشند.

پ: امّت هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند.

۲) انتظار در قرآن مجید و احادیث قدسی ۳) انتظار در احادیث چهارده معصوم علیهم السلام

۱) انتظار برای یک مصلح و موعود در بین همه امّت ها

الف: اقوامی که فاقد دین رسمی می باشند

ملت هایی که فاقد هرگونه دین، مذهب و ایدئولوژی هستند؛ مانند: سرخ پوستان اطراف کشور مکزیک و مناطق دیگر آمریکا در این گروه به حساب آورده شده اند. طبق تحقیقات انجام شده در بین این اقوام، آن ها به وجود مصلحی که در آینده خواهد آمد اعتقاد راسخ دارند که در این رابطه استاد علی دوانی در صفحه ۱۷۳ مقدمه کتاب «مهدی موعود» که ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار می باشد، مطلب زیبایی را از کتاب «ظهور و علائم ظهور» نوشته هدایت و قائمیان بیان کرده که قسمتی از آن در اینجا نقل می گردد: قسمت اعظم متن های پهلَوی هدایت درباره ظهور و علائم ظهور است و اگر روی هم رفته به متون نظر کنیم باید بگوییم که تماماً جنبه مذهبی دارند.

ظهور و علائم ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان، واجد اهمیّت خاصی است و در همه مذاهب مشترک است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذاهب بزرگ را تشکیل می دهد.

از این رو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل های خداپرستان وجود داشته است

و این آرزو تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ؛ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه های یونان، در افسانه های میترا در ایران، در کتاب های قدیم چینیان، در عقاید هندویان، در بین جزایر اسکاندیناوی؛ حتی در میان مصریان قدیم و بومیان مکزیک نظایر آن ها را نیز می توان یافت.

ب: امّت هایی که پیرو ادیان غیر آسمانی هستند

۱. هندوئیزم در آئین های هندوان و در کتاب های مذهبی آن ها، بشارت هایی در مورد دوره آخرالزمان و ظهور منجی و مصلح کل داده شده است که در اینجا از سه کتاب آن ها به نام های «مهاباراتا» «وشن جک» و «پورافه ها» اسم برده می شود.

در کتاب «وشن جک» به دوره آخرالزمان اشاره شده و این کتاب از مصلحی به نام «فرخنده» نام برده است که با آمدن او، بشریت در صلح و صفا خواهد زیست. یا در کتاب «پورانا» شرح مفصلی درباره دوره آخرالزمان یا عصر «کالی» داده است. در این کتاب نیز از مصلح بزرگ به نام دهمین «آواتارای ویشنو» یاد شده و منظور از کامی، یعنی دوره قبل از ظهور دهمین «آواتارای ویشنو» می باشد.

۲. بودائیزم آئین بودا که در قسمت شرق آسیا پیروانی دارد و هم اکنون در اکثر کشورهای این منطقه از جمله ژاپن، کره، تایوان و... پیرو آن می باشند؛ این آئین نیز به آمدن یک مصلح بزرگ بشارت داده و از این مصلح بزرگ با نام «بودای پنجم» یاد کرده است.

ج: امّت هایی که پیرو ادیان آسمانی هستند

۱. گروهی از دانشمندان اسلامی عقیده دارند، زرتشت پیامبری است که از طرف خداوند متعال برای راهنمایی انسان ها مبعوث شده است و یکی دیگر از افتخارات کشور عزیزمان ایران

در این است که زرتشت، ایرانی بوده و در ارومیه به دنیا آمـده است. کتب آن ها، کتاب اوسـتا - کتاب جاماسب نامه - کتاب زرتشت نامه - کتاب زند - کتاب داتشتان دینیک می باشد.

در این کتاب ها مصـلح جهانی با نام «سوشـیانت» عنوان گردیده و به طور کلی از سه «سوشـیانت» نام برده شده که آخرین آن ها و در عین حال که مهم ترین آن ها نیز هست «سوشیانت پیروزگر» می باشد.

۲. آئین یهودی در اکثر آثـار دینی قوم یهود، اسـفار تورات و دیگر کتـاب های پیامبران بنی اسـرائیل به مصـلح جهانی و ظهور موعود اشاره شـده و تعدادی از پیغمبران بنی اسـرائیل به قوم خود دسـتور دادند که همواره منتظر این منجی عالم باشـند که در ذیـل نمونه هـایی از این کتب خواهـد آمـد و در برخی از این کتـاب ها در رابطه با بعثت پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله واقعه غـدیر خم، واقعه جـانسوز کربلاـ علاـئم آخرالزمان و رجعت، مطالب مبسوطی بیان گردیـده است، از آن جمله: واقعه کربلا و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب اشعیا.

در کتاب «اشـعیا» آمـده است: «ای فرزنـد حبیب من! به خاطر نرسانی که در این زحمت و مصـیبت که به مصـلحت های بسـیار گرفته، من تو را فراموش کرده و خلاـص نخواهم نمود. خواسـتم که به واسـطه تو حجت ها را بر خلق تمام کنم و به این جهت تو را خلاص نکردم و چنان نـدانی که تو را فراموش کردم، بلکه اگر مادر فراموش کنـد، من تو را فراموش نمی کنم. پس این است که من تو را با دست قدرت خود در آن شهر علم انداخته بودم با ده نفر دیگر از آن شهر علم به وجود

آیند؛ دیوارها و حصارهای آن شهر خواهند بود، آنان که می خواهد نسل شما را منقطع کنند ممکن نیست که اراده خود را به اتمام رسانند، بلکه به نفاق و اعمال خود، گرفتار از دنیا خواهد رفت».

و بعد از آن اخبار می فرماید: «از آن که اولاد آن حضرت زیاد شوند که زمین برایشان تنگ شود، زمین متعلق به آن حضرت که از جور منافقین خراب و بیابان شد، آباد گرداند، دشمنان و قتله او را در دنیا نیز سخت عذاب خواهد فرمود».

در زبور حضرت داودعلیه السلام آمده است: «شریران منقطع می شوند امّا متوکلان به خدا، وارث زمین خواهند شد. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، امّا ملعونان، منقطع خواهند شد، صدیقان، وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند شد».

مطالب فوق که در زبور حضرت داوود آمده است، عیناً در قرآن مجید نقل گردیده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ».(۵۳)

باز در کتاب اشعیا آمده است: «گرگ و برّه با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو، کاه خواهد خورد».

«گرگ با برّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و میش با هم طفل کوچک آن ها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آن ها با هم خواهند خوابید».

اینک چند کتاب دیگر از کتاب های یهودیت و عهد عتیق که در آن ها مطالبی درباره موعود آمده است برای طولانی تر شدن مطلب فقط نام برده می شود:

کتاب دانیال پیامبر - کتاب حکای پیامبر - کتاب صفنیای پیامبر - کتاب حیقوق پیامبر.

۳. آئین مسیحیت در کتاب های آئین مسیحیت

نیز بشارت های زیادی، درباره موعود آخرالزمان رسیده است و آن هم به دو علت زیر می باشد:

۱ - نزدیک بودن زمان حضرت مسیح علیه السلام به زمان پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه وآله.

۲ - در ایام ظهور حضرت ولی عصرعلیه السلام حضرت عیسی علیه السلام نیز به زمین خواهند آمد. در کتاب های زیر بشارت ها و اشارت هایی در مورد آخرالزمان آمده است. که نام موعود «فراقلیط» بیان شده است:

انجیل متی - انجیل لوقا - انجیل مرقس - انجیل برنابا مکاشفات یوحنا که به عنوان نمونه به یک مورد از انجیل متی اکتفا می گردد: «پس اگر شما را کسی گوید که اینک مسیح در اینجاست یا در آنجاست، باور ننمایید؛ زیرا که مسیحیان دروغین و پیغمبران کاذب بر خواهند خاست. پس هر گاه، شما را گویند که اینک در صحراست، بیرون نروید، یا آن که در خلوتخانه است، باور ننمایید؛ زیرا که چون برق که از مشرق بیرون می آید و تا مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود. در آن وقت علامت فرزند انسان بر فلک ظاهر خواهد شد و خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمانی که با قدرت و جلال عظیم می آید. فرشته های خود را خواهند فرستاد، با صوت بلند برگزیدگانش را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک یا به طرف دیگر».

د: انتظار موعود از نظر آئین اسلام قسمت اوّل:مهدویت از نظر اهل سنت اهل سنت به این مورد که حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلافصل امام عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام شیعیان باشد اعتقاد ندارند، امّا در این که آن حضرت از نسل پیامبر و از فرزندان حضرت زهرای اطهرعلیها السلام است و زمین را

پر از عدل و داد خواهد کرد، شکی ندارند. نیز معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند، مردم در عصر ظهور آن حضرت در رفاه زندگی می کنند و عقیده دارند که امام مهدی، حسینی و از نسل اوست و خصلت های امام حسین علیه السلام در آن حضرت است. در این زمینه روایات متواتر زیادی در مآخذ اهل سنت، مثل کتب صحاح ستّه مسانید اهل سنت وارد شده است که به عنوان نمونه به گفته بعضی از بزرگان آن ها اشاره می کنم.

۱) حافظ شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری در کتاب فتح الباری که در شرح صحیح بخاری نوشته است، می گوید: «تواترتِ الاخبار بأن المهدی من هذه الأمه و ان عیسی علیه السلام سینزل و یصلی خلفه»(۵۴) یعنی در اخبار متواتر آمده است که حضرت مهدی علیه السلام از میان امّت اسلامی است و حضرت عیسی علیه السلام به زودی از آسمان نازل خواهد شد و در پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند.

۲) حافظ ابوعبداللّٰه گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ هجری قمری در کتاب «البیان» می گوید: «تواترت الاخبار و استغاثت بکثره رواتها عن المصطفی فی امر مهدی علیه السلام»(۵۵) اخبار پی در پی و فراوان از محمد مصطفی صلی الله علیه وآله درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است.

قسمت دوّم: مهدویت از دیدگاه شیعیان؛

امّا از نظر ما پیروان مکتب تشیّع، بحث انتظار موعود الهی یک امر بسیار مهم، مقدّس و قطعی است. قبل از این که به آیات و روایات پیرامون این موضوع بپردازم، این مقدمه را ضروری می دانم که بعضی از واژه های عقیدتی است که اگر مفهوم صحیح آن روشن نشود،

چه بسا در عقیده جنبه تخریبی پیدا کند و موجب انحراف در دین گردد؛ واژه هایی مانند شفاعت، تقیه، صبر که اگر به مفهوم واقعی آن پی نبریم نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه به عنوان یک انحراف در عقیده باعث تخریب اعتقادات هم خواهد شد.

یکی از این واژه ها واژه انتظار است. درباره انتظار می توان دو مفهوم قائل شد؛ یکی مفهوم منفی و دیگری مفهوم مثبت و صحیح است. مفهوم منفی انتظار در میان بعضی از پیروان عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام این گونه است که معتقدند چون پایان کار عالم به وسیله مصلح جهانی و الهی است، ما به عنوان منتظران آن مصلح و آن رهبر عدل الهی هستیم و خود هیچ رسالتی در اصلاح جامعه نداریم، بنابراین نابسامانی های اجتماعی، دینی، اخلاقی و اعتقادی و امور جهان را باید به انتظار بنشینیم تا آن مصلح الهی بیاید و به سامان برساند و ما فقط باید مواظب شخص خودمان باشیم، امّا مواظب شخصیت و رفتار جامعه و اصلاح اوضاع اجتماعی بودن کارِ ما نیست و از حدود اختیارات ما خارج است. و باید به انتظار روزی بنشینیم که با همه گیر شدن فساد در جامعه، خداوند مصلح عالم، امام زمان علیه السلام را برساند و فساد عالم را به دست او از بین ببرد و قسط و عدل را حاکم کند. بر اساس مفاهیمی که به غلط از بعضی از روایات مثلاً: «يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً» گرفته اند، می گویند: اگر ما با ظلم و فساد و جور مبارزه کنیم چه بسا باعث به تأخیر افتادن ظهور حضرت حجت علیه السلام باشیم، بلکه ما

نباید کاری به این کارها داشته باشیم اصلاً از حدود اختیارات ما خارج است، همه چیزها را خدا به عهده او گذاشته است.

طبیعی است که چنین مفهومی نمی تواند مفهوم واقعی انتظار باشد و از مذهب و دین مترقی اسلام چنین مفهومی بر نمی آید.

حال قبل از این که مفهوم صحیح انتظار را شرح دهیم، باید راجع به اهمیّت انتظار از دیدگاه قرآن و روایات توجه کنیم تا بتوانیم مفهوم صحیح انتظار را بفهمیم. طبعاً آن مفهوم منفی و نادرستی که از بحث انتظار برداشت می کنند یک مفهوم عقیدتی و صحیح نیست. منتظر بودن به معنای دست روی دست گذاشتن و فقط به خود پرداختن و به دیگری و جامعه توجهی نداشتن و دست به اقدام نزدن نیست، بلکه این مفهوم، نابجا و ناصواب است. اگر این چنین باشد بحث انتظاری که در قرآن و روایات آن همه بر آن تأکید می کند، معنی واقعی پیدا نمی کند. حداقل در هشت سوره از قرآن کریم آیاتی راجع به مسأله انتظار آمده است که به عنوان نمونه در دو جای قران کریم مشابه هم یعنی عین یکدیگر آمده است: «فانتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُم مِنَ الْمُنتَظِرِینَ»؛(۵۶) «منتظر باشید همانا من هم با شما از منتظران هستم».

آیات دیگری هم با همین مفهوم و معنا هست که مفسرین بزرگ شیعه از معانی آن، انتظار و منتظر فرج امام زمان علیه السلام بودن را می دانند. خوب انتظاری که خدا به ما دستور می دهد که منتظر باشید و من هم با شما منتظر آن هستم، نمی تواند به معنی دست روی دست گذاشتن و همه کار را به عهده مصلح الهی گذاشتن و با فساد و تباهی کاری نداشتن

و با مفسد و ظالم برخورد نکردن باشد، بلکه باید معنی و مفهوم مترقی تری داشته باشد. درباره روایاتی که در این زمینه هست به دلیل محدودیت فرصت فقط به یکی دو تا از آن ها اشاره می کنم. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «انتظروا الفرج ولا تیأسوا من روح اللَّه، فإن أحب الأعمال إلی اللَّه - عزّوجلّ - انتظار الفرج من اللَّه»؛(۵۷) منتظر فرج و گشایش باشید و از روح الهی و آرامشی که خداوند در جامعه بشری باید ایجاد بکند و از رحمت پروردگار که می خواهد به وسیله آن فرجی که خودش تصمیم دارد ایجاد کند هرگز ناامید نباشید؛ زیرا بهترین عمل در پیشگاه الهی انتظار فرج از خدا خواستن است».

بهترین عمل، منتظر فرج و گشایش الهی بودن است؛ بهترین عمل، نه بهترین کناره گیری از عمل و سکوت و سکون در آرامش و گوشه ای نشستن.

حدیث دیگری از امام زین العابدین علیه السلام است به فردی به نام ابا خالد که می فرماید: «یا أباخالد! إنّ أهل زمان غیبته، القائلون بإمامته، المنتظرون لظهوره أفضل أهل کل زمان؛(۵۸) ای اباخالد! اهل آن دورانی که امام زمان در پس پرده غیبت است و معتقد به امامتش و منتظر ظهور آن حضرت باشند بهترین آدم های هر روزگارند».

اگر ما فرض کنیم آدم گوشه نشین و دست روی دست گذاشته ای که کاری به کار فساد و تباهی جامعه نداشته، کار به ظالم و ظلم و ستمگران و مظلوم و مظلومیت و عدل و ظلم نداشته، بلکه گوشه ای نشسته و می گوید ما همه چیز را به عهده امام زمان علیه السلام می گذاریم، او بیاید اصلاح کند، آیا همین مقدار اعتقادش می تواند این فرد را، یا

این مجموعه افراد را به عنوان بهترین شخص یا اشخاص دوران و اهل زمانه به حساب آورد؟ قطعاً چنین تفکری، نمی تواند منطقی باشد. در روایت دیگری هست که می فرماید: شأن و منزلت انسان هایی که منتظر ظهور امام زمان هستند، به منزله آن هایی هستند که شمشیر به دست گرفته و در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جهاد می کنند. آیا این گروه یا افرادی که با گوشه نشینی در یک جایی که هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند و همه را به عهده دیگری می گذارند، می تواند در یک مرتبه باشند؟

یا در حدیث دیگری هست که منتظرین «بمنزله من استشهد مع رسول اللّه» شأن و منزلت و شرف و مقام منتظر ظهور امام زمان، به اندازه آن کسی است که در کنار رسول خداصلی الله علیه وآله و در نبرد با دشمنان دین، شربت شهادت نوشیده باشد.

پس معلوم می شود مفهوم انتظار، آن مفهوم منفی که توضیح دادیم نیست بلکه باید مفهوم مثبت و مترقی داشته باشد.

وظیفه منتظر در جهت اصلاحات

با توجه به مفاهیمی که راجع به ارزش و اهمیّت انتظار از آیات و روایات به اختصار بیان داشتیم، مفهوم مثبت انتظار که ما معتقد هستیم این است که انسان در عصر غیبت امام زمان علیه السلام باید در دو جهت تلاش کند:

جهت اوّل: در اصلاح شخص خویش جهت دوّم: در اصلاح جامعه خویش اولاً

وی منتظر کسی است که خواهد آمد و آخرین رهبر منصوب از جانب خدا و پیامبرصلی الله علیه وآله است و رسالت او برداشتن فساد و تباهی و مبارزه با مفسدان و ظالمان و اجرای حاکمیت حق و عدل و پیاده کردن دستورات و احکام الهی و مذهب نبوی است.

او اسلام را «کما هو حقه» به مردم می فهمانـد و اجرا می کنـد و مردم را در آن جهت تربیت می نمایـد و به راه می برد. یک چنین شخصیتی بایـد ظهور کند و انسان منتظر، منتظر ظهور این شخصیت، چشم به راه حکومتی است که این شخصیت الهی باید آن را پیاده کند. پس اگر کسی به انتظار چنین شخصیت الهی باشد، آن هم با چنان اهداف بلند الهی، طبعاً باید خودش را در حال انتظار و با اهـدافی که آن رهبر منتظر دارد، تطبیق دهد. خودش را به گونه ای بسازد که اگر امامش ظهور کرد او را به عنوان سرباز خودش بپذیرد، به عنوان یار و یاور خودش قبول کند. امّا اگر در جهت عکس اهداف الهی او گام بردارد، طبیعی است که هنگـام ظهـور، آن حضـرت را قبـول نکرده و آن حضـرت هم او را نپـذیرد. مگر این که به گـونه ای تربیت شـود که اهـداف امـام زمان با این تربیت و اخلاق و رفتار و اعتقادات و منش و شخصیت او سازگار باشـد. پس انتظار یعنی خود را در آن جهتی که اهداف امام زمان علیه السلام است تربیت نماید و خودش را آماده کند.

ثانیاً

در جهت اصـلاح جامعه هم اقدام نماید و دیگران را در همان جهتی که از اهداف بلند حکومت امام زمان است، تشویق نماید و در جهت رفع فساد و تباهی جامعه و اصلاح آن و محیط خانواده اش تلاش کند.

رسالت فرد منتظر، سازنـدگی خود و جامعه است. آن برداشت غلطی که پیروان مفهوم منفی انتظار دارند مبنی بر این که شـرط آمدن امام زمان پر شدن جامعه از ظلم و فساد است، به گونه ای که

هیچ آثاری از عدل و داد و طرفداری از حق وجود نداشته باشد، صحیح نبوده و به این معنی نیست که در موقع ظهور آن حضرت هیچ انسان خوبی در دنیا یافت نشود و هیچ جامعه خوبی وجود نداشته باشد و یا هیچ مجموعه و جریان اصلاح طلبی پیدا نشود.

مرحوم شیخ صدوق از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند: معنای این که دنیا پر از ظلم و جور می شود تا امام بیاید و عالم را پر از عدل و داد کند، این است که در آن زمان طرفداران حق از نظر پیروی از حق به حد اعلای خودشان و طرفداران باطل هم به حد اعلای بطلان و فساد خودشان می رسند، نه این که اصلاً جریان حق طلبی در دنیا وجود نداشته باشد. اتفاقاً روایاتی داریم که زمینه سازان حکومت عدل امام زمان علیه السلام پیدا می شوند، بلکه جریان های حق طلب مبارزاتی را پیش می گیرند، مبارزاتشان هم به پیروزی می رسد، حکومتی درست می کنند که زمینه و مقدمه حکومت امام زمان علیه السلام می شود. بنابراین مفاهیمی؛ از قبیل پر از ظلم و جور شدن به معنای این که اصلاً آدم خوب پیدا نشود و یا هیچ جامعه خوبی پیدا نشود نیست، بلکه منتظر واقعی باید درصدد باشد خود و خانواده و جامعه اش را در آن جهت اصلاح و تربیت صحیح انسانی تشویق و ترغیب نماید، چنین فردی را می توان منتظر واقعی دانست.

نحوه ظهور و اقدامات اوّلیه

حال دو حدیث در باب نحوه ظهور و اقدامات اولیه آن حضرت مطرح می کنم تا بیانگر وضعیت یاران امام و سربازان در خدمت آن حضرت باشد. این حدیث شریف از قول امام باقرعلیه السلام است که می فرماید: «امام زمان علیه السلام وقتی می آید

با سیره پیامبران می آید؛ یعنی امام زمان علیه السلام از هر پیامبر، یک نمونه و نشانه ای را در خود دارد، نشانه الهی که مورد نظر بحث ماست از رسول خداصلی الله علیه وآله است: «وأما من محمّدصلی الله علیه وآله فالقیام بسیرته وتبیین آثاره، ثمّ یضع سیفه علی عاتقه ثمانیه أشهر ولا یزال یقتل أعداء اللَّه حتّی یرضی اللَّه. قلت: وکیف یعلم أن اللَّه - عزّوجلّ - قد رضی؟ قال: یلقی اللَّه - عزّوجلّ - فی قلبه الرحمه»؛(۵۹) امام زمان علیه السلام با سیره و روش رسول خدا قیام می کند یعنی آن طور که پیغمبر بود او نیز همان گونه است، آنچه حضرت رسول اکرم می خواست او می خواهد و آنچه را که رسول خدا انجام می داد، اجرای حدود و حقوقی که وجهه همّت آن حضرت بود، برای امام زمان نیز مطرح و مهم است.

او می خواهد آثار رسول خدا را برای مردم تبیین کند؛ یعنی اسلام ناب را «بما أنزل اللَّه» همه را برای مردم تشریح و تفسیر کند. سپس شمشیر را حمایل کرده، تا هشت ماه جهاد می کند، البته این به این معنا نیست که وقتی امام زمان ظهور کرد همان ساعات اوّل شمشیر را بگیرد و همه مخالفان را نابود کند. وقتی که آمد طبیعی است که به همه دشمنان اعلام عفو بدهد. یوسف زهراعلیهما السلام نیز همانند یوسف علیه السلام که وقتی برادرانش او را شناختند، با این که آن همه ستم به او کردند امّا در عین حال فرمودند: خداوند شما را بیامرزد: «قَالَ لَا تَثْرِیبَ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَکُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ»؛(۶۰) «(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛

و او مهربـان ترین مهربانـان است!». امـام زمـان علیه السـلام نیز چنین خواهـد کرد. پس از عفـو عمومی، احکـام دین و حقیقت اسـلام را تبیین و تشـریح می فرماید تا همه طالبان حق و مشتاقان حقیقت هدایت شوند. امّا جریان هایی که در پذیرش اسلام و هـدایت، لجـاجت و عنـاد ورزنـد و با امام زمان علیه السـلام به مخالفت بپردازنـد، جریان های باطلی که در جاهای مختلف در برابر حق و خـدا ایسـتادگی می کننـد و همچنـان که در طول غیبت صـغری و کـبری لجـاجت می کردنـد، لجاجتشـان را ادامه بدهنـد، امام زمان علیه السـلام با آن ها مبارزه خواهـد کرد، شمشـیر را حمایل و در راه خـدا، جهاد و مبارزه می کند. حال این شمشـیر چیست؟ آیا واقعاً همان شمشیر ذوالفقار هست؟ آیا همان شمشیر آهنی و عادی است؟ یا با ابزار دیگر می جنگند؟ این شمشیر به عنوان سمبل جهاد و قیام و مبارزه است که در دستش می گیرد و با قدرت الهی همه سلاح ها را از کار می اندازد و او با همان شمشیر مبارزه می کند؟

این بحث جداگانه ای است که ان شاء اللّه بعداً در این باره صحبت می کنیم.

بالاخره امام زمان علیه السلام قیام مسلحانه می کند. می فرماید که تا هشت ماه می جنگد: ولا یزال یقتل أعداء اللّه حتّی یرضی اللّه، مقاتله می کند و بی وقفه دشمنان خدا را به قتل می رساند، آن هایی که منطق را نپذیرفتند، می کشد تا خدا راضی شود.

راوی می گوید: از امام باقرعلیه السلام پرسیدم که او چگونه می فهمد که خدا راضی شده تا دست از کشتارشان بردارد؟

فرمـود: خداونـد در دل او محبّت و رأفتی ایجـاد می کنـد کـه البته مخـالفین اصـلی از میـان خواهنـد رفت، آن وقت است که حکومت عدل الهی را پیاده می کند.

حالا سؤال

این است، آدمی که دست روی دست گذاشته و کاری به کار ظالم و مظلوم ندارد و همه چیز را به عهده دیگری می گذارد، آیا چنین شخصی را می توان منتظر واقعی دانست؟

با عنایت به توضیحات فوق طبعاً نمی تواند مفهوم درستی باشد، مفهوم درست این است که انسان مجاهد فی سبیل اللّه، به تعبیر بنیانگذار پرافتخار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره مملکت امام زمانی همه اش باید بسیجی باشد. یعنی آموزش رزمی و عزم جدّی برای اجرای فرمان الهی و عمل به دستورات خدا دارند. این جامعه، جامعه منتظر است و این چنین مردمی، منتظران ظهورند و این مجموعه، مجموعه ای است که انتظار امام زمان علیه السلام را دارد که از جهات مختلف خود را برای پذیرفتن امام زمان علیه السلام آماده می سازد.

در روایات داریم که اگر کسی این گونه تلاش بکند و انتظارش این گونه باشد، اگر توفیق درک ظهور امام زمان علیه السلام را در عصر حیات خودش پیدا نکرد و امام زمان پس از فوت او ظهور نماید، به قدرت خدا زنده می گردد و جزو سربازان امام زمان خواهد شد؛ بنابراین با عنایت به این دو مفهوم که یکی مفهوم ناصحیح و دیگری مفهوم درست است، ان شاء اللّه با درک درست از مفهوم مترقی انتظار بتوانیم در عصر غیبت، خودمان را لایق ملاقات و سربازی وجود مقدّس امام زمان علیه السلام بنماییم.

ان شاء اللّه

مشکل دینداری و وظیفه دینداران...

اشاره

یکی از مباحثی که باید مورد توجّه قرار گیرد مشکلات دینداری در عصر غیبت امام زمان علیه السلام است. غیبت امام زمان علیه السلام باعث می شود که راه دست اندازی به دین و تضییع حقوق متدیّنین هموار شود.

«اَللّهُمَّ إنّا نَشْکُو إلَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنا صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَغَیْبَهَ

وَلِیِّنا وَکَثْرَهَ عَدُوِّنا، وَقِلَّهَ عَدَدِنا؛ بار الها! ما به تو شکوا می کنیم در این عصر فقدان حضور پیامبرمان و غیبت ولی و امام زمانمان و زیادی دشمن و کمی دوستانمان».

این فراز از دعا که در مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی قدس سره است در حقیقت تبعات عصر غیبت را مطرح می کند.

از روایات هم بر می آید که دینداری در عصر غیبت سخت تر است لذا اجر دینداران این عصر هم از سایر عصرها بیشتر است.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «من ثبت علی ولایتنا فی غیبه قائمنا أعطاه اللّه أجر ألف شهید مثل شهداء بدر وأحد؛(۶۱) کسی که در عصر غیبت قائم ما بر ولایت و اعتقاد به امامت ما ثابت قدم بماند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را دارد».

در روایت دیگری رسول خداصلی الله علیه وآله به علی علیه السلام می فرماید: «یا علی واعلم أن أعجب الناس ایماناً واعظمهم یقینا قوم یکونون فی آخرالزمان لم یلحقوا النبی وحجب عنهم الحجه فآمنوا بسواد وبیاض؛(۶۲) ای علی! بدان که شگفت آورترین مردم از نظر ایمان و بالاترین مرتبه یقین مردمی هستند که در دوره آخر الزمان می آیند که با پیامبر ملاقات نداشتند و حجت خدا، و امام هم از آن ها مخفی است امّا به وسیله سیاه و سفید (اخبار و نوشته ها) ایمانی محکم دارند».

روزی رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «یا لیتنی قد لقیت إخوانی. فقال له أبوبکر وعمر: أ ولسنا إخوانک، آمنا بک وهاجرنا معک؟ قال: قد آمنتم وهاجرتم ویا لیتنی قد لقیت إخوانی. فأعاد القول، فقال رسول اللّه صلی الله علیه وآله: أنتم أصحابی ولکن إخوانی الذین یأتون من بعدکم، یؤمنون بی ویحبّونی وینصرونی ویصدّقونی وما رأونی، فیا

لیتنی قد لقیت إخوانی.؛(۶۳) روزی رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای کاش! با برادرانم ملاقات می کردم. ابوبکر و عُمر گفتند: آیا ما که به شما ایمان آوردیم و با شما مهاجرت کردیم برادران شما نیستیم؟

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: آری شما ایمان آوردید، مهاجرت کردید امّا ای کاش با برادرانم ملاقات می داشتم. ابوبکر و عمر باز جمله قبل را تکرار کردند. حضرت فرمود: شما اصحاب من هستید امّا برادران من آن هایی هستند که بعد از من می آیند با این که مرا ندیدند امّا به من ایمان می آورند و مرا دوست دارند و مرا یاری می کنند و تأییدم می کنند در حالی که من را ندیده اند. ای کاش! با آن ها ملاقات می کردم».

این احادیث دلالت بر سخت بودن دینداری در عصر غیبت می کند که بهترین عمل و مشکل ترین آن است؛ زیرا دین سازان و دین بازان و دین ستیزان با شیوه های مختلف بر سر راه دین داران می آیند تا آن ها را از راه حق دور سازند.

طولانی شدن غیبت حضرت مهدی علیه السلام و ادّعای کاذب مدّعیان دروغین مهدویت، موجب شد که بسیاری از مؤمنین ساده اندیش یا ضعیف الایمان به دام شیطانی این مدعیان دروغین گرفتار شوند، لذا مقاومت کردن در برابر این جریان ضد دینی کاری سخت و دشوار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إن لصاحب هذا الأمر غیبه، المتمسک فیها بدینه کالخارط لشوک القتاد بیده - ثم أومأ أبوعبد اللّه علیه السلام بیده هکذا - قال: فأیّکم تمسّک شوک القتاد بیده.

ثم أطرق ملیّاً ثم قال: إن لصاحب هذا الأمر غیبه، فلیتّق اللّه عبد عند غیبته ولیتمسّک بدینه؛(۶۴) برای حضرت صاحب الامرعلیه السلام غیبتی است که دین داری در آن عصر مثل

این است که کسی با دست خود گیاه تیغ داری را بخواهد بکشد آن گاه با دست اشاره کرد و فرمود چه کسی از شما این گیاه تیغ دار را با دست می کشد؟ پس کمی سکوت کردند و ادامه دادند: همانا برای صاحب این امر (امام زمان علیه السلام) غیبتی است که باید برای نجات در این عصر تقوا داشته و به دین خدا متمسک شد».

آنچه که مؤمن را در این عصر در دینداری کمک می کند، میزان شناخت او نسبت به امامت و ولایت، شناخت دین خدا و نیز تمسک به تقوی، التزام به دین و تمسک به قرآن و پیروی از علمای دین و تبعیت از ولایت فقیه است.

در رویدادها و حوادث باید به بزرگان و علما مراجعه کرد و از آن ها پیروی نمود. امام زمان علیه السلام فرمودند: «وأمّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها إلی رواه حدیثنا، فإنّهم حجّتی علیکم وانا حجّه اللّه؛(۶۵) در حوادث و رویدادها باید به راویان احادیث و علمای دین مراجعه کنید؛ زیرا آن ها حجت های من بر شما و من حجت خدا هستم».

نقش علما در عصر غیبت

امام صادق علیه السلام فرمود: «علمآء شیعتنا یرابطون بالثغر الّذی یلی ابلیس وعفاریته، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفآء شیعتنا وعن ان یسلّط ابلیس وشیعته النواصب؛(۶۶) علمای شیعه ما مرزبانانی هستند در برابر شیطان و دار و دسته بدش که از یورش آنان بر شیعیان مستضعف و نیز از سلطه ابلیس و دنباله روهای ولایت ستیزش جلوگیری می کنند.»

امام هادی علیه السلام فرمود: «لولا من یبقی بعد غیبه قآئمکم علیه السلام عن العلمآء الداعین إلیه والدالین علیه والذابین عن دینه لحجّه اللّه والمنقذین لضعفاء عباد اللّه من شباک إبلیس ومردته ومن فخاخ النواصب لما بقی أحد

إلّا ارتدّ عن دين اللَّه ولكنهم الّذين يمسكون ازمه قلوب ضعفآء الشيعه كما يمسك صاحب السفينه سكانها، اولئک هم الأفضلون عند اللَّه عزّو جلّ؛(۶۷) اگر دوران غیبت قائم آل محمدعلیهم السلام دانشمندانی نبودند که مردم را به سوی او هدایت و راهنمایی کنند و با حجت های الهی از دینش دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیروانش رهایی دهند و از دام های ناصبی ها (دشمنان اهل بیت علیهم السلام) نجات بخشند، کسی در دین خدا پا برجا نمی ماند و همه مرتد می شدند، ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند؛ چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد؛ بنابراین آنان نزد خدا والاترین انسان ها هستند».

بدین ترتیب، راه حفظ دین و سلوک در راه مستقیم، با شناخت دین از طریق علمای دینی و دین شناسان متخصص و پیروی از نظرات آن ها و نزدیک شدن به آن ها و تخلف نکردن از دستورات عملی و دینی آنان میسر است، در غیر این صورت، دزدان عقیده و راهزنان دینی، متدینین را از دین منحرف می سازند.

راه دیگر برای حفظ دین و جلوگیری انحطاط، توسل و دعا و تمسک به اهل بیت علیهم السلام است. حضرت حجت علیه السلام خود دستور و سفارش فرمود که در عصر غیبت، دعای فرج که معروف به دعای غریق است را زیاد بخوانند و در خواندن آن مداومت نمایند که آن دعا این است: «إِلهِی عَظُمَ الْبَلآءُ وَبَرِحَ الْخَفآءُ...».

وظایف شیعیان و نظارت ائمه بر اعمال آنان...

توضیح

بحثی که اکنون تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام می کنیم، پیرامون وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام است.

از وظیفه های مهم ما آن است که

همیشه موجبات خشنودی خاطر خطیر پیامبر خدا و ائمه هدی را فراهم کنیم و در این عصر هم درباره خشنودی امام زمان علیه السلام تلاش کنیم. حقیقت امر این است که ما هر چه باشیم و هر گونه عمل کنیم عملکرد و اخلاق و رفتار ما برای ائمه مؤثر است، یعنی آن ها ناراحت یا خوشحال خواهند شد. این حدیث شریف را بارها شنیده اید که امام صادق علیه السلام فرمودند: «کونوا لنا زیناً و لاتکونوا علینا شیناً؛ برای ما زینت باشید و برای ما باعث انفعال و سرشکستگی نباشید».

چگونه فرزند می تواند برای پدر و خانواده اش باعث زینت و افتخار و سربلندی شود و یا باعث انفعال و ناراحتی و سرشکستگی شود؟ شیعیان هم برای ائمه معصومین علیهم السلام این گونه اند. می توانند باعث زینت و افتخار و سربلندی و یا باعث انفعال و ناراحتی باشند. حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که از آن می فهمیم عملکرد ما حتی در این عصر هم ممکن است موجب اذیت و آزار و یا خوشحالی وجود مقدّس رسول خداصلی الله علیه وآله باشد. چون ما اعتقاد داریم که وجود مقدّس رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام از نظر اشراف بر امور ما؛ در زمان حیات و پس از مرگشان تفاوتی ندارند. حدیث از قول امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «امّا لکم تسوئون رسول اللّه: فقال رجل کیف نسوئه؟ فقال علیه السلام: امّا تعلمون انّ اعمالکم تعرض علیه فإذا رأی فیها معصیه سائه ذلک فلا تسوؤا رسول اللّه وسروه؛(۶۸) چرا شما با پیغمبر خدا بد می کنید؟ فردی پرسید: ما چطور به پیغمبر خدا بد می کنیم یا ناراحتش می نماییم؟ امام صادق فرمود: آیا نمی دانید که

اعمال شما به محضر رسول خدا عرضه می شود؟ مگر نمی دانید که اگر عملی انجام دهید، به رسول خدا عرضه می کنند (که امّت تو، این کار را کرده است) اگر پیغمبر در اعمال شما معصیت و گناهی را ببیند، معصیت و گناه شما او را ناراحت می کند. پس به پیغمبر اکرم بدی نکنید ناراحتش نکنید بلکه خوشحالش کنید».

با توجه به مقدّمه و حدیث فوق که مطرح شد، متوجه مسؤولیت سنگین خود خواهیم شد؛ یعنی اعمال و رفتار ما می تواند موجب ناراحتی و یا موجب سرور و خوشحالی پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام باشد. این عقیده ماست که بر حسب مفهوم آیه شریفه ای که ذکر خواهد شد اعمال مؤمنین را به پیغمبر خدا و ائمه هدی عرضه می کنند. حال، عرضه این اعمال به چه صورت است؟ آیا هر روز یا هر شب و یا هفته ای یک بار و یا هفته ای دوبار یا روزهای پنج شنبه عرضه می شود؟

آنچه مسلم است بر حسب آیه شریفه، عرضه اعمال ما به محضر مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام یک مسأله عقیدتی است که به آن پایبندیم. خداوند می فرماید: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ (۶۹) «ای پیامبر بگو هر عملی انجام دهید به زودی اعمال شما را خدا و رسول خدا و مؤمنون می بینند».

بر حسب نقل احادیث، منظور از مؤمنون که در آیه شریفه هست، ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ یعنی قرآن کریم می فرماید که اعمال ما را به محضر الهی که اشراف دارد و به محضر رسول اکرم و ائمه هدی عرضه می کند بعد می فرماید: «وَسَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِما كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» به زودی در

قیام قیامت، نتیجه اعمال خودتان را خواهید دید. پس اعمال ما هر چه باشد به محضر پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام از جمله در محضر امام زمان علیه السلام عرضه خواهد شد. طبق نقل مفسرین شیعه، منظور از مؤمنون، ائمه معصومین علیهم السلام هستند. شخصی به نام عبداللّٰه بن ابان زیات می گوید: به محضر امام رضاعلیه السلام شرفیاب شدم و از ایشان درخواست کردم برای من و خانواده ام دعا فرمایند امام رضاعلیه السلام فرمودند: آیا خیال می کنی من برای شما دعا نمی کنم، بلکه برای خانواده شما دعا می کنم.

آن مرد گفت: چطور؟

امام فرمود: به خدا اعمال شما در هر روز و شب به من عرضه می شود. یعنی امام رضاعلیه السلام که امام هستند، اعمال شیعیان به محضرشان عرضه می شود. امام می خواهد به او بفهمانند وقتی من ببینم اعمال شما وفق دستورات مکتب امامت و ولایت است و گناه و معصیت نیست دعایتان می کنم. ابان می گوید که این نکته بر من دشوار شد و پذیرفتنش بر من سنگین بود که چگونه می شود اعمال همه شیعیان را روز و شب به محضر امام عرضه کنند، امام رضا متوجه برداشت و فهم من شد. به من فرمود: ای ابان! مگر تو قرآن نمی خوانی، چرا باور این موضوع برایت سخت است مگر این آیه را نخواندی که خداوند فرموده: «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ».

گفتم: آری خوانده ام. امام فرمود: به خدا قسم منظور از مؤمنون، علی بن ابیطالب و ائمه معصومین علیهم السلام هستند. بنابراین بر اساس نقل این روایت، اعمال همه مؤمنین و شیعیان به محضر امام عرضه می شود.

در این صورت، اگر اعمال ما اطاعت و عبادت خدا، دوری از

گناه و معصیت، تقوا و پرهیزگاری مطابق دستورات ائمه معصومین علیهم السلام باشد امام زمان علیه السلام خوشحال خواهند شد. آیا غیر از این است که ما دلمان می خواهد قلب مقدّس آن حضرت از ما راضی و خوشحال باشد؟ این همه زجر و بلا و شکنجه که در دنیا علیه مؤمنین و مسلمین و مظلومین روا می دارند همه داغی است برقلب نازنین امام زمان علیه السلام.

اگر ما شیعیان قلب امام زمان را در این عصر مظلومیت امامت و ولایت، شاد کنیم چه کاری از این بهتر و خدای ناخواسته اگر امام عصر را با گناه و معصیت و اخلاق زشتمان ناراحت کنیم، چه ظلمی از این بدتر؟

توقیع امام زمان علیه السلام

خود امام زمان در توقیعی که برای شیخ مفید – اعلی اللَّه مقامه الشریف – که از برجسته ترین شخصیت های شیعی است مطالبی را در این زمینه اظهار می فرمایند که طولانی است و ما فقط جمله مورد نظر خود را ذکر می کنیم: «فإنّا نحیط علماً بانبائکم ولا یغرب عنّا شی من اخبارکم»؛(۷۰) همانا، ما امامان به خبرهای شما احاطه علمی داریم. چیزی از اخبار پیرامون شما برای ما پوشیده نیست و بر همه کارها آگاهی داریم.

در این بیان امام زمان علیه السلام به شیخ مفید – اعلی اللَّه مقامه الشریف – تصریح می فرماید که ما نسبت به اعمال و رفتار و اخبار شما، احاطه علمی و اشراف داریم که نه زمان جلوی آگاهی و اشراف ائمه را می گیرد و نه مکان معیّنی، اگر نقطه دوری هم باشند، فاصله فیزیکی و طبیعی و زمانی نمی تواند جلوی علم و اطلاعات ائمه نسبت به شیعیانشان را بگیرد. چون علم آن ها متصل به علم خداست. هنگامی که

خداوند اراده فرماید که ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به شیعیانشان اشراف داشته باشند این اراده تحقق پیدا می کند.

حکایت

مردی از اهالی کوفه و از پیروان امام صادق علیه السلام به خراسان عزیمت نمود و مردم خراسان را به امامت ایشان دعوت کرد، مردم به سه گروه تقسیم شدند: گروه اوّل امامت امام صادق علیه السلام را پذیرفتند، گروه دوّم امامت آن حضرت را انکار کردند و نپذیرفتند و گروه سوم رعایت احتیاط پیشه کرده، نفیاً و اثباتاً اظهار نظر نکردند. سرانجام قرار شد از هر گروه یک نفر به نمایندگی خدمت امام صادق علیه السلام برسند و این امر را تحقیق نمایند، در نتیجه با همدیگر به سمت مدینه حرکت کردند. در بین راه نماینده گروه به اصطلاح محتاط، به کنیزی که به همراه یکی دیگر از افراد گروه بود طمع کرده و در تاریکی شب به خواست غیر مشروع خود رسید و دامن آلوده کرد.

چون خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند، همان شخص سخن آغاز کرد و ماجرای دعوت مرد کوفی و سه گروه شدن مردم منطقه خود را توضیح داد و گفت: من هم جزو گروه سوم و اهل احتیاط هستم.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس چرا در فلان شب احتیاط کاری ندانستی و دامن آلوده کردی.(۷۱) بنابراین شاهد تاریخی، امامان معصوم به لطف و عنایت الهی از همه رفتار مردم می توانند باخبر باشند.

برادر و خواهر من! هر کسی باشی و در هر کجا و در هر حالت و وضعیتی باشیم باید بدانیم که اعمال ما به محضر پاک امام زمان علیه السلام عرضه می شود، اگر اعمال ما مطابق شرع و شریعت و خواسته امام زمان باشد خوشحال می شوند

و اگر بر عکس، گناه و معصیت باشد امام ناراحت می شوند.

پس ما وظیفه داریم، اخلاق و رفتار و اعمال و اعتقادات و عباداتمان را به گونه ای تنظیم نماییم که امام زمان علیه السلام از ما راضی باشند. همان گونه که ابان به امام رضاعلیه السلام گفت برای ما دعا کند.

اگر اعمال ما مطابق دستورات خداوند باشد و آلوده به گناه و معصیت نباشد، امام زمان علیه السلام در حق ما دعا می کند و چه بهتر از دعای امام زمان علیه السلام که دعای آن حضرت مستجاب است.

خداوند فرموده: «اُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ».(۷۲) وقتی امام زمان علیه السلام در حق مؤمنین دعا کند، خداوند اجابت می کند، پس باید به گونه ای عمل کنیم تا خود را مشمول ادعیّه زاکیه امام زمان علیه السلام نماییم و از گناه و معصیت و بی تقوایی دوری نموده تا ان شاء اللّٰه از ما راضی و خشنود گردد.

برخی از وظایف شیعیان...

توضیح

در قسمت قبل درباره وظایف شیعیان از نظر رعایت موازین و دستورات الهی و تبعیّت از رسول خدا و ائمه هدی و عرضه اعمال مطالبی را تقدیم نمودیم. در این قسمت نیز نکاتی راجع به وظیفه شیعیان در قبال شخص امام عصرعلیه السلام مطرح می نماییم.

شکرگزاری از خداوند

در درجه اوّل شکرگزاری از خدا که ما را به نعمت وجود امام زمان متنعم فرمود که به برکت وجود امام زمان دنیا و آخرتمان ان شاء اللّٰه تأمین خواهد شد.

در برابر چنین نعمتی که خداوند نصیب ما فرمود شکر نعمت ضروری است.

امّا وظیفه ای که در قبال خود امام زمان داریم عطوفت متقابل است؛ یعنی همان گونه که امام زمان علیه السلام در مقابل شیعیان عطوفت و مهربانی و دلسوزی و شفقت و علاقه دارد، ما هم بایستی در قبال وجود مقدّس امام زمان دارای عشق و عطوفت و علاقه باشیم. قرآن کریم درباره پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: «لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛(۷۳) یعنی برای شما از بین خودتان پیغمبری آمد که این پیغمبر آنچه برای شما سختی و دشواری و مشکلات است برای او نیز سخت است، وقتی دشواری های شما را ببیند برای او هم مشکل است، درست مثل پدر که وقتی ببیند فرزندانش دچار مشکلند رنج می برد، پیغمبر هم این گونه است.

«حَرِیصٌ عَلَیْکُم» نسبت به خوشبختی و سعادت و نیک بختی و ایمان و هدایت مؤمنین شدیداً حرص دارد، دلش می خواهد همه ایمان بیاورند و ایمانشان کامل باشد همچنان که پدر ومادر علاقمند به هدایت و کمال و ترقی فرزندانشان هستند.

«بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ»؛ رسول خدا به مؤمنین، رحمت و رأفت

دارد.

این آیه در شأن پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است ولی در حدیثی که قبلاً مطرح شد، رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «اشبه الناس خلقا و خلقا بی» یعنی حضرت مهدی علیه السلام شبیه ترین آدم ها از نظر خلقت و اخلاق به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است، پس همان رحمت و رأفت و علاقه و محبتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به امّت خودش دارد، امام زمان علیه السلام هم به شیعیان خویش دارد. لذا ما هم وظیفه داریم که متقابلاً به محضر نورانی امام زمان علیه السلام عرض ارادت کنیم و اخلاص داشته باشیم و همیشه دلمان به یاد امام زمان باشد.

او هیچ زمانی از یاد ما غافل نیست، پس ما هم همیشه باید به یاد او باشیم. قلبی که به یاد امام زمان باشد، این قلب به نورانیت وجود مقدّس امام زمان نورانی خواهد شد، قلبی که جایگاه یاد امام زمان باشد قطعاً جایگاه یاد خداست و شیطان در این قلب رخنه نمی کند. این اولین وظیفه است که نسبت به امام زمان علیه السلام دارای رأفت و عطوفت و مهربانی و عشق و علاقه باشیم و قلب ما از یاد امام زمان خالی نباشد و دائماً به یاد امام زمان باشیم.

درخواست از خداوند برای شناخت امام عصرعلیه السلام

در ابتدای بحث درباره امام زمان علیه السلام اهمیّت شناخت امام را مطرح کردیم از جمله وظایف ما در عصر غیبت این است که از خدا درخواست کنیم که معرفت امام زمان را برای ما فراهم کند که در کتب معتبر، دعاهای زیادی در این زمینه است، دعاهای معروفی که همیشه به خصوص بعد از هر نماز واجب و مستحب تأکید به خواندن آن

شـده است؛ از جمله دعـایی که مرحوم سـید بن طـاووس در کتـاب شـریف «جمـال الاسـبوع» آورده است و آن دعای معروف «اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ» تا آخرین جمله ای که در این فراز اوّل دارد: «اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ، فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَـلَلْتُ عَنْ دِینِی»؛(۷۴) یعنی خـدایا! امـام زمان ما را که حجت توست به ما بشـناسان که اگر ما او را نشناسـیم در دین خود گمراه می شویم. بنابراین وظیفه دیگر ما در قبال امام زمان این است که از خدا بخواهیم او را به ما بشناساند.

(البته منظور از شـمارش وظایف بدین معنا نیست که همین مقدار هست، چون در بعضـی از کتب معتبر قدیمی تا هشـتاد وظیفه در قبال امام زمان برای مؤمنین ذکر کرده است لذا در اینجا بعضی از وظایف را تقدیم محضر شما می کنیم).

دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام

یکی از وظـایف مـا این است که بایـد همیشه برای سـلامتی وجود مقـدس امـام زمان علیه السـلام دعا کنیم که خداونـد وجود عزیزش را از همه بلیات محفوظ بدارد و وجود مقدسش را سالم نگه دارد. در ارتباط با درخواست سلامتی برای وجود مقدّس امام زمان، دعاهای متعـددی وجود دارد؛ از جمله همین دعای معروفی که در کتاب شـریف مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی آمـده است که بحمـداللّٰه پس از پیروزی انقلاـب اسـلامی عموم مردم حتی نوجوانـان و جوانان هم همیشه ورد زبانشان هست: «اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَـلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی آبـآئِهِ، فِی هـذِهِ السّـاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ، وَلِیّاً وَحافِظاً، وَقآئِـداً وَناصِـراً، وَدَلِیلًا وَعَیْناً، حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلًا».

این از جمله دعاهایی است که باید برای سلامتی وجود مقدس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت بخوانیم.

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام

از جمله وظـایفی که به عهـده مـا شـیعیان و منتظران امـام زمـان علیه السـلام است این است که برای فرج و تعجیل در فرج امام زمان دعا کنیم که در روایات متعـدّد راجع به این امر تأکیـد شده. در کتاب شـریف بحارالانوار از قول امام صادق علیه السـلام آمده است، حضرت فرمودند:

لکل اناس دوله یرغبونها

ودولتنا آخر الدهر یظهر(۷۵)

یعنی هر کسـی طرفـدار یـک دولت وحکومتی است که در دلش از خـدا آرزوی آن دولت را می کنـد، دولت ما اهل بیت در آخرالزمـان است، یعنی مـا خواسـتار ظهور دولت اهـل بیت هستیم، این بیان امام صادق علیه السـلام است. پس شـیعه امام زمان علیه السـلام چون خواسـتار حـاکمیت اهـل بیت علیهم السـلام است، آن هم به امـامت امـام زمـان، بایـد همیشه برای تحقّق این دولت دعا کند. در حدیث دیگر از قول امام زمان علیه

السـلام آمـده: «واكثروا الدعآء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجكم»؛(۷۶) «زيـاد دربـاره فرج امام زمان دعا كنيـد كه همين فرج و گشايش براى شماست».

در حديث ديگرى باز مى فرمايد: «وتوقع امر صاحبك ليلك ونهارك»(۷۷) يعنى آرزو كن از خدا صاحبت يعنى امام زمان را كه از پس پرده غيبت در بياورد. در صـبح و شامت، در روز و شـبت، ظهور امام زمان عليه السـلام را از خدا تقاضا كن. اين ها احاديثى است كه از كتب شيعه نقل شده كه به عنوان يك وظيفه، شيعه و منتظر امام زمان، هر روزه تعجيل فرج آن حضرت را درخواست كند. در بعضـى از روايات آمده كه خود امام زمان هم از شيعيان خودش اين درخواست را مى كند كه شما تعجيل فرجم را از خدا درخواست نماييد.

ندبه و زراى به خاطر غيبت امام عصر

يكى ديگر از وظـايف منتظر، نـدبه و گريـه و زارى براى غيبـت امـام زمـان اسـت، براى ايـن جهـت كه مـا دسترسـى به وجـود مقدّسـش نـداريم چون اين بزرگ ترين مصـيبت است. همان طورى كه در دعاى شـريف ندبه آمده است: «عزيز عَلىّ أن أرى الخلق ولاترى (۷۸) چه چيزى از اين بدتر، چه مصيبتى از اين بالاتر كه همه چيز را مى بينيم امّا آن عزيز همه دل هاى مؤمنين و حجت خـدا را نمى بينيم. اين فقـدان و اين عـدم درك وجود مقدّس، به عنوان بزرگ ترين مصـيبت است و براى اين مصـيبت بايد ندبه و زارى كرد.

معروف ترين متونى كه تحت عنوان نـدبه براى امام زمان آمده، همان دعاى شـريف ندبه است كه هر روز صـبح جمعه معمولاً مؤمنين در خواندنش مداومت دارند. مطالب بسيار مهمى دارد كه در قالب همين ندبه و زارى و آه و ناله به

درگاه خداوند عرضه می شود و ان شاء اللّه خداوند به وسیله همین ناله هایی که مؤمنین دارند به غیبت امام زمان پایان بدهد و نیز در دعای هر شب ماه مبارک رمضان هم به صورت ندبه است که اَللّٰهُمَّ إِنّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا؛(۷۹) بار الها! ما به تو شکوا می کنیم در این عصر از فقدان حضور پیامبرمان و غیبت ولی و امام زمانمان و زیادی دشمن و کمی دوستانمان...».

این ها همه ندبه است در طول تاریخ، شیعه این ندبه را داشت یعنی این هم جزو وظایف ما شیعیان بوده و هست.

خواندن زیارتنامه امام عصر

از جمله وظایف ما زیارت خواندن و زیارت کردن امام زمان است. اگر ما او را نمی بینیم، او ما را می بیند، لذا باید هر وقتی که این حال به ما دست داد وجود مقدّسش را زیارت کنیم. به صورت زیارتنامه مأثوره ای که در کتب معتبر وارد شده و از جمله بعد از نماز واجب صبح، زیارت مخصوص امام زمان است؛ به خصوص زیارت جامعه کبیره را که خود امام زمان در دیدار مرحوم حاج علی بغدادی به او تأکید فرمودند که نماز شب بخوانید «نافله، نافله، نافله» بعد فرمودند که زیارت جامعه بخوانید «جامعه، جامعه، جامعه» بعد فرمودند که زیارت عاشورا بخوایند «عاشورا، عاشورا عاشورا» که داستان رؤیت و ملاقات حاج علی بغدادی در کتاب مفاتیح الجنان آمده است، لذا از جمله دعاهایی که به عنوان زیارت امام زمان هم محسوب می شود همین زیارت جامعه کبیره است که از امام هادی علیه السلام است.

دادن هدایا و صدقات به نام امام زمان علیه السلام

دادن هدیه و صدقه به نام امام زمان نیز دیگر وظیفه ماست؛ یعنی هر وقتی می خواهیم صدقه بدهیم، برای سلامتی وجود امام زمان و به نیت امام زمان صدقه بدهیم. هر وقت می خواهیم به کسی هدیه ای بدهیم به نام امام زمان بدهیم این جزو وظایف است.

در قرآن کریم آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها» می فرماید: اگر کسی به تو تحیتی کرده، سلامی گفته و خدمتی به تو کرده، تو وقتی می خواهی جواب بدهی، جواب بهتری بده یا مثل همان تحیّت را به او برگردان. حال سؤال اینجاست، آیا امام زمان این کار را انجام می دهد؟ قطعاً انجام میدهد. پس اگر ما به امام زمان علیه السلام با دادن هدیه

تحیتی داشته باشیم آیا امام زمان تحیّت ما را بهتر از آن یا مثل خودش را پس نمی دهد؟ لذا اگر بخواهیم هدیه امام زمان هم به ما تعلق بگیرد، یک راهش این است که ما برای او و به نام وجود مقدسش هدیه بدهیم و برای سلامتی وجود عزیزش صدقه بدهیم که این صدقه دادن قطعاً موجب این می شود که دعای امام زمان شامل حال ما گردد.

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام

احترام به اماکنی که منتسب به امام زمان علیه السلام است نیز از جمله وظایف منتظران می باشد. به آن مکان ها برویم، زیارت مخصوص امام زمان را آنجا انجام بدهیم، اعمالی که در آنجا به نام امام زمان وارد شده، به جای آوریم، اماکنی مثل مسجد مقدّس جمکران قم که خود تاریخچه و اعمالی مخصوص دارد. یا سرداب مخصوص به نام امام زمان علیه السلام در کنار حرم مطهر عسکریین علیهما السلام در شهر سامرا و یا مسجد سهله در شهر کوفه که مقام و جایگاه امام زمان است. بنابراین هر کجا که مقامی برای امام زمان و منتسب به ایشان می باشد به آنجا برویم، اعمال آنجا را انجام دهیم و در آنجا با امام زمانمان راز و نیاز و درد دل کنیم.

آن مکان ها، جایگاه هایی هستند که امام زمان معمولاً به آن جاها می آیند. این یکی از وظایفی است که ان شاء اللّه این اماکن مقدسه را که نام بردم زیارت کنیم شاید خداوند زیارت امام زمان علیه السلام را نصیب همه ما بفرماید.

ادای احترام به هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام

مورد دیگری که به عنوان وظیفه خدمت شما عرض می کنم احترام به امام زمان علیه السلام است به هنگام شنیدن نام مقدسش.

اسم مقدسش را بدون آداب بر زبان نیاوریم و با احترام ادا کنیم. با القاب و تحیّت نام مقدسش را ببریم. البته همان طور که قبلاً گفتم، در کتب شیعه، اسامی زیادی برای امام زمان ذکر شده است که ذکر بعضی از اسامی امام زمان هم برای خودش آداب و احترامی دارد، ضمن این که هر اسمی که از امام زمان برده می شود باید با تحیّت و سلام و صلوات توأم باشد. بعضی از اسامی هست که

به همراه خود آدابی دارد؛ مانند همین اسم شریف «قائم» - عجّل اللّه تعالی فرجه و سهّل اللّه مخرجه - از جمله اسامی است که آدابی دارد و الحمد اللّه شما مؤدب به این ادب هستید و الآن با شنیدن نام مقدسش از جا برخاستید، این جزو آداب است و در روایات وارد شده است.

از قول ائمه ما به خصوص از امام رضاعلیه السلام این حدیث وارد شده که در حضور امام رضاعلیه السلام همین نام مقدّس (قائم) برده شد که امام رضا با کمال ادب، تمام قد ایستادند و دستشان را روی سرشان گذاشتند و فرمودند: «وعجّل فرجه و سهّل مخرجه».

امام رضاعلیه السلام با شنیدن این نام، هم از جا برخاست و هم دست را بر روی سر گذاشت و هم تعجیل در فرج امام زمان را از خدا خواست و هم آسان شدن کارها را برای امام زمان از خدا درخواست کرد.

حال نکته ای در این باره می گویم؛ علّت این که به هنگام بردن این نام از جا بر می خیزیم، به دو نکته اشاره می کنم: یکی این است که در روایات وارد شده که وقتی هر شیعه و دوستدار امام زمان این نام را ببرد و از جای برخیزد، امام زمان در هر جایی که باشند متوجه او می شوند و از او به خاطر این احترام، تشکر و قدردانی می نمایند.

علت دوّم، در حقیقت یک پیام و یک فرهنگ است. چون این اسم یعنی برپا دارنده، قیام کننده، یعنی امامی که ما منتظر ظهور او هستیم تا قیام کند و دنیا را پر از عدل و داد فرماید. اکنون نام مقدسش را که شنیدیم اعلام آمادگی می کنیم

که «ای امـام زمان! تو بیا و ما حاضـریم در رکاب تو قیام کنیم و جانمان را در رکاب تو تقـدیم خـدا کنیم. این هم یک پیام و فرهنگ است.

این پیام سازنده هم است، یعنی موجب می شود ما به قدری در مواظبت از اخلاق و رفتار و اعمال و ایمان خود کوشا باشیم که وقتی تشریف آوردند لیاقت سربازی او را داشته باشیم، ان شاء اللّه.

پس به اختصـار و در این فرصت، چنـد وظیفه در قبـال امام زمان علیه السـلام مطرح کردم، بکوشـیم تا ان شاء اللّه گوشه ای از وظایفی که در قبال وجود مقدّس ولی عصر داریم انجام بدهیم تا قلب عزیز و نورانی اش از ما راضی و خشنود گردد.

خداونـدا! چشـمان ما را به جمال دل آرای عزیز و حجت خودت، امام ما، به زودی زود روشن بفرما و جهان پر از ظلم و بیـداد را به وجود مقدسش با عدل و داد الهی اش نورانی بگردان.

عنایت و لطف امام زمان«ع» نسبت به شیعیان

اشاره

وجود مقـدّس حضـرت امـام زمـان مظهر صـفات الهی است. خداونـد متعـال نسـبت به همه مخلوقـات خاصه به انسان، لطف و رحمت دارد. امام زمان علیه السلام نیز مظهر لطف خدا بر همه انسان هاست. وجود مقدّس امام زمان مظهر رحمانیت خداست؛ بنابراین لطف و رحمت امام زمان هم شامل عموم انسان ها می شود و هم شامل مؤمنین.

از یـک نظر وجـود امـام زمـان علیه السـلام برکـات و خاصـیتش به همه هسـتی بر می گردد و لطف برای همه است و به تعـبیر خـواجه نصـیر طوسـی «وجوده لطفٌ و تصـرفه لطفٌ آخر و غیبته منّـا». امّـا از جهت اظهـار لطف و محبّت امـام زمـان نسـبت به مؤمنین و شیعیان، از آنجایی که امام زمان ولیّ امر مسلمین

است، هیچ گاه ولی نباید از افراد تحت سرپرستی خود غافل باشد و در مشکلات آن ها بی تفاوت و بی توجه باشد. امام به منزله پدر است و پدر نسبت به فرزندان خود توجه دارد و به هنگام ضرورت، لطف و مرحمتش را شامل حال آن ها می گرداند. امام زمان از یک جهت لطفش عام است و شامل عامه جهان تشیّع و عموم مؤمنین می گردد و در بعضی از موارد هم خاص است و شامل افرادی می شود که از نظر درجات علمی و ایمانی به مراتبی نایل شده باشند و آن لطف خاص است. نمونه هایی از این دو لطفی که امام زمان به عنوان مظهر لطف الهی اعمال می کند، مطرح می کنم.

در درجه اوّل این عقیده ماست که امام زمان، شیعیان خود را بی سرپرست نمی گذارد و به حال خود رها نمی کند و در سختی ها و شداید، آن ها را تنها نمی گذارد.

نامه ای از امام زمان علیه السلام

در نامه ای که وجود مقدسش به یکی از بزرگان دین «محمد بن محمد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید اعلی اللّه مقامه» می دهد، این جمله را تصریح می کند: «انّا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ولولا ذلک لنزل بکم اللّأوآء واستظلمکم الاعدآء»؛(۸۰) همانا ما شما را رها نمی کنیم، تنهایتان نمی گذاریم و هیچ وقت یاد شما را از خاطرمان نمی بریم که اگر چنین گردد (یعنی شما را از یاد ببریم و رها کنیم) همانا بلای سختی بر شما نازل خواهد شد و مشکلات فراوانی برای شما پدید خواهد آمد و دشمنان شما را بی چاره خواهند کرد. ما نمی گذاریم که شما به چنین وضعیتی بیفتید.

با چنین جملاتی که امام زمان در توقیع مبارکش به مرحوم شیخ مفید می دهد تصریح می فرماید

که ما مواظب شما هستیم، و اگر مشکلی به وجود بیاید، کمکتان می کنیم.

در مورد کمک امام زمان نسبت به عموم شیعیان که واقعاً از وجود مقدسش همه جهان تشیّع بهره می برد، ما در طول تاریخ شواهد زیادی داریم که امام زمان به حال تشیّع و به حال شیعیانش دعا می فرماید. هم برای مشکلات دنیا دغدغه خاطر دارند و هم برای مسائل آخرتشان نگرانی دارند.

نقل واقعه ای از سیّد بن طاووس

مرحوم علامه مجلسی و مرحوم علامه محدث نوری - اعلی اللّه مقامهما - از مرحوم سیّد بن طاووس نقل می کنند که گفته است: من در سرداب مقدّس سامرا که منتسب به وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است مشغول توسل بودم، حالتی برای من پدید آمد و دیدم وجود مقدّس حضرت صاحب الامر در حال راز و نیاز با خداوند بودند، با این جملات، امام زمان راز و نیاز می فرمود: «اللّهمّ انّ شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا ومن بقیه طینتنا، قد فعلوا ذنوباً کثیراً اتکالاً علی حبّنا وولایتنا، فإن کانت ذنوبهم بینک وبینهم فاصفح عنهم فقد رضینا وما کان منها فیما بینهم فاصلح بینهم وقاص بها عن خمسنا وادخلهم الجنه وزحزههم عن النار ولاتجمع بینهم وبین اعدآئنا فی سخطک»؛ «بار پروردگارا! شیعیان ما از انوار ما آفریده شدند و از بقیه طینت ما خلق شدند، به اتکای این که ولایت و محبّت ما را در دل دارند گاهی مرتکب گناهان زیادی می شوند، اگر بین تو و آنان، گناهانی وجود دارد آن ها را ببخش، ما هم خشنود می شویم و اگر بین خودشان مشکل دارند و نگرانی و نارضایتی دارند بین آن ها صلح و صفا ایجاد کن، مشکلات مالی بین آن ها را از طریق خمس

که حق ما هست، خودت تقاصشان را انجام بده، حقوقشان را ادا کن، شیعیان ما را به بهشت وارد فرما و آن ها را از جهنم باز دار و آن ها را با دشمنان ما در غضب خودت جمع و شریک نفرما».

مفهوم این دعا همه بیانگر این نکته است که امام زمان علیه السلام توجّه و دل مشغولی و لطف نسبت به شیعیان خودش را دارد، هم برای مشکلات دنیا و هم برای مشکلات آخرتشان نگران است. این است که گاهی شیعیان در یک وضعیت بحرانی به سر می بردند و حاکمیت مربوط به دشمنان و مخالفین ولایت گاهی برای آن ها فتنه هایی را تدارک می دیدند و امام زمان علیه السلام به کمک آن ها می آمدند.

حکایت انار

مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحارالانوار نقل می کند: در زمانی که غربی ها و انگلیسی ها بر جزیره بحرین سلطه داشتند، حاکمی را در آنجا به کار گماردند که ناصبی و مخالف اهل بیت علیهم السلام بود. وزیری داشت که او هم در مخالفت با شیعیان و اهل بیت، شدّت بیشتری به خرج می داد. روزی اناری را به نزد امیر و پادشاه بحرین آورد و به دست امیر داد، امیر نگاه کرد و دید روی این انار تازه و درشت، با خط طبیعی نوشته شده: «اشهد أن لا اله إلّا اللّه واشهد أنّ محمّداً رسول اللّه واشهد أنّ ابابکر وعمر وعثمان وعلی خلیفه رسول اللّه»، امیر تعجب کرد، چون دید نوشته انار به صورت طبیعی حک شده است، پرسید: این چیست؟ گفت: دلیل بر حقانیت خلفا و باطل بودن تشیّع است. حال شیعیان را احضار کن و بگو جواب این ها را بدهند، یا باید جواب قانع کننده ای داشته باشند

و یا باید مثل یهود و نصاری، جزیه بدهند و یا باید همه آن ها را بکشیم. امیر گفت: حجّت بسیار قوی ای است. بزرگان شیعه بحرین را آورد و انار را به آنان نشان داد و گفت که این دال بر حقانیت اهل سنت و باطل بودن شما شیعیان است، یا جواب قانع کننده ای بدهید یا جزیه بدهید یا همه شما را از دم تیغ می گذرانم.

بزرگان شیعه بحرین دچار مشکل شدند، از یک طرف می دانند حق با آن هاست و از طرف دیگر اناری را نگاه می کنند که نمی توانند جوابی به آن بدهند. با هم مشورت کردند و گفتند مهلتی به ما بدهید تا بعد از سه روز ما جواب را برای شما بیاوریم. به آن ها سه روز مهلت دادند. علما آمدند و خصیصین و شیعیان و زهّاد و عبّاد را جمع کردند و مشکل را با آن ها در میان گذاشتند. از بین آن ها ده نفر از بهترین ها را برگزیدند و از میان این ده نفر هم سه نفر را گزینش کردند. گفتند ما صاحب داریم، مولا داریم، امام زمان علیه السلام، رهبر ومولای ماست، باید مشکل را با او در میان بگذاریم، بروید خلوت کنید و به وجود مقدسش استغاثه کنید که کمکتان کند و گرنه خون همه بی گناهان را خواهند ریخت.

این سه نفر هر کدام به نوبت، هر شب، از آبادی خارج شدند، در بیابان تضرع و زاری به درگاه خداوند و استغاثه به وجود مقدّس امام زمان کردند؛ نفر اوّل شب تمام شد و جوابی نگرفت، نفر دوّم هم همین طور، نفر سوم شخصی به نام «محمد بن عیسی» شب را به استغاثه مشغول شد، ناگهان

دیـد یک شخصـی آمـد رو به او کرد و فرمود: محمـد بن عیسـی چه می خواهی، اینجا چه می کنی، مشـکلت چیست؟ گفت: مشـکل من مشـکل مهمی است که جز با مولایم امام زمان علیه السـلام در میان نمی گذارم. گفت: بگو مشـکلت را، شاید من همان کسـی باشم که تو می خواهی. گفت اگر تو همان کسـی باشـی که من می خواهم، مشـکل مرا خبر داری و نیاز به گفتن من نیست. فرمود: مشـکل شـما بحث انار است، امّا حل مشـکل شما این است که با جمع علما پیش امیر برو و بگو جواب را در خانه وزیر به شـما خواهیم گفت. هنگامی که به خانه وزیر رفتیـد، غرفه ای در سـمت راست شـما هست، به آن غرفه برویـد در بالای طاقچه به گوشه ای نگاه کنید آنجا قالبی است، لکن متوجه باشید که قبل از شما وزیر جلوتر به آن غرفه نرود و او را تنها نگذاریـد. به آنجا که رفتیـد در یک بسـته ای یک قالب گِلی پیدا می کنید. زمانی که این انار کوچک بود این وزیر ناصبی و دشـمن اهل بیت علیهم السـلام در این قالب آن جملات را به صورت معکوس حک کرد و انار را در درون این قالب قرار داد. انار که بزرگ می شـد این شـهادت ها در آن حک شد، آن را بیاورید و به دست امیر بدهید و بگویید: جواب شـما این است، این توطئه وزیر شـماست که چنین کاری انجام داده است. حقّانیت از آن تشیّع است ضـمناً ما یک معجزه دیگر هم برای شـما بگوییم که این انار در داخلش جز خاکستر و دود و گاز چیز دیگری نیست، به دست وزیر بده تا باز

کند، وقتی وزیر باز کرد همه آن به سر و روی وزیر خواهد ریخت. خدا به این وسیله نجاتتان خواهد داد.

محمد بن عیسی خوشحال شد، آمد و ماجرا را به تمام افراد و خصیصین دیگر گفت. به نزد امیر رفتند و در حضور وزیر در خانه وزیر، طبق دستور حضرت صاحب الامرعلیه السلام عمل کردند و آن دشمن خدا و اهل بیت علیهم السلام رسوا شد و شیعیان نجات پیدا کردند و باعث هدایت آن امیر گمراه و باعث هلاکت آن وزیر روسیاه شد.(۸۱)

این نمونه ای است از عنایت های امام زمان علیه السلام نسبت به جمع شیعیان که اگر برایشان مشکلی پیش بیاید، آن ها را به حال خودشان رها نمی کنند و مهمل و بی یاور نمی گذارند.

نمونه های فراوانی وجود دارد؛ در تاریخ زندگی مرحوم علامه نائینی – اعلی اللّٰه مقامه الشریف – که از بزرگان اسلام و تشیّع است و در عصر مشروطیت، جزو رهبران مشروطه بوده، او وقتی احساس می کند مردم ایران دچار مخمصه سختی شدند که دین و کشورشان در خطر است و سلطه دشمنان در حال زیاد شدن است(۸۲) استغاثه به وجود مقدّس امام زمان می کند و در همان حالت بیداری، یک حال عرفانی برای او ایجاد می شود و می بیند امام زمان در کنار یک دیوار بلندی ایستاده اند و این دیوار هر قدر که بلندتر می شود کج تر می شود و در حال ویران شدن است. ایشان با دست مبارکشان اشاره می کنند و به سمت مرحوم نائینی نگاه می کنندو می فرمایند: «این بنا و این دیوار، ایران است، ایران شیعه، خانه ماست. هر وقت بخواهد برایش مشکلی پیش بیاید ما با انگشتانمان آن را به سمت صلاح و

سداد می آوریم.»

این نکته ای است که در زنـدگی مرحوم نائینی نوشـته انـد و یکی از حقایقی است که ما به آن باور داریم و بارها و بارها، این وضعیت دیده شده است مگر در انقلاب اسلامی بارها شاهد حمایت های امام زمان علیه السلام نبودیم؟ آیا اگر حمایت وجود مقدّس آن حضـرت نبود، ما می توانستیم بر رژیم سـتم شاهی که تا دندان به انواع سلاح مسلح بود و استکبار جهانی و شرق و غرب برای بر پا نگه داشـتن آن متفق بودنـد و برای سـرکوب دشـمنانش با هم متحـد بودند و ایران را به عنوان یک جزیره امن تلقی می کردند، پیروز شویم؟ امّا دیدیم که در فرصت بسـیار کوتاهی، انقلاب اسـلامی پیروز شد و حکومت شاه از بین رفت. آیـا غیر از این است که عنـایت و لطف امـام زمـان شامل حال امام عظیم الشأن – اعلی اللّه مقامه – و این ملت شـد؟ مشـکلات عدیده ای که گروهک ها و جریان های وابسته به شرق و غرب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایجاد کرده بودند، مسأله جنگ تحمیلی؛ همه این هـا مشـکلاتی بود که می توانست ایران و انقلاـب اسـلامی را از بین ببرد، امّـا دیـده شـد که امـام زمـان علیه السـلام بـا حمـایت خود انقلاـب و جبهه و جنـگ و در عملیـات های مختلف، این کشور را مورد لطف و عنایت خودشان قرار داد. خودشان فرمودنـد، ایران شـیعه، خانه ماست، بنابراین ما مسـتظهر به این عنایت و لطف الهی هستیم و نبایـد خودمان را تنها احسـاس کنیم و بایـد همیشه در فکر این باشـیم که مولاـ و صـاحبی داریم که در مشـکلات یـاری مـان می کنـد. لکن مـا باید خودمان را لایق این کمک و مساعدت و

عنایت وجود مقدّس امام زمان بکنیم تا او هم به ما لطف و مرحمتی داشته باشد. ان شاء اللَّه خداوند وجود مقدسش را از جمیع بلیات مصون و محفوظ و جامعه و نظام و کشور ما را و رهبر و ملت ما را در پناه امام زمان علیه السلام موفق و پیروز بدارد.

عنایت خاصّ امام زمان«ع» نسبت به شیعیان

توضیح

ادامه بحث گذشته درباره عنایت های خاص امام زمان علیه السلام نسبت به شیعیان است. ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام در همه گرفتاری ها به شیعیان خودش یاری می رساند و آن ها را در گرفتاری ها تنها نمی گذارد، امّا شیعیان هم وظیفه دارند مرتب با امام زمان علیه السلام در ارتباط و استغاثه باشند، بدانند که در مشکلات و گرفتاری ها، امام زمان علیه السلام به آن ها مدد می رساند. بر این حساب، در مشکلات از امام زمان علیه السلام و استغاثه به آن حضرت غافل نشوند.

البته، ادعیه مختلفی در این باره آمده که همگی استغاثه به امام زمان است که فرج و گشایش را به نام مقدّس امام زمان از خداوند در خواست کردن است.

یکی از همین دعاها، دعای معروف فرج «إِلهِی عَظُمَ الْبَلاَّءُ وَبَرِحَ الْخَفآءُ...» است که از ادعیه معروف و مجرب است که مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان می فرماید: این دعا به فردی که در زندان بود تعلیم داده شد که در زندان به این دعا و استغاثه به امام زمان علیه السلام مداومت کرد و رهایی پیدا کرد.

نکته ای دیگر که در همین مورد تأکید می کنم این که امام صادق علیه السلام فرموده است: از جمله بهترین اعمال در روز جمعه، صلوات بر پیغمبرصلی الله علیه وآله و درخواست فرج اهل بیت پیامبر را از خدا خواستن است. روزی که

قیامت برپا شود، ایّام هفته که پیشاپیش آن ها روز جمعه است، در جلوی بهشت صف می کشند وکسانی که در روز جمعه مداومت بر صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله داشته اند، از آن ها استقبال می کنند. راوی می گوید که من از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه نحو باید صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمودند: بعد از نماز عصر، صد بار به این ترتیب: «اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وعجّل فرجهم».

حال شما برادران و خواهران، بعد از این که نماز جمعه و نماز عصر تمام شد، حتی در حال حرکت به سمت منزل خود، از این ذکر غافل نباشید که هم صلوات بر پیغمبر و آلش باشد و هم تعجیل فرج امام زمان علیه السلام و هم از ناحیه شمایی که در پایگاه نماز جمعه که محل اجتماع مشتاقان ظهور امام زمان است این ذکر را در مسیر بر لب داشته باشید که خداوند در قیامت شما را به عنوان اصحاب جمعه ان شاء اللّه محشور فرماید.

ما معتقدیم که بسیاری از افراد، از طریق استغاثه به امام زمان توانسته اند مشکلاتشان را حل کنند. بسیاری از گم شدگان، چه گمشده در عرصه مادّی و چه گمشدگان عرصه معنوی و هدایت، با استغاثه به امام زمان هدایت شدند.

حکایت

در حالات شخصی که از علمای کوفه بود، به نام محمد کوفی که از بزرگان و از متنفذین میان علمای اسلام است و او همان کسی است که به واسطه و وسیله او، نامه امام زمان به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی - اعلی اللّه مقامه - ارسال شده است. گفته اند که این فرد می گوید: من بعد از سفر حج در بین راه گم

شـدم و در باتلاقی گرفتار شدم. در حالی که مرکبی که من بر آن سوار بودم - اسب یا شتر - در باتلاق گیر کرده بود و دیدم که در خطر قرار گرفتم و مشکلاتم جدّی شد، همان جا از ته دل چند بار صدا زدم «یا ابا صالح المهدی ادرکنی» ناگهان دیدم یک سواری به سمت من می آید، جلو آمد، نزدیکی شتر و زیر گوش شتر چیزی را گفت که من فقط یک کلمه آن را شنیدم «الی بیته»، تعجب کردم، دیدم به محض این که این جمله را زیر گوشـش خواند، بلافاصله از باتلاق بیرون آمد. گفتم: آقا شما چه کسی هستی؟ فرمود: شما از چه کسی کمک خواستی؟

همین را گفت و از من دور شـد. شتر من حرکت کرد و مرا از او جـدا کرد. آمـد و وارد شـهر کوفه شد، ناگهان دیدم به زمین افتـاد. گفتم عجب! این که مرا به منزل نرسانـد، زیر گوشـش همـان جمله را گفتم «إلی بیته» و شـتر مرا به در خـانه ام رسانـد و قالب تهی کرد و مرد.

من فهمیدم که اگر کسـی از ته دل به وجود مقدّس امام زمان اسـتغاثه کند، امام زمان قطعاً او را در مشکلات تنها نمی گذارد، به هر حال، ما صاحب و مولایی داریم که قطعاً به کمک ما خواهد شتافت، فقط شرطش این است که رابطه ما با مولایمان امام زمان علیه السلام رابطه ای خالصانه باشد.

دربـاره علمـا و بزرگـان دین، بارهـا شـده که از امام زمان کمک خواسـتند و کمک گرفتنـد. درباره زنـدگی مرحوم آیت اللَّه گلپایگانی - علیه الرحمه - می خوانیم که ایشان در عالم رؤیا دید که امام زمان علیه

السـلام به او فرمود: هر وقت در مشـکلات گیر کردی، به شـیخ عبـدالکریم حـائری پنـاه ببر؛ «إذا تهاجمت علیکم الفتن فعلیکم بالشـیخ عبدالکریم؛ هنگامی که فتنه ها هجوم آورد به شـیخ عبدالکریم پناه ببرید» یعنی امام زمان ایشان را حواله داد به مرحوم شیـخ عبدالکریم حائری و تصادف این طور شده که قبر این دو بزرگوار در حرم مطهر حضـرت معصومه علیها السـلام در کنار یکدیگر باشد.

داستانی از علّامه حلّی

مرحوم شـهید قاضـی نوراللّه شوشتری در مجالس المؤمنین نقل می کند: علامه حلّی متوجه شد که یکی از علمای سنّی کتابی را در رد تشیّع نوشـته است و در رد شـیعه استدلال کرده است ولی این کتاب را به کسی نمی دهد. او مطالب را در میان مردم می گفت و مردم را در عقایـد شـیعه مـتزلزل می کرد و می ترسـید که کتـاب در دست کسـی قرار بگیرد که کتـابی در ردّ آن بنویسد و لذا، آن را به کسی نمی داد.

مرحوم علاّمه حلّی - اعلی اللّه مقامه - که بین او و عالم سـنی رابطه شاگردی و اسـتادی بود، از این ارتباط اسـتفاده کرد و این کتـاب را از او در خـواست کرد. او گفت که من تعهـد کردم این کتـاب را بیش از یـک شب به هیـچ کس نـدهم، چون تو را خیلی دوست دارم یک شب به تو می دهم. علاّمه حلّی، کتاب را گرفت و شروع به استنساخ و رونویسی از روی کتاب مذکور کرد. لکن چون پاسـی از شب گـذشت و خسـته شد، دید وجود مقدّسـی وارد حجره اش شد و به او گفت: شـما خسـته شدی! اجازه بده که من برای شما بنویسم. کتاب را از او گرفت و نوشت مرحوم علاّمه

حلّی به خواب رفت، وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب تا پایان استنساخ شده(۸۳) و این عنایت امام زمان به این عالم بزرگوار است. اخیراً نیز کتابی را دیدم درباره بسیاری از علما و مراجع معاصر که عنایت های خاص امام زمان درباره آن ها در آن کتاب جمع آوری شده و مستند است.

بنابراین امام زمان نسبت به مجموعه شیعه و مذهب تشیّع و جهان تشیّع همان طور که قبلاً ذکر کردم توجه ویژه دارند. همچنین نسبت به افراد شیعه اگر در مشکلاتی گیر کنند، به آن ها توجه دارند. گاهی هم در گمراهی های معنوی ودر ضلالت هایی که ایجاد می شود، در ایجاد انحراف هایی که در جامعه برای افراد به وجود می آید، اگر کسی استغاثه به امام زمان کند، قطعاً هدایتشان می کنند و نمی گذارند که گمراه شوند، همان طور که پدر نسبت به هدایت فرزندان خود حساسیت دارد و سعی می کند که آن ها را هدایت کند، امام زمان هم به فرزندان معنوی خودشان؛ یعنی شیعیان عنایت خاص دارند.

درباره زندگانی مرحوم شیخ مفید – اعلی اللّٰه مقامه – که کراراً مورد عنایت امام زمان علیه السلام قرار گرفت، وارد شده که یکی از افراد بادیه و روستاهای عراق به خدمت ایشان آمد و این مسأله را سؤال کرد که خانم بارداری از دنیا رفته و بچه هم در رحم او زنده است، آیا او را به همین حالت دفن کنیم یا شکم او را بشکافیم و بچه را زنده در بیاوریم؟ مرحوم شیخ مفید فرمودند: او را به همین حالت دفن کنید. عرب جواب را گرفت و رفت. در وسط بیابان، دید که تک سواری به سرعت به سوی او

می تازد، عرب پیش آمد و گفت: شیخ مفید فرمودند این خانم را این طور دفن نکنید، شکم او را بشکافید و فرزند او را زنده در بیاورید و خانم را دفن کنید. عرب رفت و همین کار را کردند و نوزاد را زنده در آوردند و مادرش را دفن کردند و نوزاد هم به زندگی اش ادامه داد. این خبر پخش شد که مرحوم شیخ مفید فتوایی داد و بعد پشیمان شد و بین راه کسی را فرستاد که فتوی را اصلاح کند. وقتی خبر به خود مرحوم شیخ مفید رسید، گفت: من فتوایم این بود که او را همین طور دفن کنید و مجدداً کسی را برای اصلاح فتوی نفرستادم. بعد خودش متوجه شد که آن سوار وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام بود و به این وسیله، اشتباه او را اصلاح کرده است. مرحوم شیخ مفید گفت: حال که من اشتباه به این مهمّی را مرتکب شدم و وجود مقدّس امام زمان آن را اصلاح کرد، من لیاقت فتوا دادن را ندارم و دیگر فتوی نمی دهم. در خانه را بست و تصمیم گرفت که اگر از او استفتا کردند، جوابشان را ندهد. امام زمان، توقیع و نامه مبارکی را برای ایشان فرستادند و فرمودند: وظیفه تو فتوی دادن است و وظیفه ما حفاظت از شماست، اگر اشتباهی کردید که این اشتباه به ضرر شما و مردم شود من جلوی این اشتباه را می گیرم و اصلاح می کنم، شما کار خود را بکن و ما هم کار خود را می کنیم.(۸۴)

این ها عنایت های امام زمان علیه السلام است که از ابتدای امامتشان تاکنون نسبت به هم جهان تشیّع و هم علما

و هم مردم عادی مخلصی که نسبت به وجود مقدّس ایشان خلوص دارند، بارها و بارها شده است.

این است که مـا بایـد خود را آمـاده کنیم و خلوص و توجه داشـته باشـیم و خود را تنها و بی صاحب نبینیم و در رعایت اصول اخلاـقی و مسائـل دینی از خود مواظبت کنیم و هم ارتبـاط خود را بـا امام زمان تنگاتنگ کنیم و همیشه به یاد ایشان و به ذکر ایشان باشیم و در ارتباط و استغاثه معنوی و قلبی با حضرتش باشیم، قطعاً او هم ما و خانواده، جامعه و کشور ما را مورد عنایت ویژه خودشان قرار خواهند داد.

امکان ملاقات با امام زمان«ع»

اشاره

موضوعی که در این قسمت راجع به آن بحث می کنیم این است که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام برای ما وجود دارد یا خیر؟

آنچه را که در گذشـته در بخش مربوط به محـل زنـدگی امـام زمـان بـا تکیه بر احـادیث و اخبار مطرح کردم این بود که امام زمان در میان مردم زنـدگی می کند و در همین جامعه بشـری ما در حال زندگی است. بر حسب احادیث، حضـرت در مراسـم حـج شـرکت می کنـد، مردم را می بینـد و می شـناسد و در بعضـی از روایـات بود که مردم او را می بیننـد ولی نمی شناسـند، بنابراین در این که امام زمان در میان جامعه بشـری زندگی می کند امری ثابت است امّا این که آیا مؤمنین می توانند حضـرت را ببینند مورد بحث است.

در حدیث مفصلی، سدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که وقتی از آن حضرت راجع به امام زمان سؤال شد، حضرت فرمودند: «مَثَل امام زمان همانند حضرت یوسف علیه السلام است. در میان

مردم زندگی می کند امّا ممکن است مردم او را نشناسند «إن إخوه یوسف کانوا عقلاء ألباء أسباطاً أولاد أنبیاء دخلوا علیه فکلّموه وخاطبوه وتاجروه وراودوه»؛(۸۵) یعنی برادران حضرت یوسف - علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام - با این که جزو خردمندان و زیرکان و فرزندان پیامبر بودند، وارد بر حضرت یوسف شدند و با او صحبت کردند و به تجارت پرداختند و با او مراوده داشتند و با این که یوسف برادرشان بود، رو در روی هم نشستند امّا یوسف را نشناختند «لم یعرفوه حتّی عرّفهم نفسه» تا این که حضرت یوسف خودش را به آن ها شناساند «فقال لهم انا یوسف فعرفوه حنیئذ...» پس به آن ها گفت: من یوسفم، آن گاه او را شناختند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فما تنکر هذه الأمه أن یکون اللّه یفعل بحجته ما فعل بیوسف» چرا مردم منکر این هستند که آنچه خدا با حضرت یوسف انجام داد و قدرت شناخت را از برادران ایشان گرفت، همین کار را با حجت خودش امام زمان کند که مردم ایشان را ببینند امّا نشناسند؟ «أن یکون صاحبکم المظلوم المجحود حقه صاحب هذا الأمر یتردد بینهم ویمشی فی أسواقهم و..».(۸۶)

امام زمان مظلومی است که حقش انکار شده، در میان مردم زندگی و رفت و آمد می کند، در بازارهای مردم راه می رود ودر میان مردم می نشیند «ولایعرفونه» و کسی نتواند ایشان را بشناسند، همان طور که حضرت یوسف را برادرانش نشناختند. خداوند همین کار را در قبال حضرت حجت می تواند انجام دهد «حتی یأذن اللّه له أن یعرفهم نفسه» تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خود را به مردم بشناساند، حال این

اجازه می توانـد هم در زمان ظهور باشـد و هم قبل از آن، وقتی مأذون باشد یا وقتی طرف را شایسـته ببیند اذن پیدا می کند تا خود را بشـناساند، لـذا با توجه به بیان این حـدیث، امام زمان در میان ما زنـدگی می کند، مردم او را می بینند و نمی شناسـند، مگر آن ها که به اذن خداوند می توانند ایشان را بشناسند.

نکته قابل توجّه در توقیع امام زمان علیه السلام

بعضـی هـا انکـار کردنـد و گفته انـد در زمـان غیبت کبری رؤیت امـام زمان ممکن نیست و به توقیعی که امام زمان به آخرین نماینـده خودشان یعنی علی بن محمـد سـمری داده است، اسـتناد کردنـد که در آن توقیع حضـرت تصـریح فرمودند: «وسـیأتی شیعتی من یـدعی المشاهـده» حال که تو از دنیا خواهی رفت، من نماینده ای را به جای تو نصب نمی کنم، و روزی برای مردم فرا خواهد رسـید که کسانی ادعای مشاهده مرا بکنند «ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السـفیانی والصـیحه فهو کذّاب مفتر؛ (۸۷) آگاه باش؛ هر که ادعای مشاهده امام را بکند قبل از این که خروج سـفیانی و صـیحه آسـمانی انجام بگیرد او دروغگو و افترا زننده است».

بعضـی از این توقیع عـدم امکـان مشاهـده و ملاقـات با امام زمان علیه السـلام را اسـتفاده می کننـد، امّا بزرگان ما در ارتباط با توضـیح این حدیث و شـرح این توقیع مانند علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار(۸۸) فرمودند: شاید منظور امام زمان این باشـد که هر کسـی ادعـا کنـد من امـام زمـان را مشاهـده کردم و به عنـوان نـایب او، او را دیـده ام این فرد دروغ گـو است. پس آن حضـرت نخواسـتند مطلق رؤیت شان را نفی کنند. البته از نظر ادبی هم در اینجا مطالبی را نقل می کنند، مثلاً کلمه «المشاهده» در

اولش الـف و لاـم است یعنی این طور مشاهـده که تو (علی بن محمـد سـمری) بـا من داری این طور مشاهـده را اگر کسـی به عنوان نایب خاص ادعا کند دروغگو است، امّا نه رؤیت واصل ملاقات را. این را امام زمان علیه السـلام نفی نکردند، این اولین نکته.

امّا نکته دیگر این که در طول تاریخ غیبت کبرای امام زمان علیه السـلام، شخصیت های برجسته ای بودند که ادعای ملاقات با امـام زمان را داشـتند که هیـچ نمی توان به حرف آن ها، خـدشه ای وارد کرد، شخصـیت هایی؛ماننـد مقـدّس اردبیلی، علامه بحرالعلـوم، علاّـمه حلّی، سـید ابـوالحسن اصـفهانی، وبسـیاری دیگر از علمـا و مجتهـدین و مراجع بنـامی کـه مجسـمه تقـوا و پرهیزگاری و زهد و دینداری بودند که در عمر خودشان هیچ دروغ نگفتند و هیچ خلاف انجام ندادند و در حد اختیار و توان خودشان در حال عمد مرتکب معاصی کبیره نشدند و انسان های بسیار شایسته ای بودند، این ها ادعای رؤیت و ملاقات با امام زمان را کردنـد، آیا می شود این ادعاها را زیر سؤال برد؟ مطمئنّاً این ها ادعاهای صادقی است و می تواند سـند صـحت رؤیت امام زمان در عصر غیبت کبری باشد.

برای اثبـات این نظر به عنوان نمونه به یکی از ماجراهـای ملاقـات امـام زمـان توسـط یکی از این شخصـیت های برجسـته عالم اسلام، یعنی علاّمه حلّی می پردازم که در قسمت های بعدی شرایط آن خدمت شما مطرح خواهد شد.

علاّـمه حلّی – اعلی اللّه مقـامه الشـریف – که از بزرگ ترین و نـامورترین علمای شـیعه است و هر چه دارد از امام زمان دارد، عادتش این بود که همیشه جمعه ها به زیارت مرقـد مطهر سیّدالشـهداعلیه السـلام می رفت و از حلّه تا کربلا که فاصـله زیادی بود، ولی

به حکم علاقه و ارادتی که به ساحت مقدّس امام حسین علیه السلام داشت و یا شاید به این خاطر که معروف ومجرب بوده که امام زمان در شب جمعه به زیارت جدّ غریبش، ابا عبداللَّه الحسین علیه السلام می آید، علاّمه حلّی به این کار مداومت می کرد. در یکی از این سفرها، که روز پنج شنبه ای حرکت کرده بود و به سمت کربلا می آمد، در مسیر سفر زیارتی، مرد عربی با لباس عربی با او همسفر شد. در خلال راه با هم به بحث و گفت و گوی علمی، مشغول شدند. علاّمه حلّی، مشاهده کرد که این مرد عرب، عالم بسیار متبحری است و در تمام زمینه ها که وارد بحث می شود، به وضع بسیار نیکو و عالمانه ای بحث را به پایان می برد، الا در یک نکته که نظر فتوایی او با فتوای علاّمه حلّی مغایرت دارد، علاّمه حلّی گفت این نظر که شما دادید هیچ دلیلی برای اثبات آن ندارید و طبق قاعده فقهی این نظر درست نیست، چون با قاعده مخالفت دارد و ما هم اصلی برای اثباتش نداریم، بنابراین نظر شما قابل قبول نیست. مرد عرب فرمود: چرا، اتفاقاً دلیل محکمی هم داریم. علاّمه حلّی گفت: من در این رابطه هیچ دلیلی در هیچ یک از کتاب ها نیافتم. فرمود: چرا، در کتاب «تهذیب» مرحوم شیخ طوسی در فلان قسمت، این حدیث آمده است که می تواند دلیل روشن بر این نظر من باشد. علاّمه حلّی گفت: من اتفاقاً «تهذیب» را بررسی کردم و چنین حدیثی در آن ندیدم. مرد عرب فرمود: این بار به کتاب «تهذیب» خودت مجدداً مراجعه کن، در فلان قسمت فلان صفحه این

حدیث هست.

اینجا مرحوم علاّمه حلّی برایش خیلی عجیب به نظر رسید، گفت: عجب، حرف دقیقی می زند، با خودش گفت که این مرد چه کسی می تواند باشد و این مرد، انسان طبیعی و عادی به نظر نمی رسد، در همین حال تازیانه از دست علاّمه حلّی که برای راندن مرکب در دستش بود از دستش افتاد. آن مرد عرب، کمر خم کرد که تازیانه را به دست علاّمه حلّی بدهد، علاّمه حلّی از ایشان سؤال می کند که آقا! من سؤالی دارم، آیا می شود کسی در عصر غیبت، حضرت صاحب الامرعلیه السلام را هم زیارت کند، آقا فرمود: بله، چگونه ممکن نیست در حالی که اکنون دستش در دست توست. مرحوم علاّمه حلّی وقتی این جمله را شنید از بالای مرکب خود را به زمین انداخت و به دست و پای آقا افتاد و از حال رفت و وقتی به هوش آمد دید که آن آقا نیست. بنابراین، چنانچه انسان شرایط را در خود ایجاد کند، می تواند محبوب خود و حجت خدا، یوسف زهراعلیها السلام را ببیند و بشناسد و مشکلات خود را به کمک او حل کند و از او کمک بگیرد. این امر محالی نیست و مورد اعتقاد ماست. همان طوری که پدر نسبت به فرزندان خود انس و الفت و محبّت دارد، امام زمان هم که سِمَت او سِمَت پدری برای این امّت اسلامی است، ممکن نیست از این امّت، دور باشد و از دوستان و فرزندان معنوی خود دور باشد، و به آن ها توجه نکند. لکن دیدن آقا شرایط و لوازمی دارد و شایستگی هایی می خواهد که از خدا مسألت می کنیم، آن شایستگی ها را به

ما مرحمت فرماید که ما هم بتوانیم چهره نورانی او را ببینیم.

اَللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ، وَالْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ، وَاکْحُلْ ناظِرِی بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.(۸۹)

شرایط کسب لیاقت ملاقات با امام زمان«ع»

اشاره

«یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(۹۰)

این آخرین آیه سوره آل عمران است که معنای ظاهری اش این است: ای کسانی که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید و با مبارزه با دشمنان درون و دشمنان بیرون تحمل مشکلات کنید و با هم در ارتباط باشید برای آن که بر مشکلات فائق شوید. تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید.

امّا صاحبان بعضی از تفاسیر(۹۱) با تکیه بر حدیثی منقول از امام باقرعلیه السلام این چنین برداشت کردند که خطاب این آیه شریفه به مؤمنین عصر غیبت امام زمان علیه السلام است؛ یعنی «ای کسانی که در عصر غیبت امام زمان زندگی می کنید، با شیطان درون و نفس امّاره مبارزه کنید و در این مبارزه شکیبا باشید و در مبارزه با دشمنان دین و حقّ و عدل مبارزه همراه با شکیبایی و بردباری داشته باشید و با امامی که منتظر ظهور و فرج او هستید در ارتباط باشید، تقوای خدا پیشه کنید، باشد که پیروز و کامیاب گردید».

با توجه به این برداشت، مخاطب آیه شریفه، مؤمنین عصر غیبت می باشند و مأمور به ارتباط قلبی و عملی با امام منتظر هستند. همان طوری که در گذشته وعده کردم مختصری در مورد شرایط لیاقت ملاقات با امام زمان می پردازم و طبیعی است هر کسی که بخواهد با شخصیتی عظیم ملاقات کند، رعایت اصول و ضوابط به عنوان مقدمات ضروری است و بدون طیّ آن مراحل، ملاقات برایش فراهم نمی شود.

نکته اوّل

اولین نکته برقراری ارتباط با امام زمان علیه السلام که باید به آن عمل شود، ارتباط قلبی با حالت دعا و نیایش و تضرّع و زاری همیشگی

است. یعنی انسانی که مشتاق ملاقات است، بایستی به هر زبانی، به خصوص به زبان دعاهایی که به ما رسیده و مأثوره است، با امام زمانش درد دل کنـد. در دل شب ها، و روزها، در خلوت و جلوت، دلش مشـغول به آقا باشد، همیشه نام و یاد او و دعا به وجود او را ورد زبان داشته باشد. این اولین حالتی است که مشتاق ملاقات، باید در خود ایجاد کند.

نکته دوّم

دومین نکته این است که همیشه بایـد به وسـیله زیـارت هـایی که از جـانب بزرگان نقل شـده، امام زمان را زیارت کنـد که از جمله زیارتنامه های مجرب که مشـتاقان امام زمان مداومت بر آن داشـته و دارند؛ زیارت مبارکه «آل یاسین» است که محتوای بسـیار بلنـدی دارد و درد دل هـای جـانسوز در آن نهفته است. مشـتاقان اهـل بیت علیهم السـلام وقـتی آن را زمزمه می کننـد، ارتبـاط قلبی و معنوی با ائمه هـدی، خاصه با امام زمان برقرار می کننـد، این دعا، برای بسـیاری مجرب است که افراد زیادی با خواندن آن به آرزوهای خود رسیده اند.

نکته سوّم

نکته سوم این است که مشـتاق ملاقـات بـایستی در بـذل مـال و صـله مـالی به امـام زمان علیه السـلام دریغ نورزد و برای جلب رضایت امام زمان در ادای حقوق مالی آن امام تلاش کند. همان گونه که استحضار دارید و قبلاً نیز بیان شد، یکی از وظایف شیعیان در حال انتظار، دادن صـله، هدیه و صدقه به نام امام زمان است. امّا در اینجا تذکر این نکته لازم است که اگر در اموال ما حق امام زمان باشد، باید این را به امام زمان علیه السـلام بدهیم؛ یعنی به همان راهی که در فقه اسـلامی مشخص شده است برسانیم، یعنی به دست نمایندگان امام زمان علیه السـلام، مراجع عظام تقلید و ولی امر مسلمین برسانیم، سهم امام، نصف از۱۵ اموالی که بایستی به عنوان خمس، آن ها را بدهیم است و باید به همان راهی که مورد نظر اوست به مصرف برسانیم.

در توقیعی که امام زمان علیه السلام به محمّد بن یعقوب داده است، فرمود: «وامّا اموالکم فلا نقبلها الا لتطهروا فمن شاع فلیصل و من شاء فلیصل

و ما اتانا اللّه خیر مما اتاکم؛ امّا اموال شما مؤمنین و طرفدارانمان، ما این اموال شما را قبول نمی کنیم مگر به خاطر این که شما از درون، خودتان پاک شوید پس هر کسی که می خواهد چنین شود باید به وسیله اموال خود به ما نزدیک شود و هر کسی نمی خواهد با ما نزدیک شود، بخل نماید». (اصطلاحاً می گوییم فلانی مالش را پاک نکرد). در حقیقت ظاهرش این است که در اموال او سهم امام علیه السلام، سهم سادات (خمس) است و حق تصرف در آن را ندارد، همچنان که یک انسان در مال شریک، بدون اجازه او حق تصرف ندارد.

از آنجایی که ۱۵ این اموال به صورت مشاع حق امام زمان علیه السلام و سادات است و باید به دست نایب امام زمان و به اهلش برسد. اگر انسان این کار را نکند، مجاز به تصرف در مالش نیست. یکی از مفاهیم حدیث فوق همین است و مفهوم دیگرش این است که کسی که علاقه مال در درونش باشد، در حقیقت مثل این است که قلب او آلوده و چشم دلش کور است و باید قلب خود را پاکیزه کند.

امام زمان علیه السلام می فرماید: ما مال شما را قبول نمی کنیم مگر برای طهارتتان؛ یعنی وقتی ۱۵ اموال را انسان از مالش خارج می کند، به همان اندازه طهارت قلبی پیدا کرده است، پس اگر کسی قلبش طاهر باشد اموال و لقمه و لباس و مسکن او نیز پاکیزه و طاهر است و این قدمی از قدم های به دست آوردن شایستگی های ملاقات امام زمان علیه السلام است.

نکته چهارم

نکته چهارم، بحث تزکیه نفس است که مهم ترین موضوع است. بحث تزکیه نفس؛ طهارت باطن،

پرهیز از گناه، عمل به اعمال واجب و فرایض، متخلّق به اخلاق حسـنه، دوری جستن از اخلاق سیّئه و رفتار ناپسند است. انسان باید تلاش کند در راه تزکیه نفس و تطهیر باطن و زدودن اخلاق ناروا و کسب اخلاق حسنه و پسندیده و حسنات و منش های مورد تاییـد امام زمان، توفیقاتی را کسب کنـد. اگر انسان از جهت اخلاق و رفتار در جهت مغایرت با اخلاق و رفتار امام زمان باشـد چگونه می توان پـذیرفت که لیـاقت ملاقات با امام زمان را داشـته باشـد؟ در درجه اوّل انجام فرایض با شـرایط آن، جزو وظایف ضـروری است. راجع به نماز صـبح و مغرب توصـیه امام عصر بسیار مهم است. مرحوم شیخ طوسی از «زهری» نقل می کنـد که بـا صـرف مـال و تلاـش حـال، به خـدمت آقا نرسـیدم، تا به خـدمت محمـد بن عثمان عمروی (نایب خاص امام علیه السـلام) رفتم. در توقیعی که به دست او رسـید، فرمود: ملعون است، ملعون است کسـی که نمـاز مغرب را تأخیر کنـد تا سـتاره آسمان زیاد شود و ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را تأخیر اندازد تا ستاره ها محو شود.(۹۲)

درجه دوّم تطهیر نفس، این است که علاقه به مادیّت را از دلش قطع کنـد، پایبند به علاقه به مال دنیا در حد غیر متعادل نباشد، علاقه به مال دنیا و شـئونات دنیا، او را آن چنان به خودش مشـغول نکنـد که از اشـتغال حسـنه به یاد خـدا و امام زمان و اعمال پسندیده غافل بماند. در این باره ماجراهای زیادی هست.

حکایت

داستانی از کتاب دارالسلام مرحوم عراقی نقل شده که وقتی دو نفر در شهر بصره

به مغـازه مرد متـدینی آمدنـد و کـافور خواسـتند، او چهره آن هـا را که دیـد، متوجه شـد اثر نجـابت و طهارت باطن در آن ها هست. از آن ها پرسید: شما که هستید؟ برای چه چیزی این ها را می خواهید؟ چیزی نگفتند، آن مرد اصرار کرد و آن ها را به پیغمبر خـدا قسم داد، که خلاـصه گفتنـد: ما از افرادی هستیم که توفیق ملاقات و حشـر و نشـر با امام زمان را داریم، در بین ما فردی از دنیا رفت، آقا به ما مأموریت داد تا سدر و کافور تهیه کنیم.

وسایل را تهیه کردند، گفت: حالا که به خاطر پیغمبر خدا شما را قسم دادم و این موضوع را به من گفتید، مرا هم با خود ببرید تا من هم بلکه به این آرزو نایل شوم و چشـمم به جمال مولایم بیفتـد. گفتند: ما نمی توانیم قول قطعی ملاقات را بدهیم. به هر ترتیب ایشان را با خودشان بردند، به دریا که رسـیدند. برای حرکت از مسیر آب بدون این که از قایق یا هر وسیله آبی دیگری اسـتفاده کننـد روی آب حرکت کردند به او گفتند: بیا. گفت: روی آب؟ گفتند: آری، توکّل نما و دلت را محکم کن. به یاد امام زمان و خدا مشغول باش. گفت: این کار را کردم، گویی بر روی سنگ به همراه آن ها راه می رفتم. بین راه، باران سختی در گرفت. ناگهـان به یـادم افتـاد که صابون هایی که ساخته بودم و در پشت بام منزل پهن کرده ام در این باران از بین خواهد رفت، خیلی نگران صابون ها شدم، ناگهان پایم در آب فرو رفت و نزدیک بود غرق شوم، دستم را گرفتند و گفتند:

دچار غفلت شـدی؟ دسـتش را گرفتنـد و از آب بیرون آوردنـد و بـا خود بردنـد، وقتی به محضـر امـام علیه السـلام رسـیدند، حضرتش اجازه ورود نداد و فرمودند: او به فکر صابون های خودش است.(۹۳)

این گونه دل مشـغولی ها، انسان را از آن فیض عظما محروم می کند. دل مشـغولی، علقه قلبی و گره و مودّت و عشق به دنیا و مال دنیا، نمی گـذارد نام و یاد و عشق معشوق دیگری در قلب جا بگیرد: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِن قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ».(۹۴) خداوند برای کسی دو دل در سینه قرار نداده است.

پس، دو دل در سـینه جـای نـدارد، یـک دل است و یک دلبر و آن هم خـداست و بس، دل را به یاد خـدا و ائمه هـدی و امام زمان علیهم السلام روشن کنیم تا ان شاء اللَّه بخشی از این لیاقت ها را پیدا کنیم.

این نکته بسیار مهمی است که در بعضی از کتاب های معتبر نقل شده که پرهیزکاری، تقوی، تزکیه نفس و مداومت به حضور قلبی برای ترک گناه و معصیت و دوری از رفتار و گفتار و اخلاق زشت، شرط تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام است.

یکی از بزرگان که از اعاظم مازندران است و از علمای بسیار زحمت کش و اهل قلم و بیان و تدریس و تحصیل می باشد، در کتاب هایی که برای وجود مقـدّس امام زمان در چنـد سال اخیر نوشـته، در سـخنرانی های خودش مطرح کرده که: در محضـر حضـرت آیت اللَّه کوهسـتانی - اعلی اللَّه مقامه الشـریف - که از انسان های شایسـته معاصر بود، یکی از علمای معروف به نام حاج شیخ محمود کومله ای در حوزه کوهستان در خدمت ایشان بود. در خلال صحبتی

بیـان کرد که رسم طلبه هـای نجف این بود که برای این که به آرزوی دیـدار امـام زمـان نایل شونـد، گاهی به صورت اربعین (چهل روز) اعمالی را انجام می دادنـد؛ دعا، مناجات، روزه، یا گاهی چهل هفته از نجف به مسـجد سـهله می رفتند تا با دعا و اعمـال و رعایت و مـداومت در گناه نکردن، (چشم و زبان و معـده و فکر را حفظ می کردنـد، گناه نکننـد) بلکه لیاقت دیـدار امام زمان را داشـته باشـند چون، از جمله اماکنی که ممکن است کسب چنین توفیقی میسـر شود مسـجد سهله در کوفه، مسجد جمکران در قم، یا حرم مطهر نبوی و یا حرم مطهر حسینی است.

این عالم می فرمایـد: من شاید در هفته سـی و چهارم و یا سـی و پنجم از چهله بود که از نجف به مسـجد سـهله می رفتم، طبق عادت همیشـگی به گوشه ای رفتم و نشسـتم و با کسـی صحبت نمی کردم، سعی می کردم طبق رسم طلبه ها از غذای زیاد در این حـالت اسـتفاده نکنم، از غـذاهای حیوانی؛ مثـل گوشت، روغن و... و به خود مشغول باشم. ناگاه دیـدم جوانی عرب آمد کنـار من نشـست و بـا حالت خاصـی شـروع به قرائت قرآن کریم کرد. چون قرائت قرآنش تمام شـد، رو به من کرد و مشـغول صحبت شد. من با بی میلی جواب صـحبت هایش را می دادم. چون می خواسـتم این حالت از من گرفته نشود، سعی می کردم با دیگران صـحبت نکنم. بعـد دیدم سـفره ای حاوی برنج و غذایی همراه با گوشت باز کرد و به من گفت: بیا میل کن. گفتم: من این غذا را نمی خورم. (غذای حیوانی را نمی خورم) چون چنین تصمیمی دارم. فرمود: اگر شنیدی که غذای

حیوانی نخور، به این معنی نیست که غـذایی که از حیوان به دست می آیـد مثل روغن یا از ذبـح حیوان به دست می آیـد مثل گوشت را اسـتفاده نکن، بلکه یعنی مثل حیوانات غـذا نخور که حلال و حرام یا حق صـغیر و کبیر در آن باشـد و خـدا راضـی نباشـد، و این که تو برداشت می کنی نیست. بعـد از لحظاتی دیـدم از نظرم ناپدیـد شـد. متوجه شدم همان کسـی که من برای دیدنش اربعین گرفته بودم و دیگران اربعینات زیادی گرفتند، حضـرت بود که من لیاقت شـناختن او را نداشتم، چون راهی که انتخاب کرده بودم آن راهی نبود که ایشان می خواستند.

این است که انسان از حلال خـدا اسـتفاده کنـد، امّا از حرام خـدا پرهیز کنـد، غـذا بخورد، حرف بزنـد، کار کند، ولی حیوانی نباشـد؛ یعنی خـارج از چـارچوب و مقرّرات و ضوابـط دینی و الهی نباشـد. از این ماجرا می توان این نکته را اسـتفاده کرد که مشتاق ملاقات باید پاک و منزه باشد، در چارچوب رعایت مقررات و ضوابط و اصول مختلفی که خدا برای او و از لحاظ فکری و عملی مشـخص کرده، گام بردارد تا بخشـی از لیاقت های ضـروری را که موجب ملاقات با محبوب الهی و معشوق مشتاقان؛ یعنی امام زمان است را در خود ایجاد کند.(۹۵)

نکته پنجم

پس از آن که تشـریح کردیم امکان ملاقات به محضـر امام زمان علیه السـلام وجود دارد، اینک می گوییم لکن شرطهایی هم برای تشـرّف به محضـر آقا است که هر کسـی این شـروط را در خود ایجاد کند، امکان شرفیابی برای او پیدا خواهد شد و اگر هم توفیق شرفیابی پیدا نکرد، خو را در جهت آنچه که امام

زمان علیه السلام می خواهد و در مسیر آنچه مورد رضایت امام زمان است قرار داده است؛ و این خود توفیق بزرگی است.

نکته ششم

امّا نکته دیگر این است که آیا تشرّف به محضر امام زمان اختصاص به انسان های خاص دارد که مثلاً حتماً باید از علما و مجتهدین و افراد شاخص در میان مؤمنین باشد؟ آیا ملاقات با امام زمان علیه السلام مربوط به دوران گذشته است و در این عصر و زمان، این امکان وجود ندارد و کسی قادر به ملاقات امام عصر نخواهد بود؟

در توضیح این دو نکته، لازم به ذکر است که ملاقات با امام زمان مربوط به عدّه و صنف خاصی نیست که بگوییم حتماً باید از علما و مراجع و بزرگان و معاریف باشند، بلکه هر کسی که در وجود خودش لیاقت ملاقات ایجاد کند احتمالاً تشرّف به محضر امام زمان برای او متصوّر است. نمونه هایی هم وجود دارد که ذکر خواهیم کرد.

ضمناً ملاقات با حضرت فقط مربوط بر عصر گذشته نیست، بلکه در عصر و زمان ما و پس از آن تا قبل از ظهور امام زمان احتمالاً ـ این که انسانی باشد و این لیاقت را در خود ایجاد کند و به این آرزو هم نایل شود وجود دارد. پس باید همه در این جهت تلاش کنیم و هیچ کس نباید خود را ناامید از توفیق تشرّف به محضر امام علیه السلام بداند و این امید باید در دل همه باشد که همین امید، هم موجب تحرّک و هم باعث اصلاح و تلاش برای سازندگی شخص جهت دستیابی به این آرزوی بزرگ است.

البته، در ارتباط با ملاقات امام زمان اگر انسان ها از نظر مراتب

تقوا و اخلاص در درجات عالیه باشند، شاید کیفیت برخورد حضرت با آن ها، با افراد دیگری که از نظر مراتب و لیاقت ها به آن رتبه و درجه نیستند با هم متفاوت باشد.

ماجرای ملاقات علّامه بحرالعلوم

مثلاًـ درباره علامه بحرالعلوم موارد مختلفی وارد شده که ایشان به محضر حضرت صاحب الامر مشرف شد؛ به عنوان نمونه مرحوم میرزای قمی می فرماید: من و علامه بحرالعلوم با هم در درس آیت اللّه بهبهانی در نجف اشرف حضور پیدا می کردیم، امّا از نظر رتبه علمی، من در درجه بهتری از او بودم، گاهی درس های استاد را من تقریر می کردم و او استعداد آن چنانی نداشت. من بر حسب ضرورت از نجف به ایران آمدم و مدّتی در ایران بودم، سپس برای زیارت عتبات عالیات مجدداً به نجف مشرف شدم، امّا قبل از برگشتن به نجف، آوازه بلند علامه بحرالعلوم به همه جا رسیده بود. به نجف مشرف شدم و دیدم ایشان آن چنان حوزه درسی قوی و شاگردان عالی رتبه دارد که موجب شگفتی من شد. روزی در خلوت از او پرسیدم، من و شما همدرس بودیم و در محضر استاد حضور می یافتیم و می دانی که من از نظر رتبه و درجه علمی و استعداد، وضع بهتری از تو داشتم، امّا این همه آوازه و رتبه عمیق علمی که در اختیار توست، موجب شگفتی من است. چه چیز باعث شد که به اینجا رسیدی؟ گفت: از اسرار است. اصرار کردم که اسرارش را به من هم بگوید، گفت: به شرط آن که تا زمانی که زنده ام، سرّم را فاش نکنی. قول دادم، به من فرمود: من کراراً آرزوی ملاقات با آقا، امام عصر را داشتم.

روزی به مسجد سهله رفتم، چشمم به جمال دل آرای مولایم امام زمان افتاد، به من اشاره کرد جلوتر بیا. جلوتر رفتم، سلام و عرض ادب کردم، باز هم فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، فرمود جلوتر بیا، جلوتر رفتم، دیگر خجالت کشیدم، باز هم فرمود: جلوتر بیا، تا آن که در کنار امام زمان قرار گرفتم، آغوشش را گشود و مرا در بغل گرفت و سینه مبارکش را به سینه من چسباند و به برکت این ملاقات بود که درهایی از حقایق و معارف به رویم باز شد و این وضعی که می بینی، همه از لطف آقا و مولایم امام زمان است.(۹۶) این هم یک قسم ملاقات است.

امّا این نوع توفیقات که امام، او را به کنار خودش بخواند و او را در آغوش بگیرد و در بغل بفشارد و دریایی از معرفت را به روی او باز فرماید که ملقب به بحرالعلوم (دریای دانش ها؛ زیرا سینه او به سینه امام زمان علیه السلام چسبیده که آنجا دریای علم الهی است و علم خدا در آن موّاج بوده است) شود، توفیق دیگری است.

او چون این لیاقت را پیدا کرده بود، به این شرافت عظما دست یافت. این گونه ملاقات ها طبعاً برای همه افراد نیست. امّا ملاقات های عادی و عنایت هایی که امام زمان به همه افراد می فرمایند، احتمال و امکان تشرّف به محضرشان هست. می خواهد یک عالم باشد، مرد یا زن، پیر، جوان، بی سواد، یا باسواد باشد، همه این ها بستگی به تلاش برای کسب لیاقت دارد.

علائم ظهور، فواید و آثار اعتقاد به آن

اشاره

قبل از این که بر اساس احادیث و روایات به شرح علائم ظهور بپردازیم، فواید اعتقاد به این علائم را بیان می کنیم:

فایده اوّل

با علائمی که برای ظهور امام زمان از معصومین علیهم السلام ذکر شده، یکی از فوایدش این است که معلوم می شود ائمه معصومین علیهم السلام علمشان متصل به علم خداست زیرا قبل از تحقق علائم و حوادث آینده، خبر از آن چیزهایی، که در آینده اتفاق می افتد دارند. وقتی این حوادث اتفاق بیفتد، پیروان آن ها یقین می کنند که ائمّه علیهم السلام علمشان به علم الهی متصل است و اطلاعات غیبی دارند و علم غیب از جانب خداوند به آن ها رسیده و در نتیجه در حقانیت ائمه معصومین علیهم السلام اعتقاد راسخ پیدا می کنند.

فایده دوّم

مردم در رابطه با وجود مقدّس امام زمان علیه السلام عقیده راسخ تری پیدا می کنند، هر مقدار از این علائم ظهور پیدا کند، انسان خودش را به روز ظهور و موعودی که خداوند در نظر گرفته است نزدیک تر احساس می کند و دلش به سمت تحقق آن امید شتافته و آماده تر می شود و رعایت حالات یک منتظر واقعی را بیشتر مورد توجه قرار می دهد.

چون علائم ظهور یکی پس از دیگری وقوع پیدا می کند، منتظر امام زمان علیه السلام، حالت انتظارش بیشتر و بهتر و به موعودش نزدیک تر و به اصل اشتیاق خود راغب تر می شود؛ مثل کسی که مهمان عزیزی را در نظر داشته باشد، اگر یکی

پس از دیگری علائم و آثاری از رسیدن او پیدا شود که مهمان او نزدیک است، حالات معنوی و روحی بهتری پیدا می کند.

فایده سوم

وقتی که علائم و آثار ظهور امام زمان ذکر شود و همه آن را بدانند، موجب می شود که ادّعای کذبی که دروغگویان در طول تاریخ انجام دادند و ادعای مهدویت کردند و چه بسا در آینده هم ادعای مهدویت کنند، ادعای دروغشان آشکار می شود؛ زیرا هیچ کدام از آثار و علائمی که گفتند، در ارتباط با آن ها تحقق پیدا نمی کند، در نتیجه ادعای دروغین آن ها برای عموم آشکار می شود.

علائم ظهور

در کتب ما شیعیان و بعضی از کتب غیر شیعی هم روایاتی تحت عنوان علائم ظهور امام زمان علیه السلام ذکر شده است. در کتاب بحارالانوار مرحوم مجلسی، کتاب اثبات الهداه، کتاب شریف کفایه الموحدین مرحوم حاج سید اسماعیل عقیلی نوری که کتابی در کلام و عقاید است، علائم زیادی ذکر شده که طبعاً ذکر همه آن ها در این فرصت نمی گنجد. در این کتاب ها، علائم ظهور را به اقسامی، تقسیم کرده اند.

مرحوم عقیلی نوری در کتاب کفایه الموحدین آن را بر سه نوع تقسیم کرده است:

نوع اوّل؛ علائم خاصه که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و علائم عامه که می تواند مربوط به غیر امام زمان، از معصومین علیهم السلام هم باشد.

نوع دوّم؛ علائم حتمیه و علائم غیر حتمیه ۷

نوع سوّم؛ علائم واقعه، یعنی علائمی که تاکنون اتفاق افتاده و علائم غیر واقعه، یعنی علائمی که هنوز ظاهر نشده است.

امّا معمولاً بر حسب روایات، علامات ظهور به دو قسمت تقسیم می شود: علائم حتمیه و غیر حتمیه.

علائم حتمیه و غیر حتمیه

علائم حتمی علائمی است که شرط ظهور است و باید حتماً اتفاق بیفتد تا حضرت، ظهور کنند.

اما علائم غیر حتمی علائمی است که ممکن است وضعیت طوری شود که این علائم اتفاق بیفتد یا بعضی علائم که از عذاب ها به حساب می آیند به خاطر تفضّل پروردگار به بندگانش از بین برود، شاید خداوند مصلحت بداند که آن علائم تحقق پیدا نکند و حضرت تشریف بیاورند و یا شرایط و علل بروز آن علائم فراهم نگردد و در نتیجه آن علائم تحقق نیابد.

برخی از علائم غیر حتمیه

در این بخش راجع به بعضی از علائم غیر حتمیه بر اساس روایات به اختصار توضیح می دهم: روایتی از امیرالمؤمنین علیه

السلام است که در یکی از خطبه ها ایشان فرمودند: «الا ان لخروجه علامات عشره، اولها تخریق الرایات فی اذقه الکوفه، ثانیها، تعطیل المساجد وانقطاع الحاج و خسف وقذف بخراسان وطلوع الکواکب المذنبه واقتوان النجوم وهرج ومرج وقتل ونهبت فتلک علامات عشره ومن العلامه إلی العلامه عجب عجب فإذا تمت العلامات، قام قآئمنا»؛(۹۷) همانا برای خروج ما علامات ده گانه است؛

اوّل: آتش گرفتن پرچم ها در کوچه های کوفه که جهت شرح آن باید به کتاب های مفصل مراجعه کرد.

دوّم: مسجدها تعطیل می شود، حال آیا در مسجدها را می بندند، همچنان که اخیراً در اخبار و روزنامه ها منعکس شده، شیطنت هایی که استعمار ایجاد کرده باعث شده که یکی از مسئولین کمیسیون اروپا اعلام کند که مساجد، جایگاه تربیت تروریست ها است و باید درب مساجد را ببندید!! و یا در زمان رضاخان که جلوی اجتماعات مؤمنین را گرفته و درب مساجد را بستند و بعضی از آن را به محل انبار کالاهای دولتی تبدیل کردند! و یا شاید منظور

این است که از مساجد بهره برداری صحیح که خواندن نماز در مساجد است استفاده نمی شود و نماز در مساجد تعطیل می گردد! این ها همه ظاهر است، کما این که در بعضی از خبرهاست که مساجد زینت می شود امّا از نظر عبودیت و بندگی، کسی به آن ها مراجعه نمی کند و استفاده غیر عبادی در آن می شود.

سوم: راه های مکّه ناامن و بسته می شود و در بعضی از روایات آمده است که در مکّه سه سال عمل حج تعطیل می شود. امّا آیا تاکنون تحقق یافته یا نه، مورد بحث است؛ آیا منظور این است که در این سه سال از هیچ مسیری امکان رفتن به حج برای هیچ مسلمانی وجود ندارد و یا این که راه مکّه را بر روی کسانی که بخواهند حج ابراهیمی را به معنی واقعی و بر اساس مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام انجام دهند، می بندند. همان طوری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به مدّت سه سال متوالی راه حج را به روی ایرانیان مسلمان بستند!

چهارم: فرو رفتن بخشی از زمین خراسان و یا خرابی خراسان. آیا اتفاق افتاده، آیا ما می توانیم حمله روسیه که در گذشته به خراسان انجام شد را حساب کنیم یا این حادثه بعداً اتفاق خواهد افتاد، به هر حال جزو علائم ظهور ذکر گردیده است.

پنجم: طلوع ستاره های دنباله دار.

ششم: ستاره ها به یکدیگر نزدیک تر می شوند.

هفتم: الفتنه = هرج.

هشتم: الاختلاط = مرج.

نهم: قتل.

دهم: غارت.

این ها جزو علامات ده گانه است و همان گونه که ملاحظه می شود، بسیاری از این علائم اتفاق افتاده و شاید همین رویدادها، مورد نظر باشد.

در یک روایت مفصلی درکتاب شریف بحارالانوار(۹۸) از امام صادق علیه السلام نقل شده که امام صادق علیه السلام

می فرمایند: شخصـی مرا با منصور دوانیقی دید که با هم حرکت می کنیم، در حالی که منصور دوانقی بر اسب راهواری سوار است و اطراف مرکب او را نیروهایی احاطه کردند، امّا من بر الاغی سوار بودم و در میان آن ها حرکت می کردم، آن شـخص به منزل من آمـد و به من گفت: آقا! شـما با این عزت و جلال و شوکت، امّا منصور با این وضع، تا کی بایـد وضع به این گونه ادامه پیدا کند که حکومت دست آن ها باشد؟ پس کی فرج شما تحقق پیدا می کند؟ «إلی متی هولآء یملکون؟؛ تا کی این ها فرمانروایی دارند»؟

«فقلت: أ لیس تعلم أن لکـل شـی ء مـده، أ لا تعلم أن من انتظر أمرنا و صبر علی ما یری من الأذی والخوف هو غـدا فی زمرتنا؛ گفتم: آیا نمی دانی که هر چیز یک مـدّتی دارد؟ آیا نمی دانی کسـی که منتظر امر حکومت و فرج ما باشد و بر این کار صبر کند و هر چه در این راه اذیت و آزار دیده تحمل کند، در زمره ما خواهد شد؟ صبر کنید، این برای خود یک مدّتی دارد».

بعـد نشـانه هـایی را ضـمن بیان مفصـلی توضـیح دادنـد که بخشـی را من ذکر می کنم: «فإذا رأیت الحق قـد مات وذهب أهله ورأیت الجور قـد شـمل البلاـد ورأیت القرآن قـد خلق وأحـدث فیه ما لیس فیه ووجه علی الأهواء ورأیت الـدین قـد انکفأ کما ینکفئ الإناء؛ هنگامی که دیـدی حق از بین رفت و اهل حق هم از بین رفتنـد و دیدی که اهل جور و سـتم همه دنیا را گرفته و قرآن احکامش فرسوده شده و در بین مردم، منزوی شده و احکامی

را بـه عنـوان احکـام قرآن عرضه کردنـد، مفـاهیم قرآن را جـور دیگر برداشت می کننـد، چیزی که در مفـاهیم قرانی نیست به عنوان مفـاهیم قرآنی برای مردم مطرح می کننـد و آنچه را که در قرآن است بر اسـاس خواسـته ها و هواهای نفسانی خودشان تعبیر و تفسـیر کنند و آن گاه که ببینی دین بی محتوا شده درست مثل ظرفی که آدم آن را خالی کند بی محتوا می شود». این ها جزو علائم ذکر شده است.

و در ادامه این روایت می فرماید: «ورأیت أهل الباطل قد اسـتعلوا علی أهل الحق ورأیت الشر ظاهراً لا ینهی عنه ویعذر أصحابه ورأیت الفسق قـد ظهر واکتفی الرجال بالرجال والنساء بالنساء...؛ و دیدی که اهل باطل، حاکم بر اهل حق شدند و حاکمیت به دست باطل افتاد و دیدی که شرّ حاکم می شود و کسی هم جلوی آن را نمی گیرد.(۹۹) و فسق همه جا را می گیرد، مردان به مردان اکتفا می کنند و زنان به زنان.

بحث همجنس بـازی به عنوان فرهنـگ و حزب و تشـکیلات در کشورهای اروپایی و آمریکایی در آمـده است «ورأیت الکافر فرحـاً لمـا یری فی المؤمن مرحاً لما یری فی الأرض من الفساد ورأیت الخمور تشـرب علانیه و.... ورأیت المؤمن لا یسـتطیع أن ینکر إلّا بقلبه و...ورأیت الولاه یقربون أهل الکفر ویباعدون أهل الخیر ورأیت الولاه یرتشون فی الحکم»؛(۱۰۰)

و می بینی که کفّار به خاطر مشکلی که برای مؤمنین ایجاد شده شاد و مسرورند و از حاکمیت جور و فساد خود بر زمین، حال کبر و غرور به آن ها دست می دهد.(۱۰۱) منافقین و کفار به خاطر وضعیتی که در مؤمنین ایجاد شده به خاطر فساد، خوشحال و مسرورند و می بینی که به صورت علنی

شراب می خورنـد این ها جزو علائم است. و می بینی که مؤمن نمی تواند جلوی فساد را بگیرد و توان نهی از منکر را ندارد و مجبور است در دل خود نسبت به بـدی هـا ابراز انزجـار کنـد و اگر به زبـان بیاورد مورد اذیّت و آزار قرار می گیرد و یا مورد سرزنش و مـذمّت قرار می گیرد و می بینی که والیـان به اهـل کفر نزدیـک می شونـد و به غیر مؤمن تمایل پیـدا می کننـد، امّا مؤمنین را از خود طرد و دور می کنند. والیان را می بینی که رشوه می گیرند تا کاری را انجام دهند و تا آخر حدیث که خیلی مفصل است.(۱۰۲)

علامـات، فراوان است و همه این علامـات به عنـوان علائم غیر حتمیه است، بعضـی ممکن است تحقق پیـدا کرده و بعضـی به لطف خدا تحقق نیابد.

به هر حـال این علائم که اتفـاق بیفتـد مـا می فهمیم که به ظهور نزدیـک می شویم امّا این به این معنی نیست که هر وقت این علائم اتفاق بیفتد بعد از مدّتی امام زمان علیه السلام بلافاصله خواهند آمد، البته علائم حتمیه در بعضی از روایات، زمانش هم ذکر شـده که اگر آن علامت اتفاق افتاد، امام زمان چنـد سال بعـد خواهـد آمـد ان شاء اللّه آن علائم را در بخش های بعـدی شرح خواهم داد.

پروردگـارا! در فرج امـام زمـان تعجیـل بفرما و به وجود مقدسـش ناامنی هایی که در مؤمنین ایجاد شـده پایان بخش، جمعیت کفر را از هم بگسلان، جمعیت مؤمن را با هم متحد فرما، و پرچم «لا اله الا اللّه» را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآور و ما را از یاران امام زمان قرار بده.

علائم ظهور حادث شده امام زمان«ع»

توضیح

قبلاً درباره بعضی از علائم ظهور امام

زمان مطالبی را تقدیم مشتاقان ظهور آن حضرت کردیم. گفتیم که بخشی از این علائم، بر اساس تقسیم بندی بعضی از علما و شخصیت ها، علائم غیرحتمی است که تاکنون تحقق پیدا کرده. و علائم حتمیه ای که هنوز تحقق خارجی پیدا نکرده و تا تحقق پیدا نکنند ظهور صورت نمی گیرد.

در این قسمت به بعضی از علائم غیر حتمیه ای که واقع شده می پردازم؛ بنابراین، این علائم جزو علائم حتمیه هم می تواند به حساب آید و این همان علائمی می باشد که در گذشته در کتب تاریخ و احادیث ذکر گردیده است.

علائم غیر حتمیه

از جمله این علائم: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «لا تقوم الساعه حتی یخرج نحو من ستین کذّاباً کلهم یقولون أنا نبی»؛ (۱۰۳) قبل از ظهور امام زمان علیه السلام ۶۰ نفر ادّعای نبوّت می کنند، این ادعاهای نبوّت از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله تا قرن اخیر در تاریخ اتفاق افتاده است. اولین مدّعی نبوت در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله مسیلمه کذّاب بود و همزمان با او زنی به نام «سجاح» که او هم ادعای نبوت کرد. و همین طور، زمانی پس از آن افراد فراوانی که شاید تعداد آن ها به این مقدار هم رسیده باشد، ادعای دروغین نبوت کرده اند تا به این عصر که فرقه ضالّه مُضلّه بهائیت که رهبر آن ها میرزا حسینعلی بهاء، ادعای نبوت داشت، حتی در بعضی از گفتارش ادعای الوهیت هم به چشم می خورد.

علامت دیگر این که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «لا یخرج القائم حتی یخرج اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعو إلی نفسه»؛(۱۰۴) ۱۲ نفر که همگی سید هستند، با این که ساداتند امّا به دروغ ادعای امامت می کنند.

در قرن اخیر، محمـد علی بـاب، رهبر فرقه ضـاله بـابیه از جمله آنـان است. این هـا را علمـا در کتب خود به عنوان علائم ظهور مطرح کرده اند.

خرابی خانه کعبه

علامت دیگری که در ارتباط بـا ظهور امام زمان و پیش از ظهور حضـرتش ذکر کرده انـد، خراب شـدن خانه کعبه است. در اخبار داریم که از جمله علائم ظهور این است که خانه کعبه خراب می شود و حجرالاسود به کوفه منتقل می شود. این داستان هم اتفـاق افتاده است؛ در سال ۳۳۷ هجری قمری «قرامطه» یـا همان اسـماعیلیه، خانه کعبه را خراب کردنـد و حجرالاسود را به کوفه منتقل کردنـد. جعفر بن محمـد بن قولویه استاد مرحوم شـیخ مفیـدرحمه الله می گویـد: من وقتی دیدم حجرالاسود را به کوفه منتقـل کردنـد و بعـد از فرونشانـدن غـائله قرامطه، آن را به سـمت کعبه برگرداندنـد تا در کنار خانه کعبه قرار گیرد، می دانستم که حجرالاسود را بایـد معصوم سـر جای خود بگـذارد و الّا در جای خود قرار نمی گیرد این حادثه دو بار تکرار شـد؛ یـک بـار قبل از بعثت پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله به خاطر سـیلی که در گرفت و خانه کعبه را که در یک نقطه فرورفتگی اسـت خراب کرد و حجرالاـسود از جـای خـودش افتـاد و پس از آن که خواسـتند حجر را پس از بنـای جدیـد در جـای خـود بگذارنـد، بین قبایل اختلاف شـد و سـنگ هم بر جای خودش قرار نمی گرفت، به هر حال امر آن چنان شد که وقتی حضـرت محمدصـلی الله علیه وآله، وارد مسـجد الحرام شد، همه گفتند اگر او سـنگ را سر جای خود بگذارد همه قبول داریم و رسول اکرم صلی الله علیه وآله سنگ

را در جای خودش قرار داد آن هم با شرایط و تفصیلاتی که در تاریخ آمده است. بار دیگر، در زمان هشام بن عبدالملک بود که برای دستگیری عبداللّٰه بن زبیر، فتنه ایجاد شد و بخشی از خانه کعبه خراب گردید و حجرالاسود از جای خودش فرو افتاد، آن گاه که خواستند آن را بر جای خود قرار دهند، چندین بار این کار را انجام دادند امّا حجرالاسود به جای خودش قرار نگرفت تا آن که امام زین العابدین علیه السلام آمدند با دو دست مبارکشان، حجرالاسود را در جای خود قرار دادند.

جعفر بن محمد بن قولویه می گوید: چون می دانستم که حجرالاسود باید به دست معصوم در جای خودش قرار گیرد من به اشتیاق دیدار امام زمان به راه افتادم و گفتم کسی که آن را نصب می کند خود آن حضرت است. به هر حال به سمت مکّه بار سفر بستم. در بین راه مریض شدم و دیدم نمی توانم برسم، فردی را به نام هشام به نمایندگی انتخاب کردم و یادداشتی به او دادم و سؤالاتی از امام زمان علیه السلام کردم. او برای این که صحنه نصب حجرالاسود را ببیند و هم زیارت آقا را انجام دهد و هم پیغام مرا تقدیم کند، رفت مقداری به آن مأمورین و خدّام بیت الحرام پول داد تا به او اجازه دهند که با جمعیت باشد. هشام می گوید رفتم نگاه کردم فردی که سنگ را نصب می کند چه کسی است. چشمم به جمال نورانی جوانی افتاد که آمد، سنگ را به آرامی در جای خود قرار داد. جمعیت را شکافتم و بحمداللّٰه به این توفیق رسیدم و قبل از آن که نامه را

به دست امام زمان علیه السلام بـدهم، حضـرت مطلب نامه و جواب نامه را دادند، از جمله سؤالات جعفر از امام زمان این بود که من سخت مریض هستم و می ترسم که از دنیا بروم و به زیارت شما نرسم. امام علیه السلام قبل از خواندن نامه فرمودند ۳۰ سال دیگر زنـدگی می کنـد، به او بگو که نگران نباشـد و همین طور هم شد؛ بنابراین خانه کعبه براساس این نقل خراب شد و حجرالاسود از جای خود منتقل شد و به عنوان یکی از علائمی که اتفاق افتاده به حساب می آید.

خراب شدن شهر بغداد

علامت دیگر خراب شـدن شـهر بغداد است، بغـداد شـهر قـدیمی است و در آن عمران و آبـادی بسـیار صـورت گرفـت. امیرالمؤمنین علیه السـلام وقتی بعـد از جنگ صـفین از بغـداد عبور می کرد، خطاب کرد به بغـداد: ای بغداد که ساختمان های مرتفعی پیدا خواهی کرد و قصـرهای تو همانند بال های طاووس زیبا خواهند شد، ولی پس از مدّتی همانند نمک حل خواهی شد و از بین خواهی رفت. نبوقنطوره (که منظور همان مغول هستند) به تو حمله خواهند کرد و تو را از بین خواهند برد.

این طور هم شـد، هلاکوخان مغول به شـهر بغـداد حمله کرد و بغـداد را ویران کرد. این هم جزو علائمی است که اتفاق افتاده است.

قبه های حمراء

علامت دیگری که در بعضـی از روایات به آن خبر داده شده این است که ساختن گنبدهای سرخ یا گنبدهای رنگین که شاید منظور ساختن گنبدهای مشاهد مشرفه باشد که در شهرهای مختلف بنا شده است.

البته تـذکر این نکته خالی از لطف نیست که همه آثار و علائم ظهور، حوادث بـد و منفی محسوب نمی شوند، بلکه بعضـی از حوادث خوب هم به عنوان علائـم ظهور به حساب می آینـد و بعضـی هم علائم منفی؛ از جمله در روایت وارد شـده است که مساجـد آبـاد می شود و مزیّن به زینت هـا می شود، قرآن با چاپ زیبا مزین می شود، مناره های مسـجد مرتفع می شود، امّا از آبادی و عمران و عبادت خالی می شود. این ها جزو علائمی است که اتفاق افتاده است لذا می توانیم از آن ها به عنوان علائم حتمیه یاد کنیم.

علامت دیگر

علامت دیگر این که دربـاره آیه شـریفه که می فرمایـد: «وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصّابِرِينَ».(۱۰۵) راوی می گوید: خدمت امام صادق علیه السـلام نشسته بودیم که مسأله ظهور دولت اهل بیت علیهم السـلام بحث شـد، گفتم: یابن رسول اللّه! این ظهور کی صورت خواهـد پـذیرفت و آیا مشـکلاتی که می گوینـد پدید خواهد آمد؟ فرمود: این آیه شـریفه را دقت نکردید (قریب به این مضـمون) که می فرماید «و لنبلونکم...» شـما مؤمنین را حتماً می آزماییم، آزمایش و امتحانتان می کنیم «بشی ء من الخوف» با ترس؛ منظور از ترس، ترس از حکام جور و فساد است. جور آن هـا، دل هـای مردم را می لرزانـد و می ترسانـد، خوف آن هـا برای سـلطه شـیطانی شـان همـه جـا را می گیرد «والجوع» گرسنگی، گرسنگی به خاطر گرانی ها و بالا بودن نرخ ها در بعضی از اماکن و بلاد «و نقص

من الاموال» اموال کم می شود، منظور چه بسا به خاطر تجارت های سیاه و سلطه استعمار اقتصادی، منافع بعضی از دولت ها به خصوص منافع ملت مسلمان کم می شود، منفعت طلبان جهانی و استعمارگران، سلطه جویی اقتصادی بکنند «والانفس» نقص در جان، منظور مرگ های سریع است؛ یعنی مرگ های زودرس، مرگ های ناگهانی و سکته ها زیاد می شود و آخر آیه که می فرماید «و بشّر الصابرین» منظور این است که به منتظران ظهور مژده دهید که وقتی این حوادث اتفاق افتاد، ان شاء اللّه ظهور هم کم کم صورت خواهد پذیرفت.(۱۰۶)

در حاکمیت جور و فساد که یکی از علائم ظهور امام زمان است بحث های زیادی در روایت ها شده است، همان طوری که می فرماید: «یَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً» این نکته به وضوح از آن فهمیده می شود که ظلم و جور زمین را پر می کند.

در روایتی از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که پرسیدند: وضعیت آخرالزمان چه خواهد شد؟ حضرت فرمودند: نماز را در اوّل وقت بر پا نمی کنند، به شهوات و خوردن شراب روی می آورند، به پدر و مادر دشنام می دهند، زکات دادن را ضرر مالی می دانند، حاکمیت به دست بانوان می افتد، مردان مطیع محض زنان خواهند شد،(۱۰۷) به همسایه ها جفا می کنند. قطع رحم صورت می گیرد، صله رحم کم می شود، دل های بزرگان از رحم و مروت خالی می شود، حیای کوچک ترها کم می شود، امارت ها را محکم می سازند، به خدمتگزاران جفا می شود، شهادت دروغ زیاد می شود، حکّام رشوه می خورند، بی حیایی، بی عفتی رایج می شود، مردان به لباس زنان و بالعکس، زنان به لباس مردان در خواهند آمد. معاصی آشکار، و مردم به مهم ترین امور دین سهل انگار می شوند

و امور مهم دین برای آن ها چیز مهمّی نیست و سهل و سبک به نظر می رسد، نسبت به دین بی توجه می شوند و مالشان را در راه غنا و حرام صرف می کنند... تا آخر حدیث.

این ها نشانه هایی است که برای دوره آخرالزمان ذکر شد و جزو علائم ظهور حضرت محسوب می گردد. در حدیث دیگری که مفهوم بسیار مهمی دارد از رسول خداصلی الله علیه وآله راجع به همین مسائل پرسیدند که هنگام ظهور، ویژگی آخرالزمان که شما می فرمایید چیست؟ حضرت بیان فرمودند: «کیف بکم اذا فسد نسآءکم؟»؛ چه وضعی پیدا خواهید کرد آن وقت که زنانتان فاسد شوند «فسق شبابکم»؛ جوانانتان هم فاسق شوند. «ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر»؛ شما هم امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید و فساد و بی عفتی بالا می گیرد. «فقیل له: ویکون ذلک یا رسول اللَّه؟» آیا چنین می شود که جنایت صورت گیرد و ما هیچ نگوییم؟

حضرت فرمودند: «نعم و شر من ذلک، کیف بکم إذا أمرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف»(۱۰۸) آری بلکه بدتر از آن، مردم را می بینید که به منکرات و کارهای خلاف فرمان می دهند، از کارهای خوب هم جلوگیری می کنند، گفتند: ایکون ذلک؟ آیا این گونه خواهد شد؟ فرمود: «نعم و شر من ذلک کیف بکم إذا رایتم المعروف منکراً والمنکر معروفاً»(۱۰۹) آری بدتر از این. چه خواهید کرد زمانی بیاید که معروف و منکر جایشان عوض شود، چیزهایی که به عنوان منکر بود مردم آن را به عنوان معروف بدانند و چیزهایی که معروف بود به عنوان منکر بدانند؟

آیا فکر نمی کنید که در گوشه و کنار، همین الآن، این طور احساس می شود؟ این ها جزو علائم ظهور است،

البته به این معنی نیست که حال که این ها اتفاق افتاده، پس امام زمان علیه السلام حتماً به زودی خواهند آمد، من قبلًا هم توضیح دادم این جزو علائم دوره آخرالزمان است، این را به این جهت عرض می کنم که حوادثی که اتفاق افتاده، بیانگر علم ائمه علیهم السلام نسبت به آینده است، چرا که همه متصل به علم الهی هستند، این همه دال بر حقانیت ائمّه ماست، که قبل از این که حوادث اتفاق بیفتد، این ها باخبرند. بنابراین ما باید در اعتقادمان نسبت به آنچه که آن ها راهنمایی کردند و به ما دستور دادند، در آینده حتی اگر اتفاق نیفتاده باشد و دستورات دینی که دارند باید یقین پیدا کنیم. این ها همه نشانه هایی است برای این که اهل بیت نبوت بر حق هستند و اطاعت حرفشان به منزله اطاعت از اوامر الهی است و ما باید از آن ها تبعیت کنیم. ضمناً حوادثی که اتفاق افتاده، باید برای ما هشدار باشد که آقا و مولای ما خواهد آمد و ما خود را برای آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد آماده کنیم. زمینه را برای پذیرش وجود مقدّس امام زمان آماده کنیم، نکند وضعیت جامعه به گونه ای بر ما اثر بگذارد که وقتی امام زمان آمد در پذیرش او تردید کنیم. در بعضی از روایات این طور آمده «یأتی بدینٍ جدید» از بس جامعه با دین فاصله می گیرد همان طور که در حدیث فوق آمد: معروف، منکر و منکر، معروف می شود. امام زمان علیه السلام وقتی آمد و حرف های اسلام را گفت، می گویند این ها حرف جدید است. ما این چیزها را در اسلام نداریم، این قدر در افکار دینی و

عقاید مردم دگرگونی ایجاد می شود که قبول اسلام راستین مشکل خواهد شد، خداوند ان شاء اللّه به قدرت حکمت و فضل و کرم خودش وجود امام زمان علیه السلام را از جمیع بلیات محفوظ بدارد و به زودی پرده از رخسار او بردارد و دین خودش را به دست او در دنیا حاکم گرداند و جلوی شر و فساد و حاکمیت جور و ستم را بگیرد و دنیا را پر از عدل و داد کرده، ما را جزو سربازان آن حضرت قرار بدهد.

فتنه دجّال

اشاره

در گذشته پیرامون بعضی از علائم غیر حتمیه تحقق یافته ظهور امام زمان علیه السلام صحبت کردم، یکی دیگر از علائم حتمیه ای که توسط اهل بیت علیهم السلام بسیار از آن، صحبت به میان آمده است، خروج دجّال است. در این مورد نکاتی را تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور می کنم:

یکی از علائم حتمی، ظهور دجّال است که مدّتی قبل از ظهور امام زمان تحقق پیدا خواهد کرد. دجّال با وضعیتی که دارد و با موقعیتی که او در آن زمان خروج می کند، وسیله ای برای آزمایش مؤمنین است و در حقیقت ابزار جدا شدن مؤمنین از غیر مؤمنین است، آن هایی که ایمانشان ضعیف است یا رابطه خوبی با خدا و حقیقت ندارند، جذب دروغ های این کذّاب می شوند. در زمانی که دجّال ظهور می کند هم از نظر مشکلات و قحطی و هم از نظر فساد، جامعه وضعیتی پیدا می کند که بعد از حضرت آدم بی نظیر است. درباره خصوصیات دجّال در روایات نشانه هایی داده شده، دجّال یک آدمی است که از نظر جثّه، آدمی بسیار عجیب، یکی از چشمان او کاملاً بسته و مسح شده است و چشم

دیگرش بر پیشانی اش قرار دارد و مثل ستاره نور می دهد و درخشش دارد... به گونه ای خاص حرکت می کند، با سحر بسیار عجیبی که دارد همه را جذب خود می کند و با توجه به قحطی و گرسنگی که وجود دارد، قدرت ساحریت دجّال به گونه ای وانمود می کند که دو کوه را به همراه خود دارد، یک کوه از نان و یک کوه دیگر به صورت چشمه آبی به نظر می رسد که موجب می شود افراد را به دنبال خودش بکشاند. همه جا سر می کشد و به همه جا می رود، الاّ به دو شهر مقدّس مکّه و مدینه که به این دو شهر نمی تواند وارد شود و امّا به بقیه اماکن قدرت ورود دارد و آن گونه که درباره فساد گفته شد و درباره قحطی و مشکلات، دجّال به سبکی حرکت می کند که همه مفسدین به دنبال او به حرکت می افتند. در روایات آمده که یهود جزو کسانی هستند که به دنبال دجّال در حرکتند، افرادی که از راه خلاف شرع به دنیا آمده اند، افرادی که اهل فسق و فجور هستند، ساحران و جادوگران، همه به دنبال دجّال در حرکتند و دیگران را به دنبال خودشان می کشانند، با ساز و تنبور و دستگاه های غنا و عیاشی، افراد طرفدار عیاشی و هوس را به دنبال خودشان حرکت می دهند. جمع آن ها، جمع فاسدان و فاسقان و نابکاران و بوالهوسان است. به هرحال این وضعیت دجّال است و کسانی که با او در حرکتند، جزو اصحاب اویند.

مطلب دیگری که در روایات نقل شده این است که بر پیشانی دجّال به عبارت روشن نوشته شده «هذا کافر حقّاً» این به حق کافر

است، به گونه ای که همه می تواننـد بخوانند، امّا در عین حال، آنان که بی مبالاتند و به دنبال شـکم و شـهوتند، با این که می بینند چنین چیزی بر پیشانی او به وضوح نوشـته شده، در عین حال از او روی بر نمی گردانند و همچنان به دنبال او حرکت می کنند و او آن ها را سیر می کند، هم خواسته های شکم و هم خواسته های شهواتشان را بر آورده و اشباعشان می کند و آن ها را به دنبـال خود دارد. اولین بار ادعای نبوت و پیامبری می کنـد و کسانی که به دنبال او حرکت کرده، حرف او را اطاعت می کننـد و پس از آن ادّعـای خـدایی می کنـد و با نـدای بلنـد، نـدا در می دهـد «یا اولیائی انا ربّکم الاعلی؛ ای دوسـتان من! من پروردگار برتر شـما هسـتم»، و با این وضع ادعای خـدایی خود را به اطلاع این و آن می رساند. با چنین ادعایی افراد را به دور خودش جمع می کند، مشـکلات فراوان را برای مردم ایجاد می کند و سـرانجام زمانی که حضرت عیسی علیه السلام به هنگام ظهور امام زمان علیه السـلام ظهور می کنـد و در رکاب امام زمان قرار می گیرد و پشت سـر امام زمان نماز می خوانـد، دجّال ملعون به دست عیسـی مسیح – علی نبینا و آله و علیه الصلوه والسـلام – به قتل می رسد و یا به قولی به دست حضـرت حجّت کشـته می شود و فتنه او پایان می پـذیرد. امّا درباره دفع شـرّش حـدیثی وارد شده است از قول ابوامامه از نبیّ مکرّم اسـلام که رسول خداصـلی الله علیه وآله فرمود: برای دفع شـرّ دجّـال و برای ابطـال سـحر دجّال، هرکسـی که او را دیـد اگر آب دهان بر رویش

بریزد و دوبار سوره حمد بخواند سحر او خنثی می شود و سحرش نسبت به این شخص کارگر نمی افتد. حالا این تعبیر روایات است که در کتاب ها نقل شده است.

امّا در مورد خود دجّال که بحث های زیادی در کتاب های اعتقادی شده، نکاتی را به عرض می رسانم؛ در بعضی از روایات آمده که دجّال در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله متولد شده، در کتب اهل سنت روایات زیادی است که دجّال در عصر رسول خدا متولد شد و الآن زندگی می کند، لکن در زنجیر است و می گویند وقتی او در مکّه متولد شد حضرت رسول رفتند به آنجایی که او ولادت یافت و او را دید و نبوت خود را به او عرضه کرد امّا او نپذیرفت و همان جا ادعای نبوت کرد و حضرت او را لعنت کرد و دیگران را به لعن او امر کرد و هشدار داد که از او پیروی نکنند.

با توجه به نکاتی که در طول مطالب ام گفتم که دجّال به همه شهرها وارد می شود إلّا شهر مکّه و مدینه، معلوم می شود که حدیث فوق منقول از اهل سنت با احادیث قبلی قابل جمع نیست. چون اینجا می گوییم در مکّه متولد شد و رسول خداصلی الله علیه وآله در آنجا حضور پیدا کرد، امّا در آن حدیث می گوید به همه شهرها وارد می شود إلّا شهر مکّه و مدینه. بنابراین حدیث اوّل یا از نظر سلسله حدیث یا از نظر روات یا از نظر مأخذ خیلی قابل اعتماد نیست.

عجیب است اهل سنتی که می گویند دجّال در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله متولد شد و همچنان زنده است تا ظهور مهدی موعودعلیه

السلام، نسبت به عمر طولانی امام زمان علیه السلام تردید می کنند.

معنی لغوی دجّال

امّا لفظ دجّال از نظر لغوی به معنای دروغگو، کذّاب و حیله گر است و ممکن است این که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود دجّال یا آن دجالی که اسم او را گفتند، صائد بن صید بود و در عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله متولد شد، یکی از آن کذّاب ها و مدعیان دروغین نبوت و رسالت بوده و در حدیث دیگری باز از رسول خدا نقل شده که فرمود: «لا تقوم الساعه حتی یخرج ثلاثون دجّال کلهم یزعمون إنّه رسول اللّه؛(۱۱۰) تا روز قیامت شود ۳۰ نفر به عنوان دجّال قیام می کنند، همه هم ادّعای نبوّت می کنند.» شاید منظور از دجّال همان معنای لغوی آن است و مدعیان دروغین نبوت از جمله آن دجّال مورد بحث ماست، یا در روایت دیگری از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده که حضرت در جواب یکی از اصحاب که پرسید: «فوصفه لنا رسول اللّه»؛ یا رسول اللّه! دجّال را برای ما توصیف کن»، فرمود: «لعله سیدرکوا بعض من رأنی او سمع کلامی؛ بعضی که مرا دیدند و کلام مرا شنیدند شاید دجّال را ببینند»؛ یعنی دجّال در عصر پیغمبر یا بعد از ایشان وجود داشته است، این هم ممکن است همان مفهوم لغوی دجّال باشد، یعنی حیله گران و دروغگویان، چه بسا آنانی که ادّعای جانشینی پیغمبر را کردند، ادّعای دروغین خلافت رسول اللّه را کردند. ممکن است بنی امیّه مورد نظر باشد که چقدر مردم را به دنبال خود کشاندند و ادّعای دروغین کردند و حرف های بسیاری برای اغوای این و آن زدند، چقدر بیت المال

را در اختیار دیگران قرار داده، تا آن ها را به سمت خودشان بکشانند، چقدر لهو و لعب و شرابخواری به راه انداختند، شاید منظور پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله از دجّال همین ها باشند.

دجّال در کتب آسمانی

با عنایت به معنای لغوی کلمه دجّال و مفهوم دجّال بودن، در کتب آسمانی دیگر؛ از جمله در کتاب عهد جدید یعنی انجیل مسیحیان هم زیاد از آن صحبت شده، در انجیلی که اکنون در اختیار مسیحیان است، در جاهای مختلفی مفهوم دجّال آمده است، در فرهنگ مسیحیان، دجّال را به عنوان «آنتی کریست» (دشمن مسیح) می نامند و در ادبیاتشان هم زیاد به کار می رود و با توجه به روایات زیادی هم که ما داریم که حضرت مسیح – علی نبینا و آله و علیه الصلاه والسلام – او را خواهد کشت، تا حدودی فرهنگ ها در مورد دجّال به هم نزدیک می شوند. پس به عنوان فرهنگ عمومی، در میان مذهبیون از گذشته تا حال در آمده است. و اگر همه این مفاهیم را توجه کنیم ممکن است دجّال به معنای لغوی باشد، دجّال های متعدد، کسانی باشند که سر راه مؤمنین دام هایی بگذارند، تهدید و تطمیع کنند، جامعه را به فساد بکشانند و ادعای دروغین بکنند. این ها با آن دجالی که در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام خروج خواهد کرد قابل جمع است، زیرا همه این ها ممکن است صحیح باشد و نیز در عصر و در آستانه ظهور و یا کمی قبل از ظهور حضرت امام زمان آن دجّال ملعون معهودی که ذکرش در کتاب ها هست و ابتدا درباره خصوصیاتش صحبت کردیم می آید و فتنه و فساد خواهد کرد. انسان های ضعیف الایمان و

شکم باره و شهوت پرست، به دنبال او حرکت می کنند که شر و فتنه او به وسیله امام زمان و یاران امام و حضرت مسیح از دنیا ریشه کن خواهد شد و مؤمنین از عذابی که او ایجاد می کند نجات پیدا می کنند. بنابر توضیحاتی که داده شد هم باید از این نظر یعنی معنای لغوی دجّال و روایاتی که تعداد دجّال را منحصر به همان نمی دانند و او را از جمله مصادیق بارز دجّال می دانند مورد توجّه قرار داد. آدم باید حساب کند که در همه زمان ها کسانی در دنیا هستند که ادعای دروغین دارند، الآن شما استکبار جهانی را در نظر بگیرید، در ظاهر به وسیله هواپیماها برای مردم مظلوم افغانستان نان و غذای فاسد می ریزند، امّا از آن طرف ببینید که بمب های خوشه ای هم می ریزند. می خواهد مردم را فریب بدهند که من نان و تغذیه می دهم، من دفاع از حقوق بشر می کنم، ما مخالف تروریسم هستیم و... این ها همه دروغ است، این ها خوی دجّال گری است، باید در این گیر و دار دروغ بافی های دجّال های این عصر و زمان، هشیار باشیم در دام دجّال ها نیفتیم و انحراف پیدا نکنیم، راه حق را از راه باطل تشخیص دهیم که ان شاء اللّه خداوند در زمان حیات ما ظهور پر نور امام زمان علیه السلام را محقق بسازد و ما را به عنوان منتظران واقعی اش محسوب بدارد و از یاران و انصار امام زمان علیه السلام و سربازان رکابش قرار دهد.

علائم حتمیه در آستانه ظهور امام زمان«ع»

توضیح

در بحث های گذشته پیرامون علائم ظهور حضرت حجت علیه السلام مطالبی را به عرض رساندیم و آثار و فواید عقیده به این علائم ظهور را مطرح کردیم. امروز به بعضی

از علائم حتمیه ظهور امام زمان علیه السلام اشاره می کنیم.

خسوف و کسوف

از جمله علائم حتمیه ای که برای ظهور امام زمان علیه السلام ذکر شده، خسوف و کسوفی است که در وسط و آخر ماه رمضان سالی که امام زمان ظهور می کند اتفاق می افتد.

در روایتی از امام باقرعلیه السلام نقل شده است که فرمودند: در ماه رمضانی که امام زمان در آن سال یا سال ها ظهور می کند، کسوف است؛ یعنی آفتاب گرفتگی اتفاق می افتد و این آفتاب گرفتگی در آخر ماه است و ماه گرفتگی هم در وسط ماه رمضان می باشد. مردی از آن میان پرسید: یابن رسول اللَّه! تاکنون حادثه کسوف و خسوف غیر از این بود، معمولاً کسوف در آخر ماه و خسوف در اوایل یا اواسط ماه اتفاق می افتد امّا این خبر شما برخلاف آن را اعلام می کند. فرمودند: بله، من به این معنی واقفم، این گونه خسوف و کسوف از زمان حبوط آدم تا آن روز اتفاق نمی افتد. معیارهای منجمین به هم می ریزد، این یکی از علائمی است که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق می افتد که نشانه حقانیت ادعای امام زمان است.

خروج موافقان و مخالفان

علامت دیگر، خروج موافقان و مخالفان است. در روایات، خروج قیام هایی که در آن عصر اتفاق می افتد ذکر شده است؛ از جمله خروج سید حسنی، آن گونه که در روایات ذکر شده، سید جلیل القدری که از اولاد امام مجتبی علیه السلام است از منطقه دیلمان و گیلان فعلی و قزوین و این حومه ها قیام می کند. او انسان شایسته و مؤمنی است که قیام او به حق است و مردم را به دین آل محمّدصلی الله علیه وآله دعوت می کند، ادعای نیابت امام زمان را ندارد، بلکه ادعای حقانیت مذهب تشیّع را دارد

و دعوت کننده مردم به امامت امام زمان است. وقتی خروج و قیامش آغاز می شود، مردم ستم دیده و مؤمن به او گرایش پیدا می کنند، به خصوص در روایات آمده است: «فتجیبه کنوز اللّه بطالقان؛(۱۱۱) گنج های طالقان از او اجابت می کنند».

بعد امام فرمود: منظور از این گنج ها، طلا و نقره نیست، انسان های مؤمن و شایسته ای است که به عنوان سلحشوران آماده به میدان، در خدمت این سید بزرگوار حسنی قرار می گیرند و به یاری دین خدا می شتابند. این گروه قیام کننده به رهبری این سید بزرگوار قدرت را به دست می گیرند، فساد و جور را در محیطی که قیامشان به آنجاها می رسد ریشه کن کرده تا خود را به کوفه می رسانند، کفار و منافقان و بدکاران را قلع و قمع می کنند، وقتی به کوفه می رسند به آن ها خبر می رسد که امام زمان ظهور کرده است و این سید بزرگوار حسنی به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می شود و خودش این حقیقت را در می یابد که او امام زمان است امّا برای این که پیروان کثیری که به همراه او هستند برای آن ها نیز امر را روشن کند به محضر امام زمان اظهار می کند: «إن کنت مهدی آل محمد فأین هراوه جدك رسول اللّه صلی الله علیه وآله وخاتمه وبردته ودرعه الفاضل وعمامته السحاب وفرسه الیربوع وناقته العضباء وبغلته الدلدل؛(۱۱۲) اگر تو مهدی موعود آل محمدعلیهم السلام هستی، او نشانه هایی دارد، از جمله نشانه های او خاتم و انگشتری جدّش رسول خداست و ردای او، زره، عمامه و مرکب او نیز چنین است»، اگر شما همان موعودی هستی که خدا وعده داده، این نشانه ها کجاست؟ امام زمان علیه السلام نشانه هایی که

او می گویـد را ارائه می دهد. در نتیجه همه پیروان او به حقانیت امام زمان علیه السـلام معترف می شوند و ایشان جلو می رود و تقاضـا می کنـد که امـام زمـان دسـتش را دراز کنـد تـا او بـا ایشـان بیعت کنـد و چنین می شود. بیعت او و پـذیرش و اثبات حقانیت امام زمان باعث می شود که همه پیروان این سید بزرگوار که طرفداران حقّ اند به امام زمان ایمان آورده و جزو یاران امام زمان شوند.

لکن عدّه ای که در روایات گاهی تعدادشان هم ذکر می شود، حدود چهل هزار نفر یا چهار هزار نفر انسان هایی که وضعیت ظاهری آن ها بسـیار روشن و وضع ظاهری متدینین را دارند، قرآن ها بر گردنشان آویزان است، امّا درست مثل خوارج نهروان که در مقابل امیرالمؤمنین علیه السـلام قرار گرفتند، به امامت امام زمان علیه السلام اعتراف نمی کنند، که به قولی، همه از فرقه زیـدیه هسـتند و در نتیجه امـام زمان علیه السـلام آن ها را ارشاد و هـدایت می کنـد امّا آن ها هـدایت امام را نمی پذیرنـد، در نتیجه در جنگی که بین آنان و یاران امام زمان به وجود می آید همگی کشته می شوند.

خروج یمانی و خراسانی

از قیـام هـای دیگری که به موازات خروج و قیام موافقان و حمایت کننـدگان امام زمان صورت می گیرد خروجی است که از صنعای یمن و از خراسان است، این دو قیام و این دو قیام کننده و دو جریان به عنوان پشتیبان یکدیگر هستند. قیامی که از یمن و صـنعا شـروع می شود، رهبری آن را فردی به نـام حسـین یـا حسن به عهـده می گیرد و رهبری قیام مردم خراسان یا از محیط خراسان را فردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد. این دو جریان از محیط

قیام خودشان به سمت عراق و حجاز حرکت می کنند، آن گونه که از این روایات فهمیده می شود، قیام یمانی که انسان های شایسته ای هم در اطراف او هستند در حقیقت به پشتیبانی قیام خراسانی که آن ها هم از طرفداران امام زمان و مذهب حقه هستند انجام می گیرد. این دو قیام به عنوان حمایت از امام زمان و حمایت از مذهب جعفری و تشیّع و به عنوان حمایت از حق و مخالفت با باطل است.

خروج سفیانی

در آن عصر و زمانی که متأسفانه خیانت و خباثت و کفر و نفاق دامن گیر می شود این حرکت های رهایی بخش الهی و حق طلبانه است که انسان های شایسته و صالح را با خود هماهنگ می کند، این دو قیام با حمایت یکدیگر در برابر خروج مخالف حقانیت؛ یعنی خروج دیگری که خروج و قیام باطل است و به نام خروج سفیانی است قد علم می کنند و با حمایت یکدیگر در برابر سفیانی می ایستند.

سفیانی کیست؟ او شخصی است که طبق روایات به عنوان عثمان بن عنبسه، از نسل یزید بن معاویه - علیهما الهاویه - بد منظر، آبله رو، کبود چشم است که از وادی یابس بین مکّه و شام خروج می کند، به سرعت پنج شهر دمشق، حمص، قنسرین، فلسطین و اردن را می گیرد و با سپاهی عظیم به کوفه می آید. به طوری که در روایات ذکر شده او «ابن آکله الاکباد؛ از نسل هند جگرخواره است». او انسانی است که مورد حمایت شیطان است.

صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائم ظهور را صیحه آسمانی ذکر می کنند، این صیحه دو گونه است؛ یکی صیحه آسمانی حق طلبانه ای است که صاحب آن صیحه و فریاد آسمانی، جبرئیل امین - علیه الصلوه والسلام - است که فریاد بلند می کند: «الحق مع علی وشیعته؛ حق با علی بن ابیطالب و پیروان اوست».

این ندا را شرق و غرب عالم می شنوند، امّا شیطان از آسمان ندا می زند «الحق مع عثمان و شیعته» حق با عثمان بن عنبسه یعنی همان سفیانی ملعون است. و در روایت دیگر است که شیطان در آسمان ندا می کند و خیلی ها ندایش را می شنوند و به آن ها می گوید که پروردگار

شما در وادی یابس که بین شام و حجاز است حضور پیدا کرده، به سوی او بشتابید؛ طرفداران باطل، طرفداران دنائت و پستی و کفر به سمت او می روند و ندای شیطان را شیطان پرستان و مریدان شیطان گوش می دهند و به سمت او می روند، در نتیجه خروج سفیانی از وادی ای به نام «وادی یابس» است، سپاهیانش به سمت عراق می آیند در محیط کوفه و نجف کشتاری بی رحمانه ایجاد می کند، شخصیت ها را می کشد، بی عفتی ها به راه می اندازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کأنی بالسفیانی أو بصاحب السفیانی قد طرح رحله فی رحبتکم بالکوفه فنادی منادیه من جاء برأس شیعه علی فله ألف درهم فثبت الجار علی جاره ویقول: هذا منهم فیضرب عنقه ویأخذ ألف درهم؛(۱۱۳) گویا یاران سفیانی را می بینیم که به کوفه آمدند و آنجا رحل اقامت افکندند، و منادی سفیانی فریاد بلند می کند که هر کس سر یک شیعه علی بن ابیطالب را بیاورد هزار درهم به او می دهند، همسایه ها پیش سفیانی می روند و می گویند که همسایه ما شیعه است. سفیانی ها می آیند، دستگیرشان می کنند و گردن شیعه را می زنند و آن اطلاع دهنده خبیث هم هزار درهم خود را می گیرد»، این ناامنی سراسر محیط کوفه و عراق را می گیرد.

در این زمان است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، با ندایی که فرشته خدا، جبرئیل امین سر می دهد و همه این ندا را می شنوند. امام زمان به سمت کوفه می آید. سفیانی ملعون، لشگریان و سربازان خود را دو دسته می کند، یک دسته را به سمت شام رهسپار می کند و خود در میان آنان قرار می گیرد و دسته دیگر را به سمت

مـدینه می فرسـتد و در مـدینه مؤمنین را قتل عام می کننـد، از مـدینه به سـمت مکّه می رود. در نزدیکی مکّه وقتی سـپاهیانش رسیدند در یک نقطه ای به نام بیداء، به زمین فرو می روند و این خود از علائم حتمیه ظهور است.

فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء

فرو رفتن سـپاه سـفیانی در بیـداء جزو علائم حتمیه است و تا این ها اتفاق نیفتنـد امام زمان ظهور نمی کنـد، این ها جزو علائم ظهور است که به عنوان علائم روشن کننده و آیات باهرات است که مؤید صدق ادعای امام زمان علیه السلام است، امام زمان و یارانش برای سـرکوب سـفیانی که به سـمت شام می روند حرکت می کنند. حضـرت ولی عصرعلیه السلام سفیانی خبیث را در بیت المقـدس از بین می برد و او را به جهنم واصل می کند. این ها علائم و آثاری است که از زبان اهل بیت علیهم السـلام در کتب شیعه و بعضی هم در کتب اهل سنت آمده است.

همان طوری که قبلًا مطرح کردم، اعتقاد به این علائم ظهور موجب می شود که ادعای مـدعیان دروغین مهدویت که در طول تاریـخ دوران غیبت کبری از گذشـته وحال بوده و چه بسا در آینـده نیز باشـند، افشا شـده و ادعای دروغ آن ها بر ملا گردد و برای مؤمنین و پیروان و منتظران ظهور امام زمان نشانه ای باشـد برای پی بردن به حقانیت وجود مقـدّس امام زمان و وسـیله ای شود تا در دام منحرفین و گمراهان نیفتند.

امّا آنچه موجب می شود انسان به هنگام بلوا و شورش و خروج مخالفان حق و حقیقت در دام آن ها گرفتار نشود، تقویت بنیه دین و ایمان و اعتقاد و ولایت است. قطعاً آن هایی که مبانی اعتقادی شان مستحکم است، عقیده شان راسخ و دل هایشان

پاک است، تحت تأثیر القائات شیطانی قرار نمی گیرند. شما اکنون می بینید در دنیایی که زندگی می کنیم، فریاد حق طلبانه بلند است، ولی بُرد آن کم است. یعنی صدای حق طلبان به دنیا نمی رسد امّا به هر کجا که رسید انسان های طرفدار حق، انسان هایی که ضمیر روشن و دل پاک و ایمان قوی دارند ندای حق طلبانه و فریاد دین خواهی منادیان حق و عدالت را به گوش جان می شنوند و برای حمایت از آن از بذل جان و مال دریغ نمی کنند. به موازات آن، نداهای شیطانی که به وسیله بلندگوهای استعماری و تبلیغات صهیونیستی و شیطانی در دنیا بلند است، تبلیغات انحرافی که به وسیله رسانه های جمعی شیطانی، به وسیله ماهواره های تبلیغاتی که درست مثل صیحه شیطانی هستند و فرهنگ و تمدن ملت ها را مورد آماج قرار داده و یکی از مصادیق مهم تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی است، ببینید چه کسانی تحت تأثیر این تبلیغات شیطانی قرار می گیرند که به صورت مدرن و صنعتی الآن در دنیا ندای شیطانی را پخش می کنند، این رسانه های جمعی، این رادیوهای بیگانه، ابزارهایی که حق را باطل و باطل را حق جلوه می دهند، این هایی که برای تضعیف موقعیت متدینین و حق طلبان به وسیله ماهواره های تبلیغاتی اشاعه فحشا می کنند. چه کسانی این نداهای شیطانی را لبیک می گویند، الا آن هایی که بنیه ضعیف ایمانی دارند، آیا غیر از آن هایی که از نظر فردی و خانوادگی و اجتماعی بنیان دینی مستحکمی ندارند؟!

اگر امروزه ما این نکته را رعایت کنیم و در تحکیم مبانی دینی، اعتقادی و تزکیه نفس خود و فرزندان، خانواده و جامعه مان بکوشیم، تبلیغات سوء دشمنان و

تبلیغات هوس انگیز شیطان ها و شیطان صفتان، مؤثر نخواهد بود. باید این نکات را دقت کنیم، هشدارهایی که مقام معظم رهبری – حفظه اللّه – در سخنرانی های مختلف به عموم خانواده ها به خصوص به جوان ها می دهند و آن ها را به این توصیه ها سفارش می فرمایند، راه نجات از این توطئه های شیطانی است که جامعه شیعی خود را به عنوان جامعه زمینه ساز و منتظران واقعی امام زمان علیه السلام از خطر تبلیغات شیطانی حفظ کنیم تا ان شاء اللّه وقتی امام زمان ظهور کند و خدا ظهور پر نورش را در زمان حیات ما و در زمان حاکمیت و ولایت مقام معظم رهبری – حفظه اللّه – محقق بفرماید، جزو یاران آن حضرت قرار بگیریم.

اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان«ع» در این قسمت به دورنمایی از اوضاع مختلف جهان قبل از بعثت امام زمان علیه السلام می پردازم ولکن به دلیل محدودیت فرصت، مجبورم که این امر را از زبان روایات به اختصار تقدیم محضر شما مشتاقان ظهور امام زمان نمایم. نکته اساسی و مهم این است که اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان اوضاع آشفته با دگرگونی ها و انحرافات مختلف در زمینه های دینی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی است و به همین جهت است که فرمودند دنیا از ظلم و بیدادگری پر می شود، یعنی در هر عرصه ای از عرصه هایی که شما دست بگذارید، می بینید که فساد و تباهی و ظلم و تعدی به صورت فراوان به چشم می خورد. از این جمله ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است می توانیم تا حدودی دور نمای آن زمان را ببینیم. در یکی از کلمات قصار نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «یأتی علی الناس زمان

لاـ یقرّب فیه إلّا الماحل ولا یظرف فیه الا الفاجر ولا یضعّف فیه إلّا المنصف یعدّون الصدقه فیه غرماً وصله الرحم منّا والعباده استطاله علی الناس فعند ذلک یکون السلطان بمشوره الإماء وإماره الصبیان وتدبیر الخصیان؛(۱۱۴) زمانی فرا خواهد رسید که با دگرگونی فرهنگ و ارزش ها و معیارها، ارزش هایی بر جامعه حاکم خواهد شد که انسان های مقرب و ارزشمند در میان سخن چینان هستند و گزارشگران دروغگو با گزارش دروغ و سخن چینی خود، خود را به دستگاه های حاکم و افراد مؤثر نزدیک می کنند و به عنوان مقربان، مورد توجه آن ها قرار می گیرند: «ولاـ یظرف فیه الاـ فاجر»؛ آن ها انسان های فاجر و نابکارند که به عنوان شخصیت های مورد قبول تلقی می شوند. در مقابل اینان، انسان های با انصاف که امور را با انصاف و عدل و دادگری به پیش می برند تضعیف می شوند و جایگاهی ندارند. صدقه و کمک به بیچارگان را به عنوان خسارت تلقی می کنند و صله رحم را منّتی بر خویشاوندان خود حساب می کنند، عبادتی که می کنند آن را وسیله ای برای برتری و ترجیح دادن خود بر دیگران قرار می دهند. در چنین شرایطی، حاکمان، زنان را در امور مهم کشور مورد مشورت خود قرار می دهند و کوچکان سرنوشت جامعه را به دست می گیرند و نامردان (شاید از نظر صبر و یا از نظر مردانگی، صفت مردانگی ندارند) تدبیر امور را به دست می گیرند.

با این بیان امیرالمؤمنین علیه السلام می شود دور نمای قبل از ظهور امام زمان را ببینیم، با بیان معجزه آسایی حقایق آینده را می بیند و آینده را به خوبی مشاهده می کند و هشدارهای لازم را به ما می دهد.

رسول خداصلی الله علیه وآله می فرماید:

«کأنک بالدنیا لم تکن إذا ضیعت أمّتی الصلاه واتبعت الشهوات وغلت الاعسار وکثر اللواط؛(۱۱۵) در آن دوران به وسیله امّت من نماز ضایع می شود، شهوت و خواسته های حیوانی اطاعت می شود، نرخ ها به سختی گران می شوند و همجنس بازی در میان مردان زیاد می شود».

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: «وأمشطوا کما تمتشط المرأه لزوجها؛(۱۱۶) مردان مثل زنانی که برای همسران خود آرایش می کنند، آرایش می کنند».

از نظر شرعی زن حق ندارد خود را برای نامحرمان آرایش کند و با آرایش در دید عموم قرار گیرد و در مرئی و منظر بیگانگان قرار بگیرد. امّا با کمال تأسف می بینیم امروزه در میان دختران جوان، کم نیستند کسانی که خود را می آرایند و در بازارها و معبرها و مراکز علمی و آموزشی و سیاسی اقتصادی حضور پیدا می کنند. بدتر از آن، امام صادق علیه السلام می فرماید: مردانی هستند که خود را به صورت زنان آرایش می کنند، همچنانی که زنان خود را برای مردان و همسران خود آرایش می کنند؛ یعنی دگرگونی فرهنگی، ابتذال فرهنگی، اباحه گری فرهنگی و عملی، جامعه را فرا می گیرد. در بیان دیگر می فرمایند: نسل ها را محدود می کنند و موالید تعدادشان کم می شوند؛ مثلاً آن هایی که سه فرزند دارند آرزو می کنند دو فرزند داشتند یا آن هایی که دو فرزند دارند آرزو می کنند یک فرزند داشتند.

و در جایی در حدیث دیگر است که می فرماید: تعداد خانواده های بی سرپرست زیاد می شود. الآن مشاهده می کنیم، نمی خواهم بگویم که حتماً این پیشگویی در مورد حالا ـ است، چه بسا با بالا گرفتن فساد و تباهی و جنگ، تعداد کشتار دسته جمعی بیش از آن گردد. وقتی در جنگ جهانی اوّل با توجه به محدودیت سلاح های

مدرن در آن عصر، بیش از ۱۵ میلیون نفر کشته شدند و بیش از ۲۵ میلیون نفر جراحت کلی پیدا کردند، تعداد بی خانمان در دنیا چقدر می شود. جنگ ها و بمباران ها و کشتار دسته جمعی که توسط آمریکای جنایتکار در عرض این ۵۰ سال در دنیا صورت گرفته، چقدر از خانواده ها را بی سرپناه و بی سرپرست کرده است. ماجرای اخیر افغانستان را نگاه کنید، جنگ ها معمولاً بیشترین کشتار را از میان مردان می گیرد، این ها موجب می شود که تعداد خانواده های بی سرپرست زیاد شوند. البته ماجرای عصر قبل از ظهور براساس لسان صدقی که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به ما رسیده، این گونه خواهد شد.

حدیث دیگر از امام باقرعلیه السلام است که برای یکی از بهترین یاران خود، ابوحمزه ثمالی اوضاع دوران ظهور حضرت حجت را تشریح می کند: «یا ابا حمزه! لا یقوم القائم إلّا علی خوف شدید من الناس وزلزال وفتنه وبلاء یصیب الناس وطاعون قبل ذلک وسیف قاطع بین العرب واختلاف شدید بین الناس وتشتیت فی دینهم وتغییر فی حالهم حتی یتمنّی المتمنی الموت صباحاً ومساء من عظم ما یری من کلب الناس وأکل بعضهم بعضاً»؛(۱۱۷) امام زمان ظهور نمی کند مگر در اوج وحشت و زلزله و فساد و فتنه و گرفتاری ها و امراض؛ از قبیل طاعون که به جان مردم بیفتد، در آن زمان میان احزاب اختلاف شدیدی پدید می آید، مردم در اعتقاداتشان پراکنده و متفرق می شوند، در احوالشان دگرگونی ایجاد می شود تا این که صبح و شام آرزوی مرگ می کنند. روحیه مردم به گونه ای می شود که به منافع همدیگر تجاوز می کنند و...».

امام عصرعلیه السلام قیام نمی کند مگر در عصری که ترس و خوف

همه جا حکم فرما شود، الآن دنیا در چه وضعیتی است و در آینده در چه وضعیت بدتر از این قرار خواهد گرفت؟

یکی از دانشمندان انگلیسی به نام «برتراند راسل» در کتاب خود به نام «آیا بشر آینده ای دارد؟» در حدود ۳۲ و ۳۳ سال قبل براساس سخنرانی جان اف کندی رئیس جمهوری که در آمریکا توسط سیاه پوستان ترور شد، می گوید: او مدعی است که قدرت اتمی ما این است که می توانیم کره خاکی را ۵ بار زیر و رو و ویران نماییم. راسل ارزیابی می کند با توجّه به این که قدرت های مقابل آمریکا در آن عصر، مثل شوروی نیز چنین قدرتی دارد، آیا بشر آینده ای دارد؟! این سلاح های اتمی، هیدروژنی، کشتار جمعی که به دست انسان های دور از اخلاق و انسانیت قرار گرفته است، اگر به یک بهانه کوچکی دنیا را به آتش بکشند و از این کار هیچ باکی هم ندارند، آیا بشر آینده ای دارد؟!

ما معتقدیم آینده بشر، حاکمیت حق و عدل است امّا جنایتکاران حاکم بر دنیا قبل از ظهور امام زمان علیه السلام دنیا را تحت سلطه می گیرند و حکومت سلطه آن ها باعث حاکمیت ترس و خوف در سراسر عالم می شود. تزلزل در موقعیت های مختلف؛ مسائل اقتصادی متزلزل است، مسائل سیاسی امنیتی متزلزل است، فتنه ها همه جا را می گیرد، گرفتاری ها دامن گیر بشر می شود و مرگ های دسته جمعی به وسیله امراض واگیردار مثل طاعون و ایدز واقع می شود.(۱۱۸) وقتی دنیا به سمت فساد برود، اخلاق تضعیف شود، دین در جامعه حاکم نباشد، انسان ها در قید و بند دیانت و اخلاق نباشند، فحشا و بی عفتی و تجاوز به ناموس دیگران و آلودگی زنان و مردان زیاد

شود، قطعاً دنیا را به کام این مرگ خطرناك و ننگین یعنی ایـدز فرو خواهـد بود. به هر حال در روایات بحث طاعون را مطرح می کنند و یا در بعضـی از روایات بحث مرگ سرخ و سفید است، مرگ سفید مثل طاعون و امراضی را که این گونه انسان را نابود می کند یا امراضی که به صورت سریع و ناگهانی دامنگیر انسان می شود و مرگ های سرخ کشتاری که به وسیله جنگ در دنیا پدید می آید.

امام باقرعلیه السـلام می فرماید: اعراب به جنگ با یکدیگر می پردازند و بین مردم اختلاف شدید به وجود می آید و تشـتت و پراکنـدگی در ادیـان پیـدا می شود. این همان بحث قرائت های مختلف است که افکار و انـدیشه هایی در جامعه القا می کنند که همه ادیـان حقّ انـد و هیـچ دین باطل نـداریم!!! اسـلام را اگر هر کسـی با هر قرائتی بخواهـد تعبیر بکنـد و توجیه کنـد حقّ است!!! بحث های دیگری که در پلورالیسم مطرح است، به عنوان بحث روز در مطبوعات و میتینگ ها و سـخنرانی های داخل و خـارج به خصـوص برای تشـتّت آراء اعتقـادی و منحرف کردن مردم به خصوص نسـل جوان، به ویژه تحصـیل کرده هـا در جامعه ما هم رواج می دهند. این ها همه می تواند زمینه ای باشد برای سوق دادن جامعه بشری به سمت آن تشتت آرا و عقاید دینی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام.

در روایت آمـده است که جامعه به گونه ای می شود که انسان ها صـبح و شام آرزوی مرگ می کننـد، چرا؟ به خاطر این که حالت هرج و مرج در جامعه پدید می آید و برای کسب منافع بیشتر به یکدیگر حمله ور می شوند، خلق و خوی سگی در بین انسان ها ایجاد می شود، آدم های شایسته

در غربت و تنهایی و عزلت قرار می گیرند، آرزوی مرگ می کنند. این ها می تواند به عنوان بخشی از اطلاعاتی باشد که قبل از ظهور امام زمان علیه السلام در دنیا پدید خواهد آمد. امّا به این معنی نیست که در آن عصر و دوران، انسان های شایسته و جریان های حق طلب وجود ندارد. انسان های شایسته وجود دارند، جریان های حق طلب نیز هستند، این ها می تواند پناهگاهی باشد برای هر کسی که بخواهد از موج تلاطم های سهمگین انحراف در زمینه های مختلف نجات پیدا کند و با پناه به دین و پناه به قرآن خود را حفظ کند.

علائم هنگام ظهور امام زمان«ع»

اشاره

در ادامه بحث گذشته پیرامون وجود مقدّس حضرت مهدی - عجل اللّه فرجه - به علائم و نشانه هایی که در لحظه ظهور، تحقق می یابد، می پردازیم.

از نظر ما لحظه ظهور امام زمان - عجل اللّه فرجه - و روز ظهور آن حضرت را کسی جز خدا نمی داند، بعضی از مفسرین ما به آیه شریفه ۱۸۷ سوره اعراف استناد می کنند. البته روایات زیادی هم در این رابطه وجود دارد که جز خدا کسی نمی داند که امام زمان - عجل اللّه فرجه - کی ظهور خواهد کرد.

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ السّاعَهِ أَیّانَ مُرْسیها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِندَ رَبّی»؛(۱۱۹) «درباره قیامت از تو سؤال می کنند، کی فرامی رسد؟! بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است».

البته مفسران این آیه را در مورد وقوع قیامت می دانند، لکن بعضی از مفسران درباره ساعت قیام امام زمان علیه السلام هم تفسیر کرده اند. به هر حال آنچه از این آیه بر می آید این است که زمان این ساعت را کسی نمی داند.

طرح یک سؤال

حال سؤال این است که آیا خود امام زمان علیه السلام هم نمی داند کی ظهور خواهد کرد و از کجا با خبر می شود که باید ظهور کند و از پس پرده غیبت بیرون بیاید و قیامش را آغاز نماید؟

در اینجا نکاتی است که به اختصار به آن می پردازیم:

نکته اوّل

اعتقاد داریم ائمه معصومین علیهم السلام آنچه را که در دوران امامتشان باید انجام بدهند، بر اساس برنامه طرح شده ای که در صحیفه امامت، از امام قبلی به دست آن ها رسیده است عمل می کنند که شامل بعضی از دستور العمل های الهی است که از جانب پروردگار به دست رسول خداصلی الله علیه وآله رسیده است و در این دستورالعمل وظایف هر یک از امامان مشخص است که باید چگونه امامتشان را انجام بدهند.

از جمله امامـان که وظایفشان در آن صـحیفه مشـخص شـده است وجود مقـدّس امام زمان علیه السـلام است، او همیشه به این صحیفه نگـاه می کنـد و دسـتورات الهی را اجرا می کنـد، بنابراین هنگامی که لحظه قیامش فرا رسـید و بایـد ظهورش را آغاز کند با نگاه به این صحیفه متوجه وظیفه قیامش می شود.

ابی بن کعب می گوید: من از رسول خداصـلی الله علیه وآله درباره آشـنایی امامان به وظایفشان پرسـیدم، رسول خداصـلی الله علیه وآله به من فرمود: «إنّ اللّه تعالی أنزل علیّ اثنی عشر صحیفه اسم کل امام علی خاتمه وصفته فی صحیفه؛(۱۲۰) خدا برای من ۱۲ صـحیفه نازل کرده و در هر یک از آن ها خصوصـیات و وظایف امامان در آن گنجانـده شده که به دست ۱۲ امام می رسد و هر کدام طبق آن عمل می کنند».

امّا از نظر دیگر آن است که امام زمان علیه السلام از لحظه

ظهورش بر اساس وحیی که به او می شود و الهامی که به او می گردد، با خبر می شود. یعنی دستور ظهور، به صورت وحی و الهام بر وجود مقدّس امام زمان علیه السلام صادر می گردد و او وظیفه اش را کشف می کند، این معنی را بر اساس روایاتی که در این رابطه است، برداشت می کنیم.

ممکن است مقداری پذیرشش سنگین باشد، قاعدتاً ما باور داریم که با ارتحال رسول خداصلی الله علیه وآله وحی الهی قطع شد، حال چگونه باور داشته باشیم که بر امام زمان علیه السلام وحی نازل می شود و او هم با دستور وحی الهی، قیامش را آغاز می کند؟ روایتی است که ابوجارود از قول امام باقرعلیه السلام نقل می کند که من از امام باقرعلیه السلام راجع به قیام امام زمان پرسیدم: «قلت لأبی جعفرعلیه السلام: جعلت فداك! أخبرنی عن صاحب هذا الأمر؟ قال: یمسی من أخوف الناس ویصبح من آمن الناس یوحی إلیه هذا الأمر لیله ونهاره. قال: قلت: یوحی إلیه یا أباجعفر؟ قال: یا أباجارود إنه لیس وحی نبوه ولکنه یوحی إلیه کوحیه إلی مریم بنت عمران وإلی أم موسی وإلی النحل. یا أباالجارود إن قائم آل محمد لأکرم عند اللّه من مریم بنت عمران وأم موسی والنحل؛(۱۲۱) ای ابا جعفر! به من خبر ده که امر امام زمان علیه السلام چگونه تحقق پیدا می کند؟ فرمود: او در حالی شب را به صبح می آورد که از نظر امنیت، در ناامنی است امّا صبح گاه در امنیت کامل خواهد بود. امر قیام بر او وحی می شود و دستورات کار خودش را روز و شب از طریق وحی می گیرد. (مثل این که برای راوی هم پذیرش این معنا سنگین بود)

پرسید: برای او وحی می شود ای ابا جعفر!؟ حضرت جواب داد: بله، برای او وحی می شود، ای اباجارود! آن وحی به صورت وحی نبوّت و شریعت نیست(۱۲۲). همـان طور که ما در قرآن کریم تنها وحی را برای پیامبران نمی دانیم در قرآن کریم وحی های مختلفی ذکر شده است، آیات متعددی است، چنان که در یک جا خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاده است. در جای دیگر می فرماید درباره مادر حضرت موسی وحی کردیم در آن ماجرایی که فتنه فرعونی ایجاد شد و فرعون، فرزندان پسر بنی اسرائیل را می کشت و دخترانشان را برای خنثی کردن اراده الهی نگه می داشت، که قطعاً قادر به چنین کاری هم نبود، در آنجا خداوند برای حفاظت از حضرت موسی، به مادر حضرت موسی وحی فرستاد.

اینجا امام باقرعلیه السلام می فرماید: ای اباجارود! وحیی که بر امام زمان علیه السلام نازل می شود از نوع وحیی نیست که به پیغمبران نازل می شود بلکه از نوع وحیی است که بر مادر موسی علیه السلام بر مادر عیسی علیه السلام حضرت مریم و بر زنبور عسل نازل می شود؛ یعنی یک هدایت الهی والهامی است که خداوند به امام زمان علیه السلام می دهد و به ایشان دستور می دهد که چه کاری باید انجام دهد. بعد به او می فرماید: شخصیت امام زمان علیه السلام بسی والاتر و بالاتر از مادر حضرت موسی و مادر حضرت عیسی علیهما السلام و زنبور عسل است. قرآن می گوید: بر آن ها وحی نازل کردیم، حالا که من می گویم، بر امام زمان علیه السلام دستور امامت و رهبری به صورت وحی نازل می شود، تعجبی ندارد.

با توجه به این حدیث شریف در می یابیم که امام

زمان علیه السلام خود نمی داند که کی ظهور می کند و تنها دستور ظهورش از ناحیه ذات اقدس الهی صادر می شود و او براساس دستور الهی این کار را آغاز می نماید.

نکته دوّم

همان گونه که قبلاً- توضیح دادیم ما معتقدیم که برای ظهور امام زمان علائمی است؛ علائم حتمیه داریم و علائم غیر حتمیه که من توضیحات زیادی در قسمت های قبلی دادم. از جمله علائمی که برای ظهور امام زمان است علائمه حتمیه خاصه است که فقط مربوط به امام زمان علیه السلام است و در لحظه ظهور تحقق پیدا می کند. بین ظهور و پیدایش این علائم، فاصله زیادی نیست؛ از جمله این علائم آن است که شمشیر و پرچمی که در اختیار آن حضرت است، این شمشیر و پرچم به قدرت الهی حالتی از خود نشان می دهد که امام زمان علیه السلام می فهمد که زمان ظهورش فرا رسیده است. حدیثی از گفت و گوی ابی بن کعب با رسول خداصلی الله علیه وآله است.

اعلام اذن ظهور

ابی بن کعب راجع به زمان ظهور امام زمان علیه السلام که امام زمان علیه السلام با چه علائمی ظهور می کند و با چه علائمی می فهمد که باید ظهور کند، می فرماید: «له عَلَم إذا حان وقت خروجه انتشر ذلک العَلَم من نفسه وأنطقه اللَّه – عزّوجلّ – فناداه العلم: اخرج یا ولی اللَّه فاقتل أعداء اللَّه وهما آیتان وعلامتان وله سیف مغمد فإذا حان وقت خروجه اقتلع ذلک السیف من غمده وأنطقه اللَّه – عزّوجلّ – فناداه السیف: اخرج یا ولی اللَّه فلا یحلّ لک أن تقعد عن أعداء اللَّه، فیخرج ویقتل أعداء اللَّه»؛(۱۲۳) برای امام زمان پرچمی است که وقتی خروج او نزدیک شد خودش باز می شود و خدا او را به سخن می آورد، نام خدا را به زبان می آورد و خطاب به امام زمان علیه السلام می گوید: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا

را از میان بردار. ادامه این حدیث آن است که می فرماید: شمشیری داردکه در غلاف خودش است، این شمشیر تا هنگام ظهور از غلاف خودش بیرون نمی آید امّا هنگامی که لحظه ظهورش فرا رسید، شمشیر، خودش از غلاف بیرون می آید و به امام زمان علیه السلام خطاب می کند: دیگر صلاح نیست بنشینی و قیام نکنی، قیام کن و دشمنان خدا را از پیش پا بردار و امام زمان علیه السلام با ندای این علامت الهی که در اختیار او قرار داده شده است، دستور قیام می گیرد؛ یعنی این علامت و نشانه ای که رسول خداصلی الله علیه وآله برای ظهور امام زمان فرموده در اختیار امام زمان علیه السلام است و امام زمان آن را دریافت می کند و وظیفه خودش را می شناسد و خروج می کند و آن آغاز قیام امام زمان علیه السلام است.

مکان ظهور

امام زمان علیه السلام در کجا ظهور می کند؟ آنچه در روایات زیاد و فراوان ذکر شده است لحظه اوّل ظهور امام زمان علیه السلام که مردم او را می بینند در شهر مکّه و در بین رکن و مقام است. این طور که در روایات است مردم مکّه می بینند شخصیتی با لباس و شمشیر و نعلین پیغمبر وارد مکّه می شود. در بعضی از روایات است برای این که او را نشناسند، به صورت ناشناس می آید. آنچه در لسان بعضی از روایات است این است که چند نفر هم همراه او هستند برای این که به صورت ناشناخته باشد و کسی او را نشناسد. به هر حال خود را غروب به کنار خانه کعبه می رساند و شب وارد خانه کعبه می شود. حضرت جبرئیل امین واسرافیل و خیل ملائک به حضور او می آیند، آن گاه

وقتی صبح فرا رسید در کمال امنیت و آرامش به دستور خدا بین رکن و مقام می آید و ندای الهی اش را بلند می کند و ندای «الا- یا اهل العالم» را به گوش همه می رساند و دوستان و نقیبانش را که در اطراف و اکناف عالم هستند، به حضور خود فرا می خواند. این ندای الهی او به گوش شنوای آن هایی که گوششان به حرف خدا همیشه شنواست و جز حرف خدا، حرف دیگر را نمی شنوند و از هیچ حرفی جز حرف خدا پیروی نمی کنند و دعوت امام زمان علیه السلام را می شنوند می رسد و در یک چشم به هم زدن در کنار خانه کعبه و در حضور امام زمان علیه السلام قرار می گیرند و ظاهراً منظور همان ۳۱۳ نفر از یاران خاص ایشان باشد که در لحظه ظهور در محضر پر نور حضرت شرفیاب می شوند و این آغاز قیام و ظهور پر نور امام زمان علیه السلام است که بشریت از ابتدا تا لحظه ظهور به انتظار آن نشسته بود.

ان شاء اللّه خداوند همه ما را جزو منتظران واقعی و اصحاب آن حضرت قرار بدهد و قلب نورانی اش را از همه ما خشنود بگرداند و تا ظهورش، نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب را حفاظت فرماید. آمین

اوصاف یاران امام زمان«ع»

اشاره

نکاتی که در این قسمت تقدیم حضور شما مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام می کنم مختصری پیرامون خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام به هنگام ظهور آن حضرت است. همان طور که قبلاً اشاره کردم، براساس روایات، امام زمان علیه السلام در روز جمعه ای در کنار بیت اللّه الحرام ظهور می کند و اعلام ظهورش به وسیله منادی آسمانی به گوش همه عالم

و جهانیان می رسد و او نیز به کمک خدا، ندای رسای الهی را به گوش یاران و خاصان خودش می رساند. ابتدا خدا را به خاطر تحقّق وعده ای که فرموده است، سپاسگزاری می کند و می فرماید: «... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِینَ»؛(۱۲۴) «... حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان».

چرا که در قرآن کریم آمده است خداوند فرمود: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ»؛(۱۲۵) «خداوند به مؤمنان صالح وعده داده که آن ها را در زمین حاکم گرداند».

این آیه در مورد ظهور امام زمان علیه السلام است و در آیه دیگری فرموده است: «وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ».

«همانا در زبور نوشتیم که زمین میراث بندگان شایسته من خواهد شد».

این آیات درباره امام زمان علیه السلام است و وقتی که ظهورش آغاز شد، او بر تحقق این وعده، خدا را سپاس می گوید. آن گاه در همان جا به یاران خاص و نقبای خود در دنیا، ندا می دهد و ظهور خودش را اعلام می کند.

یاران خاص

در روایات وارد شده که ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام زمان علیه السلام که در سراسر دنیای آن روز زندگی می کنند، همه در چشم به هم زدنی در کنار رکن و مقام به محضر امام زمان علیه السلام شرفیاب می شوند که این بحث بسیار گسترده ای است که در همه روایات راجع به این مسأله مطالبی آمده است. در یکی از این

روایات اصبغ بن نباته که از یاران خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است، می گوید: من از امیرالمؤمنین درباره یاران امام زمان علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود: یاران امام زمان علیه السلام که به صورت قدرت الهی در چشم به هم زدنی در کنار او حاضر می شوند در آغاز ظهورش ۳۱۳ نفر هستند(۱۲۶). در این روایت امیرالمؤمنین تعداد افراد را که مربوط به شهرهای مختلف هستند به تفصیل نام می برد، مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس نقل اصبغ بن نباته فرموده است: ۳ نفر از شیراز، ۴ نفر از اصفهان، ۱۰ تا ۱۷ نفر از قم هستند، و از همه بیشتر طالقان که تعداد ۲۴ نفر از مردم طالقان در محضر امام زمان علیه السلام به عنوان همان ۳۱۳ نفر حضور آنی پیدا می کنند، از خطه شمال هم این گونه که در روایات دیده ام یک نفر از آمل و یک نفر از جرجان که شاید همین گرگان باشد، یک نفر از خراسان و... در این روایت ذکر شده است، امّا آنچه که مهم است این که براساس این روایات، حدود ۷۲ نفر از یاران امام زمان علیه السلام از ایرانند، البته براساس نقل سید بن طاووس که در کتاب ملاحم تعداد دیگری را هم به صورت مشخص بیان می کند و سهم ایران اند آن روزی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند را بیشتر از ۷۲ نفر می داند. همه این ها بر اساس نقل روایات است که به ما رسیده. در کتب مختلف به خصوص کتبی که در رابطه با امام زمان علیه السلام نوشته شده؛ مثل کتاب «کمال الدین» مرحوم صدوق، کتاب «غیبت نعمانی» مرحوم شیخ مفید و کتاب «غیبت» مرحوم شیخ طوسی و کتاب های عمومی مثل «بحارالانوار»

روایات در این زمینه فراوان است و ویژگی های این تعـداد از یارانی که با این حالت آنجا حضور پیدا می کنند نیز بسـیار مهم است.

بیان یک نکته

این نکته را هم توجه کنیم که چگونه می شود امام زمان علیه السلام در کنار خانه کعبه ندایش را بلند کند و این ندا به سراسر عالم و به گوش انسان های خاص که یاران و نقیبان او محسوب می شونـد برسـد. یارانی که در روایت ویژگی هایشان را تعبیر کردند «رهبان بالليل، ليوث بالنهار، كأن قلوبهم زبر الحديد فيبايعونه بين الركن والمقام؛(۱۲۷) شیران روز و عابدان شب هستند و مانند پاره های آهن، آهنین اراده اند و بین رکن و مقام با او بیعت می کنند».

آیا ممکن است یک انسان در نقطه ای از عالم ندا بلند کند «الا یا اهل العالم» و همه دنیا صدای او را بشنوند؟! اگر این نکته را ما، در قدیم می خواستیم به عنوان یک حالت عادی انسانی بدون برخورداری از امدادهای غیبی توجیه کنیم، کار مشکلی بود، امّـا امروزه بـا پیشـرفت تکنیـک و فن آوری آیا این امر، امر غریبی است؟ مگر امروزه در دنیا، اطلاعات ماهواره ای و پیام های رادیویی در آن واحد به سراسـر جهان مخابره نمی شود؟ یعنی اگر چنانچه بنا را هم بر این بگذاریم که با شیوه های انسانی امر تحقق پیـدا کند، امری کاملاً طبیعی است، امام زمان علیه السـلام علمش متصل به علم خداست، بنابراین او از آن تکنیک های علمی که بتوانـد بـا ابزار اطلاعات، صـدای خود را به دنیا برسانـد، چه بسا در اختیار داشـته باشـد. در گذشـته خبری را بایـد با اتصال فیزیکی از اینجا به دنیا مخابره می کردند مثلاً اطلاعات مخابراتی را باید به وسیله سیم

از اینجـا به جای دیگر منتقل می کردنـد امّا ابزاری که امروز مخابرات در اختیار دارد به وسـیله وسایل فیزیکی و اتصال سـیمی نیست بلکه به وسـیله امواج است که با کمک گرفتن از امواج و وسایل علمی می تواند پیام ها را به اقصـی نقاط عالم برسانند. آیا امام زمان علیه السـلام نمی تواند با علم والایی که فوق علم انسان های عادی و معمولی است، از ابزاری برخوردار باشد که بتوانـد امواج را در اختیار و اسـتخدام خود بگیرد و این پیام را به وسـیله امواج به کل جهان برساند، که قطعاً امر غریبی نیست و اکنون هم در اختیار بشـر است و حال آن که بشـر در آینـده به چه تکنیکی دست پیدا خواهد کرد بماند. قطعاً در آینده وسایل اطلاعاتی و پیام رسانی دنیا، غیر از این چیزی است که امروز است که ممکن است در آینـده بشـر بتواند به تکنیک های بسـیار پیشـرفته ای که وسایل امروز در مقابل آن ها ابتـدایی محسوب شونـد دسترسـی پیدا کند. پس امام زمان علیه السـلام به وسـیله ابزارهای علمی خود می تواند از این امکانات برخوردار بشود.

نکته دیگر

ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام از جانب خدا تأیید می شود و از امدادهای الهی برخوردار است و وقتی از امدادهای الهی برخوردار باشد خداوند همه هستی را در اختیارش قرار می دهد؛ همه امواج را، باد را، خورشید را، نور را، ظلمت را، فرشتگان و جنّیان را و همه موجودات به وسیله ذات اقدس الهی در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد.

شمّه کوچکی از مظهر قدرت و اراده الهی در سـلطنت حضـرت سـلیمان پیغمبر – علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام – بوده که این ها را در

اختیار داشت و آن کارهای محیّر العقول را انجام می داد. حضرت مهدی علیه السلام امام زمان و امام عصر است و عصاره همه انبیا و اولیاء خدا و مظهر قدرت و اراده ذات اقدس الهی است و خدا او را از انواع حمایت ها برخوردار خواهد کرد و به کمک خدا این فریاد الهی و حیات بخش را به سراسر عالم منتقل می کند و به گوش آن هایی که گوش شنوا دارند می رساند.

در یکی از قسمت ها گفتیم، او ندای خود را در آن واحد یا در ساعات و روزهای مشخص به گوش جهانیان می رسند. یک ندا، ندای جبرئیل امین است که در فضای مکّه آغاز می شود و مردم را به ظهور امام زمان علیه السلام مژده می دهد و به بیعت او فرا می خواند و ندای دیگر، ندای شیطان است که مردم را به تبعیت از سفیانی، که در شام قیام می کند و سرانجام نابود خواهد شد به بیعت او تشویق می کند. گوش هایی که در دنیا عادت به شنیدن پیام های شیطانی دارند و معمولاً خلق و خوی آن ها، خلق و خوی شیطانی است و تحت تأثیر القائات شیطانی قرار گرفتند «إِنَّ الشَّیاطِینَ لَیُوحُونَ إِلَی أَوْلِیَآئِهِمْ»(۱۲۸) چه بسا آنجا خطر جذب شدن به آن ندای شیطانی و جذب شدن به سفیانی را داشته باشند.

امّا گوش هایی که به ندای ملکوتی و وحیانی عادت کرده اند، این ها قطعاً ندای جبرئیل امین و ندای امام زمان علیه السلام را می شنوند و یکی پس از دیگری به محضر ایشان شرفیاب می شوند. حال، بعد چه خواهد شد، چون می خواهیم در مورد ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام مطلب را خلاصه کنم، مطالب بعد را ان شاءاللّه در قسمت های دیگر در

حد میسور و مقدور تقدیم محضر شما می کنم.

بیان ویژگی های یاران امام

آیه ای از آیات قرآن که به نقل بسیاری از مفسرین درباره خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام است، آیه ۵۴ سوره مائده است. خداوند عظیم می فرماید: «یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا مَن یَرْتَدَّ مِنکُمْ عَن دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَیُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرِینَ یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلَا یَخافُونَ لَوْمَهَ لَآئِمٍ ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَن یَشَآءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ»؛ (۱۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید اگر ازشما کسانی از دینشان برگردند به زودی خداوند قومی را خواهد فرستاد که آن ها خداوند را و خدا آن ها را دوست دارد، این ها کسانی هستند که در برابر مؤمنین خاضع و ذلیل و خاشع هستند امّا در برابر کافران، عزیز و نستوه و آهنین اراده اند، در راه خدا دائماً جهاد می کنند و در این راه از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست که به هر کسی که بخواهد می دهد و خداوند دارای فضل بی کران است».

مفهوم این آیه این است: آدم اگر جمع بندی بکند تقریباً پنج خصوصیت برای این گروه ذکر می شود، قرآن می فرماید: ای مؤمنین، اگر بعضی از شما از دین خود برگردید برای دین مهم نیست، البته برای شما مهم است امّا به زودی خداوند قومی را خواهد آورد که آن ها این ویژگی ها را دارند:

۱) اینان خدا را دوست دارند و خدا اینان را دوست دارد. دوستی خدا چیست، خدا دوست داشته باشد چه ارزشی دارد بماند که جای توضیح فعلاً نیست.

۲) در برابر مؤمنین و کسانی که خاضع و خاشع به امر پروردگارند، خاکی و متواضع اند امّا در برابر کفار و دین ستیزان

و مخالفین حق، انسان های آهنین اراده، سازش ناپذیر، مبارز و معارضند.

۳) دائماً در راه خـدا جهاد می کنند، جبهه نظامی، جبهه فرهنگی، جبهه اقتصادی، جبهه اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر، همه جهاد در راه خـداست، این ها دائماً در راه خـدا در جهادنـد، عرصه ها و جبهه ها عوض می شود؛ از نظامی به فرهنگی، از فرهنگی به اقتصادی، چه بسا هم زمان در همه عرصه ها مبارزه می کنند.

۴) در راه خـدا و مبارزه در راه خدا هر چه هم از سـختی ها، بدی ها، ملامت ملامت کنندگان نصـیبشان شود، خم به ابرو نمی آورنـد. این ویژگی های بی نظیر عالیه یک انسان کامل، چیزی است که از فضل خدا نصـیب آن ها شده، آن ها تلاش کردند تا فضل خدا را شامل حال خودشان بگردانند. امّا ویژه انسان های خاصـی نیست، همه می توانند این فضل را نصیب خود کنند، این را از پایان آیه می توان فهمیـد که می فرمایـد: «إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِیمٌ»؛(۱۳۰) خداوند فضل و علمش وسـیع است» و هر کسی این گونه است خـدا می داند شایسـته است و به او می دهد. طبق روایات، صاحب مجمع البیان مرحوم طبرسـی در جلد دوّم در ارتبـاط بـا همین آیه شـریفه می فرمایـد این جزء ویژگی هـای یـاران امام زمان علیه السـلام است که وقتی ظهور می کننـد این ویژگی ها را دارند.

روزی اصـحاب از رسـول اکرم صـلی الله علیـه وآلـه راجع بـه هـدایت ایـن قـوم که در این آیه قرآن راجع به آنهـا وارد شـده پرسـیدند، پیامبرصـلی الله علیه وآله دسـتش را بر شانه سلمان فارسی که در کنارش ایستاده بود گذاشت و فرمود: این هموطنان او هستند.

راجع به خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام احادیث فراوانی در کتب روایی وارد شده است؛ از جمله از قول امام

صادق علیه السلام که می فرماید: «فإن الرجل منهم یعطی قوه أربعین رجلاً ـ وإن قلبه لأشد من زبر الحدید ولو مروا بجبال الحدید لقطعوها لا یکفون سیوفهم حتی یرضی اللَّه - عزّوجلّ؛(۱۳۱) نبرد یک مرد از آن ها به اندازه چهل نفر است، دلشان از آهن سخت تر است و اراده ای آهنین دارند که اگر بر کوه آهنین بگذرند کوه از هم می پاشد، شمشیرشان را قلاف نمی کنند تا خدا راضی شود».

و در حدیثی دیگر آمده است: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدینا کان الرجل من شیعتنا أجری من لیث وأمضی من سنان»؛ هنگامی که کار دولت ما آغاز گردد و مهدی ما بیاید، مردان آن ها از شیر، کاربرتر و از شمشیر برّنده ترند».

این ها ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام است، ایشان که بیایند، این طور آدم ها را می پسندند. لذا باید از قبل، این ویژگی ها را در خود ایجاد کنیم، به تناسب امکاناتمان، به تناسب لیاقتمان، به تناسب عنایت پروردگار به ما، وقتی آمد ما بتوانیم جزو سربازان ایشان باشیم که اگر کسی محضرش را درک کند و به سربازی او قبول شود مثل کسی است که در رکاب رسول اکرم صلی الله علیه وآله در بدر شمشیر زده باشد و در خون خود غوطه ور شده باشد. حتی اگر این انسانی که در این جهت تلاش می کند درک محضر امام زمان در هنگام ظهورش نکند و از دنیا برود، باز هم به همین درجه و رتبه نایل می شود. پس فضلی به این بزرگی در اختیار ماست، تلاش کنیم آن را به خود اختصاص دهیم.

از خدا می خواهم به ما عنایتی فرماید، تحولی در ما ایجاد کند.

این نکته را هم بگویم؛ برادران و خواهران، اولیای محترم،

پـدران و مـادران، جوانـان مـا بـاطنی پـاک دارنـد، من سـروکار بـا آن ها دارم در مـدارس، و دانشـگاه ها، این ها به بهانه های مختلفی که پیش می آید درونشان را نشان می دهند که دین باورند، علاقمند به خدا و معنویت و عبادت و اهل بیت پیغمبرند.

از این هـا غفلت نکنیم، راه هـای زیـادی پیش پـای آن هـا پراکنـده است که آن ها را می ربایـنـد، با مواد مخـدر، با افیون های مختلف، بـا تجهیزات انحراف گری، بـا فیلم هـا و نوارها و برنامه های فراوانی می خواهنـد این ها را از ما بگیرنـد. دشـمنان در گذشـته هم سـعی می کردنـد بـا ترویـج مرام کمونیستی و سوسـیالیزم جوانان ما را از دین به سـمت بی دینی ببرنـد، امّا طشـت رسوایی از آسمان افتاد، این بار آمدند از راه پلورالیزم، انسان ها و جوانان ما را بی دین کنند، نمی توانند بگویند دین نه، چون در دنیا فهمیدند دین در زندگی بشـر نقش اساسـی دارد. قطعاً با تلاش مسئولین و هوشیاری خانواده ها و بیداری جوانان ما این توطئه هم خنثی خواهد شد.ان شاء اللّٰه

نقش زنان در جمع یاران امام زمان«ع»

توضیح

در ادامه صـحبت پیرامون مسائل مربوط به امام عصـرعلیه السـلام و به دنبال بحث گذشـته پیرامون ویژگی های یاران امام زمان علیه السـلام در هنگام ظهور، به اختصار درباره نقش زنان در هنگام ظهور و آغاز قیام امام زمان علیه السـلام مطالبی را تقـدیم شما مشتاقان ظهور حضرتش می نماییم.

نقش زنـان در سـرنوشت دینی و اجتمـاعی، در دین مبین اسـلام نادیـده گرفته نشـده است. با توجه به الگوهای قرآنی و تاریخ روشن اسـلامی در طول تاریخ زنانی بوده اند که به خصوص درباره مسائل دینی و هدایت جامعه نقش اساسی داشته اند. قرآن کریم الگوهای مثبت و منفی آنان را به عنوان نمونه مطرح می کند؛ در تاریخ اسلام

زنان زیادی بوده اند که درکنار رسول خداصلی الله علیه وآله در عرصه سیاست و جهاد هر نقشی برای آن ها تناسب داشت ایفای وظیفه می کردند. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام هم دیده می شود، زنان مجاهدی که هم در عرصه جهاد به کارهایی که به تناسب جسمی و روحی آنان مطابقت داشت و هم در عرصه های سیاست و مبارزه مثبت و منفی و هم در کنار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقش های اساسی و حساسی را ایفا می کردند. به همین ترتیب بر اساس روایات به هنگام ظهور امام زمان علیه السلام زنان نیز در کنار امام زمان علیه السلام به تناسب جسمی و روحی خود ایفای نقش دارند و حضور فعال پیدا می کنند. درباره نقش منفی زنان در عصر ظهور، براساس روایاتی که قبلاً هم مختصر به آن اشاره کردم، آمده است که بیشترین پیروان دجّال را افرادی از میان یهودیان و بخشی از آنان را زنان تشکیل می دهند، در عین حال نقطه مقابل آن، زنانی هستند که به ضدیت با دجّال برمی خیزند و به مبارزه با دجّال می پردازند.

تعداد زنان در یاران اوّلیه

برحسب بعضی روایات، هنگامی که امام زمان علیه السلام قیامش را آغاز می کند تعداد ۱۲ هزار نفر نیرو را از میان مردان و ۷۸۰۰ نفر از میان زنان، نیروهای آماده به خدمت در محضر امام زمان علیه السلام هستند و بر حسب روایت دیگر منقول از رسول خداصلی الله علیه وآله حضرت عیسی مسیح علیه السلام در میان جمعیتی حاضر خواهد شد که تعدادی از آنان را زنان تشکیل می دهند و از بهترین انسان های گذشته یا دوران خود بودند. روایات دیگری هم وجود دارد که از بین ۳۱۳ نفر یاران خاص امام زمان علیه السلام ۵۰ نفر

از بانوان هستند.

بانوان نمونه هنگام ظهور

روایات دیگری هم وجود دارد که مفهومش این است: در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام شخصیت های برجسته ای از میان بانوان که در اعصار گذشته، نقش نمونه داشتند به دنیا بر می گردند و در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می شوند و نقش اساسی خود را ایفا می کنند. اسامی بعضی از این زنان در روایات ذکر شده که عبارتند از:

۱) ام ایمن؛ همان کسی که مربی و دایه وجود مقدّس پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.(۱۳۲)

۲) حبابه والیه؛ آن بانوی والا معتقد به امر ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام که از کهنسالان در میان انسان ها بود. و نقل است که از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان امام رضاعلیه السلام زندگی کرده و با اعجاز وجود مقدّس امام سجادعلیه السلام به یکباره به جوانی بازگشت و آثاری از اعجاز تأیید امامت ائمه را هم به همراه خود داشت.(۱۳۳)

۳) سمیّه مادر عمار؛ وی نیز یکی از آنان است که به عنوان یکی از یاران امام زمان علیه السلام نام برده می شود که هم خود اولین شهید در میان بانوان در اسلام است و هم همسرش شهید است و هم فرزندش عمار یاسر در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین به شهادت رسیده است.(۱۳۴)

۴) نفر بعدی «زبیده» است، زبیده ظاهراً همسر هارون الرشید است، بانویی در خاندان خلافت غاصبانه عباسی، قدرتی دارد، امّا از این قدرت خودش بهره ای سود نمی گیرد، جنبه های مثبت زیادی دارد، از جمله خدمات او تکمیل آب آشامیدنی مکّه برای حاجیان است.

۵) بانوی دیگر به نام «ام خالد (ام خالد احمیسه)» که از جمله بانوان مبارز و مجاهدی است که زمان قیام «زید بن

علی بن حسـین علیه السـلام» به عنوان جانبـاز آن جهاد و مبارزه است و دست او را به عنوان محب امیرالمؤمنین علیه السـلام از بدن جدا می کنند.(۱۳۵)

۶) صـیانه شخصیت دیگری که باز در تاریخ ذکر شده، «صیانه ماشطه» است مشاطه و آرایشگر دربار فرعون بود که حرم سرای فرعونی را مشـاطگی می کرد. علت حضور این خـانم هـا در رکاب امام زمان علیه السـلام به خاطر ویژگی های این هاست که چنین لیاقتی پیـدا می کننـد. هر یک از این ها دارای نقاط مهم و مثبتی در زندگی خود هسـتند. پس یکی ام ایمن است، مربی نمونه؛ یکی سـمیه است، همسـر و مادر و بانوی نمونه؛ و امّ خالد است بانوی مجاهد فی سبیل اللّه و جانباز در راه اسـلام، یکی زبیـده بانوی با کیاست و فراست و مقتـدری که انواع قـدرت را در اختیار دارد، امّا جذب شـیطان نمی شود. این بانویی هم که درباره او صـحبت می کنم «صیانه» بانویی است که همسر او به نام حزقیل خزانه دار اموال فرعون و پسر عموی اوست. در کاخ فرعون از جایگاه مثبت برخوردار است امّا وقتی حضـرت موسی – علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام – مبعوث می شود، او و همسـرش در آن محیـط جرم و جنایت معتقـد به خـدای یکتا می شونـد، با آن که خزانه دار اموال آل فرعون لقب می گیرد، این خانم دیانتش را مخفی نگه می دارد. روزی بر حسب تصادف در حال آرایشگری دختر فرعون شانه از دستش به زمین می افتـد و او بر حسب اعتقـاد خود بسم اللّه را به زبـان می آورد و شانه را از زمین بر می دارد. دختر فرعون به زیرکی در می یابد که او چیزی به زبان آورده که

متـداول نیست. از او می پرسد: نام پدر مرا برده ای؟ فرمود: نه، نام خدا را برده ام که او خدای من و خدای تو و خدای پدر تو، و خدای همه است. دختر اطلاعات را به پدرش می رساند که این بانویی که در خانه ما نفوذ دارد، به موسـی کلیم علیه السـلام ایمان آورده است. در نتیجه او را به حضور فرعون حاضـر می کننـد و تحت فشار قرار می دهند که از عقیده اش برگردد. ولی او ثابت و اسـتوار بر عقیـده حق خود پایـدار می مانـد، در نتیجه فرعون دسـتور می دهد، تنوری از مس درست کنند که از نظر حرارت فـوق العـاده است و در جلوی چشـمان این خـانم چنـد تـا از بچه هـایش را یکی پس از دیگری در درون آتش و تنور مسـین انداختند که او ببیند تا بلکه از عقیده اش به خدا برگردد، امّا او همچنان ثابت بود، سـرانجام آمدند از آغوش او کودک شیرخـواره اش را گرفتنـد و می خواسـتند او را داخـل آتش بیندازنـد، جـذابیت فرزنـد شـیرخواره، مـادر را به خودش کشانـد، نزدیک بود که از عقیـده خود به ظاهر تبری کند که آن کودک با زبان فصـیح گفت: «اصبری یا اماه فإنّک علی الحق؛ شـکیبا باش ای مادر، تو در راه حقّی». او شـکیبایی کرد و شاهد شهادت آخرین فرزندش هم بود امّا دین خودش را فدا نکرد. آن گاه او را بعـد از فرزنـدانش در درون آتش انداختنـد و سوزاندنـد. در حدیث وارد شده است که شب معراج، رسول خداصـلی الله علیـه وآله، ناگهـان بـوی خوشـی را استشـمام کرد، از جبرئیـل امین پرسـید: این بـوی خـوش اسـتثنایی چیست؟ عرض کرد، از سرزمینی عبور کردیم که خاکستر جسم پاک

و مطهر «صیانه» آن بانوی نمونه و فرزنـدانش را پس از سوزاندن، در این بیابان ریختند و الی الابد این بوی خوش به مشام می رسد.(۱۳۶)

این ها بانوان نمونه ای هستند که در رکاب امام زمان علیه السلام حاضر می شوند. البته نقش بانوان در مرحله قبل از ظهور نیز قابل توجه است که قبلاً اشاره ای به آن شده است؛ به عنوان نمونه ابو سعید خدری می گوید: زنی است به نام لئیبه یا طیّبه که در هنگـام خروج دجّال، هرجا که دجّال می رود، پیش از او به آنجا می رود و به مردم هشـدار می دهـد و می گویـد دجال به سوی شما می آید، از او دوری کنید و از عواقب کارش بر حذر باشید.(۱۳۷)

بـانوان محترم! خواهران و برادران و خـانواده هـایی که منتظر ظهور امـام زمـان علیه السـلام هستیم، بایـد در راه آمـاده سـازی خویش، جهت درک شخصیتی که لیـاقت حضور در محضـر امـام زمان علیه السـلام و سـربازی در اردوگاه و ارتش الهی امام زمان علیه السـلام را پیدا کنیم آمادگی در خود فراهم کنیم، غفلت سزاوار نیست، هر چه زودتر باید هر کسی در جهت اصلاح خود و خانواده خود برآید تا بتواند ان شاء اللّه در اردوگاه نظامی و الهی امام زمان علیه السلام لیاقت عضویت را پیدا کند.

مـاه مبـارک رمضـان برای چنین امر مهمی مناسبت ترین اوقات است، توسل به مولی الموحـدین علیه السـلام یکی از ابزارهای کارآمـد است، آن روح بلنـد می توانـد دگرگونی الهی درما ایجاد کنـد، این ایام همه شـما عزاداری کردیـد، امروز روز عزای امیرالمـؤمنین علیـه السـلام اسـت، روز عزای بشـریت است؛ چرا که به دست اشـقی الاشـقیاء، یکی از بهـترین فرزنـدان آدم در محراب عبادت و بندگی با زبان نماز و دهان روزه،

شمشیر بر فرق مبارکش فرود آمد و او را تا عرش اعلی بالابرد و به لقاء و فوز عظیم شهادت نایل آورد. جان عالمی به قربان مظلومیتت یا علی جان. این چه سری است که امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام عمر خودش خاصه در دوران ۳۰ ساله بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و شهادت حضرت زهراعلیها السلام این مظلومیت جانکاه را احساس کند، چرا تا زمان هارون الرشید، کسی از قبر این شاخص ترین مرد خدا، اولین مؤمن به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، اولین انسان بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله، اطلاعی نداشته باشد؟ به خاطر دشمنی های دشمنان کینه توز و جاهل، یعنی خوارج نهروان.

فرمود: حسن جان، حسین جان! شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم، فرصت نیست که درباره آخرین وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت کنم امّا از جمله وصیت هایی که فرمود: مرا شبانه و مخفیانه، تشییع جنازه کنید. در دل شب امام حسن علیه السلام عهده دار غسل بابا می شود، امام حسین علیه السلام و قمر بنی هاشم علیه السلام بر روی بدن مطهر بابا آب می ریزند.

اگر بناست تسلی دهید خاطر من برای قاتل سنگین دلم غذا ببرید

دلم برای یتیمان کوفه تنگ شده کمک کنید مرا در خرابه ها ببرید

جنازه من مظلوم را چو مادرتان شبانه مخفی و آرام و بی صدا ببرید

سلام گرم مرا در خرابه در دل شب به آن یتیم که خوابیده غذا ببرید

سلام من به شما ای فرشتگان خدا

نبرد فاطمه با خود مرا شما ببرید

نشانه های شخصی امام زمان«ع» به هنگام ظهور

اشاره

در این بحث راجع به وضعیت شخصی امام زمان علیه السلام از نظر ظاهری و وضعیتی که در معرض دید مردم قرار می گیرد و آغاز

قیامش را با آن حالت ظاهری خودش آغاز می کند، مطالبی را تقدیم می کنم.

در روایات متعددی فرموده اند که امام زمان علیه السلام در حالی که دارای سن زیاد است امّا همه او را به صورت جوانی که حدود ۴۰ سال است مشاهده می کنند، با قیافه ای جذّاب و با اندامی بسیار نورانی و با چهره شاداب. گذشت زمان او را پیر نمی کند و به لطف پروردگار همیشه جوان شاداب و شجاع باقی می ماند تا آن روزی که خداوند مقدّرات او را تقدیر کرده است تحقق بخشد.

وضعیّت ظاهری

امّا از نظر وضعیت ظاهری (پوشش، غذا و اخلاق) امام زمان علیه السلام وصی همه انبیا و خاصه خاتم الانبیاءصلی الله علیه وآله است، عصاره هدایت و ولایت و نبوت و امامت است، تحقق بخش اهداف همه انبیا و اولیای خداست. شخصیت هایی در وجود همه اولیای خدا بود که یک جا در وجود امام زمان علیه السلام تبلور پیدا می کند، امام زمان علیه السلام شخصیتی است که از نظر پوشش و تغذیه و صلاح و منش و اخلاق، بیانگر فرهنگ مترقی و الهی انبیا و اولیای خداست، چهره مجسم اسلام و قرآن است.

درباره زهد و عدم گرایش به زرق و برق دنیا توسط امام زمان علیه السلام با توجه به همه امکاناتی که در اختیار دارد، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «فواللّٰه ما لباسه إلّا الغلیظ ولا طعامه إلّا الجشب وما هو إلّا السیف والموت تحت ظل السیف؛(۱۳۸) قسم به خدا، لباس او جز لباس خشن و زبر نیست و طعام و خوراکی های او از نان جو و وجود او شمشیر و مرگ در سایه شمشیراست». این که در روایات وارد

شـده است امام زمان علیه السـلام در ندای جهانی که سر می دهد یکی از القابی که برای خودش ندا می کند، می فرماید: «انا الصـمصام المنتقم؛ من شمشیر انتقامم»، و در این روایت هم امام زمان علیه السلام را به شمشیر لقب داده، او نیست مگر شمشیر یعنی شمشـیر انتقـام خـدا که از نیـام برآمـده، انتقام همه مظلومین را بایـد بگیرد، از ابتـدای خلقت آدم، از عصـر هابیل و قابیل گرفته تا زمان ظهور، آن قـدر قدرتمنـدان سـتم کردنـد، جنایت آفریدند، کشـتارها کردند، حقوق را پایمال کردند، پیامبران را قتل عام کردند، اولیای خدا را به مسلخ بردند، ائمه هدی را به شهادت رساندند، حق طلبان و صلح جویان را نابود کردند، زنان و مردان مظلوم دنیا را به صـلّابه کشیدند. آری همه مظلومان ندای مظلومیت سر می دهند و این امام زمان علیه السلام است که شمشیر خـداست و باید از نیام برآمده و روزگار سـتمکاران را سیاه کند و انتقام مظلومان را بگیرد و داد الهی را بر بیدادگران اجرا کند. امّا از نظر ظاهری؛ این وضـعیت لباسـش و آن وضـعیت خوراکش، بسـیار ساده، بسـیار زاهدانه، بیانگر وجود مقدّس پیغمبر خدا و علی مرتضی علیهما السلام است.

پیراهن مخصوص

در روایت دیگری از امـام صـادق علیه السـلام نقـل شـده، یعقوب بن شـعیب می گویـد امام صادق علیه السـلام فرمود: آیا می خواهی پیراهن امام زمان علیه السـلام را به شـما نشان بدهم؟ گفتم: بسـیار علاقه داریم یابن رسول اللّه! حضـرت دسـتور فرمود صنـدوقچه ای را آوردنـد، در صـندوقچه را باز کرد و از درونش پیراهنی که از جنس کرباس بود را بیرون آوردنـد، دیـدیم بر آستین چپش قطره خونی است، فرمود: این همان قطره خونی است که در جنگ احد با

شکستن چهار دندان پیشین رسول خداعلیه السلام از دهان مبارکش جاری شده و بر این پیراهن نشسته است. برآن پیراهن بوسه زدیم، فرمود: این پیراهن در اختیار ما می ماند تا به دست مهدی می رسد و او هنگام ظهور این پیراهن را بر تن می کند.(۱۳۹)

در حدیث دیگری از قول مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که نمرود ابراهیم را در آتش افکند، جبرائیل امین از بهشت برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشانید و خدا فرمود: «قُلْنا یانارُ کُونِی بَرْداً وَسَلاماً عَلَی إِبْرَاهِیمَ»؛(۱۴۰) آتش بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت شد، آن گاه پس از واقعه آتش نمرود حضرت ابراهیم علیه السلام این پیراهن را به فرزندش اسحاق و او به فرزندش یعقوب و او به فرزندش حضرت یوسف سپردند و آن پیراهنی است که در قرآن از او ذکری به میان آمده است، یعقوب پیغمبر بوی یوسف را از این پیراهن از مسیر دور، مصر تا کنعان به مشام جان خودش شنید و این پیراهن در اختیار ما و بعد در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و جزو پیراهن هایی می شود که امام زمان علیه السلام آن را بر تن می کند.(۱۴۱)

پرچم و انگشتری مخصوص

در روایتی از امام باقرعلیه السلام است که می فرماید: «إذا ظهر القائم علیه السلام ظهر برایه رسول اللَّه صلی الله علیه وآله وخاتم سلیمان وحجر موسی وعصاه؛(۱۴۲) وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند با پرچم پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله است و با انگشتر حضرت سلیمان بن داوود و با سنگ و عصای موسای کلیم ظهور می کند». هر یک از این ابزارهای شخصی که در اختیار انبیای گذشته

بود، وسیله اعجاز الهی هستند و باید در اختیار عصاره انبیا و جانشین همه انبیا و تحقق بخش اهداف همه آن ها؛ یعنی امام زمان علیه السلام قرار بگیرد، خاتم سلیمان برای جنّ و انس مقبولیت دارد و عصای موسی است که فرعونیان و جادوگران و شیاطین را رسوا و خوار و ذلیل می کند و سحر ساحران را باطل می نماید، پرچم پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است که پرچم شکست ناپذیر است، همچنین آن سنگی که موسای کلیم به اعجاز الهی آن را بر می دارد و چشمه ای جوشان از زیرش جاری می گردد و بنی اسرائیل پیمان شکن از این نعمت خدا استفاده می کنند. امام زمان علیه السلام با این وضعیت ظاهری، با این اخلاق کریمانه ای که در همه انبیا بود و در وجود ایشان تبلور پیدا می کند، ظهور می کند.

در روایت داریم وقتی امام زمان علیه السلام با این هیبت حرکت می کند، دستور می دهد به لشکریان که از برداشتن آذوقه برای خود و مرکب هایشان، خودداری کنند، بعضی که هنوز دلشان روشن نیست و عارف به حق ایشان نیستند می گویند: می خواهد ما را به هلاکت بیندازد، کدام لشگر است که برای خود و اسب ها و شترانش آذوقه نیاز ندارد؟ وقتی حرکت می کند به اولین منزلگاه که می رسند امام زمان علیه السلام این سنگ را بر زمین می گذارد، آن گاه که بر می دارد از جایگاه او چشمه زلالی جوشان می شود و آن منطقه سبز و خرم شده و خداوند همه نعمت ها را برای سربازان امام زمان علیه السلام فراهم می کند.

این ها همه وسایلی است که در اختیار ایشان است تا با قدرت الهی بتواند سراسر عالم را تصرف کند و عدل الهی را که آرمان انبیا بود

و هدف خلقت بشریت، در کل عالم پیاده کند.

مسخّر بودن طبیعت

از دیگر ویژگی های امام زمان علیه السلام این است که به لطف الهی همه طبیعت در اختیار ایشان و در تسخیر اوست. زمین زیر پای او به سرعت حرکت می کند، زمین و زمان جزو سربازان امام زمان علیه السلام هستند، زمان به آرامی حرکت می کند؛ آن گونه که یک سال در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام بیش از ۱۰ سال عادی و معمولی است، امّا زمین گاهی که نیاز باشد به سرعت زیر پای ایشان حرکت می کند که به طی الارض معروف است.

یکی دیگر از کراماتی که امام زمان علیه السلام دارد این است که با دیدن افراد، آن ها را می شناسد، که حقّند یا باطل، از قول امام صادق علیه السلام نقل است: «إذا خرج القائم علیه السلام لم یبق بین یدیه أحد إلّا عرفه صالح أو طالح؛(۱۴۳) وقتی امام زمان علیه السلام خروج می کند هیچ کسی نیست مگر این که امام زمان علیه السلام او را می شناسد که آیا صالح است یا طالح و نابکار».

لذا معرفتی است که امام زمان دارد و این وسیله ای است که بتواند اهداف الهی خود را محقق کند، آیه شریفه «یُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِی وَالْأَقْدَامِ»(۱۴۴) را بعضی از مفسرین درباره امام زمان علیه السلام و زمان ظهورش ذکر می کنند که مجرمین با سیمایشان شناخته می شوند و امام زمان علیه السلام هم آن ها را با موی پیشانی و انگشتان پا می گیرد، همچنان که در قیامت مجرمین با چهره شناخته می شوند و به دست فرشتگان الهی به عذاب می رسند، زمان ظهور امام زمان علیه السلام هم چنین خواهد شد.(۱۴۵)

برادران و خواهران، منتظران ظهور امام زمان علیه السلام و مشتاقان دولت حق و عدل الهی

امام زمان علیه السلام و ای کسانی که افتخار همه ما این است که شیعه امام زمان علیه السلام هستیم و همه او را ولی امر خود و ولی عصر خود می دانیم و سر تسلیم به فرمان نایب او فرود می آوریم و در نظامی زندگی می کنیم که مورد تأیید اسلام و قرآن می باشد، باید به گونه ای زندگی کنیم که ان شاء اللّه وقتی خداوند، امام زمان علیه السلام را به ما برساند در چهره ما نور حق را ببیند، هدایت و ولایت را که در دل ما است در چهره ما تبلور پیدا کند و ما را جزو سربازان خود بپذیرد، این کوشش به اختیار ما بستگی دارد، باید سعی کنیم در این ایام باقی مانده از عمر خودمان و جوانان و نوجوانان، که آغاز عمر و اوّل زندگی شان است در این کشور امام زمان علیه السلام به گونه ای زندگی کنیم که مورد تأیید این نور خدا و حجت خدا باشیم، بدانیم که همه هفته اقلاً یک بار همه اعمالمان را به محضر امام زمان علیه السلام می برند و به حضورش می رسانند، سعی کنیم حداقل هر هفته یک بار، قلب نازنینش را از خودمان خوشحال کنیم و ان شاء اللّه خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

ویژگی های لشکریان امام زمان علیه السلام

توضیح

یکی از موفق ترین ارکان موقعیت رهبری در نظام، داشتن نیروی شایسته و کارآمد است. اگر چنانچه رهبری یک نظام دارای همه ویژگی ها و شرایط لازم باشد امّا نیروهای تحت امر او واجد شرایط و لایق مسؤولیت و فرمانبردار نباشند آن مقام مسؤول و رهبر، موفق نخواهد شد. نمونه کامل این معنا وجود مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که در میان

رهبران عـالم، بعـد از نبی مکرم اسـلام صـلی الله علیه وآله شایسـته ترین رهبر جهـان است و لایق ترین امام برای رهبری جامعه بشری است، امّا می بینیم که نتوانست آن گونه که رسالت داشت و هدف مقدسش بود به اهدافش برسد و در رسالت و امامت و رهبری خود توفیق لازم را کسب نکرد.

میزان تأثیر یاران در موفقیّت رهبران

مهم ترین دلیل برای عدم احراز موفقیت حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام همکاری نکردن و شایسته نبودن مردان و همکاران آن حضـرت بود. در مـدّت کوتاهی که امیرالمؤمنین علیه السـلام حکومت را به عهـده گرفت، بعضـی از کارگزاران حضـرت، خارج از چارچوب وظایف مسـئولیتی خود عمل کردنـد واز دوران حکومت خود سوء اسـتفاده کردند. نهج البلاغه را که نگاه می کنیم می بینیم، نـامه هـا و خطبه هـای فراوانی است در جهت گلاـیه حضـرت امیرالمـؤمنین از این کـارگزاران و همکـاری نکردن امّت در عصـر به حکومت رسـیدن امیرالمؤمنین که موجب شد تا حضرت علی علیه السلام نتواند به اهداف خود برسد. سه جنگ شـناخته شـده داخلی در عصـر امیرالمؤمنین علیه السـلام؛ جنگ جمل، جنگ صـفین و نهروان، عاملی بود برای عدم موفقیت امیرالمؤمنین علیه السـلام و نشانه بارزی از عدم همکاری برخی همکاران امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ بنابراین شرط موفقیت یـک رهبر، داشـتن همکـاران متعهـد و شایسـته و تبعیت مردم، از اوست. تبعیت مردم بیشتر وابسـته به تبعیت و ولاـیت پـذیری کـارگزاران آن رهبر است. درباره وجود مقـدّس امام زمان علیه السـلام هم همین است، امام زمان علیه السـلام وقتی به رهبری ظاهری رسـید، از این نعمت الهی برخوردار است که شایسـته ترین افراد به عنوان کارگزاران او خواهند شد. سربازان و لشکریان امام زمان علیه السلام به عنوان پیروان خالص آن حضرت خواهند بود. بر همین اساس درباره ویژگی ها و

خصوصیات کارگزاران و لشکریان امام زمان علیه السلام در آیات قرآن و روایات، نشانه های زیادی آمده است که به بعضی از خصوصیات یاران امام زمان علیه السلام اشاره می کنیم:

قدرت روحی و جسمی

ثبات عقیده و قدرت روحی؛ در حدیثی از امام باقرعلیه السلام است که می فرماید: «فإذا وقع أمرنا وجاء مهدینا کان الرجل من شیعتنا أجری من لیث وأمضی من سنان یطأ عدونا برجلیه ویضربه بکفیه وذلک عند نزول رحمه اللّه وفرجه علی العباد؛(۱۴۶) هنگامی که امر الهی ما پدید آمد و مهدی ما خروج کرد، مردان شیعه و پیرو ما در آن عصر از شیر بی باک ترند، از شمشیر برنده ترند، دشمنان را لگدکوب می کنند و با دستانشان آنان را مضروب و مقتول می سازند و این زمانی است که رحمت خدا نازل می شود و گشایش الهی بر بندگان خدا حاصل می گردد»؛ یعنی ویژگی های یاران و سربازان امام زمان علیه السلام ویژگی شیران بیشه شجاعت است و در میدان رزم و نبرد، از توانایی جسمی بسیار قوی برخوردارند و خستگی ناپذیر و نستوه و شکست ناپذیرند.

از نظر ثبات عقیده و قدرت ایمان و توان معنوی در روایت دیگری فضیل بن یسار نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «ورجال کان قلوبهم زبر الحدید لا یشوبها شک فی ذات اللّه أشد من الحجر لو حملوا علی الجبال لأزالوها لا یقصدون برایاتهم بلده إلّا خربوها کان علی خیولهم العقبان؛(۱۴۷) یاران امام زمان علیه السلام مردانی هستند همانند پاره های آهن، آهنین اراده، استوار عقیده، در دل های آنان شکی نسبت به اعتقاد ذات توحیدی نیست. در امر اعتقادات توحیدی بی شک و شبهه اند. تردیدی در وجود آن ها راجع به اعتقادات الهی نیست، از سنگ سخت ترند و اگر به کوه ها حمله

کننـد کوه ها را از جا خواهند کند. به چیزی هجوم نمی آورند مگر این که آن را ویران کنند. درست مثل باز شـکاری چابک سواری هسـتند که بر اسـبان خود نشسته اند، هم از نظر روحی، هم از نظر جسمی و هم از نظر ایمانی لایق ترین و شایسته ترین و قوی ترین مردان تاریخ اند.

عبادت و پرهیزگاری

از نظر عبـادت و پرهیز گـاری و شب زنـده داری بی نظیرنـد، می فرمایـد: «رجال لا ینامون اللیل لهم دوی فی صـلاتهم کـدوی النحل یبیتون قیاماً علی أطرافهم ویصبحون علی خیولهم؛(۱۴۸) شب ها نمی خوابند، زمزمه ای که در نماز شبشان دارند همانند زمزمه زنبور عسل است، شب زنـده داران بیـداردلی هسـتند که در دل شب با خـدای خود نجوا و زمزمه می کننـد. شب را برپا ایسـتاده اند و به صـبح می آورند و در حال قیام به عبودیت خدا مشـغولند، صـبح که شد بر اسبان چابک خود سوار شده و در میدان نبرد حاضر می شوند.

در بخشـی از این حـدیث می فرمایـد: «رهبان باللیل و لیوث بالنهار؛ زاهـدان شب و شب زنده دارند و روز که شد همانند شـیر شجاع، غرش کنان در میدان نبرد و در راه خدا با دشمنان خدا، در مبارزه و جنگند.

ولایت پذیری

ولایت پذیری و تبعیت خالصانه از امام، خصوصـیت مهم دیگر یاران امام زمان است. این از نکات بسـیار حساسی است که هر رهـبری دارای چنین نیرویی باشـد، خداونـد توفیـق و موفقیت نصـیبش می کنـد و این ویژ گی امـام زمـان علیه السـلام است که خداوند او را به چنین نعمتی برخوردار کرده، می فرماید: «اطواع له من الامه لسـیدها؛(۱۴۹) پیروان امام زمان علیه السلام مطیع ترند به ایشان از اطاعت یک کنیز نسـبت به سید و مولای خودش؛ یعنی غلامان آماده به فرمانی هستند که مثل کنیزان حلقه به گوش در اختیار سیّد و مولای خودشان هسـتند، نه از ترس و نه به عنوان تبعیت خشک و ظاهری، بلکه این تبعیت، تبعیت قلبی و خالصـانه است، یـک وقـتی یـک کنیزی از مولـای خـود از ترس عقوبت اطـاعت می کنـد واگر او را به حـال خود بگـذارند اطاعت نمی کند،

نافرمانی می کند، امّا فرمانبرداری یاران امام زمان علیه السلام از طوع و رغبت و ارادت است و در ادامه می فرماید: «یتمسحون بسرج الإمام یطلبون بذلک البرکه ویحفون به یقونه بأنفسهم فی الحروب ویکفونه ما یرید فیهم رجال لا ینامون»؛(۱۵۰) می آیند زین اسب امام علیه السلام را مسح می کنند و خود را به آن می مالند و به این وسیله می خواهند تبرک پیدا کنند، پس تبعیت و تطوع و اطاعت، نه از ترس و جبر است بلکه از سر خلوص است. این ارادت قلبی پیروان امام زمان علیه السلام نسبت به ایشان است که حتی زین اسبش را دست می کشند و تبرک می جویند، جانشان را فدای امام زمان علیه السلام می کنند، در جنگ ها جانشان را سپر بلای حضرت می کنند، در میدان جنگ و نبرد هر چه امام زمان علیه السلام از آن ها بخواهد آن را انجام می دهند، فرمانبری خالصانه و عاشقانه و مشتاقانه از حضرت دارند.

امّا آن هایی که حضرت علی علیه السلام در کنار خود داشت چگونه بودند؟ حتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله چنین یارانی در اختیار خود نداشت، ولی امام زمان علیه السلام از این نعمت الهی برخوردار است و خداوند همه نعمت های الهی را به ایشان داده است تا ایشان همه نعمت های الهی را در دسترس جامعه بشری قرار دهد.

شهادت طلبی

آن ها عاشقان شهادتند، می فرماید: «وهم من خشیه اللّه مشفقون یدعون بالشهاده ویتمنون أن یقتلوا فی سبیل اللّه شعارهم یا لثارات الحسین إذا ساروا یسیر الرعب أمامهم مسیره شهر یمشون»؛(۱۵۱) شیفتگان خشیت خدایند و خواستار شهادت در راه خدا، دعا می کنند در راه خدا شهادت نصیبشان شود و آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند و در خون خود بغلطند. شعارشان

این کلمه است؛ یا لثارات الحسین علیه السلام ای خونخواهان حسین علیه السلام». یعنی اباعبداللّٰه الحسین علیه السلام که مظلوم ترین مظلومان تاریخ بوده و به دست جباران، او وهمه عزیزانش در عاشورا به مسلخ عشق رفتند و مظلومانه به شهادت رسیدند و همچنان در تاریخ مظلومند، باید یک روز خونخواهان او بیایند و خونخواهی کنند و این امام زمان علیه السلام است که در پیشاپیش خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار می گیرد و پیروانش با این شعار لبیک می گویند و دفاع از مظلومیت امام حسین علیه السلام می کنند و ان شاء اللّٰه از همه مظلومان تاریخ رفع ستم می شود. این نکته بسیار مهمی است.

بستن میثاق

در روایت وارد شده امام زمان علیه السلام در کنار کوه صفا از یارانش بیعت می گیرد. چند یاری که آن ها را در کنار رکن و مقام می بینند، می خواهد آزمایش کند از آن ها جدا می شود به مدینه می رود. پشت سر حرکت می کنند به مدینه می روند تا خدمت امام علیه السلام برسند. مجدداً امام علیه السلام مدینه را ترک می کنند و به مکّه می آیند، دوباره پشت سر امام حرکت می کنند و در مکّه خدمت امام می رسند، وقتی این امتحانات را پس می دهند، آن گاه در کنار کوه صفا امام زمان علیه السلام از آنان بیعت می گیرد و می گوید: من این پیمان را از شما می خواهم. چندین ماده در این پیمان است که به اختصار عرض می کنم.

مواد پیمان نامه یاران و لشکریان امام علیه السلام

امام به آنان می فرماید: پیمان ببندید که ۱) در میدان نبرد حق نگریزید ۲) دزدی نکنید ۳) عمل نامشروع و خلاف شرع و کارهای حرام و زشت و منکر مرتکب نشوید ۴) کسی را جز به حق نزنید ۵) از دنیا، به اندوختن زر وسیم نپردازید ۶) جو و گندم که خوراک عمومی است را احتکار نکنید ۷) مسجدی را ویران نسازید ۸) شهادت ناحق ندهید ۹) مؤمنین را هرگز کوچک نکنید ۱۰) ربا نخورید ۱۱) در سختی ها و مشکلات پایمرد و صبور باشید ۱۲) کسی که خدای یکتا را پرستش می کند لعنت نکنید ۱۳) شراب نخورید ۱۴) لباس زربافت نپوشید ۱۵) لباس ابریشم و لباس خز نپوشید ۱۶) شخص فراری را تعقیب نکنید ۱۷) خون حرامی را نریزید ۱۸) به منافق و کافر انفاق نکنید ۱۹) خاک را بالش خود قرار دهید؛ یعنی متواضع و فروتن باشید ۲۰) از کارهای ناشایست بپرهیزید، ۲۱) امر به

معروف و نهی از منکر را ترک نکنید. تا زمانی که این گونه عمل کنید من برعهد خودم نسبت به شما پایدارم و از شما حمایت می کنم.(۱۵۲)

مجموعاً پیمانی از یاران خویش می گیرد، آن یاران آهنین اراده، شکست ناپذیر، که در باب امامت و ولایت و توحید و نبوّت مخلص اند.

طبیعی است که اگر چنین گروهی تشکیل بشود، با تشخیص الهی امام زمان علیه السلام که در گذشته ذکر شد باطن افراد را به روشنی می بیند و حقّ و باطل را به خوبی می شناسد، طرفداران حق و باطل را به خوبی تشخیص می دهد، چنین یارانی در کنار امام زمان علیه السلام قرار می گیرند، اگر کوه در برابر آن ها قرار بگیرد آن را از جا بر می کنند، آن ها هستند که بازوان امام زمان علیه السلام هستند و لطف الهی به وسیله آنان محقق می شود.

ان شاء اللّه خداوند ما را در عصر انتظار، برای خودسازی و آماده سازی خود و جامعه مان یاری کند که در حد صلاحیّتی باشیم که اگر امام زمان علیه السلام تشریف آوردند، ما را به عنوان سرباز خود بپذیرند و موفق بدارد.

چگونگی غلبه امام زمان«ع» بر دشمنان

توضیح

از جمله عقایدی که ما درباره وجود مقدّس امام زمان علیه السلام داریم این است که آن حضرت تمام عالم را زیر سلطه حکومت عدل الهی خود در می آورد و کل عالم، بر اساس نظام الهی و حاکمیت الهی و ولایت آن حضرت اداره خواهد شد. تنها دینی که در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا حاکم خواهد بود، دین مبین اسلام است و رهبری این دین در آن عصر را امام زمان علیه السلام به عهده دارد. آیات و روایات فراوانی در این زمینه است که به بعضی از آن ها

اشاره می کنم.

قبلاً- این نکته قابل ذکر است که حکومت واحد جهانی از جمله آرمان های صاحب نظران در گذشته و حال است؛ یعنی بر اساس اعتقادات و باورهای دینی و فلسفی بعضی از اندیشمندان و مکاتب، تنها حکومتی که می تواند خواسته بشر را تأمین کند حکومت واحد جهانی بر اساس عدل است، که به وسیله امام زمان علیه السلام و اراده الهی تحقق می پذیرد، حکومتی که مورد انتظار همه جهانیان است. ما نیز آیات و روایاتی که مؤید این عقیده است به اختصار تقدیم حضور شما می نمایم.

ذکر نمونه ایی از آیات قرآن کریم

خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصّالِحُونَ»؛(۱۵۳) «در "زبور" بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

مفسرین در باب این آیه شریفه می گویند: منظور حکومت امام زمان علیه السلام است حکومت صالحان است، و کل زمین در اختیار صالحان قرار خواهد گرفت و از این کلمه ارض (زمین) می توان این نتیجه را گرفت که کل زمین قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام خواهد شد.

آیه دیگری می فرماید: «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛(۱۵۴) «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!». این آیه هم وفق نظر مفسرین به حکومت امام زمان علیه السلام تفسیر شده و حاکمیت کل زمین را در قلمرو حاکمیت امام زمان علیه السلام می دانند.

آیه سوم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»؛(۱۵۵)

خداوند به مؤمنین از شما و آن هایی که عمل صالح می کنند وعده داده است که آن ها را در زمین حکومت

و خلافت می بخشد و به دین آن ها قدرت و حاکمیت می دهد.

این آیه هم به نظر مفسرین ما به معنای حکومت کردن امام زمان علیه السلام در کل زمین است. در هر سه آیه، کلمه زمین ذکر شده و مفسرین از آن برداشت می کنند که منظور، کل زمین قلمرو حکومت عدل امام زمان علیه السلام است، البته در بعضی از روایاتی که در برخی از کتب ما هست، امام زمان حکومت بر آسمان ها یا بخشی از آسمان ها را نیز در اختیار دارد. وقتی در این آیه می گوید زمین، منظور این است که قلمرو جهان عصر ظهور امام زمان علیه السلام در اختیار امام زمان علیه السلام است.

نمونه ای از روایات

روایاتی که در این باب وارد شده، باز هم به وفور در کتاب های ما پیدا می شود که من به دو روایت یکی از قول رسول خداصلی الله علیه وآله و روایت دیگری از قول امیرالمؤمنین علیه السلام خدمت شما بسنده می کنم. امّا از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه وآله؛ ابوحمزه ثمالی که از یاران امام سجاد و امام باقرعلیهما السلام است، می گوید: امام سجادعلیه السلام می فرماید که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «الأئمه من بعدی اثنا عشر أولهم أنت یا علی وآخرهم القائم الذی یفتح اللّه تعالی ذکره علی یدیه مَشارِقَ الأَرْضِ وَمَغارِبَهَا؛(۱۵۶) امامان و رهبران بعد از من دوازده (۱۲) نفرند، ای علی! اولین امام بعد از من تو هستی، آخرین امام هم، امام قائم است که خداوند به دست او مشارق و مغارب عالم یعنی همه عالم را فتح می کند و به تحت حاکمیت او در می آورد».

می بینید که این روایت از قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که

مشرق و مغرب عالم یعنی همه عالم در قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها وتلا عقیب ذلک وَنُرِیدُ أَنْ نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»؛(۱۵۷) همانا دنیا به ما، با مهربانی روی خواهد کرد، پس از آن که از ما روی گردانیده است؛ همانند شتر بد خلق و خوی و گاز گیرنده ای که بچه اش را گاز می گیرد و طرد می کند، امّا بعد با مهربانی به سمت او بر می گردد، شاید منظور این باشد که از اوّل زندگی ائمه معصومین علیهم السلام تا دوران غیبت کبرای امام زمان علیه السلام دنیا، یعنی عوامل مختلفی که دنیا را تشکیل می دهد، نسبت به ائمه هدی علیهم السلام بدرفتاری و نامهربانی کرده امّا در پایان این جریان دشمنی حاکمان دنیا، دنیا به سمت امام معصوم، امام زمان علیه السلام خواهد افتاد. بعد در پایان این بیان، امیرالمؤمنین علیه السلام آیه شریفه: «وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ» را که قبلاً معنی کردم قرائت فرمود.

مجموعه این آیات و روایات نتیجه این است که قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام تمام دنیای عصر ظهور است، نه بخشی از اسلام و دنیا، بلکه در همه اقطار عالم، شرق و غرب عالم حاکمیت پیدا می کند.

سؤال مهم

اشاره

در اینجا این سؤال ممکن است در ذهن مطرح شود که با توجه به اقتدار تسلیحاتی دشمنان امام زمان علیه السلام و دشمنان دین و عدالت، چگونه ممکن است امام زمان علیه السلام بر همه قدرت های قوی و مدرن تسلیحاتی عصر خود غلبه یابد و بتواند دنیا را در اختیار خود بگیرد؟ به چه قدرتی؟ آیا

به کمک قدرت مادی و تسلیحاتی بر همه قدرت ها چیره می شود؟ یا با امدادهای غیبی به چنین حکومت جهانی دست می یابد؟

در توضیح این دو سؤال، نکاتی را خدمتتان می گویم، البته شرح آن را باید در کتاب ها بیشتر نگاه کنید.

در خبرها آمده است که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام شمشیر است. این واژه شاید به این معنی باشد که امام زمان علیه السلام قیامش، قیام مسلحانه است و شمشیر هم سمبل جهاد است و ممکن است که خود امام زمان علیه السلام علاوه بر این که از تسلیحات دیگر برخوردار است، شمشیر هم به عنوان نماد قدرت در حمایلش باشد. و همان طور که در گذشته گفتم شمشیر امیرالمؤمنین علیه السلام چه بسا، بر اساس روایت در اختیار او باشد، به عنوان سمبل جهاد مسلحانه و قدرت الهی، امّا قابل توضیح است، در عصری که امام زمان علیه السلام ظهور می کند، چند احتمال است:

احتمال اوّل

چه بسا قدرت های تسلیحاتی دنیا به جان هم بیفتند – مثل جنگ های جهانی – همدیگر را نابود کنند و تسلیحات خود را هم نابود کنند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور کنند و هیچ تسلیحاتی وجود نداشته باشد و خود آن ها همدیگر را نابود کرده باشند و امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام کنند و با همان شمشیر ذوالفقار، جهاد را آغاز کنند.

احتمال دوّم

ممکن است قدرت های تسلیحاتی دنیا بر حسب وحشتی که از همدیگر دارند، قراردادهای عدم استفاده از تسلیحات را امضا کرده باشند. همان طوری که قبل از فروپاشی شوروی در پیمان های استراتژیک که شرق و غرب داشتند مثل پیمان های نظامی سالت ۲، شوروی آن زمان و آمریکا با هم قرار گذاشتند که از استفاده سلاح های دوربرد و موشک های قارّه پیما استفاده نکنند و یا حتی به خنثی سازی موشک های قارّه پیما پرداختند. بعضی خودشان به این نتیجه رسیدند که استفاده از این سلاح های مخرِّب جهانی و یا تسلیحات اتمی، خود به خود زمینه فروپاشی همه آن ها را فراهم خواهد کرد. با هم کنار آمده که استفاده نکنند، چه بسا در عصر امام زمان علیه السلام هم چنین قراردادی میان قدرت ها ایجاد شود و امام زمان علیه السلام در یک فرصت بسیار کوتاهی، در آن عصر بتواند همه دنیا را بگیرد.

احتمال سوم

به دلیل ظلم و ستم قدرت های دنیا، نیروهایی که استفاده از این سلاح ها در اختیار آن هاست وقتی ببینند که امام زمان علیه السلام ظهور کرد و پیام عادلانه جهانی دارد قلباً به امام زمان علیه السلام رغبت پیدا بکنند و دست به استفاده از اسلحه نبرند، مثلاً در رژیم گذشته نیروهای مسلح، نظامیان و ارتشیان، غرق در سلاح بودند، مردم بی سلاح در برابر آن ها حاضر می شدند امّا آن ها از سلاح استفاده نمی کردند. انواع سلاح در اختیار شاه و سربازانش بود امّا امام قدس سره و نیروهای انقلابی بدون سلاح، مبارزه کردند و پیروز شدند. سلاح ها، اصلاً به کار نرفت مگر در حد محدود، توسط نابکاران، چنین چیزی ممکن است در عصر امام زمان علیه السلام هم اتفاق بیفتد.

احتمال چهارم

نکته دیگری که قابل بررسی است، از کجا معلوم امام زمان علیه السلام از سلاح های مدرن تری برخوردار نباشد، از قدرت علمی فوق مدرن برخوردار نباشد که بتواند به وسیله تسلیحات برتر خودش، تسلیحات پیشرفته دشمنان را خنثی کند، مثل بعضی از دستگاه های قوی و مدرنی که رادارهای موشک ها و هواپیماها را کور می کند و خود به خود از کار می اندازد، ردیاب های مختلفی که موشک ها را شناسایی می کنند و قبل از به کار افتادن آن ها، نابودشان می کند و موشک های ضد موشک و دستگاه های علمی دیگر.

نیروهای رزمنده ما در زمان دفاع مقدّس، در سطح آب های خلیج فارس توانستند دستگاه هایی درست کنند با همین قایق های تندرو، مسیر کاربرد موشک های پیشرفته فرانسوی (اگزوسه) را که در اختیار صدام قرار داده بودند را کور می کردند، در نتیجه آن ها نمی توانستند به هدف برسند. خوب از کجا معلوم که امام زمان علیه السلام از این قدرت فوق قدرت های آن روز

خود استفاده نکند.

ما معتقدیم علم او متصل به علم الهی است، یعنی با همین سلاح های علمی و ابزارهای علمی در عصر خودش همه سلاح های پیشرفته را خنثی می کند.

از کجا که امام زمان علیه السلام از قدرت علمی و سلاح های قوی و مدرن برخوردار نباشد؟ این ها می تواند یک مورد احتمال و بررسی باشد. در هر حال اگر ما پیروزی امام زمان علیه السلام را منوط به برخورداری از سلاح های مادی هم بدانیم دور از ذهن نیست. در همین باب روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: یاران امام زمان علیه السلام شمشیرهایی از نوع آهن دارند، امّا نه از نوع این آهن، از نوع غیر این آهن، جنس آن، این آهن عادی و معمولی نیست. بعد می فرماید: اگر یکی از آن ها با شمشیر خود بر کوه ضربه بزند کوه را دونیم می کند.(۱۵۸) این چه قدرتی است که آن شمشیر دارد؟ از چه قدرتی و از چه اشعه هایی برخوردار است، نمی دانیم.

حدیث دیگری از قول امام صادق علیه السلام می فرماید: یاران مهدی اگر با سپاهیانی که شرق و غرب را گرفته باشد درگیر شوند آن ها را در یک لحظه نابود خواهند کرد.(۱۵۹) خوب، چگونه؟ ممکن است با همین سلاح های فوق مدرن باشد.

نکته بعدی که مورد نظر است، علاوه بر برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی یا بدون برخورداری از قدرت تسلیحاتی مادی از امدادهای غیبی برخوردار باشد، همچنان که در جنگ بدر، این گونه بود. «کَم مِن فِئَةٍ قَلِیلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً کَثِیرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»؛(۱۶۰) «چه بسا، گروه اندکی به یاری خدا بر گروه کثیری غالب خواهند شد وقتی خدا بخواهد».

در روایات در این باب مطالب زیادی وارد شده، از جمله این روایت

است که امـام بـاقرعلیه السـلام می فرمایـد: جبرائیـل امین در سـمت راسـتش و میکائیل در سـمت چپش و فرشـتگان زیادی در خدمتش هسـتند و ترس به عنوان سـرباز خدا در اختیار امام زمان علیه السـلام قرار می گیرد و هراس در دل دشـمنان امام زمان علیه السـلام با فاصـله یک ماه مسیر ایجاد می شود و خدا به وسیله ۵۰ هزار فرشـته نامدار و نشان دار، امام زمان علیه السـلام را کمک می کند و بر کل دنیا چیره می گرداند.

در جریان دفاع مقدّس؛ دشـمن ما از مدرن ترین سلاح ها برخوردار بود، رزمنده های ما بدون این که سلاح داشته باشند پیروز شدند. از قول سـردار رشـید بابایی(۱۶۱) نقـل شـده که گـاهی به صورت تن به تن به جـای نارنجـک، مشتی گِل را به سـمت دشـمن پرتاب می کردنـد و دشـمن خیال می کردنـد نارنجک است و وحشت عجیب داشـتند. از آن طرف قدرت و شـجاعتی خداوند در دل رزمندگان ایجاد کرده بود که از دشمن نهراسند و دشمن از آن ها بترسد.

از جمله توانی که خدا به وسیله امداد غیبی در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می دهد قدرت شجاعت نیروهای او و ترس و وحشت در دل دشمنانش است که این شکننده است، ترس شکست آور است، همان تعبیری که خداوند برای جنگ بدر دارد. که خداونـد با فرشـتگان نشان دار سـربازان اسـلام را کمک کرد. همین قول را در روایات درباره امام زمان علیه السـلام داریم قـدرت الهی و معنـوی پیـدا می کنـد، امـدادهای غیـبی به کمکش می آینـد و لـذا به هر تعـبیری که بگـوییم، خداونـد قـدرت حاکمیت کل عالم را به ایشان می دهد و او عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد.

آغاز جهاد و تشکیل حکومت...

آغاز جهاد و تشکیل حکومت...

در ادامه بحث پیرامون وجود

نـازنین امـام زمان علیه السـلام مختصـری پیرامون مسائل مربوط به آغاز جهاد برای اسـتقرار حکومت عـدل الهی و نیز پایگاه و جایگـاه اسـتقرار و مـدّت حکومت ایشـان بر اسـاس روایـاتی که از معصومین علیهم السـلام در اختیار ما قرار گرفته، مطالبی را تقدیم حضور شما می نمایم.

زمان ظهور

آنچه از روایات بر می آید این است که زمان ظهور وجود مقدّس امام زمان علیه السلام بنا به بعضی از روایات، غروب تاسوعا و شب عاشورا است و شب جمعه، در کنار خانه کعبه ظاهر می شود.

ابوبصـیر از امـام صـادق علیه السـلام نقـل می کنـد: «ینـادی بـاسم القائم فی یوم ستِ وعشـرین من شـهر رمضان ویقوم فی یوم عاشورا وهو یوم الذی قتل فیه الحسـین علیه السلام لکانی به فی یوم العاشر من المحرم قائماً بین الرکن والمقام جبرئیل بین یدیه ینادی بالبیعه له فتصـیر شـیعته من اطراف الأرض تطوی لهم طیاً یبایعوه فیملاء به اللّه الأرض عدلاً کما ملئت جوراً وظلماً؛(۱۶۲) روز بیست و شـشم مـاه رمضان نـدایی به نام امام قائم ما بلنـد می شود، در روز عاشورا؛ یعنی همان روزی که حسـین در آن به شهادت رسـید، گو این که می بینم در روز دهم محرم، امام زمان بین رکن و مقام ایسـتاده و جبرئیل در مقابل اوست و صـدای بلنـد برای بیعت با او را سـر می دهد، سـپس شـیعیان او از اطراف عالم به سوی او حرکت کرده و با او بیعت می کنند، آن گاه خداوند زمین را پر از عدل و داد می کند».

به هنگامی که مخالفین از حضور آن حضـرت با خبر می شونـد، سوء قصـد و تعرض به وجود مقـدّس می نمایند امّا با حفاظت الهی و حمایت یاران مخصوصش محافظت می شود. صبح روز جمعه از

کنـار بیت اللّه الحرام پیـام خود را به زبـان های مختلف به دنیا ابلاغ می کنـد و همه دنیا را به حکومت الهی خود می خوانـد و دعوت به پـذیرش حق می نمایـد «إذا ظهر القائم علیه السـلام بین الرکن والمقام وینادی بنداء خمسه، الاول؛ ألا یا اهل العالم انا الإمام القائم، الثانی؛ ألا یا اهل العالم أنّا الصـمصام المنتقم، الثالث؛ ألا یا اهل العالم انّ جدّی الحسین قتلوه عطشاناً، الرابع؛ ألا یا اهل العالم انّ جدّی الحسـین طرحوه عریاناً، الخامس؛ ألا یا اهل العالم ان جدّی الحسـین سحقوه عدواناً؛(۱۶۳) هنگامی که قائم ما قیام کنـد میان رکن و مقام ابراهیم در مسـجدالحرام پنج نکته را با صدای بلند فریاد می زند، اوّل: ای جهانیان من همان امام قائم هسـتم، دوم: ای اهل عالم من همان شمشـیر انتقام هستم، سوم: ای جهانیان همانا جد من حسین علیه السلام را تشنه کام به شهادت رساندنـد، چهارم: ای جهانیان بدن جد من حسـین را بعد از کشـتن در بیابان رها کردند، پنجم: ای جهانیان همانا جدم حسین را کینه توزانه از بین بردند».

همین زمـان است که سپاهیان سـفیانی که علیه حق و حقیقت قیـام می کننـد بخشـی از آنـان برای حمله به مکّه به سـمت مکّه حرکت می نماینـد امّا چون به سـرزمین بیـداء که نزدیک مکّه است می رسـند به قدرت الهی در زمین فرو می روند. وقتی این پیشگویی پیغمبر خداصلی الله علیه وآله تحقق پیدا کرد، امام زمان علیه السلام با تعداد دوازده هزار نفر از نیروهای خود از مکّه خـارج می شود و به سـمت مـدینه حرکت می کنـد و از بعضـی از روایـات بر می آیـد که امام زمان علیه السـلام وقتی از مکّه خارج می شود فردی را

به عنوان جانشین و وکیل خود در مکّه منصوب می کند، امّا اهل نفاق و شقاق علیه او قیام و او را به قتل می رسانند. امام زمان علیه السلام مجدداً به مکّه بر می گردد و شخص دیگری را به جای خود تعیین و سپس به سمت مدینه حرکت می کنند.

حاکمان مدینه و اطراف آن وقتی خبر ظهور امام را می شنوند، برای این که تسلیم او نشوند به جمع آوری عِدّه و عُدّه می پردازند و از سپاهیان سفیانی و باقیمانده آن ها که درعراق هستند کمک می گیرند امّا امام زمان علیه السلام با قدرت الهی، مدینه را آرام می کند و در زیر پوشش حکومت عدل الهی در می آورد. هنگامی که حرمین شریفین یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وآله و دو شهر ام القرای مکّه و مدینه النبی و اطراف آن ها امن و امان شد، به سمت جنوب ایران حرکت می کند و در ایران و بین مرز ایران و عراق فعلی یعنی همان حول و حوش کوفه و شهرهای اطراف و شهرهای ایران قیام حق طلبانه خود را به سمت عراق و کوفه نزدیک می کند. قیام حق طلبانه دیگری که قبلاً درباره علائم ظهور به شرح آن پرداختم و آن هم قیام «یمانی» است که شخص حق طلب و شیعی از صنعای یمن حرکت می کند و پرچم عدالت را برمی افرازد و او هم خود را به سمت عراق نزدیک می کند. پس به سپاه حق طلب خراسانی به رهبری شعیب بن صالح و سپاه یمانی، و سادات حسنی که از شمال ایران و مناطق دیلم است، قیامشان آغاز می شود و در اطراف کوفه، به امام زمان علیه السلام می پیوندند و اعلام وفاداری می کنند و

سپاهیان آن ها تحت فرمان امام زمان علیه السلام در می آیند.

مکان حکومت

امّا راجع به سؤال دوم که جایگـاه حکومت امـام زمـان علیه السـلام کجاست؟ پاسـخ می دهیم که بر اساس روایات، وقتی این سپاهیان حق طلب به امام زمان پیوستند آن حضـرت در شـهر کوفه حکومت خودشان را اعلام می کنـد. روایاتی در این رابطه هست که به اختصار به آن ها اشاره می کنم:

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که فرمود: «ثم یقبل إلی الکوفه فیکون منزله بها»؛(۱۶۴)

پس از جهـادی که انجام می دهـد از مـدینه به سـمت کوفه می رود و کوفه را جایگاه خود قرار می دهـد. روایت دیگر از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «فقال: أما إنه منزل صاحبنا إذا قـدم»؛(۱۶۵) کوفه جایگـاه صاحب ماست یعنی صاحب العصـر و الزمـان علیه السـلام هنگـامی که بـا یـاران و خانواده خود به سـمت کوفه روی بیاورد، در آن شـهر اقامت می کنـد، و مسـجد سـهله که جایگاه اسـتقرار امام زمان علیه السـلام است، محل حکومتشان می شود. مؤمنین از اطراف و اکناف به محضر ایشان می رسند و مجمع بزرگی از مؤمنین خواهد شد.

امام باقرعلیه السـلام می فرمایـد: «إذا قام القائم ودخل الکوفه لم یبق مؤمن إلّا وهو بها؛(۱۶۶) هنگامی که امام زمان علیه السلام قیام کنـد و وارد کوفه شود هیـچ مؤمنی باقی نمی مانـد مگر آن که خـدمت امام زمان علیه السـلام بیایـد»؛ یعنی کوفه مرجع و ملجأ و محل زندگی مؤمنین و محل زندگی امام زمان علیه السلام است.

حدیث دیگری است راجع به وسـعت شـهر کوفه و مسـجدی که پایگاه امام زمان علیه السـلام می شود، امام صادق علیه السلام می فرمایـد: «ویبنی فی ظهر الکوفه مسـجداً له ألف بـاب ویتصـل بیوت الکوفه بنهر کربلاء بالحیره؛(۱۶۷) در کوفه مسـجدی بنا می شود که هزار درب دارد

و خانه های شـهر کوفه به نهر کربلا و شـهر حیره متصل می گردد». یعنی این منطقه به صورت یک آبادی وسـیع درمی آیـد و در آن مسـجدی است که امام زمان علیه السـلام در آنجا اقامه نماز می کنـد در آنجا امور حکومت را رتق وفتق می نمایـد که همان جایگاه مسـجد سـهله است؛ بنابراین از روایات فوق بر می آید که محل حکومت و جایگاه استقرار امام زمان علیه السلام شهر کوفه است که توسـعه پیدا می کند. اکنون هم شـهر کوفه با شـهر نجف متصل است، یعنی نجف و کوفه و کربلا تقریباً به هم وصـل خواهنـد شـد. فعلاً بین کربلا و کوفه حـدود ۷۰ یا۹۰ کیلومـتر است و وقـتی در آنجـا حکومت خود را مسـتقر کرد، بقایـای سـپاهیان عثمـان بن عنبسه معروف به سـفیانی به سـمت دمشق می رونـد و بـا نیروهای غربی و رومی و یهودیانی که در آنجا مسـتقرند متحد می شوند و امام زمان علیه السـلام برای سرکوبی آن ها به سمت دمشق حرکت می کند و در «مرج عذرا» که محل شـهادت و مـدفن یکی از بهترین یاران امیرالمؤمنین علیه السـلام یعنی حجر بن عـدی است به سـفیانی دست پیـدا می کند. در آغاز قرار بر مذاکره می گذارند امّا بعضـی از همراهان سـفیانی که براساس روایات، یهودیان و رومیان؛ یعنی غربی ها هسـتند او را از مذاکره با امام زمان علیه السـلام باز می دارند و در نتیجه نبرد شدیدی شـروع می شود و به سـرزمین وسـیعی از انطاکیه یعنی ترکیه فعلی تا دمشق و عکا در فلسـطین اشغالی کنونی کشیده می شود. رومیان و غربیان به حمایت از سفیانی می آیند، در همین حالت وجود مقدّس عیسی مسیح – علی نبینا و آله و علیه الصلاه و

السلام – از آسمان فرود می آید، مسلمانان و مسیحیان با دیدن مسیح علیه السلام خوشحال می شوند و مسیحیان متوجه می شوند که حضرت مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام بیعت می کند و در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می گیرد و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند. و چون مشاهده می کنند که عیسی علیه السلام جزو یاران و پیروان امام زمان علیه السلام قرار می گیرد، موجب می شود مسیحیان و نیروهای غربی هم علاقه مند شوند و در نتیجه جنگی که صورت گرفته، به صلح و آشتی مبدل شده و به پذیرش نیروهای غربی می انجامد. امّا نیروهایی که سرسختی می کنند و می خواهند مبارزه را ادامه دهند نابود می شوند. بگذریم که طول و تفصیل قضایا چیست، از روایات این گونه بر می آید که حضرت مسیح علیه السلام در همان فلسطین از دنیا می رود و امام زمان علیه السلام به دست خودشان او را آماده خاک سپاری می کند. غسلش می دهد و بنابر نقل روایتی، با پارچه ای که دستباف خود حضرت مریم علیها السلام است حضرت مسیح علیه السلام را کفن می کند و در بیت المقدس کنار قبر مادرش حضرت مریم علیها السلام به خاک می سپارد و آن گاه به شهر کوفه بر می گردد و آنجا را محل حکومت خود قرار داده و به پیاده کردن امور حکومت الهی می پردازد.

مدّت حکومت

اینجا لازم است به اختصار نکته ای راجع به حکومت امام زمان علیه السلام مطرح نمایم؛ یعنی درباره کسی که تقریباً همه ملت ها، امّت ها و مکتب ها به نوعی با اختلاف و تفاوت منتظر ظهورش هستند و اوست که عصاره انبیاست.

این نکته راجع به مدّت حکومت آن حضرت است. یعنی وقتی ظهور کرد و حکومتش را آغاز نمود چند سال حکومت می کند؟

روایات در این باره

متفق نیستند بعضی از روایات اقل مدّت حکومت را ۷ سال می گویند.

روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمودند: «یخرج رجل من أهل بیتی ویعمل بسنّتی وینزل اللّه له البرکه من السماء وتخرج الأرض برکتها وتملأ به الأرض عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً، ویعمل علی هذه الأمّه سبع سنین؛(۱۶۸) فردی از خاندان من خروج می کند و خدا به وسیله او برکات خودش را از زمین و آسمان نازل می کند، زمین همه برکات خود را در اختیار او قرار می دهد و زمین هر چه استعداد دارد در اختیار او قرار می دهد».

ما به خوبی نمی دانیم استعداد زمین چقدر است مثلاً در گذشته با ابزارها و امکانات عادی، یک هکتار زمین دو تن شلتوک تحویل می داد امّا اکنون، ده تن شلتوک می دهد. اخیراً شخصی به عنوان کشاورز نمونه در یک هکتار ۱۳۰ تن چغندر تولید کرده، استعداد این زمین عجیب است، استعدادهای دیگری هم دارد آنچه ذخایر الهی است در دل زمین است، از آفتاب گرفته تا معادن و ذخایر و زمین ها، هرچه در زمین است خارج می شود و در اختیار امام زمان علیه السلام قرار می گیرد. در ادامه روایت می فرماید: دنیا را پر از عدل و داد می کند آن چنان که پر از ظلم و بیدادگری شده بود و ۷ سال بر این اساس حکومت می کند.

در قرآن و روایت هم حدود ۳۰۹ سال نقل شده که امام باقرعلیه السلام در روایت مفصلی می فرماید: «یملک القائم ثلاثمائه سنه ویزداد تسعا کما لبث أهل الکهف فی کهفهم؛(۱۶۹) همچنان که اصحاب کهف بر اساس آیات و روایات، ۳۰۹ سال در غاری اقامت کردند امام زمان علیه السلام هم مدت حکومتش ۳۰۹

سال است».

تعبیری که در بعضی از روایات آمده این است که سالی که در این روایت آمده به سال شمسی و قمری نیست، بلکه مدّت این سال فرق می کند همچنان که ما نمی توانیم همه جای کره زمین، ساعات روز و شب را مساوی بدانیم. در بعضی مناطق، روز بسیار طولانی است بنابراین با ملاک و معیارهایی که در روایات آمده عرف و عادت روزانه ما نیست. در بعضی از روایات آمده است که در حکومت امام عصرعلیه السلام هر سالی به مدّت ۱۰ سال ماست، بنابراین ما نمی توانیم دقیقاً بگوییم چقدر با سال و ماهی که ما عرفاً به آن عادت کردیم امام زمان علیه السلام حکومت می کند. بعضی هم گفتند منظور از این هفت سال این است که قبل از این که حکومتش کاملاً مستقر شود ۷ سال طول می کشد تا حکومتش در لابلای جهاد و جنگ و خون و شجاعت و ایثارگری که صورت می گیرد مستقر شود و سپس ۳۰۹ سال ادامه پیدا می کند.

وضعیت فکری و اعتقادی مردم...

اشاره

در این بخش از سخن پیرامون وضعیت فکری و اعتقادی مردم دوران حکومت امام زمان مطالبی را تقدیم می دارم.

معتقد هستیم هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند و حکومتش را پابرجا نماید جامعه بشری از جهات مختلف به بهترین وضعیت خودش می رسد و از نظر دین، اخلاق، تفکر و اندیشه، آگاهی، امنیت، عدالت، اقتصاد، عمران و آبادی در بهترین شرایط خودش قرار می گیرد که در طول عمر دنیا نظیری برای آن نبوده است. امّا در آغاز این بحث راجع به وضعیت فکری و دینی مردم عصر امام زمان علیه السلام و چگونگی تفکر جامعه عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را مطرح

می کنم.

بازگشت مردم به اسلام واقعی

از روایات نتیجه می گیریم که از زمان بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام به دلیل دوران زیادی که پیش آمده است، بسیاری از سنت های الهی و دینی متروک می شود و بسیاری از بدعت ها در جامعه دینی به نام دین رایج می شود، وقتی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد همه این بدعت ها را برمی چیند و همه سنت های فراموش شده و منزوی شده را احیا می کند. می فرمایند: «قیل لایترک بدعه الا ازالها ولاسنه الا احیاها»؛(۱۷۰) بدعت و نو آوری و چیزی که جزو دین نبوده و به نام دین در میان مردم رایج کرده اند و آداب و رسوم غلطی که تحت عنوان دین و افکار و آداب دینی در جامعه رایج کرده اند همه را بر می دارد و سنت نبوی صلی الله علیه وآله را که در گذشت زمان توسط دشمنان منزوی شده یا از بین رفته، همه را احیا می کند و به گونه ای می شود که بعضی ها گمان می کنند آنچه که امام زمان علیه السلام می گوید دین جدید است و دین اصلی اسلام نیست.

تعبیر روایات این است که می گوید: «یأتی بدین جدید؛ با دین جدید و تازه می آید».

آیا نعوذ باللّه، دینی که امام زمان علیه السلام در جامعه ها حاکم می کند دین اسلام و دین پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله نیست؟

خیر، مفهومش این است؛ از بس که جامعه، از سنت الهی فاصله می گیرد که تقریباً با اسلام راستین بیگانه می شود، ولی امام زمان علیه السلام وقتی سنّت اصلی اسلام را به جایگاهش بر می گرداند بعضی گمان می کنند که دین جدیدی است و در روایات هم به همین خاطر به آن جدید گفته شده است. در روایتی

از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: «إذا قام القائم علیه السلام دعا الناس إلی الإسلام جدیداً وهداهم إلی أمر قد دثّر وضلّ عنه الجمهور؛(۱۷۱) وقتی امام زمان علیه السلام قیام کند مردم را به اسلام تازه دعوت می کند یعنی به اسلام ناب فرا می خواند و به سنت های اسلامی که عموم مردم از آن غافل شدند دعوت می کند». در عصر امام زمان علیه السلام که قوانین و حدود منزوی شده اسلام باید اجرا شود و این احکام در میان جامعه پیاده می شود. امام زمان علیه السلام مردم را به سوی کارهایی دعوت می کند و به اموری فرا می خواند که در جامعه کهنه و فرسوده شده و از بین رفته اند و جمهور امّت اسلامی از آن بیگانه شدند، پس از این روایت می توان فهمید و نتیجه گرفت که فاصله بین امّت اسلامی و اسلام راستین به قدری زیاد می شود که وقتی امام زمان علیه السلام آمد واسلام واقعی را در میان جامعه اجرا کرد، به نظر می رسد چیز تازه و جدیدی است و به همین خاطر به امام زمان، «مهدی» گفته اند: «وإنما سمی القائم مهدیاً لأنه یهدی إلی أمر مغفول عنه»؛(۱۷۲) به خاطر این که امام زمان علیه السلام مردم را به سوی کارهایی دعوت و هدایت می کند که مردم از آن کارها، غافل شدند و از آن دستورات بیگانه شدند، بنابراین یکی از نعمت هایی که در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می کند حاکمیت اسلام واقعی است که در طول تاریخ کم رنگ یا از صحنه اجتماعی منزوی شده است.

وضعیت اعتقادی

نکته دیگری که باز درباره وضعیت اعتقادی و دینی مطرح می کنم این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام همه مسلمان

می شونـد، پیروان آئین های دیگر از اهل کتاب یعنی یهود و نصاری همه برمی گردنـد و دین خـدا و اسـلام را قبول می کنند. لکن دینی که در آن عصر در دنیا حاکمیت دارد و مردم پیرو آن هستند دین اسلام خواهد بود.

به تعبیر قرآن کریم: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ»؛(۱۷۳) «دین اسـلام بر همه ادیـان چیره می شود و تنهـا دین حـاکم بر جامعه می شود».

در کتاب شـریف بحارالانوار آمـده است که شخصـی به نام شـهر بن حوشب که در زمان حجاج بن یوسف زنـدگی می کرد، روزی در نزد حجاج بود که حجاج به او گفت: یکی از آیات قرآن مرا خسته کرده، هر چه روی آن فکر و کار می کنم آن را نمی فهمم. شـهر بن حوشب می گوید: به او گفتم کدام آیه؟ حجاج گفت که این آیه: «وَإِن مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلَّا لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»؛(۱۷۴) «هیچ اهل کتابی نیست مگر این که قبل از مرگش به او ایمان می آورد و مسلمان می شود».

من این را نمی فهمم، این همه اهـل کتـاب بـا دین مسـیحی و یهودی از دنیا می رونـد من خودم تجربه کردم بعضـی از یهود و نصاری که گردنشان را می زننـد، دقت می کنم لب هایشان هیـچ تکانی نمی خورد؛ یعنی با همان اعتقاد یهودی می میرند، امّا این آیه چه می گوید؟

شهر بن حوشب می گوید: من به حجاج گفتم منظور این است که قبل از این که قیامت برپا بشود حضـرت عیسـی علیه السـلام به امر پروردگار به زمین هبوط می کند و بر می گردد با حضـرت مهدی علیه السـلام بیعت می کند و جزو پیروان او می شود. در آن زمان است که همه اهل کتاب از مسیحی و یهودی یکپارچه به دین اسلام در می آیند و پیرو اسلام

می شونـد و منظور این نیست که همه اهل کتابی که الآن زندگی می کنند به هنگام مردن، مسـلمان از دنیا می روند. حجاج با تعجب گفت: این را از چه کسـی یـاد گرفتی؟ گفتم: از محمـد بن علی - امام باقرعلیه السـلام - شـنیدم. حجاج با آن دنائت و پستی که داشت، گفت: مفهوم این آیه را از سرچشمه صاف و زلالی گرفتی، درست است.(۱۷۵)

خوب با این بیان می شود نتیجه گرفت که در عصـر دولت امام زمان علیه السـلام همه اهل کتاب به اسـلام در خواهنـد آمـد و پس از آن، بحث جزیه دادن و مسـیحی و یهودی ماندن نیست، ممکن است یک عدّه مقاومت کنند و اسلام نیاورند و بجنگند تا کشـته شوند امّا عدّه ای برمی گردند و به دین اسـلام روی می آورند و پیرو مکتب اسـلام و تابع حکومت امام زمان خواهند شد؛ بنابراین در عصر امام زمان علیه السلام تنها دینی که همه مردم پیرو آن خواهند بود، اسلام است.

تکامل عقلی جامعه بشری

نکته بعـدی دربـاره تکامـل عقلی جامعه بشـری در آن عصـر است. معتقـدیم زمانی که امام زمان علیه السـلام ظهور کنـد بستر جامعه برای ترقی و رشد عقلی بشـر آماده می شود، عوامل و موانعی که باعث استضعاف عقلی و فکری جامعه است از بین می رود و در نتیجه، همه این فرصت را پیـدا می کننـد که از نعمـات الهی برخوردار شونـد و از عوامـل رشـد دهنـده عقل اسـتفاده کنند.

حکومت امام زمان علیه السلام در حقیقت به عنوان نعمت الهی است که بستر را برای این امر مهم؛ یعنی تکامل عقلی و فکری بشر فراهم می کند.

در این باب از قول امام باقرعلیه السلام روایت شده: «إذا قام قائمنا وضع یده علی رئوس

العباد فجمع بها عقولهم وكملت بها أحلامهم؛(۱۷۶) هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند دست خود را بر سر همه بندگان خود می کشد».

حالا از این که امام عصرعلیه السلام دست خود را بر سر همه مردم می کشد قطعاً منظور دست امام عصرعلیه السلام به معنی دست مادی مثل دست بشر نیست بلکه همانند مفهوم یداللّٰه فوق ایدیهم است یعنی همه عواملی که خداوند در جامعه بشری جهت خدمتگزاری، هدایت و رشد بشر قرار داده، همه به منزله دست خدا هستند که بر سر بشر کشیده می شود

دست خدا

وجود امام زمان علیه السلام به منزله دست خداست که بر بشریت حاکم می شود و بشر را از نظر عقلی کامل می کند و به این وسیله رحمت خدا بر سر عباد و بندگان خدا کشیده می شود و عقل ها و افکار و اندیشه های بشر کامل می شود؛ یعنی بشر درآن روز به حدّ اعلای کمال خویش می رسد یعنی همان چیزی که خداوند، ابوالبشر را خلق کرد و او را اسماء یاد داد. بندگان خدا در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به آگاهی کامل خواهند رسید، افکار و اندیشه شان از پراکندگی و تشتت به وحدت می گراید. از سرچشمه زلال و صاف الهی سیراب می شوند. از نظر افکار و اندیشه و عقل به حد اعلای درجه خود می رسد.

امام باقرعلیه السلام فرمود: «وتؤتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب اللّٰه تعالی وسنه رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله؛(۱۷۷) به خاطر توسعه فهم و آگاهی عمومی، حتی زن ها در خانه هایشان بر اساس کتاب خدا و سنت رسول خداصلی الله علیه وآله داوری می کنند».

در روایت دیگری از قول امام صادق علیه السلام است که می فرماید:

«العلم سبعه وعشرون حرفا فجميع ما جآءت به الرسل حرفان فلم یعرف الناس حتّی الیوم غیر الحرفین فإذا قام قآئمنا أخرج الخمسه والعشرین حرفا فبثها فی الناس وضم إلیها الحرفین حتی یبثها سبعه وعشرین حرفاً»؛(۱۷۸) علم بیست و هفت حرف، شاخه، شعبه یا موضوع دارد و تمام ۱۲۴ هزار پیامبر از زمان آدم تا زمان پیغمبر خاتم صلی الله علیه وآله که آمدند، دو حرف از این ۲۷ حرف را توانستند شکوفا کنند؛ یعنی دو قسمت از این ۲۷ قسمت علوم را توانستند برای مردم در جامعه باز کنند، ۲۵ قسمت دیگر از علوم در جامعه شناخته نیست. کسی از این علوم تا روز ظهور امام زمان علیه السلام غیر از این دو حرف هیچ چیز نمی داند. امام زمان علیه السلام که ظهور کند، ۲۵ حرف دیگر باز می شود و در جامعه ظهور و بروز پیدا کرده، گسترش و حاکمیت می یابد. این همه ابواب علمی که در زمینه های مختلف در دنیاست و همواره به سرعت در حال سیر تکاملی است خدا می داند که تا زمان ظهور امام عصرعلیه السلام چه مقدار توسعه و تنوع پیدا خواهد کرد که همه به منزله دو حرف از بیست و هفت حرف است و ۲۵ حرف دیگر در عصر دولت امام زمان علیه السلام باز می شود؛ یعنی بشر ظرفیت علمی اش به کمال می رسد، به آن جایگاه رفیعی که از نظر علمی و معرفتی می تواند به آن دست یابد می رسد. تمام مردم، همه چیز را می فهمند، وقتی همه چیز را بفهمند مطمئناً همه مشکلات هم حل می شود، آن هم فهم درست و دقیق و بی غلط و بی اشتباه که از سرچشمه صاف و زلالی که

با دست الهی بر سر بندگان خدا کشیده شده، در وجود انسان ها تبلور پیدا می کند.

این وضعیتی است که درباره عقاید، افکار، اندیشه، عقول، ادیان و علوم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام در روایات راجع به آن بحث شده، امیدواریم که خداوند بر ما منّت نهد، ما را در جهت تطبیق خودمان با آنچه که امام زمان علیه السلام ظهور پیدا می کند و آن را می خواهد حاکم کند، توفیقات لازم را نصیب همه ما بفرماید.

جامعه ای که منتظر ظهور امام زمان است، جامعه علمی، جامعه عقلی، جامعه دیانت و تقوا است، جامعه آگاهی است، این چیزی است که رسالت امام زمان علیه السلام است. وقتی آمد باید این را به کمال برساند. جامعه منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در عصر غیبت باید در همین جهت تلاش کند تا شایستگی و صلاحیت انتظار فرج امام زمان علیه السلام را پیدا کند، ان شاء اللّه.

حاکمیت عدل در حکومت امام زمان«ع»

توضیح

در قسمت گذشته پیرامون رشد عقلی و فکری و دینی مردم در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. در این قسمت راجع به حاکمیت عدل در حکومت امام زمان علیه السلام بحث می کنیم. بر حسب آیات قرآن، یکی از اهداف همه انبیاء علیهم السلام اجرای عدالت در جامعه بشری است:

«لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَأَنزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ»؛(۱۷۹) «ما همه پیامبران مان را با بینات و معجزات و کتاب فرستادیم تا بشریت قیام به قسط و عدالت کند».

مفهوم آیه این است که یکی از رسالت های همه انبیا، اجرای عدالت بوده است. عدل به عنوان یکی از گرایشات فطری بشر است، همه انسان ها به حکم عقل و شرع و نیز به حکم فطرت، طرفدار عدل و

مأمور به پـذیرش عدلنـد. امام زمان علیه السـلام که عهـده دار تحقق اهـداف همه انبیاء و عصاره رسالت همه پیامبران و امامان است، باید عدل الهی را برای همه بندگان خدا در زمین پیاده کند. به همین خاطر، حکومت امام زمان علیه السـلام را حکومت عـدل جهانی امام زمان علیه السـلام می نامیم. پس، مهم ترین رسالت امام زمان علیه السـلام پیاده کردن عـدل در سراسـر عالم است.

حال چگونه امام زمان علیه السـلام موفّق می شود که عـدل را پیاده کنـد؟ می دانیم که انبیای الهی و امامان مظلوم و معصوم ما موفق نشدنـد آن گونه که رسـالت داشـتند در قلمرو حـاکمیت خود عـدل را پیـاده کننـد. امیرالمؤمنین علی بن ابی طـالب علیه السـلام با آن که همه تلاش خود را پیرامون پیاده کردن عـدل صـرف کرده است امّا کشـته عـدالت شـد، به تعبیر آن نویسـنده مسـیحی «قتل فی المحراب لشده عدله؛ امیرالمؤمنین علیه السـلام را در محراب عبادت کشتند برای این که می خواست عدل را پیاده کنـد»؛ یعنی او هـدفش عـدل بود ولی جامعه ای که امیرالمؤمنین علیه السـلام در آن حاکم بود متأسـفانه از پـذیرش عدل سرباز زد و امام عادل خود را در محراب عبادت به خون کشـید. بقیه امامان هم نتوانسـتند آن گونه که رسالت داشـتند عدل را پیاده کنند. برای این که بدانیم امام زمان علیه السلام چگونه موفق می شود، باید بدانیم که موانع اجرای عدالت چیست؟

موانع اجرای عدالت در جامعه

مانع اوّل: امام زمان علیه السـلام حاکمان و سـتمگران حاکم و مال اندوزان و سـلطه جویان قدرتمند را که در طول تاریخ و در زمان انبیاء و امامان، مانع اجرای عـدالت بودنـد و عدل را به نفع خود نمی دانسـتند و با قدرتی که داشـتند انبیای عظام و امامان عادل را منزوی می نمودند و از

صحنه حاکمیت خارج می کردند و یا به شهادت می رساندند، همه آن ها را از پیش پا بر می دارد.

مانع دوّم: متأسفانه به دلیل حاکمیت آن حاکمان جور و فساد، فرهنگ جامعه به گونه ای رشد نکرده بود که عدل را به هر قیمتی که باشد بپذیرد؛ یعنی جامعه آن روز این آمادگی را پیدا نکرده بود که پذیرای عدالت باشد امّا جامعه امام زمان علیه السلام با جوامع گذشته فرق می کند. راجع به پیروزی امام زمان علیه السلام در همه عالم بحث کردیم؛ یعنی چون امام زمان قدرت جهانی پیدا می کند، همه سلطه گران را نابود می کند، ظالمین را از بین می برد، حکومت های جور و ستم را بر می دارد و به جای آن ها حکومت الهی را حاکم می کند، بنابراین مانع بزرگ عدالت که حکام جور و ستم هستند برداشته می شود و فرهنگ مردم شرقی می شود. در بحث گذشته هم گفتم به دلیل رشد عقلی، فکری و عقیدتی و یکپارچه شدن همه مردم در پیروی از اسلام، زمینه فرهنگی جامعه هم برای پذیرش عدالت آماده می شود. این است که امام زمان علیه السلام موفق می شود عدل را در سراسر دنیا پیاده کند. حال نمونه روایاتی که در ارتباط با این موضوع است را خدمتتان می گویم. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تمام زمین و درتمام زمینه ها و عرصه ها عدل حاکم می شود. آنچه از روایات و آیات قرآن کریم استفاده می شود، کل عالم قلمرو حکومت امام زمان علیه السلام است؛ «یملأ اللّٰه الأرض قسطاً وعدلاً؛ تمام زمین پر از عدل و داد می شود»؛ یعنی در همه گستره و نقاط جغرافیایی کره زمین، عدل حاکم می شود.

در ابعاد مختلف عدالت هم

نکاتی است که امام زمان علیه السلام فقط در بعد اقتصادی عدل را اجرا نمی کند بلکه در زمینه های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عدالت حاکم می گردد و با تعریفی که از عدل شده است، می توانیم همین نتیجه را بگیریم.

درباره تعریف عدل فرمودند: «وضع کل شی ء فی موضعه» یک تعریف عدل این است که هر چیز را به جای خود نهادن، این تعریف شامل همه امور می گردد، حتی عزل و نصب ها در منصب ها، آدم های شایسته در هرنقطه که صلاحیت و شایستگی را داشته باشند را فرا می گیرد، آدم های نالایق قطعاً در پست و مقام کلیدی قرار نمی گیرند. هر شی ء باید در موضع خود باشد.

در تعریف دیگر عدل و عدالت فرمودند: «اعطاء کل ذی حقّ حقّه». حق هر کسی را به او دادن، با این دو تعریفی که از عدل می شود، می توان نتیجه گرفت که عدل تنها در زمینه اقتصادی نیست بلکه در همه زمینه ها، دنیا را پر از عدل و داد می کند.

شرح عدالت از زبان روایات

حال به احادیثی در این زمینه توجه فرمایید.از قول نبی اکرم اسلام صلی الله علیه وآله است که فرمود: «أبشّرکم بالمهدیّ یبعث فی أمّتی علی اختلاف من الناس وزلازل فیملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً، یرضی عنه ساکن السماء وساکن الأرض، یقسّم المال صحاحاً. فقال له رجل: وما صحاحاً؟ قال: السویّه بین الناس؛(۱۸۰) شما را مژده می دهم به آمدن مهدی علیه السلام در میان امّت من در یک موقعیت بحرانی، از اختلاف مردم و سختی هایی که حاکم است، حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که قبل از ظهورش دنیا پر از ظلم و جور بوده

است. تمام ساکنان آسمان و زمین با حکومت امام زمان علیه السلام خشنود می شوند و آن دارایی و ثروت را به صورت صحاح تقسیم می کند. مردی پرسید: منظور از صحاح چیست؟ فرمود: بین مردم امکانات اقتصادی را به صورت مساوی تقسیم می کند». به تعبیر امروزی توزیع عادلانه ثروت در میان همه مردم زمین و امّت پیغمبر که در آن عصر زندگی می کنند. دل هایشان به وسیله چنین حکومتی پر از ثروت و غنائم می شود یعنی هیچ گونه احساس نیاز و فقر نمی کنند و عدل امام زمان علیه السلام همه امّت پیغمبر را شامل می شود.

با عنایت به این حدیث شریف، در آن عصر، عدل همه زمین را فرا می گیرد و جهان پر از عدل و داد می شود.

در روایتی حضرت ام سلمه که از بهترین زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بود می گوید: من از رسول خدا شنیدم که در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به قدری عدالت گسترش پیدا می کند که آن هایی که زنده هستند می گویند ای کاش! آن هایی که از دنیا رفتند زنده می شدند و این فضای عادلانه را درک می کردند و از این عدالت بهره مند می گردیدند. (۱۸۱)

از قول امام صادق علیه السلام نقل شده که می فرماید: «أما واللّه لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر والقر... أول ما یظهر القائم من العدل أن ینادی منادیه أن یسلم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الأسود والطواف»؛(۱۸۲) به خدا قسم! عدالت به همه جا نفوذ پیدا می کند، همچنان که سرما و گرما داخل خانه ها می رود، عدالت هم داخل خانه ها نفوذ می کند؛ یعنی کسی جلوی عدالت امام زمان علیه السلام را نمی تواند بگیرد. چطور سرما و گرما به داخل خانه ها نفوذ می کند، می گوید سطح

جامعه، داخل خانه و خانواده همه تحت تأثیر فرهنگ امام زمان علیه السلام و تحت پوشش عدل قرار می گیرند. پس در دنیایی که به دلیل ظلم و ستم، همه جا نگرانی ظلم و ستم و تبعیض، فقر و محرومیت، فشار روحی و روانی حاکم بود، برداشته می شود و عدل به جایش حاکم می شود، ناراحتی از بین می رود و امنیت به جایش می آید. نتیجه حاکمیت عدالت، امنیت است.

در ادامه حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید: «أول ما یظهر القائم من العدل أن ینادی منادیه أن یسلم صاحب النافله لصاحب الفریضه الحجر الأسود والطواف»؛(۱۸۳) اوّل چیزی که به عنوان مظهر عدالت امام زمان علیه السلام است این که جمعیت وقتی برای عمل حج به مکّه می روند، به خاطر زیادی جمعیت عمل طواف بیت اللَّه الحرام و نماز طواف پشت مقام ابراهیم و استلام حجر یکی از مشکلات حجاج می شود و امام زمان علیه السلام به منادی دستور می دهد که ندا کند، آن هایی که می خواهند طواف مستحبی و استلام حجر انجام بدهند از صحنه کنار بروند و به جای آن ها آدم هایی که طواف واجب دارند بیایند طواف کنند. و صحنه باید به گونه ای باشد که حق هر کسی در جایگاه خودش به او برسد، حتی در ارتباط با عمل حج و طواف، منادی می گوید، آن هایی که حج مستحبی انجام می دهند کنار بروند، کسانی که طواف واجب دارند، بیایند. این جور صحنه عدل همه جا را شامل می شود.

باز در حدیثی دیگر از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که می فرماید: «ولا مظلمه لأحد من الناس إلّا ردها ولا یقتل منهم عبدا إلّا أدی ثمنه دِیَهٌ مُسَلَّمَهٌ إِلی أَهْلِهِ ولا یقتل إلّا قضی عنه دینه

والحق عیاله فی العطاء حتی یملأ الأرض قسطاً وعدلا کما ملئت ظلماً وجوراً»؛(۱۸۴) بر عهده کسی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مظلمه نیست مگر این که روشن می کنند؛ یعنی همه از هم رضایت می گیرند و حق هیچ کس بر گردن دیگری نیست. الآن چه کسی می تواند این ادعا را بکند که ذمه هیچ کس به گردنش نیست و بگوید من به احدی بدهکار نیستم، نه در اخلاق و نه در مسائل مالی، نه غیبت کسی را کردم، نه به کسی تهمت زدم، نه آبروی کسی را بردم، نه مال کسی را خوردم؟ آدمی که بخواهد چنین ادعایی بکند کیست؟

در زمان امام زمان علیه السلام همه می توانند چنین ادعایی بکنند، چون هر کسی هر حقی در گردن او هست نسبت به دیگری ادا می کند و مظلمه را رد می کند. هیچ بنده ای کشته نمی شود مگر این که دیه اش را می گیرند، یعنی دیه افرادی را که کشته شدند همه پرداخت می شود و با زور و قلدری و مسائل دیگر، حق خون هیچ کس ضایع نمی شود و حق عیال و خانواده او ادا می شود.

خلاصه حدیث این است که می گوید در دنیا هیچ ظلمی تحقق پیدا نمی کند، چون امام زمان علیه السلام ظالم را یا اصلاح می کند یا از بین می برد. به قدرت الهی فرهنگ جامعه عدل پذیر می شود. چون عدل کردن مشکل است امّا عدل پذیرفتن مشکل تر از آن است، آن هایی که بعد از کشته شدن عثمان به خانه حضرت علی علیه السلام هجوم آوردند که باید خلافت را بپذیری و غیر از تو، هیچ کسی شایسته نیست، امّا پس از پذیرش امام، همان هایی که بیشترین شعار را می دادند بیشترین مخالفت را کردند

چون دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت را بدون ملاحظه اجرا می کند و نتوانستند تحمل کنند و لذا با او مخالفت کردند. امّا در زمان امام زمان علیه السلام این گونه نیست، عدل همه جا را خواهد گرفت و برای آن که ما بتوانیم ان شاء اللّه زمینه پذیرش عدل الهی را در زمان امام زمان علیه السلام در خود فراهم کنیم، باید روحیه عدالت پذیری را در خود تقویت کنیم.

باید خودمان را در آن جهتی که جزو اهداف حکومت امام زمان علیه السلام است تربیت نماییم. و خود را در همان جهتی که رضایت و هدف اوست، آماده کنیم. خداوند به لطف خویش و به دعای امام زمان علیه السلام و دعاهای همه دعا کنندگان که مستجاب الدعوه هستند پرده از رخسار عزیز زهراعلیها السلام بردارد و انتظار عالم اسلام و بشریت را پایان بدهد و حکومت امام زمان علیه السلام را در دنیا ظاهر گرداند و همه عالم را از عدل امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید. ان شاء اللّه.

ارتقاء فرهنگ و آداب اجتماعی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

اشاره

یکی از مسائلی که در زندگی اجتماعی انسان به عنوان مشکلات جامعه بشری هست، پایین بودن سطح فکر و فرهنگ عمومی است. معمولاً جوامع بشری در ارتباطات اجتماعی و زندگی شهری و اجتماعی خود باید بر اساس موازین و فرهنگ های عمومی عمل کند تا موجب پیدایش مشکلات و پدید آمدن سختی ها برای خود و جامعه نشود. هر جامعه ای که از نظر رشد فکری و فرهنگ عمومی پیشرفته باشد، می تواند از رفاه اجتماعی بشری برخوردار باشد.

از روایات استفاده می شود که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند جامعه بشری ازنظر فرهنگ عمومی به حد اعلای رشد خود می رسد و فساد و مشکلات عمومی که از

رهگذر عدم حاکمیت فرهنگ صحیح و عدم رعایت آداب اجتماعی پدید می آید، ریشه کن می شود و همه آن مشکلات از جامعه رخت بر می بندد، به این دلیل که مردم از نظر ادب و فرهنگ و روابط صحیح اجتماعی، به رشد کامل خود می رسند زیرا از نظر فرهنگ و آداب اجتماعی به کمال رسیده، در نتیجه مشکلاتی که به خاطر ضعف فرهنگ و آداب اجتماعی دامنگیر جامعه می شود آن مشکلات از بین خواهد رفت. مردم نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می کنند، در دل های مردم نسبت به همدیگر کینه و کدورت وجود ندارد، در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وارد شده که فرمود: در عصر حاکمیت مهدی علیه السلام کینه ها و دشمنی ها از دل های مردم نسبت به یکدیگر خالی می شود؛ یعنی مردم دل هایشان نسبت به همدیگر انس و الفت پیدا می کند و طبیعی است که چنین جامعه ای زندگی لذت بخشی دارد. در روایتی دیگر نیز وارد شده که انسان ها نسبت به یکدیگر صداقت کامل دارند، هیچ گاه درصدد بر نمی آیند که حقایق را از هم بپوشانند و واقعیات را از هم دریغ نمایند و به یکدیگر دروغ بگویند، بلکه در حقیقت، واقعیات را برای هم مطرح می کنند. روایت از قول رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله است که می فرمایند: «به یمحق اللّه الکذب ویذهب الزمان الکلب به یخرج ذلّ الرقّ من أعناقکم»؛(۱۸۵) با وجود امام زمان علیه السلام، خداوند دروغ را از بین می برد و نابود می کند؛ یعنی درعصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دروغ وجود ندارد که کسی خبری به ما بگوید و ما او را نشناسیم و از عدالت او اطلاع نداشته باشیم، بر خلاف عصر

حاضر که اصولاً به حرف افراد نا آشنا اعتماد نمی کنیم چون احتمال می دهیم که به ما دروغ گفته باشد امّا در عصر امام زمان علیه السلام بر حسب این روایت، خداوند، دروغ را نابود می کند و مردم به یکدیگر دروغ نمی گویند. روزگار سختی به سر می آید، بردگی و ذلّتی که در روزگار عسرت و سختی و اسارت در گردن انسان ها هست آن ذلت و خواری و بردگی از گردن انسان ها برداشته می شود و انسان ها آزاد می شوند. روزگاری که انسان ها به دلیل عدم صداقت نسبت به یکدیگر بر خودشان سخت می کنند با رعایت صداقت و مودّت و دوستی و انس و الفت، آن روزگار روزگار آسانی خواهد شد و سختی از بین خواهد رفت.

رعایت کامل اصول اجتماعی

در روایت دیگری می فرماید: مردم، به دلیل رشد فکری و اخلاقی، اصول اجتماعی را کاملاً رعایت می کنند. امام عصرعلیه السلام و کارگزاران نظام مقدسش مردم را به رعایت اصول اجتماعی فرا می خوانند؛ یعنی ادب اجتماعی را در مردم ایجاد می کنند. امام کاظم علیه السلام می فرماید: «إذا قامَ قائمنا، قال یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطریق ویا معشر الرجاله سیروا علی جنبی الطریق فإنّما فارس أخذ علی جنبی الطریق فاصاب رجلًا عیب الزمناه الدیه وربّما رجل أخذنی وسط الطریق فاصابه عیب فلا دیه له»؛(۱۸۶) امام زمان علیه السلام اعلام می کند که ای گروه سواران! از وسط راه عبور کنید و ای گروه پیادگان! از دو طرف خیابان عبور کنید؛ یعنی به اصطلاح ما از پیاده روی دو طرف خیابان عبور کنید. در حقیقت یک ادب اجتماعی را به مردم تعلیم می دهد و از مردم می خواهد آن را رعایت بکنند. به سواران می گوید عبور کنید؛ یعنی

نظم اجتماعی را بایـد رعایت کنیـد. اگر سواری از پیاده رو عبور کنـد و آسـیبی به کسـی بزند او را مجبور به پرداخت دیه می کنند و اگر پیاده ای از وسط خیابان راه برود یعنی رعایت اصول آمد و شد را نکند و در نتیجه آسیبی ببیند و تصادفی رخ دهد دیه ندارد؛ زیرا قوانین آمد و شدی که امام زمان علیه السلام وضع کرده است را رعایت نکرده و هر کس که قوانین مصوب را رعایت نکند مجرم است، به این دلیل که رعایت قانون مصوب امام زمان علیه السلام واجب است.

این حدیث بیانگر رشد اجتماعی جامعه عصـر امام زمان علیه السلام است. طبیعی است که این یک نمونه است و در بقیه زمینه های اجتماعی، تمام دسـتورات اخلاقی و اجتماعی را امام زمان علیه السلام به جامعه خود تعلیم می دهد و از عموم مردم انتظار رعایت آن را دارد و طبعاً اگر چنانچه کسـی آن معیار و مقررات را زیر پا بگـذارد و طبق قانون مصوبی که در عصـر حاکمیت امام زمان علیه السلام است عمل نکند، حقوق خود را هدر می دهد.

در حدیث دیگری ابابصـیر از قول امام باقرعلیه السـلام نقل کرده است که نابسامانی های اجتماعی و هرج و مرج های عمومی، عدم رعایت نزاکت و رفتار اجتماعی همه را اصلاح می کند. این حدیث به دو نکته می پردازد که اکنون نیز جزو مبتلابه مردم است. امـام بـاقرعلیه السـلام می فرمایـد: «ویسـد کل کوه إلی الطریق وکل جناح وکنیف ومیزاب إلی الطریق»؛(۱۸۷) امام زمان علیه السـلام همه کوچه های باریکی را که به خیابان منتهی می شود اصلاح می کند و چاه های فاضلاب و ناودان هایی که در مسیر آدم ها، قرار می گیرد را اصلاح می کند.

این ها اموری اجتماعی است.

جامعه ای که از نظر آداب اجتماعی، منضبط نباشد آب های فاضلاب حیاط خود را به کوچه و خیابان عبور می دهد و باعث دردسر اجتماعی و مزاحمت عابرین و همسایه ها می شود.

این ها به عنوان نمونه ای است که در حدیث آمده و منظور این است که امام زمان علیه السلام آداب و رفتار اجتماعی را درجامعه تنظیم می کند. حتی اگر کوچه ای تنگ و باریک باشد که رفت و آمد مردم در آن دچار اشکال است، آن را اصلاح می کند خیابان ها را تنظیم می کند، آداب رفت و آمد را در جامعه سامان می دهد که از کجا عبور کنند، مشکلات شهرنشینی را برای مردم حل می کند، دیگر مردم از عدم رعایت ضوابط شهرنشینی رنج نمی برند، حتی به صورت نمونه می فرماید که این ها بیانگر این است که در تمام سطوح اجتماعی و زندگی شهر نشینی اصلاحاتی به عمل می آید که جامعه، یک جامعه سالم خواهد شد، از یکدیگر رنج نمی برند، در دل ها کدورتی از همدیگر باقی نمی ماند، هیچ کس حقش ضایع نمی شود، قوانین اجتماعی که حق بین دولت و ملت است دقیقاً رعایت می شود.

روابط حسنه میان انسان ها

پس منظور از این روایات این است که چه از نظر رابطه قلبی و چه از نظر روابط اجتماعی میان انسان ها، با یکدیگر اصلاح می شود، کدورت ها از دل کنار می رود، مردم قلباً نسبت به هم انس و الفت پیدا می کنند، از نظر روابط اجتماعی دقیقاً روابط آن ها رابطه ای درست خواهد شد، در نتیجه آن جدایی که در جهان فعلی، بین مردم حاکم است را اصلاح می کند. مردم با رغبت قوانینی که دولت برای آن ها تنظیم کرده را به کار می بندند.

به عنوان حسن ختام این بحث حدیث دیگری را تقدیم

حضورتـان می کنم. امـام بـاقرعلیه السـلام می فرمایـد: «إذا قام قائما یخرج الناس خراجهم علی رقابهم إلی المهـدی ویوسع اللّه علی شـیعتنا ولو لا ما یدرکهم من السعاده»؛(۱۸۸) وقتی امـام زمان علیه السـلام ظهور کنـد، مردم مالیات هایشان را خودشان بر می دارنـد و به دوش می کشـند و به دولت امام زمان علیه السـلام تحویل می دهند و با رعایت این گونه روابط سالم اقتصادی بین دولت و ملت، موجب می شود شـیعیان مـا در رفـاه و آسـایش قرار بگیرنـد به قـدری که در شـرایط عادی و در جوامع غیر الهی، چنین رفاه اقتصادی موجب سرکشی مردم می شد.

الآـن اگر دقـت بکنیم، اگر افرادی یـا خـانواده ای، یـا جـامعه ای که از نظر اقتصـادی در رفـاه و آرامش باشـند متأسـفانه از این موقعیت خود سوء استفاده می کنند و منحرف می شوند.

اصلاح امور مالیاتی

به طور کلی، یکی از مسائل اساسی که جامعه بشری و دولت های عالَم به آن متکی هستند، مالیات هایی است که ملّت باید به دولت پرداخت کند و معمولاً از جمله مشـکلات اقتصادی، مشکل جمع آوری و ممیزی مالیات است و در این زمینه مقررات و قوانین، همیشه دچار نقص و نقض و ابهام می باشد. هم ممیزین مالیات، دچار مشکل هستند هم مؤدّیان مالیات در جامعه دچار مشـکل هستند. تشخیص این که مالیات این مؤدّی به واقع چقدر است، کار بسیار دشواری است و اگر چنانچه جامعه ای متکی به مالیات باشـد و مالیات به خوبی پرداخت نشود از نظر اقتصادی دچار مشـکل می شود و هر جامعه ای که قوانین مالیاتی شان قوانین درستی باشـد و جـامعه، ارتبـاط مالیاتی اش با دولت، ارتباط صـحیحی باشـد معمولاً دچار مشـکل نمی شود و می تواند جنبه اقتصادی خود را قوی کند و مشکلات جاری و عمرانی دولت خود

را تأمین کند.

حالا این نکته را به عنوان رابطه صحیح دولت و ملت می خواهم از این حدیث استفاده کنم.

می فرماید: در زمان حکومت امام زمان علیه السلام مؤدّیان مالیات؛ یعنی مردم، خودشان مالیات هایشان را به دوش می کشند و تحویل دولت امام زمان علیه السلام می دهند و در نتیجه پرداخت صحیح و کامل مالیات مردم به دولت، دولت از نظر اقتصادی تقویت می شود و جامعه را از نظر اقتصادی به جلو می برد و آباد می کند. به قدری رفاه و آسایش در جامعه زیاد می شود که اگر لطف خدا نبود موجب می شد که مردم از مسیر سعادت منحرف شوند و طغیان کنند. به تعبیر قرآن کریم، وقتی انسان احساس کند که بی نیاز شده سر به طغیان برمی دارد: «إِنَّ الْإِنسانَ لَيَطْغى * أَن رَآهُ اسْتَغْنى ؛(۱۸۹) «انسان وقتی خودش را غنی و بی نیاز و مرفه ببیند که هیچ مشکلی ندارد و ظاهراً به کسی محتاج نیست، طغیان می کند».

امّا در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مردم از نظر اقتصادی قدرت و توان بالایی پیدا می کنند و گشایش و آسایش و وسعت مادی پیدا می کنند امّا منحرف نشده، طغیان و سرکشی نمی کنند؛ زیرا در حکومتی زندگی می کنند که خود، عنایت خداست و در رأس حکومتش امام عادل را دارند. کارگزاران این امام هم، کارگزاران عادل هستند؛ هم از نظر فکری و هم از نظر فرهنگی اصلاح می شوند، وقتی اصلاح شدند، نه رفاه اجتماعی و نه رفاه اقتصادی و نه تکامل علمی، هیچ کدام موجب این نمی شود که انسان از مسیر عدالت و تقوا خارج شود و طغیان پیشه کند.

این دورنمایی است از عصر ظهور که خداوند ان شاء اللّه به زودی زود، ما

را از دولت عالمی امام زمان علیه السلام برخوردار بفرماید.

«اَللّهُمَّ إنّا نَرْغَبُ إلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَریمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإسْلامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فِیها مِنَ الدُّعاهِ إلی طاعَتِکَ، وَالْقادَهِ إلی سَبیلِکَ، وَتَرْزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ».(۱۹۰)

امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان«ع»

توضیح

به دنبال بحث پیرامون وضعیت دوران حاکمیت امام عصرعلیه السلام در این قسمت درباره نعمت امنیت عمومی در عصر حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور شما می کنم. نعمت امنیت از مهم ترین نعمت های الهی برای بشر است.

در حدیث شریفی وارد است که «نعمتان مجهولتان الصّحه والامان» دو نعمت است که قدر آن مجهول است در حالی که بی اندازه ارزش دارد؛ یکی نعمت عافیت و صحت و سلامت است و دیگری نعمت امنیت و آرامش. نعمت امنیت از نعمت سلامتی هم بالاتر است، اگر انسان از نظر جسمی سلامت کامل داشته باشد امّا از نظر روحی و روانی در امنیت نباشد، آن سلامت هم نمی تواند برای او نافع باشد. یکی ازمهم ترین مسائلی که جامعه بشری امروزه از آن رنج می برد ناامنی است، در جوامع بشری امروز، ناامنی در جاهای متعددی حاکم است، به گونه ای که انسان ها در خانه خود هم احساس ناامنی می کنند. جنگ ها و خونریزی ها و تجاوزها و عادت به تهدید نظامی و موشک های قاره پیمای دارای کلاهک های هسته ای، ارعاب و تهدیدها و تجاوزهایی که توسط ابرقدرت های مسلح در دنیا وجود دارد، ماهواره های جاسوسی و... نعمت امنیت را متزلزل کرده است. رفتار نابخردانه بعضی از انسان ها هم در جوامع کوچک و بزرگ موجب سلب آرامش جامعه شده است. اشاعه فحشا و منکرات، امنیت اخلاقی را به هم زده است، آدم ربایی ها یکی از مسائلی است که در دنیای

پیشرفته جزء ابتلائات است. از نظر تهاجم به فرهنگ و عقاید و آزادی های جامعه بشری، امروز کسی احساس آرامش ندارد؛ بنابراین یکی از مهم ترین مسائلی که در دوران حاکمیت قدرت های باطل، بشر به آن مبتلا می شود، ناامنی و وحشت است و به وجود حاکمیت امام زمان علیه السلام این وحشت از بین می رود و به جای آن آرامش و امنیت و آسایش حاکم می شود.

آیات قرآن درباره امنیت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

این وعده خداست که در آیه شریفه می فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ»؛ خدا به شما مؤمنان و کسانی که دارای کردار شایسته هستید وعده داده است و در دنباله آیه شریفه می فرماید: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً»(۱۹۱) بعد از دوران حاکمیت خوف و وحشت و نا امنی ها، به واسطه وجود مبارک امام زمان علیه السلام خداوند، امنیت و آرامش را در جامعه حاکم می کند. بر اساس آیات و روایات، عصر حکومت امام زمان علیه السلام عصر امنیت عمومی است. به یکی از این آیات بر اساس نقلی که از امام صادق علیه السلام شده است اشاره می کنم. علاوه بر آیه قبلی که در ارتباط با امنیت مطرح کردم، راوی می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، ابوحنیفه وارد شد، امام صادق علیه السلام رو به او کرد و فرمود: چه می گویی درباره مفهوم این آیه: «سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَأَيّاماً آمِنِينَ»؛(۱۹۲) «سیر کنید در زمین، شب ها و روزها در حالی که در امنیت هستید» منظور چیست و کجاست؟

ابوحنیفه گفت: ظاهراً این در ارتباط با راه هایی است که به مکّه منتهی می شود و این امنیت در این راه ها وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: پس این همه ناامنی ها و راهزنی ها و غارت هایی را که متوجه

مسافران و زائران بیت اللَّه الحرام می شود چیست؟

ابوحنیفه پاسخی نداشت. سپس امام علیه السلام فرمود: درباره این آیه شریفه که می فرماید: «وَمَن دَخَلَهُ كانَ آمِناً» معنی آن چیست و درباره چیست؟

ابوحنیفه گفت: این آیه ظاهراً درباره بیت اللَّه الحرام است. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا حجاج بن یوسف نبوده که برای دستگیری عبداللَّه بن زبیر خانه کعبه را به منجنیق بست و تخریب کرد و عبداللَّه بن زبیر را در آنجا کشت؟ باز ابوحنیفه سکوت کرد. راوی می گوید: وقتی ابوحنیفه از مجلس بیرون رفت، ابابکر خزرمی به امام صادق علیه السلام گفت: یابن رسول اللَّه! جانم فدای شما باد، منظور از این آیه چیست؟

حضرت فرمود: منظور از امنیتی که در آیه آمده، امنیتی است که در دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام در دنیا و در قلمرو حاکمیت او که کل دنیاست، ایجاد می شود.(۱۹۳) پس می بینیم بر حسب تفسیر امام صادق علیه السلام در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عموم بشر در تمام عالم، در آرامش خاطر و امنیت کامل هستند.

روایات امنیت در عصر حکومت امام عصر علیه السلام

به دلالت روایات نیز روایات فراوانی داریم که به بعضی از آن ها اشاره می کنم. یکی از چیزهایی که جزو ضروریات است تأمین امنیت راه هاست. ارتباطات انسان ها از یک نقطه جغرافیایی به نقطه دیگر اجتناب ناپذیر است، لذا امنیت راه ها بسیار ضروری و مهم است. راوی می گوید: ما الآن در زمان خوبی هستیم. دیگر چرا آرزوی عصر حکومت امام زمان علیه السلام را داشته باشیم؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «أ ما تحبّ أن یظهر العدل ویأمن السبل وینصف المظلوم؛(۱۹۴) آیا تو آرزو نداری که عدل شکوفا شود و همه جا را بگیرد و امنیت در همه راه ها، حاکم شود و

مظلومین به حقوق خود برسند»؛ یعنی در زمان حکومت امام زمان علیه السلام عدل و انصاف و امنیت همه جامعه را شامل خواهد شد.

در روایت دیگری امام باقرعلیه السلام می فرماید: «یقاتلون وللّه حتّی یوحَد للّه ولا یشرکَ به شیئاً و حتی تخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب ولا ینهاها أحد».(۱۹۵) جهادی که در عصر امام زمان علیه السلام تحقق پیدا می کند موجب می شود که همه خداپرست شوند و هیچ کسی شرک به خدا نمی ورزد و امنیت همه جا سایه اش حاکم می شود. به گونه ای که اگر پیرزن عاجز و ضعیفی اراده کند که از شرق دنیا به غرب دنیا برود می تواند و در امنیت کامل است و کسی متعرض او نمی شود، و کاری به کارش ندارد.

روایت دیگری از علی بن ابی طالب علیه السلام که می فرماید: «واصطلحت السباع والبهائم حتی تمشی المرأه بین العراق إلی الشام لا ـ تضع قدمیها إلّا علی النبات وعلی رأسها زبیلها لا یهیجها سبع ولاتخافه؛(۱۹۶) درندگان اصلاح می شوند حال این درندگان، آیا همین بهائم است حیوانات و سبع، درندگان بیابانند؟ البته این معنی شاید به صورت مجازی هم باشد؛ یعنی انسان هایی که خلق و خوی درندگی دارند اصلاح می شوند. درندگان و چارپان هم اصلاح می شوند. چرا که امام زمان علیه السلام ولایت الهی دارد و در آن ها تصرف می کند. به گونه ای که زنی (ظاهراً منظور زن جوان است) از عراق حرکت می کند و به سمت شام می رود و بر روی سبزه های زمین حرکت می کند؛ یعنی بیابان سبز و خرم می شود، متاع ها و اثاثیه خودش را بر سرش می گیرد و به شام می رود و هیچ کس هم متعرض او نمی شود و او از احدی وحشت

ندارد.

یعنی اگر یک زن از یک نقطه دنیا به نقطه دیگر دنیا برود، آن چنان فهم، درایت و تقوای انسان ها بالا می رود که هیچ کس متعرض او نمی شود. چنین امنیتی در دنیا سابقه ندارد.

در راویت دیگر از ابن عباس است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «حتّی یأمن الشاه والذئب والبقره والأسد والإنسان والحیّه وحتّی لا ـ تقرض فأره جراباً»؛(۱۹۷) مفهوم این حدیث خیلی مهم است، می گوید: درندگان به گونه ای اصلاح می شوند که خلق و خوی درندگی از آنان گرفته می شود، در آن شرایط گوسفند در امنیت است، گرگ در امنیت است، این تنازع بقایی که در دنیا حاکم است از بین می رود و گوسفندی که مظلوم است و نمی تواند در برابر گرگ از خودش دفاع کند در امنیت کامل است گرگ هم دربرابر درنده قوی تر از خودش در امنیت است، شیر و گاو که دشمن مقابل همدیگرند در امنیت هستند، انسان از مار که گزنده و زهرآگین است در امنیت است، حتی موش ها هم به انبارها حمله نمی کنند و آن را نمی جوند.

یعنی با وضعی که پیش می آید و با عنایتی که خدا به امام زمان علیه السلام دارد، عالم به طور کلی اصلاح می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام القائم حکم بالعدل وارتفع فی ایّامه الجور وأمنت به السبیل؛(۱۹۸) هنگامی که حضرت قائم قیام کند به عدالت حکومت می کند و در دوران او ستم از بین می رود وراه ها امن می گردد».

در روایت دیگر است که شیطان رجیم به دست امام زمان علیه السلام کشته می شود؛ یعنی شیطانی که باعث اغوا و انحراف بشر است از بین می رود. بنابراین می بینیم که از جهات مختلف، امنیت عمومی در جامعه بشری و

در عالم بهائم و درندگان در عصر حکومت امام زمان علیه السلام حاکم خواهد شد.

ما باید به عنوان منتظران ظهور امام زمان علیه السلام جامعه و اخلاق و افکار و محیط زندگی مان را به گونه ای امنیت ببخشیم و اصلاح کنیم تا ان شاء اللّه بتوانیم لیاقت پیدا کنیم در عصر حکومت امام زمان علیه السلام در آن جامعه ای که مأمن و محل امن همه است عضویت دولت جهانی امام زمان علیه السلام را داشته باشیم.

آمین یا رب العالمین

وضعیت اقتصادی جامعه در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

اشاره

در این قسمت پیرامون موضوع دیگری در ارتباط با وضعیت زمان ظهور و دوران حکومت سراسر نور امام زمان علیه السلام بحث می کنم و آن، در باب فراوانی نعمت و احساس غنا و بی نیازی مردم است.

در روایات و آیات قرآن کریم، رابطه تنگاتنگی بین مسائل مادی و نعمت ها با گناه و معصیت ها احساس می کنیم؛ یعنی از بعضی روایات و آیات بر می آید که بر اثر وجود گناه و معصیت مردم و نیز حاکمیتی که در زمین حاکم می شود با فراوانی یا کمبود نعمت ها و فقر، ارتباط مستقیم وجود دارد.

در آیه ای از قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّمآءِ وَالْأَرْضِ»؛(۱۹۹) «و اگر چنانچه اهل آبادی یا یک جامعه ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند و گناه و معصیت نکنند همانا برای آن ها درهای برکات خودمان از آسمان و زمین را می گشاییم».

هر خیر و برکتی که تصور شود یا از آسمان است و یا از زمین، حال این برکات، برکات مادی یا معنوی که از آسمان و زمین و از جانب خدا برای بندگان است چه وقت و به چه شرطی سرازیر می شود، می فرماید: اگر چنانچه

اهـل یک جامعه ای ایمان بیاورنـد و تقوا پیشه کننـد و گناه و معصـیت نکننـد و این دو شـرط حاصل شود، خداونـد برکات را برای مـؤمنین در آسـمان و زمیـن نـازل می کنـد. در روایـات و آیـات عکس آن را هم داریم؛ یعنی گـاهی بعضـی از گناهـان موجب می شود که عـذاب آسـمان و زمین بر انسـان و جـامعه نازل شود. در دعای شـریف کمیل امیرالمؤمنین علیه السـلام می فرمایـد: «اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ؛(۲۰۰) بـار خـدایا! مرا از آن گناهـانی که بـاعث تغییر نعمت ها می شود، پاکم گردان»؛ یعنی گناه بر روی نعمتی که خدا می دهد اثر می گذارد. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام است که: «اذا ظهرت الجنایات وارتفعت البرکات؛(۲۰۱) هنگامی که جنایت ها آشکار شود برکت ها از زمین می رود».

حال در دوران حکومت امام زمان علیه السـلام، که قبلاً مطالبی تقدیم حضور شد، عصـر حکومت امام زمان علیه السـلام عصر حـاکمیت دین و معنویت و تقواست. جرم و گناه و معصـیت و تخلف ریشه کن می شود و همه مردم اهل ایمان و تقوا و امانت و صداقت خواهند شد. با توجه به وعده الهی در قرآن کریم، قطعاً بایستی عصـر حکومت امام زمان علیه السلام عصر بی نیازی و فراوانی نعمت های مادی و معنوی باشد و خداوند درهای برکات آسمان و زمین را به روی بندگان می گشاید.

در عصـری که مـا زنـدگی می کنیم یعنی عصـر غیبت امـام زمـان علیه السـلام و در دورانی که حکومت ها در دست حـاکمان عادل و مجریان منضـبط به ضوابط الهی نباشد اگر مردم جامعه بر اساس ضابطه ایمان و تقوا عمل نکنند عصر حاکمیت دین به معنای کامل کلمه نباشد، فقر و نداری و گرفتاری، تجاوز، تبعیض و شکاف طبقاتی

هست و شیطان نیز با نفوذ و حاکمیت در دل ها، انسان ها را از فقیر شدن می ترساند، و تهدید به فقر می کند.

در قرآن کریم می فرماید: «الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ»؛ «شیطان شما را به فقر تهدید می کند».

شیطان به پولـداران این گونه القا می کنـد که اگر دسـتتان به جیبتان برود و بخواهید پولتان را هزینه کنید فقیر خواهید شد، امّا در عصر حاکمیت امام زمان علیه السلام دیگر شیطان نیست که بخواهد تهدید به فقر کند. افکار شیطانی دیگر حاکمیت ندارد بلکه مردم تابع خدای رحمانند؛ بنابراین خداوند طبق وعده ای که دارد زمین را پر از نعمت می کند.

فراوانی نعمت

در زمـان حکومت امام زمان علیه السـلام هم خود نعمت فراوان می شود و برکات آسـمان و زمین بر مردم نازل می شود و هم مردم در درون خودشان احساس بی نیازی می کننـد. این نکته مهمی است، ممکن است فردی پول فراوانی داشـته باشد ولی به دلیـل القـای شـیطانی یا عـدم ایمان به خـدا، احساس فقر نمایـد. پول دارد، امّا نگران و ناراحت است که مبادا فقیر شود و حتی اموال خود را برای مصالح شخصـی اش هزینه نمی کند، خانواده خود را در سختی نگه می دارد، خودش هم غذای خوب نمی خورد، به مسافرت خوب نمی رود، در راه خدا هم مصـرف نمی کند، از ترس این که ممکن است فقیر شود. سـرمایه دار است امّا به خاطر ترس فقر، فقیرانه زنـدگی می کند. به تعبیر قرآن کریم می فرماید: «الشَّیْطانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ»؛ «شـیطان او را از فقر می ترساند».

مصـداق آیه، این افراد هسـتند، در عین ثروتمنـدی، واقعاً فقیرند، در ذهن خود احساس فقر می کنند، اگر از او بپرسـند چگونه ای؟ می گوید: وضعم خراب است. یکی هم ممکن است به دلیل ایمان، اعتقاد و توکلی که

به خـدا دارد، فقط نان امروزش را دارد ولی احساس بی نیازی می کنـد. طبق احادیث در زمان حکومت امام زمان علیه السـلام مردم در دل خود احساس بی نیازی می کنند و هیچ کس احساس فقر در درونش نیست.

از قول پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله وارد شـده که فرمود: «ویملأ اللّٰه قلوب أمه محمّدصـلی الله علیه وآله غنی ویسـعهم عدله حتّی یأمر منادیاً ینادی، یقول: من له فی المال حاجه؟ فما یقوم من الناس إلاّ رجل واحد ثمّ یأمر له بالمال فیأخذ ثم یندم؛(۲۰۲) در دوران ظهور امام زمان علیه السلام دل های امّت پیامبرصلی الله علیه وآله پر از بی نیازی می شود؛ یعنی همه قلباً احساس بی نیازی می کنند و عدل امام زمان علیه السـلام همه جا گسترش می یابد تا این که دستور می دهد تا منادی در میان جمعیت ندا کنـد که هر کسـی هر چه احتیـاج دارد بیایـد و بگیرد. هیچکس بلنـد نمی شود بگویـد من احتیاج دارم غیر از یک نفر، او بلند شـده می گویـد، من احتیاج دارم، این یک نفر که بلنـد شـده مال را می گیرد بعد پشـیمان شده می گوید می خواهم چه کنم، همان را بر می گردانـد». این بی نیازی در دل مؤمنین است، احساس احتیاج نمی کنند. البته ما در روایات دیگری داریم که، به قدری اعتماد متقابل در جامعه وجود دارد که اگر کسی چیزی بخواهد دست در جیب رفیق کناری خود می کند، پول را برمی دارد و او هم مانع نمی شود؛ زیرا دل ها یکی می شود.

به یاد روزهای اوّل انقلاب بیفتید، رایحه ای از حکومت الهی و قلبی و معنوی را در آن عصر دیدیم، مردم اصـلاً ولع نداشـتند وبه دنبال زمین و مال و امتیاز و حقوق و ریاست نبودند، شما بزرگ ترها همه

یادتان هست که هر چه داشتید با دیگران می خوردید جو حاکم بر جامعه در اواخر ۱۳۵۷ و سال ۱۳۵۸ را در ذهن خود مرور کنید، یادم هست بچه های جهاد و سپاه که من از نزدیک در خدمتشان بودم، واقعاً اگر می خواستند مختصر پولی به عنوان کمک هزینه بگیرند خجالت می کشیدند و نمی گرفتند، همین وضع در زمان حکومت امام زمان علیه السلام به گونه ای می شود که همه این حالت را احساس می کنند، امّا پس از آن هر چه به این سمت می آییم از این حالت معنوی فاصله می گیریم، به دنبال زمین و مال و مقام و مسائل دیگر امّا در عصر امام زمان علیه السلام واقعاً مردم به سمت وسوی معنویت حرکت می کنند.

حدیث دیگر: حضرت علی علیه السلام از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده است، می فرماید: «یأتیه الرجل والمال کدس فیقول یا مهدی اعطنی فیقول خذ»؛(۲۰۳) زمانی که امام زمان علیه السلام بیاید اموال (بیت المال) روی هم انباشته شده است، بعد کسی به امام زمان علیه السلام خطاب می کند من احتیاج دارم. حضرت می فرماید: برو بگیر، او هم به قدر احتیاج خود می گیرد.

در حدیث دیگری مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: «إن قائمنا إذا قام أَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها واستغنی العباد، عن ضوء الشمس وذهبت الظلمه ویعمر الرجل فی ملکه حتی یولد له ألف ذکر لا تولد فیهم أنثی وتظهر الأرض کنوزها حتی تراها الناس علی وجهها ویطلب الرجل منکم من یصله بماله ویأخذ من زکاته لا یوجد أحد یقبل منه ذلک استغنی الناس بما رزقهم اللّه من فضله»(۲۰۴) زمین به نور پروردگارش روشن می شود البته این که این معنایش چیست بحثی دیگر است

که ان شاء اللّه در قسمت های بعد مطالبی را خواهم گفت که زمین گنج هایش را ظاهر می کند، این گنجینه ها چیست؟

اوّلاً استعداد باروری و رویاندن زمین در حدّ اعلا، شکوفا می شود. یک زمانی اگر شما در مزرعه ای یک کیلو می کاشتید مثلاً ۵ کیلو برداشت می کردید، امّا الآن به دلیل اطلاعات و آگاهی که دارند و استعداد زمین را فهمیدند و نهال های کشاورزی را متخصصین کشف کرده اند، استعداد زمین را به تناسب کشت ها فهمیدند، بعضی از زمین هاست که در بعضی از اخباری که از رسانه ها پخش می شود، توان تولید زمین، ۵ برابر گذشته شده، پس این زمین استعداد رویاندن و رشد دادن به مواد تولیدی خود را دارد و در عصر امام زمان علیه السلام زمین هر چه لیاقت دارد ظاهر می کند.

در دل زمین گنج های زیادی خوابیده است که همه این گنج ها را زمین اخراج می کند. همه مردم این گنج ها را می بینند که بر روی زمین است ثروتمندی که در میان آن جامعه وجود دارد و اموال به دستش آمده، داد می زند که زکات بر من واجب است بیایید زکات بگیرید، همه مردم بی نیاز می شوند، همه مردم از نظر مادی به غنا می رسند، ثروت در اختیارشان قرار می گیرد، همه مردم احساس بی نیازی می کنند به خاطر نعمتی که خدا در اختیارشان قرار داده است. حال ببینیم آن زمان چه وضعی پیدا خواهد شد.

بنابراین با توجه به آیات و روایات که مطرح شد که بیانگر سامان یافتن وضعیت اقتصادی و مادی و معنوی دوران حکومت امام زمان علیه السلام است، می توان این نکته را نتیجه گرفت که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام اگر ما، آن شرطی که خدا قرار داده؛

یعنی ایمان و تقوا را پیشه کنیم، خدا هم عنایات خود را بر ما ارزانی خواهد داشت و نعمت خدا بر ما فراوان خواهد شد.

به عنوان نمونه همین عصر حاکمیت انقلاب اسلامی را ببینیم، این همه فراوانی نعمت است، در هر کشوری که انقلاب رخ داده مردم از نظر مسائل روزمره و مسائل رزق و روزی شبانه روزی خود دچار مشکل می شوند. در سال ۱۳۲۰ بعضی از بزرگانی که یادشان هست نقل می کنند، در عرض ۲۴ ساعتی که ایران محل عبور نیروهای متفقین شد، چه قحطی و کمبودی ایجاد شده بود، امّا انقلاب و هشت سال دفاع مقدّس با همه تحریم اقتصادی و گرفتاری داخلی و خارجی و ایجاد نابسامانی مصنوعی در اقتصاد کشور، چقدر نعمت بحمداللّه فراوان است. البته مشکلات هست آن هم به دلیل این است که ما یعنی مسؤلین و مردم جامعه، بد عمل می کنیم و رعایت اصول و ضوابط را نمی کنیم امّا خداوند نعمت را بر این ملت به برکت اسلام و امام و خون شهدا ارزانی داشت و در آینده نیز چنین خواهد بود.

امیدواریم که خداوند همه ما را به عنوان منتظران واقعی امام زمان علیه السلام و منضبطین به ضوابطی که خدا برای بندگان شایسته خود تعیین فرموده است قرار داده و مؤدب به آداب دینی بگرداند و ما را با احکام و فرایض دینی آشناتر بفرماید و ان شاء اللّه ما را از وجود برکات آسمان و زمین خود بهره مند بگرداند.

پیشرفت اطلاعات و تکنیک در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

توضیح

در این قسمت درباره پیشرفت علمی و صنعتی در دوران حکومت امام زمان علیه السلام مطالبی را تقدیم حضور می نمایم.

امام زمان علیه السلام حکومتش کل عالم را شامل می شود، بنابراین بایستی

هم در رسانـدن خـدمات و نیازمنـدی هـا به سراسـر عـالم دارای قـدرت بوده و هم بایـد از نظر تحکیم موقعیت حکومت خود، اشـراف کامل و آگاهی لازم به همه عالم داشـته باشـد. و براساس روایات و آیات رسـیده، این قدرت در اختیار امام زمان علیه السـلام قرار خواهد گرفت. حال تسـلط امام زمان علیه السـلام به سراسـر عالم و سـلطه و آگاهی به همه عالم، یا با اسباب غیبی است یا با اسـباب عادی و طبیعی البته ما بر حسب سابقه ای که از امامت امامان دیگر داریم هیـچ کـدام از اولیای الهی و امامان هـدی - علیهم التحیه و الثنـاء - با ابزار غیر عادی و غیر طبیعی بر مردم حکومت نمی کردنـد. حکومت آن بزرگواران بر اساس ابزار عـادی و طبیعی بود نه بر اسـاس کمـک گرفتن از ابزار غیبی و معنوی. امـام زمان علیه السـلام نیز، بر این اساس تصور می شود که بخش اعظم از حکومت و وضعیت او بر اساس ابزار عادی و طبیعی و علمی است، لکن قدرت علمی بشر در آن عصر، بالا می رود. از روایاتی که بعداً تقدیم حضور شما خواهم کرد به این نتیجه می رسیم که امام زمان علیه السلام بر کل هستی و تمام دنیا و نیز بر آسـمان ها و زمین و دریا مسلط است. طبق روایاتی که خواهد آمد اطلاعات امام زمان علیه السلام بر کل دنیا اشـراف دارد. می دانیم که هر چه زمان پیشـرفت می کند قدرت در اختیار کسانی قرار می گیرد که دارای آگاهی و اطلاعات بیشتری باشـند. امروزه یک مسأله ثابت شـده است که حرف اوّل را در دنیا از جهات مختلف، کشوری می زند که اطلاعات او از همه بیشتر باشد، حال

این اطلاعات بستگی به موارد مورد نیاز دارد. ممکن است اطلاعات، علمی باشد یا اطلاعات عمومی که تأمین کننده و آماده کننده امنیت جامعه است باشد.

در روایتی از قول ابوبصیر است که امام صادق علیه السلام نقل می کند: در عصر امام زمان علیه السلام آگاهی و اطلاعات و علوم پیشرفت بی نظیری دارد.

قبل از این که روایت را مطرح کنم نکته ای باید توضیح دهم. منظور من در این قسمت این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام علم پیشرفت عظیمی می کند، صنعت و تکنیک به عالی ترین حد خود می رسد، انسان، مسلح به علم و دانش و تکنیک می شود، علومی علاوه بر محدودیتی که در علوم امروز هست.

تفاوت دیگرش این است که در عصر ما و یا عصر قبل از ظهور آن حضرت، علم به عنوان یک وسیله مثبت از او استفاده نمی شود، بیشترین بهره ای که از علم می برند در جهت خلاف و تخریب است، می بینیم که هم به صورت پیشرفت علمی در بعد صنعت به خصوص صنایع نظامی، هم پیشرفت علمی در زمینه فرهنگی و ابزار فرهنگی، علم مورد سوء استفاده شدیدی قرار می گیرد. در حقیقت حاصل علم امروز، بلای جان بشر شده است، پیشرفت علمی در بعد صنایع نظامی، هستی جامعه بشری را تهدید می کند.

برتراندراسل در کتاب خود «آیا بشر آینده ای دارد؟» که به فارسی هم ترجمه شده، ماجرایی را نقل می کند و یک تکه از نطق جان اف کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا که ترور شد را نقل می کند که در نطق عمومی خود گفته بود آمریکا قدرت اتمی اش به قدری است که می تواند کره زمین را ۵ بار به خاکستر مبدل کند. راسل می گوید:

طبعاً همین قدرت را هم شوروی دارد، او نتیجه می گیرد با توجه به مبارزات تسلیحاتی اتمی که در دنیا وجود دارد امکان این معنی هست که روزی انسان هایی که از عقل و خرد لازم و از اخلاق بشری برخوردار نیستند از این سلاح های مخرب استفاده کنند. کافی است با فشار دادن تکمه های سکوهای پرتاب، موشک هایی که با کلاهک های هسته ای استوار است تمام دنیا را به خاکستر تبدیل کند. و او نتیجه می گیرد که این بشر به وسیله پیشرفت سلاح های نظامی، موجودیت او در خطر است.

امروزه می بینیم که رئیس جمهور و دست اندرکاران سیاست استکباری آمریکا، عربده جنگ طلبی سر می دهند آن هم به خاطر قدرت تسلیحاتی است که در اختیار دارند. یا در زمینه پیشرفت ابزار و تکنیک آگاهی و فرهنگی؛ از جمله پیشرفت رایانه و دستگاه های مدرن اینترنت، که ابزار فرهنگی است. امّا متأسفانه از آن سوء استفاده می شود. آن هایی که در باب کارایی رایانه و اینترنت در سطح بین المللی آشنایی دارند، می دانند که راهزنی ها و دزدی ها و غارت های اعجاب انگیزی از طریق اینترنت در دنیا انجام می شود. اشاعه فحشا و تخریب اخلاق به وسیله اینترنت، در دنیا غوغا می کند. در یکی از این گردهمایی علمی که یکی از صاحبنظران در آن حضور یافته بود و ما هم برای استفاده حضور داشتیم صحبت هایی در باب سوء استفاده از اینترنت مطرح کرده که واقعاً هم اعجاب آور بود و هم وحشتناک که چگونه به وسیله این دستگاه پیشرفته علمی و فرهنگی، جریان های خلاف بشری در دنیا برای انحراف نسل جوان از آن استفاده می کنند.

نتیجه می گیریم که در عصر ما پیشرفت علمی و پیشرفت تکنیک، چون در کنترل

انسان های خردمنـد و عاقل وجود ندارد اسـتفاده های تخریبی از آن زیاد است. علم امروز بیش از آن که به بشـر خدمت کند، در جنایات و تهدید بشری مؤثر است، امّا در عصر حکومت امام زمان علیه السلام این گونه نیست.

در عصر ظهور، همان طور که در گذشته گفتم، علم به حد اعلای ظرفیت بشری کمال پیدا می کند و در جهت خدمت بشر از آن بهره برداری می شود و به این خـاطر است که در مقـدمه بحث ذکر کردم آسـمان ها و زمین و دریاها زیر سـلطه امام زمان علیه السلام است.

روایت امام صادق علیه السلام

حال به بخشی از این روایت اشاره می کنم و بخش دیگر آن را در جلسات بعدی خدمتتان ذکر خواهم کرد. امّا در باب اطلاع و آگـاهی امام زمان علیه السـلام به همه عالم، ابوبصـیر می گویـد که امام صادق علیه السـلام فرمود: «إنه إذا تناهت الأمور إلی صـاحب هـذا الأمر رفع اللّه - تبارک وتعالی - له کل منخفض من الأرض وخفض له کل مرتفع حتی تکون الـدنیا عنـده بمنزله راحته فأیکم لو کانت فی راحته شـعره لم یبصرها؛(۲۰۵) هنگامی که فرمانروایی دنیا به صاحب الامرعلیه السـلام برسد خداوند تبـارک و تعـالی زمین هـای پست و فرو رفته را بالاـ و همه نقاط مرتفع عالم را پایین آورده و همه عالم را مسـطح می کنـد، به گونه ای که همه جا به منزله کف دست او می شود. کدام یک از شما اگر مویی در کف دست او باشد آن را نمی بیند؟»

معنی این که نقاط مرتفع پایین می آیـد چیست؟ آیا کوه ها به دره ها می افتد و پر می شود و همه عالم مسـطح می شود یا این که آگاهی و سلطه امام زمان علیه السلام به حدی است که فرو رفتگی های زمین را

که نقـاط پنهـانی است، آن را بر ملا و آشـکار می کنـد، درستماننـد نقطه بلنـد که در معرض دیـد است و نقطه بلنـد هم که گاهی به خاطر بلنـدی از تیررس آگاهی دور است به خاطر پیشـرفت اطلاعات، ماننـد زمین های مسـطح می کند؟ هر دو معنی متصور است، امروزه شـما می بینیـد که اطلاعات ماهواره ای که وجود دارد کل دنیا برای او مسـطح است، اگر در کف دسـت مویی باشد آن را می بینید. دنیا برای امام زمان علیه السـلام مانند کف دست می شود، امام زمان علیه السـلام اشراف آگاهی و اطلاعـاتی او به کـل عالم است و همه عالم را می بینیـد، امّا چگونه؟ همان گونه که در مقـدمه بحث گفتم حکومت امام زمان علیه السـلام ماننـد بقیه ائمه علیهم السـلام به صـورت عـادی و طـبیعی است، تنهـا نبایـد از آن برداشت امـدادهای غیـبی نمـود. پیشـرفت علمی در عصـر امـام زمان علیه السـلام آن را ایجاب می کنـد و در زمان ما این گونه نیست که کشورهای پیشـرفته به وسـیله اطلاعـات مـاهواره ای از همه نقـاط کور دنیـا اطلاع یابنـد. وقتی امروزه، بشـر پیشـرفته و مسـلح به تکنیک بتوانـد چنین اطلاعاتی داشـته باشد، در عصر امام زمان علیه السلام که اوج آگاهی است، اطلاعات و کسب اطلاعات عمیق تر نخواهد بود؟ قطعاً امام زمان علیه السلام به همه عالم مانند کف دست اشراف و آگاهی دارد.

در حـدیث دیگری از امـام بـاقرعلیه السـلام نقـل شـده که وجه تسـمیه امـام زمان علیه السـلام به مهـدی این است: «إنما سـمی المهدی لأنه یهدی إلی أمر خفی حتی إنه یبعث إلی رجل لا یعلم الناس له ذنبا فیقتله حتی إن أحدهم یتکلم فی بیته فیخاف أن یشهد علیه الجدار»؛(۲۰۶) ایشان مهدی نامیده شد. چون او

هـدایت می شود به همه امور پنهـانی عـالم و مأمور می فرسـتد برای دسـتگیری کسانی که مردم فکر نمی کننـد هیـچ گناهی و جرمی داشـته باشـند، امّا امام زمان علیه السـلام آن ها را دسـتگیر و مجازات می کنـد وبه قتل می رسانـد و طوری می شود که افرادی که می خواهند حرف خلاف در خانه خود بزنند می ترسند که دیوار علیه آن ها شهادت بدهد. پس با این تعبیر، ایشان همه چیز را می بیند و همه نقاط و همه اطلاعات و همه امور در نزد امام زمان علیه السلام است. لذا باعث می شود مردم متوجه شوند امام زمان علیه السـلام از همه پنهان ها خبر دارد. امروزه می بینیم بشر با همین علم محدودی که دارد این وضعیت را پیدا کرده، امروزه اطلاعات ماهواره ای به قـدری قوی شـده که می توان از خانه افراد هم اطلاع یافت و با کار گذاشـتن میکروفون ها و دوربین های مخفی که در دیوارها به کار می رود که شـخص هر حرکتی که در خانه خود داشته باشد را می توانند به هر نقطه ای از عالم مخابره کنند، با این که علم امروز محدود است. امّا در عصـر امام زمان علیه السـلام چگونه خواهد بود. لذا در این روایت مردم وقتی می خواهند درخانه خود حرف خلاف بزنند می ترسند مبادا دیوار به امام زمان علیه السلام خبر بدهد.

اشراف کامل امام زمان علیه السلام به امور عالم

این اشراف کامل امام زمان علیه السلام به کل عالم است، حال یا به وسیله ابزار پیشرفته علمی است و یا عنایات خاصّه الهی.

امّا در باب انرژی، امام صادق علیه السـلام فرمود: «إن قائمنا إذا قام أَشْـرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها واسـتغنی العباد من ضوء الشـمس وذهبت الظلمه»؛(۲۰۷) هنگـامی که امـام زمـان علیه السـلام ظهـور کنـد زمین به نور پروردگـار نورانی می شود و مردم از نور خورشید

بی نیاز می شوند و ظلمت از بین می رود». مفهوم آن چیست؟ الآن خیلی متوجه نمی شویم.

مگر همین بشر نبود که در بخشی از ۲۴ ساعت که زمین درتاریکی فرو می رفت، در آن قسمت از نقطه جغرافیایی که زندگی می کنیم با وسایل چوبی نور ایجاد می کردیم.

کم کم مواد ناریه دیگری کشف شد، به وسیله نفت روشن می شد. اکنون به وسیله انرژی آبی به تعبیر معروف، انرژی سفید از آب، برق می گیرند.

راکتورهای اتمی برق تولید می کنند، شب را مانند روز برای ما روشن می کنند در گذشته که این طور نبود. عصر امام زمان علیه السلام شاید بشر به تکنیک و فن آوری دست پیدا کند که شب و روز، روشن روشن باشد و اگر بخواهد ظلمت از بین می رود. یک مفهوم آن این می تواند باشد که در آن عصر، بشر به یک فن آوری جدیدی دست پیدا می کند که به انرژی خورشید هم نیاز ندارد، از یک انرژی پیشرفته تری برخوردار می شود. همین اکنون هم علما و دانشمندان در این فکرند که دیگر از نور خورشید استفاده کنند که طول ۲۴ ساعت محیط زندگی شان روشن باشند. در آن عصر، شاید به نکته ای دست یابند که حتی به نور خورشید هم احتیاجی نداشته باشد و به وسایل پیشرفته تری متوسل شوند و ظلمت را از بین ببرند. شاید با ابزار پیشرفته از حرارت و گرمای داخل زمین برای کسب انرژی و استخراج نور استفاده نمایند. الآن نمی توانیم ابعاد مختلف آن را کاملاً لمس کنیم، فقط از پیشرفت تکنیک امروزه به عنوان وسیله ای برای قبول این احادیث استفاده می کنیم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها

در باب تسلط امام زمان علیه السلام بر آسمان ها، امروزه می بینیم که حداقل بخشی از آسمان ها زیر

اتمسفر در اختیار بشر است و به وسیله هواپیماهای پیشرفته، در جو حرکت می کند، به وسیله فضا پیماها، از جو هم عبور می کند به بعضی از کرات دسترسی پیدا کرده، آپولو را به کره ماه فرستاد.

به این حدیث دقت کنید. امام باقرعلیه السلام می فرماید: «وذخر لصاحبکم الصعب قال: قلت: وما الصعب قال: ما کان من سحاب فیه رعد وصاعقه أو برق فصاحبکم یرکبه أما إنه سیرکب السحاب ویرقی فی الأسباب أسباب السماوات السبع والأرضین السبع؛(۲۰۸) سرور، صاحب و ولیّ امر شما یعنی امام زمان علیه السلام به صعب دسترسی پیدا می کند. پرسیدند: منظور از صعب چیست؟ فرمود: صعب ابری است که در آن رعد و برق و صاعقه شدید است. امام زمان علیه السلام بر آن تسلط می یابد و آن را در اختیار می گیرد و بر آن سوار می شود و از آسمان و زمین هفتگانه بالا می رود».

یعنی چه؟ امروز بشر بر آهن پاره سوار شده بر آسمان می رود، امروزه بشر به کمک گازها و مواد سوختنی سوار بر فلز می گردد به آسمان می رود. آیا امام زمان علیه السلام بر ابر سوار می شود؟

حال منظور از ابر چیست؟ ابر به معنی گاز یا چیز دیگری است نمی دانیم ولی این حدیث بیانگر قدرت فوق العاده امام زمان علیه السلام در استفاده از انرژی های موجود عالم است.

خداوند در آیه شریفه سوره مبارکه رحمن می فرماید: «یا مَعْشَرَ الْجِنِ ّوَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ»؛(۲۰۹) «ای جن و انس! اگر می توانید به اقطار آسمان ها نفوذ کرده، پس به آسمان ها بروید. نمی توانید به آسمان ها نفوذ کنید مگر با قدرت».

شاید بگویید که اگر ما مفهوم این آیات را بخواهیم

به مفهوم دنیوی تفسیر کنیم بعضی از این تفسیرها به دنیا می خورد، بعضی به آخرت و شاید بتوان گفت که در عصر امام زمان علیه السلام با سلطه علمی که دارند می تواند به آسمان ها نفوذ کند، همان طور که در حدیث فوق آمده است؛ بنابراین با قدرت علمی به وسایل حتی مادی و طبیعی با عنایت خاصه الهی، امام زمان علیه السلام به آسمان ها دسترسی پیدا می کند و به لطف الهی به کُرات نفوذ می کند. در بخش بعدی راجع به عمق پیشرفت علمی و اطلاعاتی و ابزار آگاهی که در عصر امام زمان علیه السلام در اختیار بشر قرار می گیرد صحبت خواهیم کرد.

خداوند دل های ما را به نور حضرت مهدی علیه السلام نورانی فرماید، ان شاء اللّٰه.

آمین یا رب العالمین

پیشرفت علمی و صنعتی در عصر ظهور امام زمان علیه السلام

اشاره

در قسمت قبلی پیرامون پیشرفت علمی و ترقی تکنیک و صنعت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام صحبت کردیم. بخشی از مطالبی راکه به دنبال همان مطلب لازم بود تقدیم محضرتان کنیم در این قسمت مطرح می نمایم، و آن مطلب درباره تسلط امام زمان علیه السلام ویارانش بر دریاها با ابزارهای عادی ویا امدادهای الهی است. حدیثی مفصل و طولانی در کتاب شریف بحارالانوار از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در دو بخش آن را تقدیم حضور شما می کنم.

تسلط امام زمان علیه السلام بر دریاها

قسمت اوّل: در زمینه تسلط آن حضرت در دریاها و عبور به آسانی از آب ها و اقیانوس هاست که می فرماید: «إذا قام القائم علیه السلام ویبعث جندا إلی القسطنطنیه فإذا بلغوا إلی الخلیج کتبوا علی اقدامهم شیئاً وامشوا علی المآء؛(۲۱۰) امام زمان علیه السلام لشکری را به قسطنطنیه اعزام می کند برای تسخیر سرزمین هایی که در دست دیگران است و به قصد زیر حکومت اسلامی در آوردن آن سرزمین ها و آن ها چون به قسطنطنیه و سپس به سوی خلیج رهسپار می شوند. وقتی به آب رسیدند چیزی بر پاهایشان می نویسند آن گاه از روی آب عبور می کنند.» حال این به چه ترتیب است؟ آیا به کمک آیاتی از قرآن و دعاها است، یا به برکت ولایت امام زمان علیه السلام حاصل می شود؟

طبعاً انسان هایی که از نظر ایمان و شناخت و عمل صالح به آن درجه اولیاء الهی برسند، آن ها نیز از جانب خداوند این ولایت را بر طبیعت پیدا خواهند کرد همان گونه که در قرآن کریم درباره یکی از افراد و اطرافیان حکومت سلیمان پیغمبرعلیه السلام خبر می دهد که در یک چشم به هم زدن، تخت و بارگاه بلقیس را به جایگاه

سلیمان حاضر کرد.

همان ولایتی که در تاریخ نظیر آن بسیار آمده است و یاران و سربازان امام زمان علیه السلام با همین عنایات و با همین قدرت های معنوی از روی آب عبور می کنند. بنابراین دریاها هم در قلمرو آن هاست و از دریاها هم استفاده های بهینه خواهند کرد.

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم در ارتباط با مسائلی که راجع به تسلط آسمان و زمین و دریاهاست به دلیل تکامل بشر امکان پذیر خواهد شد و به گونه ای می شود که امام زمان علیه السلام از نهایت قدرتی که در انسان می تواند به وجود بیاید و به کمال عالی برسد و از نهایت قدرت انسان استفاده می شود و استعداد و لیاقت های موجودات را به فعلیت رسانده و از آن استفاده می کند. اکنون بشر عادی توانسته از اتم، قدرت عظیم و شگفت آوری به دست آورد و از آن بهره مند شود. در عصر امام زمان علیه السلام علاوه بر کمک و امدادهای غیبی، از دانش و فن آوری هم که به عالی ترین درجه رشد خود خواهد رسید بهره کامل خواهد برد و خاصیت همه موجودات کشف خواهد شد. از این طریق است که سلطه امام زمان علیه السلام و حکومت او به تمام عرصه گیتی از آسمان و زمین و دریاها، سلطه عالیه و کامله است و این سلطه برای اعمال زور و ظلم وبه دست آوردن امکانات مادی در جهت تضییع حقوق افراد نیست، بلکه برعکس، این ها همه برای آن است که حقوق افراد آن چنان که حقّشان است به آن ها برسد و بشریت در عرصه هستی از آنچه را که خدا برای او آفریده در نهایت درجه کمال استفاده کند.

در روایت دیگر داریم که

امام زمان علیه السلام وقتی حکومتش به همه دنیا رسید برای اعمال حاکمیت خود در همه اقالیم مسؤولینی را نصب می کند، امام صادق علیه السلام می فرماید: «إذا قام القائم بعث فی اقالیم أرض فی کل اقلیم رجلاً یقول عهدک فی کفک فإذا اورد علیک مالا ـ تفهمه ولاتعرف القضآء فیه فانظر إلی کفک واعمل بما فیها»؛(۲۱۱) وقتی امام زمان علیه السلام به حکومت رسید برای هر ناحیه ای فردی می گمارد و آن را به آنجا می فرستد؛ یعنی فرماندار و والی برای اطراف و اکناف عالم انتخاب می کند. همان طوری که امیرالمؤمنین هنگامی که مالک را به مصر فرستاد عهدنامه حکومتی خود را در اختیار داشت، امام زمان علیه السلام هم به این فرستاده خود می گوید عهدنامه تو در کف دست توست؛ یعنی دستورالعمل را در اختیار و در کف دست او قرار می دهد و به او می گوید: وقتی به یک مسأله ای برخورد کردی که نمی دانی حکمش چیست و نمی توانی آن را بررسی کنی و دستور و راه حل آن را بلد نیستی به کف دستت نگاه کن. نمی فرماید: «فانظر ما فی کفک» می فرماید: «فانظر الی کفک» (به آن چه در دست توست) به کف دستت نگاه کن، این چه معنی دارد؟ ممکن است خیلی معنای پیچیده ای داشته باشد امّا می خواهم از آن استفاده ای کنم؛ شما امروزه به این دستگاه های پیشرفته کامپیوتر و رایانه توجه کنید که به شبکه جهانی اینترنت متصل هستند، به محض این که در یک مسأله گیر کرده باشند با توجه به رایانه های کوچک جیبی که در کف دست جای می گیرد می توانند عالی ترین و کامل ترین اطلاعات روز را از شبکه های بین المللی بگیرند. حال اگر یک کسی وابسته به مرکزی

باشـد و آخرین اخبـار را از مرکز خود بگیرد می توانـد از همین رایـانه هـا که به اینـترنت متصـل و به انـدازه کف دست اسـت اسـتفاده کند. این قدرت امروزی بشـر است امّا در عصـر امام زمان علیه السـلام همان طور که قبلاً گفتم دو حرف از ۲۷ حرفی که اسـتعداد علمی بشـر است در عصـر قبل از ظهور شـکوفا می شود. در عصر امام زمان علیه السلام تمام ۲۷ حرف شکوفا می شود. بشـر به چه قـدرتی دست می یابد، خدا می داند. این که امام زمان علیه السـلام می فرماید: به کف دست خود نگاه کنی می فهمی که چه بایـد بکنی، بیـانگر پیشـرفت علم و تکنیـک و صـنعت در آن عصـر است که مـا امروز نمی توانیم بفهمیم که حدّش تا کجاست.

وضعیت روابط مردم با همدیگر در عصر حکومت امام زمان علیه السلام

در روایت دیگری هم از امام صادق علیه السـلام نقل شده که راجع به وضـعیت و دوران ظهور حکومت امام زمان علیه السـلام می فرمایـد: «إن قائمنـا إذا قام مـد اللّه لشـیعتنا فی أسـماعهم وأبصارهم حتی لا یکون بینهم وبین القائم بریـد یکلمهم فیسـمعون وینظرون إلیه وهو فی مکـانه»؛(۲۱۲) هنگامی که امام زمان علیه السـلام ظهور کنـد خداونـد در گستره دید و شـنید شـیعیان ما امتـداد می دهـد؛ یعنی قـدرت بُرد گوش و چشم آن ها را گسترش می دهـد به گونه ای که بین مردم و امام زمان علیه السـلام واسـطه ای (مثل پسـتچی) وجود نـدارد، مردم دسـتورات خود را از امام زمان علیه السـلام مسـتقیم و رخ به رخ می گیرنـد امام زمان علیه السـلام با همه مردم و شیعیان خود در دنیا صحبت می کند، همه نگاهش می کنند حرفش را هم می شنوند در حالی که امام زمان علیه السلام در محل استقرار خود قرار دارد، مردم دنیا حرف امام زمان علیه السلام را می شنوند و چهره

مبارکشان را می بینند. شاید در ۵۰۰ سال قبل مفهوم این حدیث با دلایل امداد غیبی قابل قبول بود امّا امروزه مهم این حدیث آسان شده، الآن با به بازار آمدن تلفن های تصویری که نتیجه صنعت امروز است، این طرف عالم یکی با برادر خود تماس گرفته در آن طرف دنیا، او را با تلفن می بیند. حال حدیث دیگری هم هست که پیشرفت صنعت به فهم ما کمک می کند. پیغام های تصویری ماهواره ای فرض کنید که در سازمان ملل مراسمی است که مربوط به کل دنیا است که می خواهند مردم دنیا به طور همزمان آن را ببینند. رسانه های ماهواره ای تصویری همزمان آن را مخابره می کنند. کل دنیا آن را به صورت زنده می بینند در حالی که در منطقه خودشان هستند حرف هایشان را می شنوند و چهره هایشان را می بینند. در عصر امام زمان علیه السلام که قطعاً ابزار علمی پیشرفته تری در اختیار بشر قرار می گیرد آنچه در استعداد طبیعت است کشف می گردد.

در حدیث دیگری هم هست که می فرماید: «وإنّه لیبلغ سلطانه المشرق والمغرب وتظهر له الکنوز لایبقی فی الأرض خراب إلّا لیعمره»؛(۲۱۳) امام زمان علیه السلام شرق و غرب را در اختیار دارد و در آن شرایط زمین گنج های خود را ظاهر می کند، هیچ جایگاه خرابی نمی ماند مگر آن که آن را آباد خواهد ساخت.

این گنج چیست؟ آیا فقط طلا و نقره و معادنی که امرزه بشر آن را شناخته است منظور است یا استعدادهای عجیب و شگفت آوری که در همین زمین وجود دارد؟ در همین مولکول چه بسا استعداد عجیبی و قدرت عظیمی وجود داشته باشد که بشر تاکنون از آن آگاه نیست. در همین اتم چه قدرتی وجود داشت که

بشر امروز کشف کرد. امام زمان علیه السلام از استعدادهای زمین و ماده استفاده کرده، آن را کشف می کند. زمین و زمان هر چه دارد در اختیار او قرار داده و تسخیر وجود امام زمان علیه السلام می شوند و لذا امام زمان علیه السلام با شکوفا شدن نهایی استعداد علمی بشر و شکوفا شدن استعداد نهایی زمین و ماده، از او برای گسترش و بسط حکومت الهی اش بهره می گیرد.

باز در همین رابطه انسان هایی که در قلمرو امام زمان علیه السلام هستند دارای چنین قدرت و ابزاری می شوند. روابط انسان ها هم در آن عصر، رابطه فوق العاده ای می شود که در این مورد حدیث شریف را خدمتتان مطرح می کنم:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إنّ المؤمن فی زمان القائم علیه السلام وهو بالمشرق لیری أخاه الّذی فی المغرب وکذا الّذی فی المغرب یری أخاه بالمشرق»؛(۲۱۴) مردم مؤمن در عصر حکومت امام زمان علیه السلام هم، این گونه می شوند، برادری که در مغرب زندگی می کند برادرش را در شرق می بیند و آن برادر هم همزمان این برادرش را که در این طرف است می بیند. همان طور که عرض کردم امروز تلفن های تصویری و اینترنت همین کار را می کند. حال در عصر امام زمان علیه السلام قطعاً امکانات بیشتر است این ها می تواند به عنوان نمونه و نشانه ای باشد از این که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام جامعه و بشر ترقی می کند و همه آنچه را که انسان به آن احتیاج دارد به عالی ترین وجه در اختیارش قرار می گیرد.

دنیای آن عصر به دلیل حاکمیت حق و عدل و عنایات خاصه الهی و اعمال ولایت امام معصوم، همه در رفاه، آسایش، آسودگی، غنا، بی نیازی و سلامت روانی و جسمی و امنیتی هستند.

اگر

در آینده فرصتی شد اخبار و احادیث دیگری را تقدیم حضور شما خواهم کرد.

اینک به یکی از بیانات حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام که مربوط به بعد از ظهور امام زمان علیه السلام است اشاره می کنم.

امام حسین علیه السلام می فرماید: «لایبقی علی وجه الأرض أعمی ولامقعد ولا مبتلی إلّا کشف اللّه عیبه وبلائه بنا أهل البیت»؛ در آن عصر در دنیا نابینایی وجود ندارد مگر آن که خداوند به برکت ما اهل بیت او را بینا می کند، مبتلا و زمین گیری وجود ندارد مگر این که خداوند به برکت ما اهل بیت او را شفا می دهد؛ یعنی دیگر در دنیا غم و کدورتی نیست و عوامل ایجاد کننده غم و کدورت و مریضی و مشکلات از بین خواهد رفت. امروز ببینید که در عصر ما، جامعه بشری از بیماری ایدز مورد تهدید جدّی قرار گرفته است، اشاعه و گسترش میکروب سیاه زخم توسط آمریکا و عواملش، بشر را تهدید می کند.

امّا در عصر ظهور، عوامل امراض مختلف از بین می رود. این است که در عصر حکومت امام زمان علیه السلام از جهات گوناگون بشریت به عالی ترین درجه ترقی و کمال خود می رسد.

در پایان این بحث بخشی از سروده ام در باره امام عصرعلیه السلام را می آورم.

جهان چو پر شود از ظلم و جور و خونریزی قیام می کند او گر خدا شود راضی

که تا تمام جهان پر ز عدل و داد شود

تمام روی زمین پر از فساد شود

فقط حکومت واحد در آن به پا گردد

که ترس از دل مستضعفان جدا گردد

جمیع جن و ملک عهده دار فرمانند

مطیع امر مطاعش چو صد سلیمانند

جناب عیسی مریم ملازمش باشد

فرشتگان سماوات خادمش باشد

امان و امن و عدالت و فور هر

نعمت

شود سراسر گیتی پر از صمیمیت

علوم اهل زمین با تمام ظرفیت

شود شکفته و پر بار هر ملت

بیا به حرمت زهرا بریم دست دعا

که تا به امر ظهورش خدا کند امضا

جهان به نور وجودش همه صفا یابد

دل غمین «فیاضی» هم شفا یابد

«اَللّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ، وَالْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ،

وَاکْحُلْ ناظِری بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

سرانجام حکومت امام زمان«ع»

سرانجام حکومت امام زمان«ع»

در بحث امروز درباره سرانجام حکومت امام زمان علیه السلام و پایان کار آن حضرت مطالبی را تقدیم حضور شما می کنم. قبلاً گفتیم که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را حداقل ۵ سال و حداکثر ۳۰۹ سال ذکر کرده اند و در این مورد که منظور از سال آیا همین مقیاس و معیاری است که اکنون از آن برداشت داریم؛ یعنی ساعت متشکل و مرکب از دقایقی است که اکنون ما از آن سنجش داریم و روزها هم از همان ساعت و ایام و ماه که دوازده ماه یک سال را تشکیل می دهد و آیا سالی که امام زمان علیه السلام در آن حکومت می کند دارای همان معیارها است، صحبت های مفصلی شد امّا به ذکر یک حدیث که درباره مدّت حکومت امام زمان علیه السلام است و بیانگر مدّتی است که در روایت ذکر شده است می پردازم. این حدیث از امام باقرعلیه السلام نقل شده که می فرماید: «ویملک القائم علیه السلام ثلاث مأئه سنه ویزداد تسعاً کما لبث أهل الکهف فی کهفهم»؛(۲۱۵) امام زمان علیه السلام ۳۰۹ سال حکومت می کند همانند اصحاب کهف که ۳۰۹ سال در غار خودشان مکث کردند و در آنجا اقامت کردند. در مورد ۳۰۹ سالی که امام زمان علیه السلام پس از ظهورش در این جهان حکومت می کند و حکومت او جهان را

به عالی ترین درجه عدل و کمالش می رساند، در بخش های قبلی مطالبی را تقدیم کردم.

شهادت، میراث اهل بیت علیهم السلام

چیزی که هست این سؤال در مورد امام زمان علیه السلام مطرح است که سرانجام کار امام زمان علیه السلام چه خواهد شد و کیفیت ارتحال آن حضرت چگونه است؟

با توجه به کلیات روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است امام زمان علیه السلام هم سرنوشت حیاتش همانند اجداد طاهرینش علیهم السلام با شهادت رقم خواهد خورد؛ یعنی امام زمان علیه السلام به مرگ عادی از دنیا نخواهد رفت. در این باره احادیثی داریم که به صورت کلی بیانگر این است که صاحبان عصمت و طهارت از خاندان پیغمبرعلیهم السلام همگی به شهادت می رسند.امام حسن علیه السلام بعد از شهادت پدرش امام علی علیه السلام می فرماید: «لقد حدّثنی حبیبی وجدّی رسول اللّه صلی الله علیه وآله إنّ الأمر یملکه اثنی عشر اماماً من أهل بیته وصفوته مامنا إلّا مقتول أو مسموم»؛(۲۱۶) محبوب من، جد من رسول خداصلی الله علیه وآله به من خبر داده است که این فرمانروایی بر امّت اسلامی بر ۱۲ نفر از ائمه، بعد از من تعلق خواهد داشت؛ یعنی بعد از من ۱۲ نفر، امر ولایت و امامت امّت اسلامی را به عهده خواهند گرفت که همه از اهل بیت من و جانشینان و از برگزیدگان و اصفیای من هستند که هیچ یک از این امامان نیستند مگر این که یا با شمشیر کشته می شوند یا با سم مسموم می شوند. همچنین حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مامنا الاّ مقتول أو سموم».

با توجه به مفهوم این حدیث باید امامان به شهادت می رسیدند کما این که امیرالمؤمنین تا امام عسکری علیهم السلام همگی یا

با شمشیر یا با زهر ستم ستمکاران به شهادت رسیدند.

مرحوم شیخ مفید در کتاب «شرح العقائد» می فرماید: همه بزرگان از اهل بیت عصمت و طهارت از رسول خداصلی الله علیه وآله تا امام عسکری علیهم السلام همگی به شهادت رسیدند.

ممکن است بعضی از این شهادت ها در تاریخ به ظاهر قابل اثبات نباشد ولی بعضی های دیگر صد در صد قابل اثبات است. بر حسب نقلی که در بعضی از کتب آمده است، رسول خداصلی الله علیه وآله نیز بارها مسموم شدند امّا آثار زهر در وجود حضرت مخفی بود تا زمانی که در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری از دنیا ارتحال یافت، آثار آن زهر مهلکی که آن زن یهودی به خورد حضرت داده بود موجب رحلت آن حضرت گردید.

اگر ممکن باشد از نظر تاریخی هم تحلیل درست کرد و جمع بین این نقل در روایاتی که خدمتتان تقدیم شد نمود، می شود نتیجه گرفت که رسول خداصلی الله علیه وآله نیز به وسیله سمّی که یهودی به خورد آن حضرت داده به شهادت رسیده است.

حضرت زهرای مرضیه علیها السلام نیز بلافاصله پس از رحلت رسول خداصلی الله علیه وآله در راه دفاع از امامت و ولایت به شهادت رسید و در نتیجه امام زمان علیه السلام که اکنون در پس پرده غیبت است و پس از آن که ظهور کند به لطف پروردگار، جهان را به نور عدلش پر نور نماید، سرانجام کار او نیز با شهادت رقم می خورد و با شهادت از دنیا به جوار رحمت حق می رود. روی این حساب می توانیم این گونه نتیجه بگیریم که کیفیت ارتحال امام زمان علیه السلام نیز شهادت است امّا اکنون سؤال این است

که شـهادت امـام زمـان علیه السـلام به چه ترتیب است و چه کسانی ایشان را به شـهادت می رسانـند؟ در کتاب ها در این باره بحـث زیـادی نشـده است، در کتـاب «الزام النـاصب» نکته ای از قـول بزرگـان نقـل کردنـد که امـام زمـان علیه السـلام پس از حکومتی که در دنیـا انجام داده در حالی که از کوچه ای عبور می کننـد، زنی به نام سـعیده از قبیله بنی تمیم که ظاهری چون مردان دارد یعنی دارای ریش است از بالای خانه ای سـنگی را به سـر مبارك امام زمان علیه السـلام می زند و موجب شهادت حضرت می گردد.

مراسم تجهیز امام عصرعلیه السلام پس از شهادت

تا اینجا را در ارتباط با وضـعیتی که در پایان عمر امام زمان علیه السـلام حادث خواهد شد خدمتتان شـرح دادم امّا سؤال دیگر به عنوان آخرین نکته این قسـمت تقـدیم حضور می شود و آن این که بر حسب عقیـده ای که مـا شـیعیان داریم و در کتب ما مفصل در این مورد بحث شـده است، معصوم را جز معصوم کسـی دیگر نمی توانـد غسل دهد، کفنش نماید، لذا می بینید که نـبی مکرم اسـلام صـلی الله علیه وآله که لحظـات از دنیـا رفتنش فرا می رسـد وصـیت می کنـد که فردی که تجهیزات او را به عهـده می گیرد خود علی بن ابی طـالب علیه السـلام باشـد و اولین فردی که بر پیکر مطهرش نماز می گزارد خود علی بن ابی طالب علیه السـلام باشـد و لـذا بعـداً برای آن که همه مؤمنین به این برکت متبرك شده و به این فیض بزرگ نایل شوند گروه گروه و دسـته دسـته آمدنـد تا بتوانند بر پیکر مطهر رسول خداصـلی الله علیه وآله نماز بگزارند؛ امّا نماز اصـلی را امیرالمؤمنین علیه السلام بر بدن مطهرش خوانده و خود حضرت علی علیه السلام رسول خداصلی

الله علیه وآله را غسل داد و کفن کرد و به خاک سپرد. بدن مطهر حضرت زهرای مرضیه علیها السلام را که با آن که بانویی بوده و بانوان دیگری نیز حضور داشتند امّا طبق وصیت حضرت زهرای مرضیه علیها السلام خود امیرالمؤمنین علیه السلام شستشو کرد و غسل دادند. به اسماء بنت عمیس هم سفارش شده است که بر بدن مطهرش آب بریزد، امّا دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام است که باید بر بدن مطهر زهرای مرضیه علیها السلام لمس شود و آن را غسل دهد و خود امیرالمؤمنین علیه السلام باید بدن حضرت زهرای معصومه علیها السلام را به خاک بسپارد.

درباره دیگر ائمه هم همین طور است. ما عقیده داریم بدن مطهر و بی سر و پاره پاره ابا عبداللَّه الحسین علیه السلام را امام سجادعلیه السلام با ولایت الهی که داشت در کربلا حاضر شد و به کمک بنی اسد بدن مطهر حضرت ابا عبداللَّه الحسین علیه السلام را به خاک سپرد. در مورد امام زمان علیه السلام هم که امام معصوم است عقیده داریم که غیر از معصوم شخص دیگری نمی تواند به خاک بسپارد.

بر همین اساس روایات فراوانی در کتب شیعه است که معتقدیم بدن مطهر امام زمان علیه السلام را اباعبداللَّه الحسین علیه السلام به خاک می سپارد.(۲۱۷)

توضیح مطلب

در اینجا قطعاً ضرورت دارد که ما راجع به این مطلب توضیحاتی بدهیم؛ امام حسین علیه السلام که در سال ۶۱ هجری به شهادت رسید و زمانی که امام زمان علیه السلام ظهور می کند ایشان قطعاً در بهشت حضور دارد. و این که می آیند و بدن مبارک امام زمان علیه السلام را شستشو داده و دعا خواندن و کفن کردن را به عهده می گیرد. به چه معناست؟ آیا امام حسین علیه السلام زنده

می شود؟

اینجا بحث رجعت مطرح می شود که خود، بخشی از عقاید مسلمانان را تشکیل می دهد، نه تنها ما شیعیان بلکه اهل سنت هم به رجعت معتقدند که ان شاء اللّه در قسمت های آینده در مورد عقیده ما راجع به رجعت بحث خواهم کرد.

بنابراین در اینجا نتیجه می گیریم که به حکم عقیده شیعیان و به حکم اسنادی که در اختیار است اباعبداللّه الحسین علیه السلام پس از رحلت امام زمان علیه السلام می آیند و بدن مطهر حضرت را غسل می دهند و او را کفن می کنند و بر آن نماز می خوانند و به خاک می سپارند و بعد حکومت امام زمان علیه السلام با هدایت و ولایت اباعبداللّه الحسین علیه السلام استمرار پیدا می کند. همین جا توصیه می کنم که بر اساس آیات قرآن و روایاتی که از ائمه هدی و رسول خداعلیهم السلام رسیده است ممکن است مطالبی باشد که تاکنون در جلسات عمومی کمتر مطرح شده باشد و پذیرفتن آن از نظر شرایط عادی و طبیعی دشوار باشد، لکن با مطالعه و بررسی و رجوع به مدارک عقیدتی، راه پذیرش هموار می شود. عقیده ما به قدرت ذات اقدس پروردگار متکی است که اگر بخواهیم از آن دید اعتقاداتمان را تحلیل و تبیین کنیم قطعاً پذیرش همه این مسائل برای ما آسان و راه عقیده پیدا کردن به این ها آسان و قابل قبول خواهد شد که ان شاء اللّه در بحث های آینده در این باره بیشتر صحبت خواهم کرد.

«اَللّٰهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ، وَالْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ،

وَاکْحُلْ ناظِری بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

آمین یا رب العالمین

دلایل اثبات رجعت و تعریف آن

اشاره

در قسمت گذشته پیرامون مدّت حکومت امام زمان علیه السلام و سرانجام حکومت و حیات و زندگی آن حضرت علیه

السـلام بحث کردیم. اکنون راجع به حکومتی که بعد از حکومت امام زمان علیه السـلام اسـتمرار پیدا خواهد کرد و به عبارت دیگر درباره جانشینان امام زمان علیه السلام بحث می کنم.

نکته ای که قبـل از پرداختن به این موضوع می بـایست درباره آن گفت و گو کرد، مسأله رجعت است. یعنی ما معتقـد هستیم که بعضی از انسان های نیکوکار قبل از قیام قیامت، در همین دنیا، روحشان به بدنشان برگشته و به دنیا باز می گردند. البته این با عقیـده تناسـخ که از نظر ما باطل است تفاوت دارد. قائلین به تناسـخ معتقدنـد روح انسان هایی که از دنیا رفته اند، در جسـم جدیـدی حلول می کنـد و به دنیا بر می گردد و در عرصه دنیا حاضـر می شود. این عقیـده از نظر ما به دلایل مختلف مردود و باطـل است. بحث جانشینی امام زمان علیه السـلام هم از باب رجعت قابل بررسـی است به همین خاطر، قبل از این که راجع به جانشینان امام زمان علیه السلام صحبت کنم، درباره رجعت، بنا به عقیده شیعه مطالبی را تقدیم حضور می کنم.

تعریف رجعت

کلمه رجعت؛ یعنی بـازگشت، امّـا از نظر عقیـدتی به معنی بـازگشت روح انسان به بـدن خود در همین دنیا است، امّا نه به این معنا که همه آدم هایی که از دنیا رفته انـد به همین دنیا بر می گردنـد بلکه بعضـی از انسان ها هسـتند که چنین سـرنوشتی پیدا خواهنـد کرد که ان شاء اللّه در آینده با تکیه بر احادیث و اخبار مطالبی را تقدیم حضور شـما خواهم کرد. نکته ای که باید به آن توجه کنیم این است که ممکن است در میان شـیعیان کسانی هم باشـند که درباره این عقیـده تردید داشـته باشـند، پس آیا کسی که در

این عقیـده تردیـد داشته باشـد کافر محسوب می شود؛ یعنی عقیـده به رجعت به عنوان یکی از ضـروریات دین است که عدم اعتقاد آن باعث کفر گردد؟

بزرگان فرموده اند: اعتقاد به رجعت جزء ضروریات دین نیست، ولی در عقاید شیعه عقیده به رجعت جزو حقایق قطعی است.

امـام صادق علیه السـلام فرمود: «لیس منّا من لم یقل بمتعتنا ولم یؤمن برجعتنا؛(۲۱۸) کسـی که به متعه و رجعت عقیده نداشته باشد از ما نیست».

امّا چیزی که هست شخصیت های برجسته عالم تشیّع با تکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عقیـده به رجعت را اثبات کردنـد. چند نفر از این شخصـیت ها را نام می برم، می بینید که جزو ارکان عالم اسـلام هسـتند، در میان بزرگان دین، مرحوم شـیخ طوسی، مرحوم شیخ مفید، مرحوم سید مرتضی، مرحوم شیخ صدوق، مرحوم سید بن طاووس، این ها جزو اعاظم علمای ما هسـتند که ما عقیده شـیعه را به وسـیله این شخصیت ها، نقادی شده و تنظیم شده در اختیار داریم. این ها احیا کننـدگان شـرع و شـریعتند و نیز بعضـی از بزرگان قرون و اعصار بعـدی درباره رجعت کتاب هایی را نوشـته اند و مرحوم علامه مجلسـی بیش از دویست حـدیث درباره رجعت نقل می کند که همه متواترند که جای هیچ گونه انکاری درباره رجعت باقی نگذاشته است.(۲۱۹)

دلایل قرآنی اثبات رجعت

امّا برای اثبات عقیده به رجعت، ابتدا از آیات قرآن دلایلی را تقدیم حضور شما می کنم.

اولاً: ما براساس عقیـده به اسـلام و قرآن کریم معتقـدیم که خداونـد بر هر چیزی قـدرت دارد: «إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِ ّشَیْ ءٍ قَدِیرٌ». (۲۲۰)

هیچ چیزی با تکیه بر قدرت خداوند از نظر ما بعید نیست، چیزی را که خداوند اراده کند خواهد شد.

آن هـایی که معـاد را منکرنـد به خـاطر این است که اعتقادشـان نسـبت به قـدرت خداونـد کامل نیست، پـذیرش معاد برایشان سخت است و لذا آن شـخص اسـتخوان پوسـیده ای در دستش گرفت به خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله آمد و با انکار گفت: «مَن یُحْیِ الْعِظامَ وَهِیَ رَمِیمٌ»؛(۲۲۱) «چه کسـی این اسـتخوان پوسیده را دوباره می تواند زنده کند؟» ذات اقدس الهی به پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله فرمود در جوابش بگویـد: «قُـلْ یُحْییهـا الَّذِی أَنشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ»؛(۲۲۲) «آن کسـی که او را اولین بـار از عدم به وجود آورد می تواند این وجود را مجدداً به وجود قبلی بر گرداند».

ثانیاً: بر اساس آیات قرآن کریم ماجرایی در تاریخ بشـر اتفاق افتاده که کسانی مرده بودند و مدّت ها از زمان مرگشان گذشته بوده و دوباره زنـده شدنـد. داسـتان عُزیر پیغمبر در قرآن کریم آمـده که می فرمایـد: «أَوْ کالَّذِی مَرَّ عَلی قَرْیَهٍ وَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها قالَ أَنَّی یُحْیِ هذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِها فَأَماتَهُ اللَّهُ مِائَهَ عامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ».(۲۲۳)

عزیر پیغمبر، از یک مخروبه ای که قبلًا آبادی بود و بر اثر حادثه ای از بین رفته بود، عبور می کرد. اسـتخوان های افراد ساکن آن روستا را دید و با شگفتی، نه با انکار، گفت: چگونه خدا دوباره آن ها را زنده می کند؟ در نتیجه خداوند او را قبض روح کرد و صـد سال مردنش طول کشـید. بعـد از صـد سال، خداونـد دوباره او را زنـده کرد. این ماجرایی است که در تاریخ بشـر اتفاق افتاده، ۱۰۰ سال از مردنش گذشته، خداوند دوباره روح او را به بدنش برگرداند.

در جایی دیگر از قرآن کریم راجع به گروهی از بنی اسرائیل که تعداد آن ها هزاران نفر

بود، می فرمایـد: «أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِن دِیـارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَـذَرَ الْمَوْتِ فَقـالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْیاهُمْ»(۲۲۴) گروهی که هزاران نفر بودنـد، به خاطر ترس از مرگ به وادی ها فرار کردند، خداوند آن ها را قبض روح کرد. بعدها مجدداً آن ها را زنده کرد. امام باقرعلیه السـلام در توضیح این آیه می فرماید: آن ها زنده شدند و مجدداً مدّت ها زندگی کردند و بعد دوباره قبض روح شدند و مردند.(۲۲۵)

بنـابراین چنین حـادثه ای، بـازگشت روح به بـدن قبـل از قیـامت و در همین دنیـا اتفاق افتاده است. در قرآن کراراً راجع به آن بحث شـده، شواهـدی ذکر شده است. نکته مهم تری که ما در آیات قرآن داریم این است که ما در توضیـح و تبیین این آیات بایـد هم به کمک آیات دیگر این آیات را تفسـیر کنیم و هم اگر مفاهیم آیات کاملاً برای ما روشن نشـد به مفسـرین آیات و قرآن یعنی آن ها که راسخون در علمند، تربیت یافتگان مکتب وحی یعنی ائمه معصومین علیهم السلام مراجعه کنیم که این ها آیات را چگونه معنی کردند.

حکایت

ماجرایی را مرحوم شـیخ مفید از سیّد اسـماعیل حمیری نقل می کند، وی که از شعرای شیعی و شیفته امیرالمؤمنین علیه السلام بود و مـداحی های فراوانی در عصـر اختناق بنی عباس راجع به امیرالمؤمنین علیه السـلام داشت، امّا گاهی برای آن که از خطر جـدّی امویان به خصوص منصور دوانیقی در امان باشـد تقیه می کرد. در مجلسـی در بغداد که منصور دوانیقی حضور داشـت شخصـی نیز که در سِـمَت قاضی دستگاه عباسی قرار داشت حاضر بود. وقتی شعر و سروده های مرحوم سیّد حمیری مطرح می شود و مورد تحسین منصور دوانیقی قرار می گیرد آن قاضی شروع می کند

بـه تخریـب شخصـیت حمیری؛ از جمله برای این که او را از چشم منصـور دوانیقی بینـدازد می گویـد: یـا امیرالمـؤمنین!(۲۲۶) حمیری معتقـد به رجعت است، او شـیعه است و براسـاس اعتقـادات شـیعه به رجعت اعتقاد دارد. منصور دوانیقی به حمیری رو کرده و گفت: آیا درست می گویـد؟ حمیری گفت: من به اسـتناد آیات قرآن، معتقـد به رجعت و بازگشت روح به بدن برای گروهی در همین دنیا و قبل از قیامت هسـتم. مرحوم حمیری چنـد آیه را مطرح کرد که بخشـی از آن ها را قرائت می کنیم؛ از جمله آیاتی که حمیری مستنداً درباره رجعت حرف می زند می گوید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِ ّ أُمَّةٍ فَوْجاً».(۲۲۷)

در این آیه می گویـد: روزی که از هر امّتی یـک دسـته محشور می شونـد، که آیه می گویـد یک دسـته و یک گروه از یک امّت. و آیه دیگری می فرماید: «وَحَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً».(۲۲۸)

ما همه را محشور می کنیم و بر می انگیزانیم و زنـده می کنیم. احـدی از آن ها باقی نمی مانـد مگر این که زنـده شونـد. جمع میان این دو آیه چیست؟

اگر آیه اوّل منظورش قیامت باشد که خداوند در قیامت مردم را زنده می کند، قیامت زنده شدنش مربوط به عموم مردم است نه بخشـی از امّت، امّا آیه اوّل می گویـد مـا از هر امّتی یک گروهی را زنـده می کنیم، پس معلوم می شود این حشـر و زنـده شدن مربوط به قیامت نیست و مربوط به دنیاست.

آیه بعـدی مربوط به قیامت است که قرائت می کنم و آن این است که می فرمایـد: «وَحَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً»؛ «همه را محشور می کنیم، احدی را باقی نمی گذاریم مگر این که زنده کنیم.»

این مربوط به قیامت است. البته با شرح و بسطی که درباره این

آیات از روایات ائمه معصومین علیهم السلام داده شده است، حقایق روشن تر می شود.

آیه شریفه دیگری که می گوید: «قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنا اثْنَتَيْنِ»؛(۲۲۹) «پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار ما را زنده کردی».

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از این دوبار، یک بار مردن، همین اوّلین باری است که در دنیا زندگی می کند و می میرد، بار بعدی آن است که وقتی رجعت شد و عدّه ای از مردم زنده شدند، خدا آن ها را مجدداً بعد از رجعت دوباره می میراند. دوبار زنده شدن؛ یک بار قبل از قیام قیامت است و یک بار در زمان قیام قیامت است. بنابراین ما درباره مسأله رجعت آیاتی داریم که بنابه تفسیر ائمه معصومین علیهم السلام درباره رجعت و زنده شدن گروهی از مردم قبل از قیام قیامت است. (۲۳۰)

داستان مؤمن الطاق

داستان تقریباً طنزی است از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی که از اهل سنت هستند. مرحوم ابوجعفر مؤمن الطاق از یاران بسیار با فضیلت امام صادق علیه السلام و هم عصر ابوحنیفه بود. ابوحنیفه او را دید (که به صورتِ سر به سر گذاشتن و متلک گفتن) گفت: شما اعتقاد دارید که رجعتی وجود دارد و در رجعت زنده می شوید؟ گفت: بله، ما عقیده داریم که بعضی از انسان ها بعد از مردن زنده می شوند. گفت: پس یک کیسه پول به من قرض بده، من هم در عالم رجعت به تو برمی گردانم. این را به صورت متلک و تمسخر به مؤمن الطاق گفت، او هم در جوابش گفت که البته اگر تو ضمانت بدهی که در موقع رجعت، به صورت آدم محشور بشوی من به تو قرض می دهم، امّا من احتمال می دهم تو

موقع رجعت به صورت آدم محشور نشوی، چون بعضی در موقع رجعت به صورت حیوان محشور می شوند.(۲۳۱)

مؤمن الطاق در طنزگویی و بداهه گویی، در میان اصحاب و دوستان و حتی مخالفین مشهور بود. منظور این که آن هایی که جزو دست پرورد گان مکتب امام صادق علیه السلام بودند حقیقت را فهمیدند که این زنده شدن قبل از قیامت، مربوط به همه مردم نیست.

امام باقرعلیه السلام فرمود: «أیام اللّٰه عزّوجلّ ثلاثه یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامه»؛ ایام اللّٰه سه روز است؛ روز قیام حضرت قائم و روز رجعت و روز قیامت».(۲۳۲)

در روایاتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: مؤمنین خاص و خالص و کفار و معاندین خاص و خالص، بعد از ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کنند، نه همه مردم که ان شاء اللّٰه در بحث های بعدی راجع به گروه هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام برمی گردند و شخصیت هایی که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام و به هنگامی که امام زمان علیه السلام از دنیا می روند و زنده می شوند و حکومت می کنند بحث خواهم کرد.

خداوند ما را جزو کسانی قرار دهد که در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام جزو سربازان حضرتش باشیم.

آمین یا رب العالمین

بررسی موضوع رجعت در عصر امام زمان«ع»

توضیح

در قسمت قبلی درباره مسأله رجعت به عنوان بحث پایانی موضوعی که مربوط به امام زمان علیه السلام می شود و دلایلی که شیعه به استناد آن معتقد است که رجعت در عالم حاضر تحقق پیدا خواهد کرد، صحبت کردم. در این قسمت طبق وعده ای که دادم مطالبی راجع به رجعت در عصر ظهور امام زمان علیه السلام تقدیم حضور شما می کنم.

درباره رجعت و فلسفه این که چرا خداوند این موضوع را محقق می کند، صحبت های

زیادی وجود دارد امّا شاید یکی از علت هایی که می توان درباره رجعت به آن توجه کرد این باشد که فلسفه خلقت انسان در این عالم آن است که از بستر این عالم برای تحقق کمال بشر استفاده شود، از طرفی هم اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام از جانب خدا برای حاکمیت عدل منصوب شده، ولی چون متأسفانه در زمان ائمه معصومین علیهم السلام و انسان های قبل از ظهور، بستر برای تحقق کمال بشری آن چنان که باید آماده بشود آماده نشد و ائمه معصومین علیهم السلام هم به حاکمیت برای احقاق حقّ و اجرای عدالت الهی نرسیدند و زمام امور جامعه به دست ستمکاران و جائرین بوده، هنگامی که رجعت محقق شود این مرحمت برای انسان های شایسته ای که استعداد رسیدن به کمال را داشتند فراهم می شود و حق ائمه معصومین علیهم السلام و حاکمان عدل هم با پیاده کردن حکومت عدل الهی احقاق می شود و دسته ای از ستمکاران و ظالمان هم با رجعت به این دنیا، به جزای اعمالشان می رسند، به این خاطر رجعت تحقق پیدا می کند و به این مسائل رسیدگی می شود.

همان طوری که در مطالب هفته قبل با استناد به آیات قرآن کریم بر مبنای تفاسیری که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر آن داشتند، گفتیم که رجعت از اعتقادات ماست امّا درباره رجعت گفتیم که بخشی از آن مربوط می شود به رجعت و بازگشت روح انسان ها به بدنشان در همین دنیا و در عصر امام زمان علیه السلام که در آن عدّه ای از انسان ها به دنیا برمی گردند.

قبلاً احادیثی را در مورد انتظار فرج خدمتتان عرض کردم، آنجا اشاره داشتم که اگر کسی در

عصر غیبت امام زمان علیه السلام به عنوان یک منتظر در جهت ساختن و تربیت خودش تلاش کند و منتظر واقعی باشد، امّا در زمان حیاتش امام زمان علیه السلام ظهور نکند، پس از آن که او از دنیا رفت و امام زمان علیه السلام ظهور فرمود، خداوند ممکن است این فرد منتظر واقعی را به دنیا برگرداند تا عصر ظهور حکومت امام زمان علیه السلام را درک کند. این مفهوم را گاهی از روایات و از بعضی از ادعیه و دعاها می فهمیم؛ از جمله، دعای عهد که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: هر کسی دعای عهد را ۴۰ صبح دائماً بخواند، خداوند توفیق رجعت را می دهد تا عصر ظهور امام زمان علیه السلام را درک کند. بعضی از آقایانی که در مورد دعای عهد، کتاب نوشتند، در کتاب خود متذکر شدند که امام خمینی رحمه الله به دعای عهد ملتزم بود و آن را زیاد می خواند، حتی در صفحه ای از کتاب دعایش که دعای عهد بود یادداشت کوچکی به خط خود گذاشت که من این دعا را تا امروز خواندم اگر توفیق ادامه این دعا را تا ۴۰ روز، پیدا نکردم و مرگ من حاصل شد، به جای من تا ۴۰ روز آن را بخوانید تا اربعین آن تکمیل شود.

منظور این که هم مرحوم قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان درباره دعای عهد، این حدیث شریف امام صادق علیه السلام را آورده است و هم بزرگانی مثل حضرت امام قدس سره به این دعا ملتزم بودند.

موضوع رجعت در دعای عهد

در دعای عهد این جمله می فرماید: «اَللّٰهُمَّ اِنْ حالَ بَیْنِی وَبَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلی عِبادِکَ حَتْماً مَقْضِیّاً، فَأَخْرِجْنِی

مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کَفَنِی، شاهِراً سَیْفِی، مُجَرِّداً قَناتِی، مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدّاعِی فِی الْحاضِرِ وَالْبادِی»؛(۲۳۳) پروردگارا! اگر بین من و امام زمان علیه السلام مرگ فاصله انداخت یعنی من زنده نماندم تا امام زمان علیه السلام بیاید و قبل از آن مرگی که برای بندگان خود قطعی قرار دادی بین ما فاصله شد، خدایا! مرا به هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کرد از قبرم برانگیز در حالی که کفنم را به کمرم بستم، شمشیرم را کشیده، نیزه برافراشته و یک سرباز آماده به کاری که در خدمت امام زمان علیه السلام قرار می گیرد از قبرم برانگیز و مبعوثم کن تا اجابت کننده دعوت آن حضرت باشم»؛ یعنی امام زمان علیه السلام که مردم را دعوت می کنند، برای احقاق حق و اجرای عدالت و پیاده کردن احکام شریعت، من از قبرم برخیزم و جزو جمعیتی باشم که از شهرنشینان و روستانشینان و بادیه نشینان هستند، من هم جزو محلق شوندگان به سربازان امام زمان علیه السلام باشم. پس این دعایی است که معتقدین امام زمان علیه السلام بر اساس نقلی که شد همیشه به خصوص ۴۰ روز پی در پی بعد ازنماز صبح می خوانند و می خواهند که خدا آن ها را به این آرزوی بزرگ نایل فرماید.

پس می توان نتیجه گرفت که از جمله مصادیق رجعت، آن زمانی است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند و عدّه ای از انسان های شایسته و خوب که لیاقت سربازی امام زمان علیه السلام را داشته باشند، از قبرشان مبعوث شده و زنده می شوند و در بعضی از نقل ها داریم که امام زمان علیه السلام بعضی از انسان های خبیث و ناپاک را هم از قبرشان بیرون می آورد. خدا آن ها را زنده

می کند و حضرت از آن ها انتقام مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را می گیرد.

در روایت دیگری از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کند در میان یاران ایشان عدّه ای از زنان و مردانی که در گذشته زندگی می کردند حضور پیدا می کنند.

رجعت بعضی از زنان در عصر ظهور

من مفهوم این روایت را خدمتتان عرض می کنم درباره حضور زنان در جمع اصحاب امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور، مفضل می گوید، امام صادق علیه السلام فرمود: همراه امام زمان علیه السلام، ۱۳ نفر از زنان هم حاضر می شوند و در لشکریان امام زمان قرار می گیرند. گفتم: یابن رسول اللّٰه! به چه منظور؟

امام صادق علیه السلام فرمود: به منظور مداوای مجروحین، همان گونه که در صدر اسلام در کنار پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله حضور پیدا می کردند و برای پرستاری بیمارانی که در آن جمع حضور دارند.

بعد امام صادق علیه السلام اسم بعضی از آن ها را برد، مثلاً قنواد دختر رشید هجری یکی از صحابه بزرگ امیرالمؤمنین علیه السلام و امّ ایمن پرستار حضرت رسول صلی الله علیه وآله و حبابه والبیه که از اصحاب امام حسن مجتبی علیه السلام است و در نقلی دیدیم که این خانم جزو معمرات است؛ یعنی سن زیادی کرده تا ۲۴۰ سال هم ثبت شده و عصر امام رضاعلیه السلام را هم درک کرده است که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام حاضر خواهد شد.

سمیّه مادر عمار یاسر که اولین شهید زن پس از بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله است او هم در زمان ظهور، حاضر خواهد شد.

فرد دیگری از میان خانم ها، به نام ام خالد احمیسه است که جزو کسانی است که دستش در زمان

حجاج بن یوسف در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السـلام قطع شـده، به تعبیر امروزی، جزو جانبازان دفاع از حریم امامت و ولایت محسوب می شود.

زبیده، زن هارون الرشـید که خانمی شیعه مذهب بود و خدمات زیادی هم داشت از جمله این که برای رفاه حال حجاج، قناتی را در اطراف مکّه حفر کرد و آن را به آب زمزم اضافه کرد که ظاهراً همچنان جاری است و از آن استفاده می کنند.

شخص دیگری به نام ام سـعید حنیفه و فرد دیگری به نام صـیانه ماشطه که در زمان فرعون، زن هزقیل بود و به عنوان آرایشگر یا مشاطه دربار فرعون بود، امّا مخفیانه به خـدای واحـد یکتا معتقـد بود و این امر موجب شد که اعتقادش بر ملا شود و فرعون او را در زیر شـکنجه پس از آن که چنـد فرزندش را جلوی چشـمانش کشت امّا او ثابت قدم در راه ایمان به خدا و توحید بود سرانجام او را هم به شـهادت رسانیـد و بر اساس روایتی که مفضل بن عمر نقل می کند این خانم هم جزو کسانی است که در ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کند و در خدمت ایشان قرار می گیرد.(۲۳۴)

رجعت بعضی از مردان در عصر ظهور

باز مفضل بن عمر از امام صادق علیه السـلام نقل می فرماید که مردانی هم از گذشـتگان در عصر ظهور امام زمان علیه السلام رجعت می کنند و جزو یاران امام زمان علیه السلام قرار می گیرند.

اسامی این عدّه از شخصـیت ها را مفضل بن عمر از قول امام صادق علیه السـلام این گونه نقل می کند: هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور کند از پشت کعبه ۲۷ نفر از قوم موسای پیغمبرعلیه السلام محشور و زنده شده و به ایشان می پیوندند. هفت نفر

از اصحاب کهف که در قرآن کریم ماجرایشان در سوره کهف آمده، آن ها هم به سپاهیان امام زمان علیه السلام ملحق می شوند.

یوشع، وصی حضرت موسی – علی نبینا و آله و علیه الصلاه و السلام – جزو بازگشت کنندگان عصر ظهور است. مؤمن آل فرعون نیز جزو همین شخصیت هاست و دو نفر از مهم ترین شخصیت ها در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و عصر امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی یکی از مهم ترین صحابه رسول خداعلیه السلام ابو دجانه انصاری و سلمان فارسی و از مهم ترین اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام مالک اشتر جزو یاران امام زمان علیه السلام خوانده شده و در عصر ظهور، این بزرگواران رجعت خواهند کرد و در خدمت امام زمان علیه السلام و جزو سربازان ایشان خواهند بود.(۲۳۵)

بر حسب این روایات در عصر ظهور امام زمان علیه السلام عدّه ای از شخصیت های برجسته الهی و کسانی که در عصر حیات خودشان به عنوان نخبگان از میان زنان و مردان مؤمن بودند، رجعت خواهند کرد. در نتیجه و براساس این باور به همدیگر توصیه می کنیم؛ باید در زمانی که زندگی می کنیم درصدد اصلاح اعمال و رفتار و عقاید و نیات خود برآییم، خودمان را اصلاح کنیم، به عنوان کسی که منتظر ظهور امام زمان علیه السلام است، خودسازی را در رأس همه امور خود قرار دهیم، اولاً: عقیده مان را پاک و بی اشتباه از مأخذ قابل اعتماد بگیریم. ثانیاً: درصدد اصلاح اخلاقی و رفتاری خود برآییم و ارتباط معنوی خود را با امام زمان علیه السلام بیشتر کنیم. بر دعاهایی که رابطه قلبی بین ما و امام زمان علیه السلام را زیاد می کند، مداومت داشته باشیم، دائماً آن ها را بخوانیم. دعاهایی که قبلاً هم در

مورد بعضـی از آن ها صـحبت کردم، ماننـد دعای ندبه یا همین دعای عهد که بزرگان ما معمولاً با این ها محشور بودند را در دستور کارمان قرار بدهیم.

به هر حال بیش از هر چیز به یاد امام زمان علیه السـلام باشـیم، برای او دعا کنیم، به نام او صـدقه بدهیم، به ذکر نام او مشـغول باشـیم، ان شـاء اللَّه همین حالات، ما را از ارتکاب معاصـی و محرمات و جـدا نشـدن از معنویات کمک می کنـد و ان شاء اللَّه جزو کسانی باشیم که در عصر ظهور امام زمان علیه السلام خداوند ما را جزو سربازان امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

«بمنّه و فضله»

بررسی رجعت و استمرار حکومت بعد از امام زمان علیه السلام

اشاره

قسـمت پایانی بحث مربوط به امام زمان علیه السـلام را تقدیم شـما مشـتاقان ظهور آن حضرت می نمایم، باشد که ان شاء اللَّه، خداوند همه ما را به عنوان ارادتمندان و مشـتاقان ظهور پرنور آن حضرت قرار بدهد و به دعای شما ارادتمندان ساحت مقدّس امام زمان علیه السلام این گفت و شنود را در دفتر مولایمان حضرت بقیه اللَّه ثبت بفرماید.

همـان گونه که در قسـمت گذشـته توضـیح دادم، بحث مـا پیرامون رجعت بعـد از امـام زمـان علیه السـلام است. از نظر اجرای حکومت الهی، به این معنی است که حکومت عدالت الهی که توسط آن حضرت اجرا می شود، بر اساس آیات و روایات طبق نظر شیعه، با امامت و رهبری امامان معصوم علیهم السلام تداوم پیدا می کند.

در روایتی از قول وجود مقـدّس امـام بـاقرعلیه السـلام وارد شـده که فرمودنـد: «أیام اللَّه ثلاثه یوم یقوم القائم ویوم الکره ویوم القیامه»؛(۲۳۶) روزهـای خـدا سه روز است، روزی که امـام عصـرعلیه السـلام قیـام و ظهـور می کنـد و روزی که مجـدداً ائمه معصومین علیهم السلام به

زمین بر می گردند و روز سوم، روز قیامت است.

دلایلی که در کتب معتبر و از شخصیت های برجسته اسلامی و از نظر مفسرین پیرامون بحث رجعت وجود داشت، به بخشی از آن ها در خطبه های قبلی اشاره کردم. بحث امروز بحث پایانی است، می خواهم در این رابطه به این موضوع اشاره کنم که از نظر شیعیان، طبق روایات، رسول خداصلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین و حضرت اباعبداللّه الحسین علیهم السلام به این دنیا برمی گردند. این موضوع معمولاً ـ در احوال عموم و جلسات عمومی کمتر مطرح می شود و در کتب اعتقادی بزرگان ما از قدما و متأخرین به این مسأله پرداخته شده و آیات و روایاتی که حکایت از این عقیده می کند مطرح شده که ما به بخشی از آن اشاره می کنیم.

در روایتی از امام باقرعلیه السلام نقل شده که فرمودند: «إنّ رسول اللّه وعلیاً سیرجعان».(۲۳۷) مرحوم محدث قمی قدس سره در کتاب شریف «سفینه البحار» نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام به زودی به این دنیا برمی گردند و از روایات دیگر هم بر می آید که آن ها حکومت الهی را اجرا خواهند کرد.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرَادُّکَ إِلی مَعادٍ».(۲۳۸) گفته شده که درباره رجعت رسول خداصلی الله علیه وآله به دنیاست.(۲۳۹) البته بنا به قولی نیز شبی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله از مکّه به سمت مدینه هجرت می کردند این آیه شریفه وارد شده که مفسرین می گویند یعنی همان کسی که قرآن را بر تو نازل کرده است مجدداً تو را پیروزمندانه به مکّه بر می گرداند، امّا وفق این روایت امام

صادق علیه السلام می فرماید: مفهوم این آیه شریفه این است که خداوند مجدداً پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله را به این دنیا برمی گرداند تا مجدداً حکومت الهی و احکام خدا را اجرا کند. حالا این بازگشت را که در کتب مفصل نگاه می کنیم به دو گونه است: طبق روایات، اولین کسی که برای اجرای حکومت الهی بعد از امام زمان علیه السلام بر می گردد، حضرت اباعبداللّه الحسین است. در گذشته هم خدمت شما عرض کردم پس از آن که امام زمان علیه السلام به شهادت می رسد، اباعبداللّه الحسین ظاهر شده، به دنیا بر می گردد و عهده دار تجهیزات امام زمان علیه السلام می شود و حضرت را غسل داده و کفن نموده و بر پیکر امام معصوم علیه السلام نماز می گزارد و دفن می نماید.

روایت از قول امام صادق علیه السلام این طور می فرماید: «اوّل من یرجع إلی الدّنیا الحسین بن علی علیه السلام فیملک حتّی یسقط حاجباه علی عینه من الکبر؛(۲۴۰) اوّل کسی که به جهان بر می گردد و به صورت طولانی حکومت برپا می کند حسین بن علی است، به گونه ای که ابروان امام حسین علیه السلام به خاطر زیادی سن بر روی چشمانش آویزان می شود».

باز در روایتی جابر جعفی از امام باقرعلیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: «واللّه لیملکنّ منا أهل البیت رجل بعد موته ثلاثه مائه وتزداد وتسعاً؛(۲۴۱) به خدا قسم از میان ما اهل بیت کسی است که بعد از مردنش مجدداً برمی گردد و ۳۰۹ سال حکومت می کند». بعد راوی از ایشان می پرسد که یعنی بعد از امام زمان علیه السلام و مدّت حکومت امام زمان علیه السلام چند سال است؟ در جواب فرمود: مدّت حکومت امام زمان علیه السلام ۱۹ سال ولی مدّت حکومت

امام حسـین علیه السلام ۳۰۹ سـال است که البته قبلاًـ دربـاره روایاتی که راجع به مـدّت حکومت امام زمان علیه السـلام اسـت اشاراتی داشـتم، منظور به نقل این روایت است که در ارتباط با حکومت و فرمانروایی امام حسـین علیه السـلام نکات صـریحی دارد و القابی که برای امام حسین علیه السلام در موقع حکومتش ذکر کردند:

المستنصـر: یعنی کسـی که از خداونـد یـاری می طلبـد و کمک خداونـد شامل حالش می شود. پس از آن که اباعبـداللّه علیه السـلام حکومتش پایـان پـذیرفت، وفق روایـات امام علی بن ابیطالب علیه السـلام حکومت می کنـد. این بحثی است که تقریباً غریب است و در جـامعه مطرح نیست و کسـانی که در ارتبـاط بـا امـام زمان علیه السـلام مطالعه می کننـد می تواننـد در کتب مفصل راجع به این مباحث مطالعاتی داشته باشند. البته در بعضی از کتب و نشریات و حتی بعضی از محاورات و گفت و گوها و سـخنرانی هـایی که در رسـانه های ما مطرح است، گاهی به این نکات به صورت مسـتدل و مبرهن اشاراتی هم دارنـد که ما باید به آن ها و به دلایل قطعی از مستندات قابل اعتمادمان مراجعه کنیم.

در مورد این که رجعت جزو عقایـد مـا هست، امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «لیس منا من لم یقل بمتعتنا و لم یؤمن برجعتنا؛ (۲۴۲) از ما نیست کسـی که به متعه و رجعت عقیـده نداشـته باشد». جزئیات مطلب را باید از کتب معتبر دیگر مطالعه کرد. در روایت دیگری از امام صادق علیه السـلام نقل شده: «مما کلم اللّه تعالی رسوله لیله اسری به یا محمّد! علیّ آخر من قبض روحه من الأئمه وهو دابه تکلمهم؛ از جمله سخنانی که در شب معراج خداوند با رسول اکرم صلی الله علیه وآله

داشته است، فرمود: یا محمّد! آخرین امام معصومی که قبض روح می شود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است».
خوب منظور مطمئناً بازگشت مجدد امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیاست؛ زیرا یک بار امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام شهادت در مسجد کوفه روح مقدسشان قبض شده است.

این روایت ناظر به معنای رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در زیارت جامعه کبیره که از جمله زیارت های بسیار مهم و سند و دلالتش بسیار متقن و روشن است و از وجود مقدّس امام هادی علیه السلام نقل شده، تصریح به رجعت و بازگشتن ائمه معصومین علیه السلام شده که من به این فرازش اشاره می کنم.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «معترف بکم، مؤمن بإیابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم؛(۲۴۳) من اعتراف دارم به شما، نسبت به شما عقیده مندم و به بازگشت(۲۴۴) شما ایمان دارم به بازگشت شما؛ یعنی از این سفری که شما رفتید به وسیله مردن برمی گردید من به این ایمان و اعتقاد دارم. من رجعت شما را تصدیق می کنم، من به انتظار فرمانروایی شما هستم و شیفته و چشم انتظار دولت شما هستم.

از این فرازهای زیارت جامعه کبیره که جزو معتبرترین زیارتنامه هاست که می توان رجعت را استفاده کرد.

این زیارت را و برای همه ائمه در همه اماکن می توان خواند و در آن داستان معروف مرحوم حاج علی بغدادی که مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل می کند، امام زمان علیه السلام از جمله توصیه هایی که می فرماید، مکرراً باید به خواندن آن ملتزم باشیم که چه مفاهیم مهمی در آن هست.

در رادیوی معارف که از بهترین برنامه های مذهبی نظام مقدّس جمهوری اسلامی است و از قم پخش می شود از جمله برنامه هایش شرح و تفسیر زیارت

جامعه کبیره است که در آن بعضی از بزرگان در برنامه های خود دارند. این فراز از فرازهایی است که دلالت بر رجعت وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام دارد.

آخرین نکته مورد بحث

تاکنون به دلیل محدودیت فرصت، برخی از دلایل و مدارک و اسناد روایات و آیاتی که پیرامون مسائل مربوطه به رجعت هست تقدیم حضور شما کردم. البته باز هم ممکن است بحث ها و سؤالاتی در ذهن ما مطرح باشد که خوب، بعد از حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام دنیا به چه صورت خواهد شد؟ این سؤالات معمولاً در مجامع مطرح می شود. در بعضی از روایات هم دیدم بعضی از بزرگان این را نقل کردند که آیا این احتمال دارد که این عالم پس از قیامت مجدداً پابرجا شود. من این روایت را از کتاب شریف مهدی موعود دیدم که ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار است، با اضافات و شرح هایی که حضرت استاد دوانی دادند. در آنجا به روایتی از جابر پرداخته است(۲۴۵) که مفهومش این است: «بعد از این که حضرت اباعبدالله الحسین برگشت، حکومت حق را اجرا می کند، از ظالم ها انتقام می گیرد، چرا که بعضی از بدترین چهره های فاسد در عالم رجعت برمی گردند و قیامت برپا می شود. آن ها مراجعه می کنند و به عالم قیامت برمی گردند و آنجا با اصحاب فرعون محشور می گردند و عذاب می شوند.» و آن روایت به گونه ای است که انسان می تواند این نکته را از آن بفهمد که رسول خداصلی الله علیه وآله مجدداً مبعوث می شود و به دنیا می آید، لکن این بار به صورت بعثت آشکار است و همه مردم دنیا به حضرت رسول ایمان خواهند آورد و حضرت علی علیه السلام هم در کنارشان حضور دارند

و همه ائمه معصومین علیهم السلام جزو کارگزارانش می شوند، تا مفهوم آیه شریفه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» به صورت اَتَم و اکمل تحقق پیدا کند و شیطان رجیم نیز به دست رسول اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام نابود شود «واللّٰه العالم بحقایق الأمور».

به هرحال در مسائلی که اعتقادی است باید به اهل نظر مراجعه کرد و به کتب معتبره و در این راه تحقیق و تفصیل و تلاش ادامه یابد و ما برای شناخت عقایدمان نباید به همان اطلاعات محدودی که به ما دادند اکتفا کنیم.

از جمله مسائل مهم؛ شناختن و معرفت درست امام است که من در ابتدای بحث امامت در ارتباط با امامت عامه، سپس امامت خاصه و اهمیّت و شناخت امام اشاراتی داشتم.

شأن و جایگاه روز جمعه بر اساس روز ظهور امام زمان علیه السلام است. بسیار لازم و ضروری بود که ما با هم در مورد امام زمان علیه السلام بحث و گفت و گو کنیم. که بحمد للّٰه توفیق داشتیم که به همراهی نمازگزاران عزیز جمعه که مشتاقان ظهور امام زمان علیه السلام هستند در طول چهل هفته و طی چهل خطبه مطالب فوق را تقدیم محضر بنمایم و نام این مجموعه را «ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور» نامیدم. به امید آن که خداوند آن را به لطف خود قبول فرماید و مورد عنایت حضرت بقیه اللّٰه الاعظم عجّل اللّٰه تعالی فرجه قرار گیرد.

به همین مناسبت سروده مختصری هم که در آخرین لحظات یادداشت مطالب آخرین خطبه پیرامون امام عصر بر ذهنم آمد، در رابطه با اظهار ارادت به ساحت مقدّس امام زمان و در پایان بحث فوق تقدیم حضور شما می کنم:

روزی خیال یار من

از ژرفنای دل آمد به سر که تا بسرایم برای دل محبوب عاشقان، همه مقصود عارفان یعنی امام منتظر، آن روشنای دل با بی بضاعتی که به آدینه سال ها

در جمع عاشقان ظهور از ورای دل خواندم خطابه های فراوان و گونه گون امّا نبود هیچ یک از آن هم نوای دل زیرا که جمعه هست زمان ظهور یار

آن منتظر که می نبود جز شفای دل شکر خدای را که به تعداد اربعین با نام دوست خطبه نمودم برای دل یا رب عنایتی که سلیمان فاطمه «فخذ جراد» را بپذیرد، زنای دل از نوکری که هیچ ندارد به غیر حبّ بر مهدی و محمد و آل از صفای دل به امید آن که خداوند این بحث را از بنده حقیر و از همه شما مشتاقان ظهور به کرمش قبول فرماید.

پایان بحث امام زمان علیه السلام در ایام عاشورای حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام است که در ابتدا گفتم در پرچمی که امام زمان علیه السلام دارد در رأس شعار یالثارات الحسین علیه السلام را باید بگیرد.

«أَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِکَرْبَلآءَ؟»

نقل است، سنت اعراب بود که اگر خونی از خانواده ای می ریخت و قدرت انتقام نداشت، پرچم سرخی را بر بالای بام آن خانه برمی افراشتند تا همه و آیندگان بدانند که آن خانواده مظلوم است و اگر قدرت انتقام دست داد انتقام مظلوم را از ظالمین بگیرند. اکنون پرچم سرخی که بیانگر مظلومیت اباعبداللّه الحسین علیه السلام و اهل بیت رسول خداعلیهم السلام است بر بالای گنبد اباعبداللّه الحسین علیه السلام برافراشته است؛ یعنی ای امام زمان! منتظریم که بیایی و انتقام خون جدّ مظلومت را بگیری.

«اَللَّهُمَّ إِنّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَریمَهٍ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ

بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فِيها مِنَ الدُّعاةِ إِلى طاعَتِكَ، وَالْقادَةِ إِلى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ».

آمین یا رب العالمین

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای ۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی ۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم

کلام علم الهـدی / واحد تحقیقات ۲۵ – امامت و ولایت در امالی شـیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی ۲۶ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف ۲۷ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۸ – امام شناسـی و پاسخ به شـبهات علی اصغر رضوانی ۲۹ – انتظار بهار و باران واحـد تحقیقات ۳۰ – انتظار و انسان معاصـر عزیز اللَّه حیـدری ۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمـد محمـدی اشـتهاردی ۳۲ – بـا اولین امـام در آخرین پیام حسـین ایرانی ۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۷ – پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشنونت طلبی علی اصغر رضوانی ۳۸ – پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصـغر رضوانی ۳۹ – پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی ۴۰ – پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی ۴۱ – پیامبر اعظم صـلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی ۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السـلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حـائری ۴۳ – تاریـخ پیـامبر اسـلام صـلی الله علیـه وآلـه/دو جلـد شـیخ عبـاس صـفایی حـائری ۴۴ – تـاریخچه مسـجد مقـدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات ۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السـلام سـید جعفر میرعظیمی ۴۷ – تشـرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسـین طبرسـی نوری ۴۸ – جلوه های پنهانی امام

عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۵۰ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف ۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی ۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی ۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی ۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران ۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی ۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی ۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی ۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح ۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّٰه هاشمی شهیدی ۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی ۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی ۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی ۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری ۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۹۸ – فریادرس حسن محمودی ۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری ۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۱۰۲ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان ۱۰۳ – کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۱۰۴ – گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

۱۰۵ – گفتمان مهـدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی ۱۰۶ – گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۱۰۷ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی ۱۰۸ – مشکاة الانوار علّامه مجلسی رحمه الله ۱۰۹ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۱۱۰ – مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی ۱۱۱ – منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۱۱۲ – منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۱۱۳ – منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ – موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۵ – مهـدی علیه السـلام تجسّم امیـد و نجات عزیز اللّه حیدری ۱۱۶ – مهدی منتظرعلیه السـلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۱۷ – مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای ۱۱۸ – مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۱۹ – مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۲۰ – میثـاق منتظران (شـرح زیـارت آل یس) سـید مهـدی حـائری قزوینی ۱۲۱ – ناپیـدا ولی بـا مـا / (فارسـی،ترکی اسـتانبولی، انگلیسـی، بنگالا) واحـد تحقیقات ۱۲۲ – نجـم الثـاقب میرزا حسـین نـوری رحمـه الله ۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ – نشـانه هـای ظهور او محمـد خـادمی شـیرازی ۱۲۶ – نشـانه هـای یـار و چکـامه انتظار مهـدی علیزاده ۱۲۷ – نگـاهی به مسـیحیت و پاسخ به شـبهات علی اصغر رضوانی ۱۲۸ – نماز شب واحـد پژوهش مسـجد مقدّس جمکران ۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری ۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۳۱ – واقعه عاشورا و

پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۳۴ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی ۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۳۷ - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی ۱۳۸ - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

پی نوشت ها

۱) سوره مائده، آیه ۶۷.

۲) سوره صف، آیه ۸.

۳) سوره یوسف، آیه ۸۸.

۴) سوره یونس، آیه ۳۵

۵) همان.

۶) نهج البلاغه، حکمت ۱۵۶.

۷) و نیز حدیث سلسله الذهب: کلمه لا اله الا اللّه حصنی ومن دخل حصنی امن من عذابی....بشرطها وانا من شروطها.

۸) جمال الاسبوع، سیدبن طاووس.

۹) بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

۱۰) بحارالانوار: ۵۱/۱۶۰

۱۱) سوره اسراء، آیه ۷۱

۱۲) مجمع البیان.

۱۳) سوره مائده آیه ۳۵.

۱۴) بحارالانوار: ۱۶/۴۰۵

۱۵) سیمای آفتاب به نقل از کلمات مکنونه، فیض کاشانی، ص ۱۲۷.

۱۶) غیبت نعمانی، ۱۴۱.

۱۷) در خطبه شقشقیه، علی علیه السلام جایگاه خود را در میان مؤمنین به جایگاه قطب سنگ آسیاب تشبیه کردند.

۱۸) بحارالانوار: ۵۱/۱۳.

۱۹) بحارالانوار: ۵۱/۷۹.

۲۰) الاربعین حدیثا فی المهدی، ج ۸ حافظ ابونعیم.

۲۱) بحارالانوار: ۵۱/۴۰.

۲۲) بحارالانوار: ۵۱/۱۴.

۲۳) ابوایوب انصاری همان کسی است که هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به مدینه مهاجرت کرد بر او وارد شد و

او مورد عنایت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بود و دودمان او همیشه به عنوان انصار رسول خدا و اهل بیت پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله بوده اند.

۲۴) بحارالانوار: ۵۱/۶.

۲۵) بحارالانوار: ۵۱/۶.

۲۶) منتهی الامال ج ۲ ص ۴۶۹.

۲۷) سوره توبه، آیه ۳۲.

۲۸) بحارالانوار: ۵۱/۱۴.

۲۹) سوره قصص، آیه ۵.

۳۰) بحارالانوار: ۳۶/۳۰۹.

۳۱) بحارالانوار: ۵۱/۱۴.

۳۲) بحارالانوار: ۵۱/۱۴.

۳۳) منتهی الامال، ص ۴۲۷.

۳۴) منتهی الامال: ۲/۴۹۶.

۳۵) وسائل الشیعه: ۱۸/۹۸، باب ۱۱، ح ۱.

۳۶) مهدی موعود، ص ۸۴۶.

۳۷) احتجاج طبرسی: ۲/۵۴۳.

۳۸) سیمای آفتاب، ص ۳۷۷ به نقل از کمال الدین: ۲/۵۱۶.

۳۹) مهدی موعود، ص ۸۵۷.

۴۰) مهدی موعود، ص ۸۴۳.

۴۱) سوره توبه، آیه ۳۲.

۴۲) مهدی موعود ص ۴۰۸.

۴۳) دعای ندبه.

۴۴) سوره نور، آیه ۳۶.

۴۵) مهدی موعود، ص ۹۳۰.

۴۶) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۶.

۴۷) سوره شوری، آیه ۲۴.

۴۸) پرفسور هنری اسمیس.

۴۹) سوره انبیا، آیه ۶۹.

۵۰) سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۵۱) سوره صافات، آیه ۱۴۳ و ۱۴۴.

۵۲) روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵/۵/۱۳۸۰.

۵۳) سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۵۴) منتخب الاثر، ص ۳۵.

۵۵) در این مورد به کتاب منتخب الاثر حضرت آیت اللّه صافی گلپایگانی (ص ۳۵ و ۳۶) و نیز کتاب «آخرین تحول با حکومت ولی عصر» آقای سید مهدی خلخالی مراجعه فرمایید.

۵۶) سوره اعراف، آیه ۷۱.

۵۷) بحارالانوار: ۱۰/۹۴.

۵۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۲۲.

۵۹) بحارالانوار: ۵۱/۲۱۸.

۶۰) سوره یوسف، آیه ۹۲.

۶۱) بحارالانوار: ۵۲/۱۲۵.

۶۲) همان.

۶۳) بحارالانوار: ۵۲/۱۳۲.

۶۴) بحارالانوار: ۵۲/۱۳۵.

۶۵) بحارالانوار: ۵۳/۱۸۰.

۶۶) وسایل الشیعه: ۱۸/۱۰۱.

۶۷) احتجاج: ۲/۵۰۲؛ بحارالانوار: ۵۲/۶.

۶۸) سیمای آفتاب، ص ۳۸۷ به نقل از اصول کافی.

۶۹) سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۷۰) احتجاج: ۲/۳۴۲.

۷۱) ملاقات در صاریا به نقل از بصائر الدرجات جزء پنجم باب یازدهم و دوازدهم.

۷۲) سوره غافر، آیه ۶۰.

۷۳) سوره توبه، آیه ۱۲۸.

۷۴) جمال الاسبوع و مفاتیح الجنان.

۷۵) بحارالانوار: ۵۱/۱۴۳.

۷۶) بحارالانوار: ۵۲/۹۲.

۷۷) مکیال المکارم، ص ۱۵۷.

۷۸) مفاتیح الجنان.

۷۹)

پایان دعای افتتاح مفاتیح الجنان.

۸۰) احتجاج: ۲/۳۲۴.

۸۱) بحارالانوار: ۵۲/۱۷۸.

۸۲) متأسفانه با وضعیتی که در انقلاب مشروطه ایجاد شد و با بعضی ناآگاهی هایی که در جامعه و در بعضی از بزرگان مشروطه وجود داشت، به مظلومیت شیخ فضل اللّه نوری و به دار آویختن او منجر شد و مشکلات فراوانی بود

۸۳) نجم الثاقب ص ۲۵۲.

۸۴) قصص العلما، ص ۴۹۹.

۸۵) کانوا اخوته و هو اخوهم لم یعرفوه حتی عرفهم نفسه فقال لهم لما....

۸۶) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۴.

۸۷) احتجاج: ۲/۵۵۶.

۸۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۵۱.

۸۹) مفاتیح الجنان – دعای عهد

۹۰) سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۹۱) تفسیر البرهان و محجّه البیضاء.

۹۲) اسرار و فواید غیبت امام زمان علیه السلام، ص ۵۹.

۹۳) اسرار و فواید غیبت امام، ص ۱۸۰.

۹۴) سوره احزاب، آیه ۴.

۹۵) سیمای آفتاب، ص ۳۲۷.

۹۶) سیمای آفتاب ص ۳۲۳.

۹۷) کفایه الموحدین، ص ۶۴۱.

۹۸) بحارالانوار: ۵۲/۰۲۵۶

۹۹) شرارت آمریکا و اسرائیل را نگاه کنید این ها شرّ است، کسی هم جلوی آن ها را نمی گیرد. اصحابشان هم عذر می آورند و بهانه تراشی می کنند، به افغانستان حمله می کنند، آدم کشی راه می اندازند، بعد می گویند این عدالت جاویدان است، برای دفاع از حقوق بشر، برای مبارزه با تروریست است.

۱۰۰) بحارالانوار: ۵۲/۲۵۵ به بعد.

۱۰۱) اخیراً در گزارشی می خواندیم یکی از این وابستگان گروهک های منافق اعلام کرده «چه زیباست که فساد در همه جا روزافزون شد، حتی خانواده های مومن، بچه هایشان به سمت فساد می روند و باید کاری کنیم که فساد بیشتر شود

۱۰۲) به جلد ۵۲ کتاب شریف بحارالانوار در صفحات ۲۵۵ به بعد مراجعه فرمایید.

۱۰۳) بحارالانوار: ۵۲/۲۰۹.

۱۰۴) پیشین.

۱۰۵) سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۱۰۶) کمال الدین: ۲/۶۵۰ و ص ۵۱ چشم انداز.

۱۰۷) البته این قابل توضیح است که در زمینه هایی که آن ها صاحب نظرند بحثی دیگر است.

امّا اطاعت محض حاکمیت از اراده زنان یا حاکمیت به دست زنان بیفتد مقوله دیگر است که قطعاً با توجه به ویژگی های جسمی و روحی زنان این وضع موجب فساد جامعه خواهد شد.

۱۰۸) بحارالانوار: ۵۲/۱۸۱.

۱۰۹) بحارالانوار: ۵۲/۱۸۱.

۱۱۰) سنن ابی داوود.

۱۱۱) بحارالانوار: ۵۳/۱۵.

۱۱۲) همان.

۱۱۳) بحارالانوار: ۵۲/۲۱۵.

۱۱۴) نهج البلاغه، کلمه ۱۰۲.

۱۱۵) الزام الناصب، ص ۱۸۱.

۱۱۶) چشم انداز، ص ۳۳.

۱۱۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۴۸.

۱۱۸) طاعون در یک عصر مرض شناخته شده ای بود که الآن در دنیا ظاهراً نمونه هایی از آن مشاهده نمی شود، امّا طاعون جدیدی مانند ایدز، مرگ سفید است، امّا قدرت خطرناک و وحشتناک. اخیراً با فردی که مسؤول این امر در شهرستان بود صحبتی داشتم، اطلاعات و آماری که در سطح جهان بود، بحث های عجیبی مطرح کرد که کشتارهای زیادی داده بود.

۱۱۹) سوره اعراف، آیه ۱۸۷.

۱۲۰) بحارالانوار: ج ۵۲/۳۱۱.

۱۲۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۸۹.

۱۲۲) یعنی وحی نبوّت و شریعت با ارتحال پیامبر خاتم پایان پذیرفته، بعد از او بر هیچ کسی به صورت شریعت و نبوت وحی نمی آید، امّا این وحی از نوع دیگر است.

۱۲۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۱۱.

۱۲۴) سوره زمر، آیه ۷۴.

۱۲۵) سوره نور، آیه ۵۵.

۱۲۶) ملاحم ابن طاووس به نقل از چشم انداز حکومت، ص ۱۰۹.

۱۲۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۴.

۱۲۸) سوره انعام، آیه ۱۲۱.

۱۲۹) سوره مائده، آیه ۵۴.

۱۳۰) سوره بقره، آیه ۱۰۵.

۱۳۱) منتخب الاثر، ص ۴۸۶.

۱۳۲) تاریخ طبری: ۲/۷.

۱۳۳) تنقیح المقال: ۲۳/۷۵.

۱۳۴) اسدالغابه: ۵/۴۸۱.

۱۳۵) معجم الرجال الحدیث: ۱۴/۲۳ و ۱۰۸ و ۱۷۶؛ ریاحین الشریعه: ۳/۳۸۱.

۱۳۶) منهاج الدعوع، ص ۹۳؛ ریاحین الشریعه: ۵/۱۵۳.

۱۳۷) کنزالعمال: ۱۴/۶۰۲.

۱۳۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۴.

۱۳۹) غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

۱۴۰) سوره انبیا، آیه ۶۹.

۱۴۱) چشم اندازی از حکومت مهدی، ص ۹۱.

۱۴۲) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۱.

۱۴۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۵ و چشم انداز ص ۹۱.

۱۴۴) سوره الرحمن، آیه

.۴۱

۱۴۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۱.

۱۴۶) منتخب الاثر ص ۶۱۱.

۱۴۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۸.

۱۴۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۸.

۱۴۹) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۱۵۰) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۸ و چشم انداز ص ۱۲۴.

۱۵۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۰۸.

۱۵۲) چشم انداز حکومت امام مهدی، ص ۱۲۱.

۱۵۳) سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۱۵۴) سوره قصص، آیه ۵.

۱۵۵) سوره نور، آیه ۵۵.

۱۵۶) بحارالانوار: ۵۲/۳۷۸.

۱۵۷) نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۱۵۸) بحارالانوار: ۲۷/۴۱.

۱۵۹) بحارالانوار: ۲۷/۴۱.

۱۶۰) سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۱۶۱) یکی از فرماندهان دفاع مقدّس.

۱۶۲) اعلام الوری، ص ۴۵۹.

۱۶۳) الزام الناصب: ۲/۲۸۲.

۱۶۴) بحارالانوار: ۵۲/۲۲۵.

۱۶۵) بحارالانوار۵۲/۲۲۵.

۱۶۶) همان.

۱۶۷) همان.

۱۶۸) بحارالانوار: ۵۱/۸۲.

۱۶۹) بحارالانوار: ۵۲/۳۹۰.

۱۷۰) چشم انداز حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۶۷.

۱۷۱) بحارالانوار: ۵۱/۳۰.

۱۷۲) بحارالانوار: ۵۱/۳۰.

۱۷۳) سوره توبه، آیه ۳۳.

۱۷۴) سوره آل عمران، آیه ۱۹۹.

۱۷۵) بحارالانوار: ج ۱۴/۳۵۰.

۱۷۶) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۸.

۱۷۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۵۲؛ سیمای آفتاب، ص ۴۱۹.

۱۷۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۶.

۱۷۹) سوره حدید، آیه ۲۵.

۱۸۰) منتخب الاثر، ص ۱۴۷؛ به نقل از سیمای آفتاب، ص ۴۶۳.

۱۸۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۷۴.

۱۸۲) بحارالانوار: ۵۲/۳۷۴.

۱۸۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۷۴.

۱۸۴) بحارالانوار: ۵۲/۲۲۴.

۱۸۵) بحارالانوار: ۵۱/۷۵.

۱۸۶) وسائل الشیعه: ۹/۱۸۱؛ اثبات الهدی: ۳/۴۵۵.

۱۸۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۳.

۱۸۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۴۵.

۱۸۹) سوره علق، آیه ۶ و ۷.

۱۹۰) مفاتیح الجنان، دعای افتتاح

۱۹۱) سوره نور، آیه ۵۵.

۱۹۲) سوره سبأ، آیه ۱۸.

۱۹۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۱۴

۱۹۴) بحارالانوار: ۵۲/۱۴۴.

۱۹۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۴۵.

۱۹۶) بحارالانوار: ۵۲/۳۱۶.

۱۹۷) بحارالانوار: ۵۱/۶۱.

۱۹۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۸.

۱۹۹) سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲۰۰) مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۲۰۱) غرر الحکم.

۲۰۲) سیمای آفتاب ص ۴۲۷.

۲۰۳) بحارالانوار: ۵۲/۳۷۹.

۲۰۴) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۷.

۲۰۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۸.

۲۰۶) بحارالانوار: ۵۲/۳۹۰.

۲۰۷) بحارالانوار: ۵۲/۳۳۷.

۲۰۸) بحارالانوار: ۵۲/۳۲۱.

۲۰۹) سوره رحمن، آیه ۳۳.

۲۱۰) بحارالانوار: ۵۲/۳۶۵.

۲۱۱) بحارالانوار: ۵۲/۳۶۵.

۲۱۲) سیمای آفتاب ص ۴۲۱؛ به نقل از منتخب الاثر، ص ۶۰۷.

۲۱۳) سیمای آفتاب، ص ۴۲۵ به نقل از منتخب الاثر.

۲۱۴) بحارالانوار: ۵۳/۳۹۲؛ منتخب الاثر، ص ۶۳۷.

۲۱۵) بحارالانوار: ۵۲/۳۹۰.

۲۱۶) بحارالانوار: ۲۷/۲۱۷.

۲۱۷) بحارالانوار: ۵۱/۵۲، چشم انداز حکومت مهدی، ص ۲۴۰.

۲۱۸) مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

۲۱۹) مهدی موعود،

ص ۱۲۲۷.

۲۲۰) سوره بقره، آیه ۲۲.

۲۲۱) سوره یس، آیه ۷۸.

۲۲۲) سوره یس، آیه ۷۹.

۲۲۳) سوره بقره، آیه ۲۵۹.

۲۲۴) سوره بقره، آیه ۲۴۳.

۲۲۵) مهدی موعود، ص ۱۲۰۸.

۲۲۶) البته لقب امیرالمؤمنین از نظر ما به فرموده پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فقط مخصوص حضرت علی علیه السلام است و به هیچ کسی، حتی از امامان معصوم علیهم السلام هم امیرالمؤمنین نمی گوییم، امّا طرفداران حکومت اموی و عباسی این لقب را بر تمام حاکمان تعمیم دادند.

۲۲۷) سوره نمل، آیه ۸۳.

۲۲۸) سوره کهف، آیه ۴۷.

۲۲۹) سوره غافر (مؤمن)، آیه ۱۱.

۲۳۰) مهدی موعودعلیه السلام، ص ۱۲۲۹.

۲۳۱) مهدی موعودعلیه السلام، ص ۱۲۲۴.

۲۳۲) اثبات رجعت به نقل از خصال صدوق و معانی الاخبار.

۲۳۳) مفاتیح الجنان.

۲۳۴) دلایل الامامه، ص ۲۹؛ اثبات الهداه: ۳/۷۵.

۲۳۵) روضه الواعظین: ۲/۲۶۶.

۲۳۶) اثبات رجعت، ص ۳۵ به نقل از خصال شیخ صدوق رحمه الله.

۲۳۷) سفینه البحار: ۱/۵۱۱.

۲۳۸) سوره قصص، آیه ۸۵.

۲۳۹) اثبات رجعت، ص ۳۵.

۲۴۰) همان.

۲۴۱) اثبات رجعت، ص ۳۶.

۲۴۲) مهدی موعود، ص ۱۲۳۱.

۲۴۳) کلیات مفاتیح الجنان.

۲۴۴) ایاب به معنی بازگشت است و در محاورات هم استفاده می کنیم می گوییم ایاب و ذهاب، ذهاب رفتن و ایاب، بازگشتن.

۲۴۵) مهدی موعود، ص ۱۲۰۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹